



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

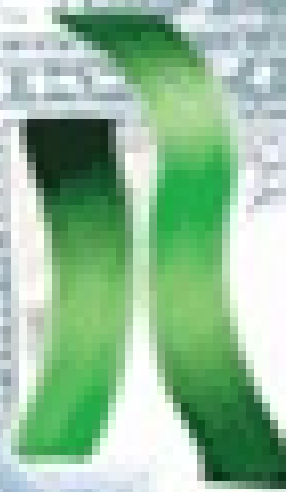


عمران

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

ذکر نور

در حضور مشیتاگانِ ظہور



مفتید فیاضی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور

نویسنده:

مفید فیاضی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	طلیعه
۱۴	پیشگفتار
۱۸	دلایل لزوم شناخت امام «قدس سره»
۱۸	مقدمه
۱۹	رابطه بین جمعه و امام زمان
۲۰	ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام
۲۰	امامت عامه و خاصه
۲۰	شناخت اول
۲۰	شناخت دوم
۲۱	دلیل اول
۲۳	دلیل دوم
۲۳	مهم ترین مبانی اعتقادی
۲۵	دلیل سوم
۲۷	ادامه دلایل لزوم معرفت امام زمان علیه السلام
۲۷	توضیح
۲۷	واسطه فیض
۲۹	شناخت جایگاه امام
۳۱	شناخت شخص امام زمان علیه السلام
۳۶	شخصیت مادر امام زمان «ع»
۳۶	اشاره
۳۷	داستان سعادت با فرجام

۴۶	شرح ولادت امام زمان «ع»
۴۶	حساسیت زمان ولادت
۴۹	ولادت با سعادت
۵۳	دوران کودکی امام زمان «ع»
۵۳	نکته اول: مسأله نام امام زمان علیه السلام است
۵۴	نکته دوم: رشد معنوی
۵۵	نکته سوم: رشد جسمی امام زمان علیه السلام
۵۷	نکته چهارم: اقدامات مربوط به دوران کودکی امام زمان علیه السلام
۶۰	آغاز امامت امام زمان «ع»
۶۰	توضیح
۶۵	غیبت امام زمان علیه السلام
۶۷	شرح غیبت صغرا و کبرای امام زمان «ع»
۶۷	اشاره
۶۹	یک سؤال
۷۲	طرح سؤالی دیگر
۷۵	به یک مثال توجه کنید
۷۶	مکان زندگی امام زمان «ع»
۷۶	توضیح
۷۶	تشکیل زندگی
۷۷	محل زندگی
۸۳	موضوع طول عمر امام زمان «ع»
۸۳	اشاره
۸۳	پیشینه بحث طول عمر امام زمان علیه السلام
۹۰	انتظار فرج، اعتقاد مشترک پیروان مکاتب
۹۰	توضیح
۹۲	(۱) انتظار برای یک مصلح و موعود در بین همه امت ها

- ۱۰۱ ----- وظیفه منتظر در جهت اصلاحات -----
- ۱۰۳ ----- نحوه ظهور و اقدامات اولیه -----
- ۱۰۶ ----- مشکل دینداری و وظیفه دینداران... -----
- ۱۰۶ ----- اشاره -----
- ۱۰۹ ----- نقش علما در عصر غیبت -----
- ۱۱۰ ----- وظایف شیعیان و نظارت ائمه بر اعمال آنان... -----
- ۱۱۰ ----- توضیح -----
- ۱۱۴ ----- توقیع امام زمان علیه السلام -----
- ۱۱۵ ----- حکایت -----
- ۱۱۶ ----- برخی از وظایف شیعیان... -----
- ۱۱۶ ----- توضیح -----
- ۱۱۶ ----- شکرگزاری از خداوند -----
- ۱۱۸ ----- درخواست از خداوند برای شناخت امام عصر علیه السلام -----
- ۱۱۹ ----- دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام -----
- ۱۱۹ ----- دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام -----
- ۱۲۰ ----- ندبه و زرای به خاطر غیبت امام عصر -----
- ۱۲۱ ----- خواندن زیارتنامه امام عصر -----
- ۱۲۱ ----- دادن هدایا و صدقات به نام امام زمان علیه السلام -----
- ۱۲۲ ----- احترام به اماکنی که منتسب به امام زمان علیه السلام -----
- ۱۲۲ ----- ادای احترام به هنگام شنیدن نام امام زمان علیه السلام -----
- ۱۲۴ ----- عنایت و لطف امام زمان «ع» نسبت به شیعیان -----
- ۱۲۴ ----- اشاره -----
- ۱۲۵ ----- نامه ای از امام زمان علیه السلام -----
- ۱۲۶ ----- نقل واقعه ای از سید بن طاووس -----
- ۱۲۷ ----- حکایت انار -----
- ۱۳۲ ----- عنایت خاص امام زمان «ع» نسبت به شیعیان -----

۱۳۲	توضیح
۱۳۳	حکایت
۱۳۵	داستانی از علامه حلی
۱۳۸	امکان ملاقات با امام زمان «ع»
۱۳۸	اشاره
۱۴۰	نکته قابل توجه در توقیع امام زمان علیه السلام
۱۴۴	شرایط کسب لیاقت ملاقات با امام زمان «ع»
۱۴۴	اشاره
۱۴۴	نکته اول
۱۴۵	نکته دوم
۱۴۵	نکته سوم
۱۴۶	نکته چهارم
۱۴۷	حکایت
۱۵۱	نکته پنجم
۱۵۲	نکته ششم
۱۵۳	ماجرای ملاقات علامه بحرالعلوم
۱۵۴	علائم ظهور، فواید و آثار اعتقاد به آن
۱۵۴	اشاره
۱۵۴	فایده اول
۱۵۴	فایده دوم
۱۵۵	فایده سوم
۱۵۵	علائم ظهور
۱۵۵	علائم حتمیه و غیر حتمیه
۱۵۵	برخی از علائم غیر حتمیه
۱۶۰	علائم ظهور حادث شده امام زمان «ع»
۱۶۰	توضیح

- ۱۶۱ علائم غیر حتمیه
- ۱۶۲ خرابی خانه کعبه
- ۱۶۴ خراب شدن شهر بغداد
- ۱۶۴ قبه های حمراء
- ۱۶۴ علامت دیگر
- ۱۶۸ فتنه دجال
- ۱۶۸ اشاره
- ۱۷۲ معنی لغوی دجال
- ۱۷۳ دجال در کتب آسمانی
- ۱۷۴ علائم حتمیه در آستانه ظهور امام زمان «ع»
- ۱۷۴ توضیح
- ۱۷۵ خسوف و کسوف
- ۱۷۵ خروج موافقان و مخالفان
- ۱۷۷ خروج یمانی و خراسانی
- ۱۷۸ خروج سفیانی
- ۱۷۸ صیحه آسمانی
- ۱۸۰ فرو رفتن سپاه سفیانی در بیداء
- ۱۸۸ علائم هنگام ظهور امام زمان «ع»
- ۱۸۸ اشاره
- ۱۸۸ طرح یک سؤال
- ۱۸۸ نکته اول
- ۱۹۲ نکته دوم
- ۱۹۲ اعلام اذن ظهور
- ۱۹۳ مکان ظهور
- ۱۹۴ اوصاف یاران امام زمان «ع»
- ۱۹۴ اشاره

۱۹۵	یاران خاص
۱۹۷	بیان یک نکته
۱۹۸	نکته دیگر
۲۰۰	بیان ویژگی های یاران امام
۲۰۳	نقش زنان در جمع یاران امام زمان «ع»
۲۰۳	توضیح
۲۰۴	تعداد زنان در یاران اولیه
۲۰۵	بانوان نمونه هنگام ظهور
۲۰۹	نشانه های شخصی امام زمان «ع» به هنگام ظهور
۲۰۹	اشاره
۲۱۰	وضعیت ظاهری
۲۱۱	پیراهن مخصوص
۲۱۲	پرچم و انگشتری مخصوص
۲۱۴	مستخر بودن طبیعت
۲۱۵	ویژگی های لشکریان امام زمان علیه السلام
۲۱۵	توضیح
۲۱۶	میزان تأثیر یاران در موفقیت رهبران
۲۱۷	قدرت روحی و جسمی
۲۱۸	عبادت و پرهیزگاری
۲۱۸	ولایت پذیری
۲۱۹	شهادت طلبی
۲۲۰	بستن میثاق
۲۲۰	مواد پیمان نامه یاران و لشکریان امام علیه السلام
۲۲۱	چگونگی غلبه امام زمان «ع» بر دشمنان
۲۲۱	توضیح
۲۲۲	ذکر نمونه ایی از آیات قرآن کریم

- ۲۲۳ نمونه ای از روایات
- ۲۲۴ سؤال مهم
- ۲۲۴ اشاره
- ۲۲۵ احتمال اول
- ۲۲۵ احتمال دوم
- ۲۲۵ احتمال سوم
- ۲۲۶ احتمال چهارم
- ۲۲۸ آغاز جهاد و تشکیل حکومت...
- ۲۲۸ آغاز جهاد و تشکیل حکومت...
- ۲۲۹ زمان ظهور
- ۲۳۲ مکان حکومت
- ۲۳۴ مدت حکومت
- ۲۳۶ وضعیت فکری و اعتقادی مردم...
- ۲۳۶ اشاره
- ۲۳۷ بازگشت مردم به اسلام واقعی
- ۲۳۸ وضعیت اعتقادی
- ۲۴۰ تکامل عقلی جامعه بشری
- ۲۴۱ دست خدا
- ۲۴۳ حاکمیت عدل در حکومت امام زمان «ع»
- ۲۴۳ توضیح
- ۲۴۴ موانع اجرای عدالت در جامعه
- ۲۴۶ شرح عدالت از زبان روایات
- ۲۵۰ ارتقاء فرهنگ و آداب اجتماعی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام
- ۲۵۰ اشاره
- ۲۵۲ رعایت کامل اصول اجتماعی
- ۲۵۴ روابط حسنه میان انسان ها

۲۵۵	اصلاح امور مالیاتی
۲۵۷	امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان «ع»
۲۵۷	توضیح
۲۵۸	آیات قرآن درباره امنیت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام
۲۵۹	روایات امنیت در عصر حکومت امام عصر علیه السلام
۲۶۲	وضعیت اقتصادی جامعه در عصر حکومت امام زمان علیه السلام
۲۶۲	اشاره
۲۶۴	فراوانی نعمت
۲۶۸	پیشرفت اطلاعات و تکنیک در عصر حکومت امام زمان علیه السلام
۲۶۸	توضیح
۲۷۲	روایت امام صادق علیه السلام
۲۷۴	اشراف کامل امام زمان علیه السلام به امور عالم
۲۷۵	تسلط امام زمان علیه السلام بر آسمان ها
۲۷۷	پیشرفت علمی و صنعتی در عصر ظهور امام زمان علیه السلام
۲۷۷	اشاره
۲۷۷	تسلط امام زمان علیه السلام بر دریاها
۲۸۰	وضعیت روابط مردم با همدیگر در عصر حکومت امام زمان علیه السلام
۲۸۴	سرانجام حکومت امام زمان «ع»
۲۸۴	سرانجام حکومت امام زمان «ع»
۲۸۵	شهادت، میراث اهل بیت علیهم السلام
۲۸۷	مراسم تجهیز امام عصر علیه السلام پس از شهادت
۲۸۸	توضیح مطلب
۲۸۹	دلایل اثبات رجعت و تعریف آن
۲۸۹	اشاره
۲۹۰	تعریف رجعت
۲۹۱	دلایل قرآنی اثبات رجعت

۲۹۳	حکایت
۲۹۵	داستان مؤمن الطاق
۲۹۶	بررسی موضوع رجعت در عصر امام زمان «ع»
۲۹۶	توضیح
۲۹۸	موضوع رجعت در دعای عهد
۳۰۰	رجعت بعضی از زنان در عصر ظهور
۳۰۱	رجعت بعضی از مردان در عصر ظهور
۳۰۳	بررسی رجعت و استمرار حکومت بعد از امام زمان علیه السلام
۳۰۳	اشاره
۳۰۸	آخرین نکته مورد بحث
۳۱۱	فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران
۳۱۶	پی نوشت ها
۳۳۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: فیاضی، مفید عنوان و نام پدید آور: ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور / مولف مفید فیاضی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۲۷۵ ص. شابک: ۲۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۶۴-۶: وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - موضوع: مهدویت موضوع: مهدویت-- انتظار شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۴/ف/۸۵۹۴۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۰۲۵۵۹

طلیعه

این هدیه بی مقدار را تقدیم می کنم به ارواح همه منتظرانی که در انتظار منتظر و فراق «حجت ثانی عشر» سوختند و به آرزو نرسیده، سر به تیره تراب گذاشتند، خاصه بنیانگذار پرافتخار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی و شهدای گرانقدر؛ به ویژه شهید مرتضی محبّی، و شهید حجه الاسلام و المسلمین مهندس ابراهیم فیاضی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَالْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنِّي يَأْسَهُ حِجَابِ الْغَيْبِ، وَأَظْهِرْ بَطْنَهُ فِي صِحَابَةِ الْمَحْنَةِ، وَقَدِّمْ أَمَامَهُ الرُّعْبَ، وَتَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَأَقِمَّ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ.

پیشگفتار

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله سپاس و شکر به درگاه ایزد منان که به ما عنایت فرمود و قلب ما را متوجه خود و اولیای کرام خویش نموده است و ما را در صلب اجداد و رحم جداتی قرار داد که از میان عقاید و آرا، عقیده حقه الهی و شریعت تامه محمّدی و ولایت کامله علوی را پذیرفتند و راه روشن هدایت را پیش روی ما باز نمودند؛ خدایشان رحمت کند و در جوار پیامبر و آل ماوایشان دهداد!

چراغ هدایتی که خداوند به وسیله انبیاء، فرا راه بشر قرار داد، بعثت خاتم الانبیاء علیهم الصلوات والتحيات بود، خورشید تابناکی که کران تا کران جهان را نورانی ساخت، با امثال فرمان «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (۱)، با نصب علی علیه السلام به

امامت امت، استمرار این نعمت عظمی تحقق یافت و با خاتمیت وصایت مهدی امم تفسیر آیه کریمه نور «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۲) ولایت الهی تمامت یافت. «الحمد لله على ما هدانا و له الشكر على ما اولانا».

تلاش دشمنان انوار الهی و هدایت بشری با شهادت امامان نور و رحمت، بشریت را از حضور در محضر امام حاضر محروم و چهره تابناک امام عصر را در پس پرده غیبت مستور ساخت. و پس از قطع رشته وحی با ارتحال رسول خاتم علیه افضل التحیه و الکریم، غیبت امام، بزرگ ترین حادثه غمبار بر بشریت است. «اللهم انا نشكو إليك فقد نبينا وغيبه ولينا و كثره عدونا وقله عددنا وشدده الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا».

در اوج حاکمیت ظلم و ستم و فرمانروایی قدرت های کفر و دنیا پرستی، بار دیگر به برکت قرآن، اسلام، ولایت و رهبری امام خمینی رحمه الله که منادی دین و شریعت بود، دنیا شاهد شکوفایی اسلامی و حاکمیت حق شد. در این عصر مهم ترین وظیفه متدینین و صاحبان قلم و کرسی های خطابه، پرداختن به مسأله مهدویت و آشنا ساختن خود و جامعه نسبت به امام عصر علیه السلام به عنوان بالاترین نیاز بشریت می باشد.

خداوند به حکمت بالغه و قدرت فائقه خود، احساس نیاز همه نیازمندان را اشباع و حاجت همه موجودات زنده را با چشمه های زلال و آب خوشگوار و خوراکی های رنگارنگ، پاسخ گفته است؛ نیازهای روحی و معنوی بشریت را به نیکوترین اسلوب، و عالی ترین روش تأمین نموده است؛ احساس نیاز به عدالت و امنیت در عرصه های مختلف زندگی جزو خصایص بشریت است که در طول تاریخ پرماجرایی جوامع

بشری، جریان های باطل مانع تحقق آن شدند و کام جان انسان ها را تشنه نگاه داشتند همچنان نیز موانع زیادی در راه تحقق عدالت در عرصه های بین المللی وجود دارد؛ امنیت نیز دُرّ گران بهایی است که در انحصار قدرتمندان عالم است و با ابزار مدرن، جوامع بشری را در جنگ و خونریزی و غارت فرو برده اند.

تمام انسان ها، با هر نژاد و زبان و قبیله و رنگ، امیدوار چشم به افق دوخته اند و یکصدا منادی عدالت و امنیت را زمزمه می کنند. و هر یک بر اساس تفکرات دینی و فرهنگی خود نامی بر او نهاده و در انتظار او دلی پر از امید دارند. در میان همه عقاید و آرای بشری و مکاتب فکری و اخلاقی، اعتقاد به مهدویت در آیین اسلام، خاصه در اسلام اهل بیت علیهم السلام یعنی تشیع، جایگاه رفیع و بسیار با ارزش و کارسازی دارد که از جمیع جهات به عنوان یک اندیشه مترقی، خردمندان و صاحب نظران را متوجه خود کرده تا در این راه با بنان و بیان به اظهار نظر پرداخته و کارهای با ارزش فکری از خود بروز داده اند.

از این منظر که هر متاع با ارزش و مورد نیاز همگان، ممکن است مورد سوء استفاده سوجدویان و دنیاپرستان گردد و با عرضه جنس های بدلی و متاع قلابی به منافع شیطانی خود برسند و از نیاز جدی جامعه، در آن زمینه بهره فساد خویش ببرند، تنها چیزی که می تواند خنثی کننده اهداف شوم آنان گردد، آگاهی و شناخت جامعه ای است که آن متاع مورد نیاز را می خواهد و انتخاب می کند. و به همین جهت در طول سالیان غیبت حضرت مهدی علیه السلام

که ظهور و حضورش از مهم ترین نیازهای بشریت بوده و هست، اربابان مطامع شیطانی و دلدادگان خواسته های حیوانی از این نیاز، زمینه ای برای تحقق خواسته های دنیوی خودشان بهره بردند و ادعای مهدویت کردند و نوعاً نیز با حمایت دستگاه های قدرتمند حاکم داخلی و جهانی پشتیبانی شدند، و موجب تشطط آرا و تفرق اعضای جامعه دینی گردیدند؛ در این عرصه نیز تنها عاملی که این توطئه را خنثی و توطئه گران را رسوا کرده و می کند، آگاهی و شناخت جامعه نسبت به حضرت مهدی علیه السلام و عقیده به مهدویت است.

از این رو از مهم ترین وظایف مؤمنین و متدینین، کسب آگاهی و معرفت، نسبت به معارف دینی و شناخت امام عصر علیه السلام است.

از آنجایی که به لطف خداوند و به برکت اسلام، قرآن و رهبری قائد عظیم الشأن، امام خمینی قدس سره و خون شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی، سنت با ارزش نبوی؛ نماز جمعه و سنگر مستحکم وحدت و حضور یکپارچه مؤمنین در سراسر کشور احیا گردید و در شهرستان نور هم از ابتدای سال های پیروزی انقلاب اسلامی این نعمت بزرگ نصیب مردم ما شد و حقیر سالیان سال مفتخر به امامت جمعه بودم، وظیفه خود دیدم درباره حضرت مهدی علیه السلام، در حدّ فرصت حاضران و توان خود، در خطبه های نماز جمعه، با تکیه بر آیات و روایات، مطالبی را تقدیم حضور مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام نمایم، در نتیجه طی چهل جمعه، خطبه های اول نماز جمعه را به این موضوع اختصاص دادم که اینک به صورت کتاب حاضر، چاپ و تحت عنوان «ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور» در اختیار مؤمنین قرار می گیرد.

مطمئن هستیم در خور شأن مخاطبان و خوانندگان ارجمند صاحب نظر و شایسته جایگاه رفیع مهدویت نیست، فقط برای رفع نیاز خود و انجام وظیفه در این سنگر، مطالب عرضه گردید.

با اعتذار از صاحب نظران و خوانندگان و با امید پذیرش این اقدام بی مقدار از جانب عزیز فاطمه حضرت مهدی علیه السلام می گویم: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِيضَاعِهِ مُزْجِيَاهِ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ». (۳)

در پایان از خدمات دوستان عزیز، اعضای محترم ستاد نماز جمعه شهرستان نور که در این راه همکاری خالصانه داشتند و از فرزندانم که در پیاده کردن نوار و تنظیم آن با علاقه به ساحت مقدس امام عصر علیه السلام زحمت بی ریا کشیدند و از انتشارات مسجد مقدس جمکران صمیمانه سپاسگزاری می نمایم و اجر آنان را از خداوند مسألت دارم.

والسلام علیکم ورحمه الله نور - مفید فیاضی تابستان ۱۳۸۵

دلایل لزوم شناخت امام «قدس سره»

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين ولعنه الله على أعدائهم اجمعين تصمیم گرفتم تا به حول و قوه الهی از این هفته در خطبه های اول نماز جمعه درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام در حد وسع و توان خود، با فرصتی که در اختیار هست صحبت کنم.

از چند جهت احساس کردم که طرح این بحث (وجود مقدس امام) امری ضروری است؛ از جمله این که روز جمعه، متعلق به وجود مقدس امام زمان علیه السلام است، چنان که در زیارت امام زمان علیه السلام که مخصوص روز جمعه است، این جمله آمده است: «هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعِ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ؛ يا امام زمان! امروز جمعه است و روز جمعه

متعلق به شماسست. روز جمعه، روزی است که انتظار می رود در چنین روزی ظهور کنی و خداوند متعال به دست شما مؤمنان را نجات داده و گشایش و فرج برای آن ها ایجاد نماید و به دست و شمشیر شما، کافرین را نابود کند».

رابطه بین جمعه و امام زمان

رابطه بین جمعه و امام زمان علیه السلام قابل توجه است؛ ولادتش روز جمعه بود و اولین روز امامت او در روز جمعه آغاز شد و یکی از نام های ایشان جمعه است. بر حسب روایات؛ امام زمان علیه السلام در روز جمعه ای ظهور خواهند کرد و بر همین اساس بوده که شیعیان از دیرباز، حتی در موقعیتی که حکومت در دست دشمنان دین بوده، در روز جمعه، خود را برای پذیرش امام زمان علیه السلام آماده می کردند که به صورت سنت در آمد، و گاهی سوار بر اسب می شدند و مسلح به بیرون شهر می رفتند و معتقد بودند چون امام زمان علیه السلام در روز جمعه ظهور می کند باید آماده باشیم. و همچنین امام جمعه، در روز جمعه که در جایگاه خطابه قرار می گیرد، مستحب است که تکیه بر سلاح نموده و رو به روی نمازگزاران بایستد و نمازگزاران هم در مقابل امام جمعه بنشینند و به سخنان وی در حالتی که تکیه بر سلاح کرده است گوش فرا دهند.

شاید همه این ها بیانگر این پیام باشد که امام جمعه و مأمومین که در روز جمعه در محل نماز جمعه حضور پیدا می کنند، در حقیقت، به معنی اعلام آمادگی برای حضور در رکاب امام زمان علیه السلام باشد و معنای انتظار فرج را با این حضور مسلحانه و آماده باش عمومی اعلام می کنند. بر همین اساس فکر کردم وظیفه ای

که داریم درباره این امر مهم؛ یعنی شناخت امام زمان علیه السلام در این جایگاه مقدّس نماز جمعه و در چنین روزی که متعلق به وجود عزیز امام زمان علیه السلام است با شما که از بهترین مؤمنین هستید و هر هفته در مراسم نماز جمعه شرکت می کنید، بهترین و ضروری ترین موضوع را مطرح کنم. باشد که ان شاء الله خداوند ما را جزء منتظران ظهور امام زمان علیه السلام قرار دهد.

ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام

نکته اولی که باید مطرح شود، درباره معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام است که بر حسب دلایلی که ذکر خواهد شد وظیفه داریم تا درباره ائمه علیهم السلام عموماً و درباره امام زمان علیه السلام خصوصاً اطلاعاتی داشته باشیم و با شناخت و فهم نسبت به این رکن دین خودمان، آگاهی و اعتقاد همراه با بصیرت داشته باشیم.

امامت عامه و خاصه

در مباحث مربوط به امامت، آن را به دو بخش امامت عامّه و خاصّه تقسیم کرده اند که بحث پیرامون امام عصر علیه السلام بخشی از امامت خاصّه است که به نوبه خود آن را به دو دسته تقسیم می کنیم؛ یعنی زمانی که می خواهیم درباره امام زمان علیه السلام تحقیق کنیم و او را بشناسیم باید دو نوع شناخت نسبت به آن حضرت پیدا کنیم:

شناخت اوّل

اولین شناخت، درباره ویژگی های شخص امام است؛ یعنی او کیست؟ فرزند چه کسی است؟ کی و کجا متولد شده است؟ اخلاق فردی و اجتماعی اش چگونه بوده؟ رفتار عبادی اش به چه صورت است؟ و بالاخره با آنچه به زندگی شخصی او برمی گردد و به عنوان ویژگی فردی او به حساب می آید آشنا شویم.

اهمیت این نوع شناخت نسبت به شناختی که بعداً ذکر خواهد شد کمتر است. در حقیقت این شناخت، مقدمه و وسیله ای است که ما را نسبت به صلاحیت و شایستگی امامت آن حضرت مطمئن تر می کند.

شناخت دوّم

دومین شناخت، به شناخت شخصیت امام مربوط می شود و در آن به مقام و جایگاه امام توجه می شود. در این باره دو نوع بحث می کنیم؛ یک بحث در رابطه با امامت عامّه که شامل امامت به معنای عمومی می شود که گاهی شامل بعضی از انبیای عظام الهی هم می شود و بحث دیگر درباره امامت خاصه است؛ یعنی درباره جانشینان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که اول ایشان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرشان هم حضرت مهدی علیه السلام است. و ما می خواهیم در این بخش که راجع به امامت خاصه است آن هم پیرامون آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جایگاه و شخصیت او بحث نماییم و معرفت درستی درباره امام عصر خود یعنی امام دوازدهم حضرت حجه بن الحسن العسکری علیه السلام پیدا کنیم. اما ابتدا دلایلی که می تواند به عنوان دلیل ضرورت شناخت امام به حساب آید را به اختصار مطرح می نمایم.

دلیل اول

تبعیت از حق، یک اصل عقلی است؛ یعنی هر انسان عاقلی خود را موظف می‌داند که از حق تبعیت کند و تبعیت از حق نیز یک امر عقلی است و فرع بر شناخت حق است؛ یعنی اول باید حق را بشناسیم آن گاه از آن تبعیت نماییم و تا حق را نشناسیم طبیعی است که نمی‌توانیم از آن تبعیت کنیم.

قرآن کریم هم این اصل عقلی را این گونه بیان می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ؛ (۴) «آیا کسی که به حق هدایت شده است سزاوارتر است از این که مورد اطاعت قرار بگیرد یا آن کسی که هدایت نشده است. مگر این که او هدایت شود».

یعنی

اگر امر دایر باشد بر این که انسان باید از کسی تبعیت بکند و دو مأخذ یا منبع وجود داشته باشد؛ یکی منبعی که به حق هدایت شده است و منبع دیگری که خودش به حق هدایت نشده است مگر این که مورد هدایت قرار بگیرد، حالا می بایست از کدام منبع اطاعت نماییم و شایستگی کدام بیشتر است؟ طبعاً حکم عقل این است که باید از آن کسی که حق است و به حق هدایت شده است تبعیت بکنیم، نه از کسی که بر حق نیست و یا هدایت به حق نشده است. خداوند کسی را که بر خلاف شیوه عقل معتقد باشد مورد مؤاخذه قرار می دهد و انتقاد می کند و می فرماید: «فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»؛ (۵) «شما را چه شده که این گونه حکم می کنید».

یعنی عقل می گوید که انسان باید از حق تبعیت کند نه از غیر حق. حال بر اساس این آیه شریفه، طبعاً آن کسی که اصالتاً حق است باید مورد اطاعت قرار بگیرد. پس خداوند و نیز هر کسی که خداوند او را به حق هدایت نموده است و برای هدایت کردن دیگران مبعوث کرده و یا کسی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله او را برای هدایت منصوب کرده؛ همانند امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام شایستگی اطاعت و تبعیت از آن ها برای مردم یک ضرورت عقلی است.

پس نتیجه می گیریم در آغاز باید امام عصری که از جانب خدا برای هدایت انسان ها تعیین شده است و باید مورد اطاعت قرار بگیرد را ابتدائاً بشناسیم و بدانیم که کیست، چه می گوید و از ما چه می خواهد تا بتوانیم از او اطاعت کنیم. این است که می گوئیم

اطاعت، فرع بر معرفت است؛ یعنی اول باید معرفت و شناخت پیدا کنیم سپس از او تبعیت نماییم.

ما اکنون باید تابع حق و مطیع امامت بر حق باشیم. اما اولین سؤالی که مطرح است این است که امامت چیست؟ چه جایگاه و شأنی دارد؟

در همین مورد امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «علیکم بطاعه من لا تُعذرون بجهالته؛ وظیفه شماست که از کسی اطاعت کنید که نشناختنش برای شما عذری نیست؛ یعنی باید نسبت به او شناخت پیدا کنید» (۶) از این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام را در می یابیم و می فهمیم باید ابتدا از آن کسی که اطاعت می کنیم شناخت داشته باشیم سپس از او تبعیت کنیم.

دلیل دوم

ما معتقدیم که شناخت و بصیرت و کسب آگاهی در دین به عنوان یکی از ضروریات اعتقادی ماست؛ به خصوص درباره مسائل اصول دین. و اصولاً اعتقاد ما شیعیان این است که چه اصول دین و چه فروع دین بدون شناخت و آگاهی اگر مورد تبعیت قرار بگیرد، بی ارزش است و عمل به اصول یا فروع دین باید همراه با بصیرت و آگاهی باشد.

اصول دین را حتماً باید هر کسی خودش اجتهاد کند و با دلایلی که در اختیار خودش قرار می دهد بفهمد. در فروع دین هم اگر خودش متخصص نشد و نتوانست اجتهاد بکند، باید از کسی که در زمینه فروع دین مجتهد و صاحب نظر شده تبعیت نماید. لذا ما در فروع دین معتقدیم که تقلید اعلم واجب است. پس شناخت دین یک امر ضروری است.

مهم ترین مبانی اعتقادی

اما دین بر چه چیزهایی استوار است که باید آن ها را بشناسیم؟

امام باقر علیه السلام می فرماید: «بُنِيَ الإسلام على خمس: على الصلوة والزكوة والصوم والحج والولاية؛ (۷) اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است؛ (به عبارت دیگر اساس اسلام پنج چیز است) نماز، زکات، روزه، حج و ولایت.» و بعد می فرماید: «ولم یناد بشیء مثل ما نودی بالولاية» در این پنج چیز تأکیدی که درباره ولایت شده است راجع به هیچکدام نشده؛ یعنی ولایت و امامت در دین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نقش نماز برقراری ارتباط است بین انسان با خالقش. نماز بین بنده و خدا ارتباط و پیوند برقرار می کند. زکات وسیله پیوند اقتصادی بین طبقه محروم جامعه با طبقه متمول است که بیش از نیاز خود توان اقتصادی دارند. روزه وسیله ای است که انسان با

رعایت آداب روزه دارای، نفس امّاره و خواهش های حیوانی خودش را کنترل و تعدیل، و نفس سرکش خود را تربیت می کند و آن را در کنترل خودش می گیرد تا او را منحرف نکند و برقراری ارتباط درست انسان با شخصیت اصلی خودش هست. و حج نیز علاوه بر سیر الی الله و خود سازی، به معنای برقراری ارتباط بین انسان مسلمان با افراد دیگر و پیوند معنوی و الهی و سیاسی جوامع اسلامی سراسر عالم اسلام با همدیگر و آشنا شدن با فرهنگ، تمدن و آداب و رسوم سایر بلاد اسلامی است، پس حج کنگره بزرگ الهی است. امّیا ولایت ارزش دهنده همه آنچه را که پایه های دین قرار می گیرد و اصول دین است می باشد و ارزش نماز، روزه، زکات و حج، همه به ولایت و امامت بستگی دارد، بلکه شرط قبولی توحید از بهترین موضوعات شناخت در دین است پس ضرورت دارد تا امام را بشناسیم و گرنه گمراه می شویم و باید به کمک امامت و ولایت، مفهوم اصلی نظری و عملی توحید، نماز، روزه و... را بفهمیم.

از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که امام صادق علیه السلام فرموده است: یکی از مهم ترین وظایف شیعه آن است که در زمان غیبت کبرای امام زمان علیه السلام بعد از فریضه های خودش یا در حالت های دیگر این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ (۸) خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو را نشناسم نبی ات را نمی شناسم.

خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را نشناسم حجتت را نمی‌شناسم. خدایا! حجت و امامت را به من بشناسان که اگر امام را نشناسم در دینم گمراه می‌شوم».

پس شناختن حجت خدا و امام، یک امر ضروری است که اگر نشناسیم در دین گمراه می‌شویم، لذا هدایت و ضلالت به شناخت و عدم شناخت امام و امامت بستگی دارد که به عنوان دلیل می‌توانیم به آن تکیه کنیم.

دلیل سوم

ما معتقدیم یکی از راه‌های شناخت خداوند، شناخت امام است؛ یعنی اگر ما بخواهیم خدا را بشناسیم، زمینه‌سازی معرفت خدا، شناخت امام است. به جمله‌ای از امام سوم شیعیان حضرت سیدالشهداء علیه السلام توجه فرمایید که مؤید همین نکته می‌باشد و به عنوان یک دلیل برای ضرورت معرفت امام محسوب می‌شود.

از امام حسین علیه السلام پرسیدند: «فما معرفه الله؟؛ شناخت خدا چیست؟»

امام حسین علیه السلام فرمود: «معرفه اهل کل زمان، امامهم الذی یجب علیهم طاعته؛ (۹) معرفت خدا عبارت است از این که، مردم هر زمانه امامی را که باید از او اطاعت کنند بشناسند».

منظور، بیان این نکته است که امام حسین علیه السلام جواب فرموده که معرفت خداوند به وسیله شناخت مردم هر زمانه از امامی که بر آن‌ها اطاعتش واجب است امکان پذیر است.

اکنون در عصر غیبت کبرای امام زمان علیه السلام زندگی می‌کنیم، امامی که ولی عصر ما و حجت برحق خدا و بقیه‌الله است. تفاوتی که بین او و دیگر ائمه علیهم السلام است این است که ائمه دیگر در عصر امامت خودشان ظاهر بودند و قابل رؤیت و دسترسی برای عموم بودند، اما امام زمان علیه السلام طبق مصالحتی که وجود دارد (و طبعاً در بحث‌های آینده به آن خواهیم

پرداخت) در معرض دید عموم پیروان و شیعیان خودش نیست.

پس امامی که اطاعت او بر همه واجب است، امام زمان علیه السلام حضرت حجّه بن الحسن العسکری علیه السلام است.

امام حسین علیه السلام می فرماید: معرفت خدا به این است که هر کسی در هر زمانی که زندگی می کند، لازم است امامی که اطاعتش بر او واجب است را بشناسد. در حقیقت امام حسین علیه السلام به مردم عصر ما می گوید: شمایی که در عصر غیبت زندگی می کنید و اطاعت شما از امام دوازدهم واجب است باید تلاش کنید تا امام زمان علیه السلام خودتان را بشناسید.

اینک به عنوان حسن ختام در باب ضرورت شناخت امام، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله تقدیم حضور شما می نمایم؛ به امید آن که خداوند کمک فرماید تا پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را آن گونه که هستند در حد توان و قدرت و نیاز خود بشناسیم. این حدیث هم در مأخذ اهل سنت و هم در مأخذ تشیع با مختصر تفاوتی آمده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ (۱۰) هر کسی بمیرد در حالی که امام دوران خودش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است». یعنی مؤمن از دنیا نرفته است. پس ما باید قبل از آن که از دنیا برویم در این دنیایی که زندگی می کنیم امام زمان علیه السلام خودمان را بشناسیم تا بتوانیم از او به عنوان امام بر حق؛ به عنوان مظهر هدایت و وسیله هدایت الهی که خداوند در اختیار ما قرار داده تبعیت کنیم. امیدواریم که خدا ما را در این امر مهم «معرفت حجت و شناخت امام» مساعدت و کمک فرماید و درهای

معرفت خود و حجت خود را به سوی ما بگشاید. ان شاء الله.

ادامه دلایل لزوم معرفت امام زمان علیه السلام

توضیح

(۲) درباره شخصیت امام زمان علیه السلام نکاتی را مطرح می کنیم:

واسطه فیض

(۱) ما معتقدیم فیض الهی، بدون واسطه برای بشر قابل دریافت نیست و حتماً باید بین خدا و بشر، شخصیت هایی وجود داشته باشد که از نظر لیاقت و شایستگی، توان درک فیض الهی را داشته باشند چرا که انسان ها با توجه به آن که موجود مادی و خاکی و دارای غرایز و احساسات حیوانی هستند، قادر به درک فیض الهی بدون واسطه نیستند مگر آن که همین انسان خاکی دارای یک سلسله شایستگی های الهی باشد تا بتواند از آن دریچه، عنایت های خاص الهی و صلاحیت های شخصی خودش را از منبع فیض «ذات اقدس الهی» دریافت و به بشریت منتقل کند و واسطه بین خدا و خلق در درک فیوضات الهی باشد.

طرفداران مکاتب الهی هر کدام در یک مقطع زمانی، فیض الهی را توسط انبیا و اولیا برای بشر قابل دریافت می دانستند و پس از آن قائل به این معنی نیستند. از جمله کلیمیان بعد از وجود مقدس حضرت موسی علیه السلام دیگر قائل نیستند که انسان زنده ای واسطه فیض باشد و مسیحیان هم بعد از حضرت عیسی مسیح علیه السلام این نظر را دارند البته آن ها قائل به کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام هستند، اما ما بر اساس نص صریح قرآن کریم قائلیم که عیسی علیه السلام زنده است و جزو کسانی خواهد بود که به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام حاضر خواهد شد، اما بر اساس عقیده مسیحیان بعد از کشته شدن حضرت مسیح علیه السلام کسی واسطه فیض بین خدا و خلق نیست.

اهل سنت هم معتقدند که بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بین خدا و

خلق واسطه زنده ای وجود ندارد.

در این میان ما شیعیان معتقد هستیم که این واسطه فیض بین خدا و خلق استمرار داشته و آن واسطه انسانی زنده است که امامت انسان ها از جانب خدا به او واگذار شده است و او منصوب از جانب خداوند برای رهبری و هدایت جامعه است و واسطه فیض، بین خدا و خلق است و فیض خدا را به جامعه منتقل می کند. هر عصری باید دارای امام حی و زنده ای باشد که معصوم نیز بوده و دارای لیاقت الهی باشد و از جانب خدا برای واسطه بودن نصب شده باشد. در تفسیر آیه شریفه: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» (۱۱)؛ «روز قیامت هر انسانی را با امامش فرا خواهیم خواند». یعنی هر کسی در کنار امامش حضور پیدا خواهد کرد. در دنبال این آیه شریفه، مفسرین ما با استفاده از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام اظهار می فرمایند که منظور این است که در روز قیامت هر کسی با امامی که در زمان او زنده بوده است حاضر خواهند شد. در ذیل همین آیه در تفسیر البیان از قول حضرت امام رضا علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «یدعی کلّ اناس بإمام زمانهم و کتاب ربهم و سنه نبیهم». (۱۲)

یعنی انسان در روز قیامت با سه چیز در آنجا فرا خوانده می شود:

اول: امامی که در زمان او زنده بود، دوم: کتاب خدایی که او تابع آن بود، سوم سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

شیعیان با این سه چیز؛ یعنی با امام دوران و زمانی که زندگی می کردند و کتاب خدا؛ یعنی قرآن کریم و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز قیامت حاضر خواهند

شد. مقصود این است که هر انسانی موظف است تابع این سه منبع باشد: ۱- کتاب خدا ۲- سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳- امامت و رهبری های امام معصوم.

با توجه به این حدیث نتیجه می گیریم که باید در هر عصری امام زنده ای باشد تا واسطه بین خدا و خلق باشد و بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بشر به وسیله او فیض خدا را دریافت کند. پس ضرورت دارد که ما امام زنده را که فیض الهی توسط او به ما منتقل می شود بشناسیم و این نکته بسیار مهمی است که توجه به آن امر ضروری است، در آیه شریفه دیگر قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (۱۳)

شما برای آن که به سوی خدا سیر داشته و معرفت به خدا پیدا کنید و تابع دستورات خدا باشید، باید با تمسک و توسل به وسیله ای که خدا برای شما معین کرده است این سیر را ادامه دهید. مفسران می گویند: منظور از وسیله «امام» است؛ یعنی انسان باید به وسیله امامی که واسطه فیض میان او و خداست، خدا را بشناسد و راه خدا را طی کند و در سبیل الله حرکت کند.

شناخت جایگاه امام

نکته دیگری که باز به عنوان دلیل ضرورت شناخت امام هست این است که باید جایگاه امام را در عالم بشناسیم که امام از چه جایگاه مهمی برخوردار است و چه تأثیری بر موجودات عالم دارد. ما معتقدیم که این عالم به عنوان مظهر حکمت الهی است؛ اولاً خلقت عالم و ثانیاً دوام و استمرار وجود عالم، از قدرت و حکمت خداوند است و این عالم برای این

آفریده شده که بیان کننده حکمت کمال مطلق پروردگار باشد. در صورتی این هدف تحقق پیدا خواهد کرد که در عالم، موجود کاملی وجود داشته باشد و این موجود کامل یا انسان کامل، همان کسی است که ما به عنوان واسطه بین خدا و خلق آن را معرفی می کنیم؛ یعنی وجود پیامبران و رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام واسطه فیض خدا هستند هم در ایجاد خلقت و هم وسیله فیض استمرار وجود عالم و آدم هستند. یعنی اگر پیامبر و اهل بیت نبودند، خدا عالم را نمی آفرید. حدیث شریف قدسی همین است: «لولاک لما خلقت الافلاک؛ (۱۴) اگر به خاطر تو نمی بود افلاک را نمی آفریدم». و نیز اگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و آتش علیهم السلام نبودند عالم وسیله قرار و دوام خود را از دست می داد.

در حدیث شریفی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرموده است «یا علی لولا نحن لما خلق الله آدم و حواء و الجنة و النار و لا السماء و لا الأرض؛ (۱۵) ای علی! اگر ما اهل بیت نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی آفرید».

خداوند این ها را به طفیل وجود پیغمبر و آتش علیهم السلام آفریده است. مفهوم حدیث شریف کساء را هم اگر مراجعه بفرمایید تصریح به همین معنا دارد که در این حدیث شریف اصل خلقت عالم را به خاطر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او می داند. دوام و استمرار وجود این عالم هم به وجود پیغمبر اکرم و آل او علیهم السلام بستگی دارد. یعنی باید در این عالم خلقت، کسی از

خاندان پیغمبر صلی الله علیه وآله به عنوان حجت خداوند در زمین باشد تا آسمان و زمین برقرار باشد. و در آن حدیث شریف است: «لو خلت الارض ساعه واحده من حجه لله لساخت باهلها؛ (۱۶) اگر زمین ساعتی از حجت خدا خالی باشد زمین اهلش را فرو می برد».

به برکت وجود امام زمان علیه السلام است که همه هستی روزی می برند و به برکت وجود امام زمان علیه السلام است که آسمان و زمین در مدار خودشان به طور منظم در گردشند و نظم هستی برقرار است.

پس در حقیقت تعبیری که در روایات می شود، امام را به عنوان قطب عالم امکان تلقی می کنند. یعنی همان طوری که در بدن انسان، قلب سگّان دار اصلی حیات بشر است و اگر قلب وضعش مختل شود، انسان حیاتش در مخاطره جدی قرار می گیرد، در این عالم هستی هم امام زمان علیه السلام قلب عالم است. (۱۷) پس ما باید نسبت به چنین شخصیتی که همه وجود و هستی ما و عالمی که در آن زندگی می کنیم به وجود او بستگی دارد، معرفت و شناخت درستی داشته باشیم.

شناخت شخص امام زمان علیه السلام

آخرین حجت بر حق خدا و خاتم اوصیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله امام زمان علیه السلام است که خلاصه ای از زندگی وجود مقدّس ایشان تقدیم حضور شما می گردد.

امام زمان علیه السلام این آخرین امام برای بشریت در سال ۲۵۵ هجری قمری در لحظات طلوع فجر روز جمعه در شهر سامرا یا «سرّ من رأی» چشم به جهان گشود. از نظر پدری متصل به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است. پدر آن حضرت امام یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. مادر آن حضرت جناب نرجس خاتون (ملیکه) از نوادگان

یکی از حواریون حضرت عیسی و نوه پادشاه روم است(درباره شخصیت آن بانوی با فضیلت مفصل توضیح خواهیم داد).

ما معتقد هستیم که امام زمان علیه السلام، امام موعود از نسل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. موعود یعنی کسی که باید آخرالزمان بیاید و دنیا را از عدل و داد پر کند و تقریباً همه اقوام و ملل متفق القول هستند که پایان کار جهان به حاکمیت عدالت منتهی خواهد شد؛ اما در این مورد اختلاف نظر هم وجود دارد. گروه های مختلف اسلامی اصولاً متفقند که پایان کار عالم و حاکمیت حق مؤمنین به رهبری شخصی است به نام مهدی علیه السلام که میان اهل سنت و شیعیان وحدت نظر وجود دارد که حضرت مهدی علیه السلام از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. چیزی که هست اهل سنت عقیده دارند که این فرد هنوز متولد نشده و می گویند در آینده در آخرالزمان از نسل حضرت زهرا علیها السلام فردی متولد خواهد شد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، اما ما به همان دلایلی که قبلاً مطرح کردیم، معتقدیم که این امام، الآن حضور دارد و زنده است. دلایل زیادی هم داریم که امام زمان علیه السلام اکنون در حال حیات و زندگی هستند. و باعث زندگی همه موجودات و استمرار حیات است.

در روایات اسلامی و اسناد فریقین درباره شخصیت امام زمان علیه السلام از این که از نسل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است احادیث، و اخبار فراوانی وجود دارد که به چند نمونه از آن احادیث در باب وجود مقدس امام زمان علیه السلام اشاره می کنم.

رسول خدا صلی الله

علیه و آله فرمود: «المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً تكون له غيبه و حیره تضلّ فيه الأمم ثمّ يقبل كالشهاب الثاقب و يملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛ (۱۸) مهدی از فرزندان من و هم نام من است، کنیه اش کنیه من و شبیه ترین انسان ها به من از نظر شکل و قیافه و از نظر اخلاق و رفتار است. برای این فرزند من غیبتی است طولانی که باعث نگرانی می شود».

چون غیبت طولانی شود بعضی از انسان ها و امت ها گمراه می شوند. (حالا چرا گمراه می شوند در طول بحث مطرح خواهم کرد.) خلاصه این حدیث که امام زمان علیه السلام مانند خورشید فروزنده طلوع می کند و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد همچنان که پر از ظلم شده باشد. در این حدیث می بینیم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با صراحت می فرماید که مهدی علیه السلام فرزند من است و غیبت او هم طولانی است. در نتیجه این طور نیست که در همان عصری که بخواهد ظهور کند متولد شود.

ام سلمه از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که مهدی از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام است و حدیثی جالب تر که حدیثی از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: «خطبنا رسول الله صلی الله علیه و آله: فذكر لنا ما هو كائن ثمّ قال: لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطوّّل الله عزّوجلّ ذلك اليوم حتّى يبعث رجلاً من ولدی اسمه اسمی. و قال سلمان: يا رسول الله! من انّی ولد هو؟ قال: من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام». (۱۹)

روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما درباره چیزهایی که در آینده باید

اتفاق بیفتند صحبت می کرد یعنی از آینده خبر می داد، سپس فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا این یک روز را آن چنان طولانی می کند تا این که فرزندی از فرزندان مرا مبعوث کند که نامش نام من است. در این حال سلمان فارسی به پاخاست و از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله! این کسی که شما می گوئید و فرزند شماست کیست و از کدامیک از فرزندان شما باید به وجود بیاید؟ پیامبر دست روی امام حسین علیه السلام گذاشت و فرمود: از این فرزند من هست؛ یعنی امام زمان علیه السلام از نسل ابا عبدالله الحسین علیه السلام پا به عرصه وجود خواهد گذاشت و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. درباره شخصیت ظاهری و از نظر خلقت و شکل و شمایل، همان طوری که در این احادیث آمد، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کراراً نقل شده که حضرت او را به خودش تشبیه فرمود.

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی رجل منی وجهه ککوکب دری؛ (۲۰) مهدی از مردان من است، چهره او مثل ستاره درخشان است».

درباره زیبایی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به ملاحظت، روایات زیادی وارد شده است. چهره امام زمان علیه السلام و چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شبیه به هم است.

در کتاب بحار الانوار جلد ۵۱ حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که حضرت در حال سخنرانی برای مردم بود که فرمودند: از فرزندان من شخصی خروج می کند و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، چهره او سفید مایل به سرخی است (چهره گلگون دارد) و

شکل و قیافه و ویژگی های انسانی که از نظر جسمی بسیار توانمند است و فرمود: ران های او محکم، استوار و ستبر و شکم او پهن است (۲۱) و در غالب احادیث چهره و پیشانی او را کشیده ذکر کردند. به گونه ای که پیشانی او به سمت فرق سر از دو طرف پیشروی می کند، قامت رشیدی دارد و بین دندان های او هم فاصله است؛ یعنی دندان های او به هم پیوسته ای ندارد، بین دندان های ثنایای او فاصله و فرجه و روزنه است (به هم چسبیده نیست). ویژگی های دیگری که برای امام زمان علیه السلام ذکر می کنند مربوط به ویژگی های مربوط به ویژگی های جسمی است که در کتب معتبره، احادیث زیادی در این باره نقل شده است که اگر در این احادیث دقت شود متوجه می شویم که غالب این احادیث قبل از ولادت امام زمان علیه السلام و از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده است. در هر مقطعی که لازم می دیدند درباره این امر مهم؛ یعنی امامت حجت برحق خدا صحبت می کردند و می خواستند اعتقاد به امام غایب را در میان پیروان خودشان به عنوان یک مسأله قطعی و یک امر حقیقی و جدی تثبیت کنند. و نیز در حدیثی می خوانیم وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از آینده خبر می دهد یکی از اتفاق های مهم را ظهور امام زمان علیه السلام نقل می کند.

نکته دیگر، درباره رشد جسمی امام زمان علیه السلام است، از قول جناب حکیمه خاتون خواهر امام هادی و عمه امام عسکری علیه السلام که در تاریخ امام زمان علیه السلام حضور این بانو بسیار فعال بوده و یکی از شخصیت هایی است که

بسیاری از اطلاعات از جانب او به جامعه دینی منتقل می شده، نقل می کند که من چهل روز پس از ولادت امام زمان علیه السلام به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم و دیدم که امام کودکی را به من نشان می دهد که به قد و قواره بیچه دو ساله است. من تعجب کردم و گفتم که این آقازاده کیست؟ فرمود: این فرزند نرجس است. (۲۲)

درباره انبیای عظام الهی و سفرای الهی و اوصیای آن ها که خداوند آن ها را برای اطاعت بندگانش مبعوث کرده است، استثنائاتی وجود دارد که خلقت آن ها یکی از آن استثنائات است و فرزندان آنی که در آینده به عنوان رهبران الهی منصوب می شوند، رشد یک ماهه آن ها به اندازه یک سال رشد کودک معمولی است. ویژگی های دیگری هم در این حدیث و احادیث دیگر برای آن حضرت ذکر شده که برای کسب اطلاعات افزون تر به کتب معتبر مراجعه شود.

شخصیت مادر امام زمان «ع»

اشاره

در این قسمت درباره مادر امام زمان علیه السلام به اختصار مطالبی تقدیم حضور می نمایم.

در تاریخ برای مادر امام زمان علیه السلام، چند اسم ذکر شده است: ملیکه یا ملیکا، نرجس خاتون، ریحانه، سوسن و صیقل که از همه معروف تر همان نرگس خاتون یا نرجس خاتون است. هر چند ممکن است علت تکثیر نام حضرت به صورت مستعار برای مصالح امنیتی بوده باشد.

این بانوی مکرم اصالتاً اروپایی و دختر یشوعاست. یشوعا فرزند پادشاه روم شرقی است و از طرف مادر به شمعون که از جمله حواریون و یاران نزدیک حضرت عیسی علیه السلام است منتهی می شود. از نظر شخصیت، به عنوان یکی از پاک ترین، باشخصیت ترین و عفیف ترین بانوان تاریخ اسلام است که از جایگاه ویژه ای برخوردار است. با آن که

از نظر پدر و مادر در میان مسلمانان زندگی نکرد اما در تاریخ داریم که حضرت حکیمه خاتون که دختر امام جواد و خواهر امام هادی و عمه امام عسکری علیهم السلام و از جهات مختلف متصل به معصوم است، وقتی که نرجس خاتون، ایشان را با عنوان «یا سیدتی» صدا زد، حکیمه خاتون فرمود: نه، تو سیده و خانم من هستی؛ یعنی برای او شخصیتی برجسته تر از شخصیت خودش قائل شده است.

در تاریخ است که نرجس خاتون در محیط خانوادگی از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. جدّ او یعنی قیصر روم توجه خاصی به او داشت و شدیداً به او علاقه مند بود و او را به عنوان یک دختر استثنایی در محیط خانوادگی خودش تلقی می کرد، به همین خاطر خانمی را که به چند زبان مسلط بود به عنوان مربی او گماشت و او از آن خانم، زبان عربی را به خوبی یاد گرفت.

داستان سعادت با فرجام

درباره شخصیت این خانم سرگذشتی است که معمولاً علمای بزرگ شیعه این سرگذشت را در کتاب های خودشان مفصل ذکر کرده اند؛ از جمله در کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی، در «کمال الدین» شیخ صدوق در «بحارالانوار» مرحوم مجلسی و نیز در کتاب «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری و کتب معتبره دیگر داستان این بانو به طور تفصیل نوشته شده که گوشه ای از این داستان را به صورت خلاصه خدمتتان بیان می کنیم. امیدواریم که ما بتوانیم با کسب معرفت صحیح از این شخصیت های الهی، بخشی از رسالتی که راجع به شناخت مفاخر اسلام و دودمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به عهده داریم انجام بدهیم، ان شاء الله.

روایت این است: فردی به نام بُشربن

سلیمان که از شخصیت های بسیار مورد اعتماد امام هادی و امام عسکری علیهما السلام است و از نوادگان ابویوب انصاری است (۲۳) و در شهر سامرا و در همسایگی امام هادی علیه السلام زندگی می کرد می گوید: روزی یکی از خدمتگزاران امام هادی علیه السلام به نام «کافور» به دنبال من آمد که امام تو را احضار کرده است. من به خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و امام هادی علیه السلام رو به من کرد و فرمود: ای بُشر بن سلیمان! تو و خانواده ات به عنوان انصار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و محبّان اهل بیت علیهم السلام محسوب می شوید و این افتخار محبّت خاندان ما در خانواده شما ریشه دار است، می خواهم به تو رازی را بگویم و کاری را به تو بسپارم که به عنوان یکی از افتخارات در زندگی شما ثبت شود. پذیرفتم، آن گاه ایشان نامه ای را به زبان و خط رومی نوشت و به همراه یک کیسه زرد رنگی که در آن دویست و بیست دینار اشرفی بود به من داد و فرمود: این نامه و این پول را بردار و به بغداد برو و در کنار پل بغداد منتظر باش. وقتی برده فروشان آمدند، در میان آنان شخصی به نام عمر بن زید هست، در میان کنیزان و برده هایی که در معرض فروش قرار داده می شوند خانمی هست با این خصوصیات و با این ویژگی ها که در پوششی، خود را مخفی کرده است و با عفاف و عفت و حجاب بسیار خوب، سعی می کند تا خود را از معرض دید افراد مخفی نگه دارد و گاهی هم به دلیل این حالتی که برای او پیش آمده با زبان

رومی یا عربی از این وضع خودش شکایت می کند و ناراحت است که چطور در این وضعیت قرار گرفته است و زودتر به وضعش پایان داده نمی شود؟ و چرا در معرض دید دیگران است؟

در این حال شخصی می آید که وقتی نگاهش به چهره این خانم می افتد، حاضر می شود به دلیل حجب و بزرگواری این خانم او را به سیصد درهم از عمرین زید برده فروش بخرد، اما این بانو به زبان عربی به او می گوید: پولت را برای خرید من سرمایه گذاری نکن؛ زیرا من به هیچ وجه به تو رغبتی ندارم و در اختیار تو قرار نخواهم گرفت. برده فروش می گوید: به هر حال من باید تو را به فروش برسانم. او در جواب می گوید: «عجله نکن، آن کسی که مشتری من است و من به او رغبت دارم ان شاء الله خواهد آمد و تو هم به پولت خواهی رسید.» بعد شما جلو رفته و نامه را به آن برده فروش بده و برای خرید وارد معامله شو. این نامه را وقتی به برده فروش دادی، با این پولی که به تو داده ام راضی خواهد شد و معامله صورت خواهد گرفت.

من نامه و پول را از امام هادی علیه السلام تحویل گرفتم و به سمت بغداد حرکت کردم. خودم را به بغداد رساندم و طبق دستور، به پل بغداد، در کنار رود دجله رفتم. برده فروش آمد، مشتری های برده با همان ویژگی هایی که امام فرموده بودند حاضر شدند. در میان بردگان، همان شخصیتی که امام هادی علیه السلام نشانه اش را داده بود مشاهده کردم و دیدم دختری است در نهایت عفاف، حجاب و متانت و وقار.

آن گاه شخصی که امام هادی علیه السلام نشانه اش را گفته بودند جلو آمد و در ازای خرید این بانو حاضر به پرداخت سیصد دینار شد، اما این خانم از پذیرش معامله و تسلیم کردن خود به این خریدار ابا کرد و از فروشنده درخواست کرد که مهلت بدهد و عجله و شتاب نکند. در این حال من جلو رفتم و نامه را به دست برده فروش دادم. وقتی که او این نامه را نگاه کرد. گفتم این نامه به زبان رومی و توسط یکی از شخصیت های شریف و برجسته نوشته شده که برای خرید یکی از بردگان که همین خانم است نوشته شده، من مأموریت پیدا کردم که به نیابت او را خریداری نمایم.

او نامه را گرفت و به دست آن خانم داد. خانم نامه را خواند و به چشم خودش مالید و احترام زیادی برای آن نامه قائل شد و به برده فروش اصرار کرد که مرا به نماینده نویسنده این نامه بفروشد. وارد قیمتش شدیم و به هر حال برده فروش با همان دوپست و بیست دینار که امام داده بود حاضر به فروش شد. من او را خریداری کردم و به اتفاق به شهر بغداد آمدم و در مسافرخانه ای، جایی را اجاره کردیم تا قدری بیاساییم و سپس به سمت سامرا حرکت کنیم.

من در اینجا از او پرسیدم که شما چگونه به این نامه که نویسنده اش را نمی شناختی آنقدر اظهار علاقه می کنی، به چشم می مالی، از شوقش گریه می کنی؟ او گفت: من او را می شناسم امّا تو او را نمی شناسی. او جمله ای گفت که عین جمله در تاریخ ضبط شد: «أَيُّهَا الْعَاجِزُ الضَّعِيفُ

المعرفه بالمحل اولاد الأنبياء أعرني سمعك وفرغ لي قلبك أنا مليكة بنت يشوعا ابن القيصر؛ (٢٤) ای ناتوان که معرفت نسبت به جایگاه اولاد پیامبران ضعیف است، به من گوش فراده و قلبت را از همه چیز فارغ کن (کاملاً متوجه سخن من باش) من ملیکه دختر یشوعا فرزند پادشاه روم هستم».

از من می‌پرسی چگونه با این که نویسنده نامه را ندیده‌ام به او علاقمند شدم؟ تو مثل این که توانایی لازم را نسبت به معرفت و شناخت فرزندان پیغمبر نداری؟

گفتم: پس تو دختر یشوعا، نوه پادشاه روم در میان بردگان چه می‌کنی؟

او سرگذشتش را برای من تعریف کرد، گفت: من از کودکی شدیداً مورد توجه و عنایت جدّم بودم، او علاقمند بود که مرا به عقد برادر زاده خودش دریاورد، در حالی که من هیچ علاقه‌ای به آن شخص نداشتم. اما جدّم در حالی که من ۱۳ ساله بودم، تصمیم ازدواج من با برادر زاده خودش را گرفت و برای این منظور دستور داد تختی را مرصع از جواهرات که بر چهل پایه بود استوار کردند، علامت‌های صلیب را بر روی آن نصب نمودند. سپس انجیل‌های مختلف را باز کرده و سیصد نفر از رهبانان و قسیسین نصاری در جلسه حضور پیدا کردند و بیش از چهار هزار نفر از شخصیت‌های کشوری و لشگری در این جلسه حاضر شدند تا مرا به عقد برادرزاده جدّم دریاورند. ولی در این حال که آن جوان را در بالای آن تخت نشانند و اسقف‌ها و کشیش‌ها آماده بودند که مراسم عقد را اجرا کنند، ناگهان تخت در هم شکست، صلیب‌ها فرو ریخت و آن جوان روی زمین به حالت بیهوش

افتاد. رهبانان از این ماجرا برداشت بدی کردند و آن را به فال بد گرفتند و بزرگ اسقف ها به جدم گفت این ازدواج مبارک و میمون نیست، حاضر به انجام آن مباش که این نشانه زوال دین حضرت مسیح علیه السلام و پادشاهی توست. اما جدم شدیداً علاقمند بود که این کار صورت بگیرد لذا، در عین نگرانی و اوج ناراحتی مجدداً دستور برپایی تخت و صلیب و صحنه سازی را داد که باز همان حالت تکرار شد و تخت شکست و صلیب ها فرو ریخت و جوان از بالای تخت بر زمین افتاد و غش کرد و جدم که شدیداً سرخورده و ناراحت و غمگین شده بود به خانه برگشت.

من نیز به خانه برگشتم اما از این که این مجلس عقد پا نگرفت، خوشحال بودم. آن شب در عالم رؤیا دیدم حضرت مسیح علیه السلام و یسوعا و شمعون و گروهی از حواریون وارد کاخ جدم شدند و در گوشه کاخ و در جای تخت و مکان سبزی که نور از آن می درخشید قرار گرفته و منتظر مانده اند، ناگاه دیدم که چهره نورانی شخصی ظاهر شد که بعد فهمیدم او محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است که در کنارش، وصی و دامادش علی بن ابی طالب علیه السلام است. آن گاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله رو کرد به حضرت مسیح علیه السلام و فرمود: یا روح الله! من آمدم دختر خواری تو را برای فرزندم خواستگاری کنم. آن گاه نگاهی به حسن بن هادی علیهما السلام کرد. حضرت عیسی علیه السلام رو کرد به شمعون و یسوعا و فرمود: لطف الهی شامل حال شما شده است و عنایت و برکات پروردگار به شما رو

آورده است. آن ها نیز موافقت کردند و در نتیجه مرا به عقد فرزند پیغمبر در آوردند.

از خواب بیدار شدم. بسیار خوشحال شدم و از طرفی شگفت زده بودم. مدتی گذشت و از بیم جان، خواب را به احدی نگفتم. قلبم مملو از محبت و علاقه نسبت به امام حسن علیه السلام شده بود. از خوردن و آشامیدن بازماندم و لاغر و رنجور شدم و جدم بعد از مداوای فراوان از بهبودی ام ناامید شد، از من خواست که هر خواهسته ای دارم بگویم. گفتم اگر اسیران مسلمین را آزاد کنی شاید عیسی مسیح علیه السلام و مادرش مرا شفا دهند. جدم تقاضای مرا پذیرفت و من مقداری احساس رضایت کردم و غذا خوردم.

بعد از چهارده روز حضرت مریم ذراعلیها السلام به خواب من آمد که دیدم در کنار او بانوی مجلله ای قرار گرفته است که فهمیدم حضرت زهراعلیها السلام است. حضرت مریم علیها السلام رو به من کرد و فرمود: این بانوی جهان و مادر شوهر توست. من دامن حضرت زهراعلیها السلام را چسبیدم، عجز و ناله کردم و گفتم: ای دختر رسول خدا! آن آقایی که پدرت مرا به عقد او درآورده است، او را به من بنمایان. او در جواب فرمود: چون تو هنوز به دین پدرم و اسلام درنیامده ای، او به سراغ شما نخواهد آمد. من هم در آنجا به دست حضرت زهراعلیها السلام در عالم خواب اسلام اختیار کردم و حضرت فاطمه علیها السلام مرا در آغوش گرفت و حالم بهبود یافت. از آن پس دائماً در عالم خواب حسن بن امام هادی علیه السلام را ملاقات می کردم و از او کمک می خواستم.

بُشربن سلیمان گفت: به او گفتم

که خوب چطور شد که شما به عنوان اسیر در اختیار سربازان اسلام قرار گرفتید؟ گفت: یک شب که امام عسکری علیه السلام به خواب من آمد به من فرمود: گروهی از سربازان جدّ تو در حمله به مسلمانان به اسارت خواهند افتاد و تو اسیر خواهی شد. من دستور او را اطاعت کردم و با لباس خدمتگزاران و کنیزان در جمع سربازانی که به مسلمانان حمله کردند قرار گرفتم، در نتیجه به اسارت مسلمانان درآمدم و به همان حالتی که مشاهده کردی، من سهم پیرمردی از مسلمانان شدم که او از من اسم مرا پرسید و من در جواب گفتم، اسم نرجس است.

بُشر می گوید: گفتم تو رومی هستی، چگونه زبان عربی را به خوبی می دانی؟

گفت: جدّم به خاطر علاقه ای که به من داشت خانمی را که به چند زبان مسلط بود برای تعلیم من انتخاب کرد و من از او زبان عربی را یاد گرفتم.

بُشر می گوید: پس از بغداد به همراه او به شهر سامرا آمدم و به خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: امر شما اطاعت شد و این بانو را در ازای پولی که داده بودید از آن برده فروش تحویل گرفتم و امام هادی علیه السلام به نرجس خوش آمد گفت. (۲۵)

داستان بُشر بن سلیمان در اینجا پایان یافت اما جناب نرجس خاتون بعدها فرمود: امام هادی علیه السلام به من فرمود که این دو پیشنهاد کدام برای تو بهتر است؟ آیا حاضری ده هزار دینار طلا به تو بدهم یا تو را به یک مژده مسرت بخش خوشحال کنم؟ من فهمیدم که او چه می خواهد بگوید. گفتم: نه این طلا و دینار

را نمی خواهیم، همان مژده ای که داری به من بده و او مژده مادر امام زمان علیه السلام شدن را به من داد و من این افتخار را بر همه آن چه در دنیاست ترجیح دادم. آن گاه امام هادی علیه السلام خواهر خود، جناب حکیمه خاتون را صدا زد و جناب نرجس خاتون را در اختیار او گذاشت و به او فرمود: این بانوی مجلله را تحت تعلیمات صحیح اسلامی قرار بده. او هم که از نظر شخصیت از خاندان عصمت و طهارت، فرزند امام، خواهر امام، عمه امام و یک شخصیت برجسته ای بود، این بانو را به خوبی تحت تعلیم قرار داد و به سرعت این شخصیت و این میهمان، بانوی این خانه شد.

بنا به قولی نرجس خاتون در سال ۲۶۱ هجری قمری یعنی یک سال پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و در شهر سامرا در کنار امام هادی و امام عسکری علیهما السلام و حکیمه خاتون مدفون گشت و اکنون همگی در یک ضریح قرار دارند.

مشیت و حکمت الهی را ببین که دختر مسیحی و نوه قیصر روم شرقی، با چه وضعی به جهان اسلام منتقل می شود و توفیق زندگی در کنار امامان را پیدا می کند و سپس مادر شخصیتی می شود که باید دنیا به وسیله وجود او پر از عدل و داد شود و در آخر زندگی هم توفیق دفن در مجاورت قبر دو امام و قبر دختر امام نصیبش شود.

امروز زائرین امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام زائرین این بانوی با عظمت هم هستند. خداوند به زودی زیارت آن ها را نصیب ما فرماید، و چشم ما و همه محبان

اهل بیت علیهم السلام را به جمال امام زمان علیه السلام روشن فرماید و ما را جزو ارادتمندان و مشتاقان ظهورش قرار بدهد.

شرح ولادت امام زمان «ع»

حساسیت زمان ولادت

قبلاً این نکته را بیان کنم که دوران ولادت امام زمان علیه السلام دوران بسیار حساس و اختناق آمیزی بوده است. بنی عباس از زمان امام رضاعلیه السلام سیاستی را اتخاذ کردند که ائمه معصومین علیهم السلام را در کنار خود داشته باشند و زندگی آن ها را تحت نظر بگیرند تا بین ائمه و مردم فاصله ایجاد کنند.

به همین منظور، امام رضاعلیه السلام را به جبر به طوس آوردند. بعد از شهادت امام رضاعلیه السلام نیز همین حصر و مراقبت شدید را برای امام جوادعلیه السلام اعمال کردند، لکن به این صورت که مأمون دختر خود، ام الفضل را به ازدواج امام جوادعلیه السلام در آورد تا از درون خانه، آن حضرت را تحت کنترل داشته باشد.

سرانجام از همین طریق امام جوادعلیه السلام را به شهادت رساندند و امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را در کنار زندگی شاهانه و حکومت جبارانه خود، تحت نظر گرفتند و در شهر سامرا این دو امام را یکی پس از دیگری در یک محیط نظامی سکونت دادند و در اطراف آن ها نیروهای مسلح مخصوص دربار خود را گماشتند تا کاملاً آن ها را در کنترل داشته باشند؛ لذا به عسکرین ملقب شدند.

در چنین وضعیتی بایستی خداوند وعده خود را محقق کند و امام دوازدهم را به بشریت هدیه نماید. لکن با توجه به وضعیت اختناق آمیز و در محاصره بودن زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، ولادت امام زمان علیه السلام هم در پرده ای از پنهان کاری و رازداری از جانب خدا صورت می گیرد.

بنی عباس

شدیداً در این فکر بودند که از نسل امام عسکری علیه السلام فرزندی به جای نماند تا مبادا او بر حسب پیش بینی هایی که در روایات شده، حکومت ظالمانه آن ها را سرنگون کنند.

برای این که از این خطر در امان باشند تصمیم شان این بود که نگذارند از امام عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا بیاید و پسری از او بماند که زمامدار امت اسلامی گردد. به همین خاطر می بینیم ظاهراً امام عسکری علیه السلام ازدواج دائم انجام نداد و نیز ولادت امام زمان علیه السلام به صورت رازآلود و در پرده و پوششی از پنهان کاری صورت می گیرد.

به عنوان مثال اسم مادر امام زمان علیه السلام متعدد است. همان طور که قبلاً اشاره شد اسمش ملیکه، نرجس خاتون، سوسن، و بعضی دیگر اسامی مثل ریحانه بوده که یکی از علّت هایش این بود تا کسی متوجه نشود وضعیت و شخصیت مادر امام زمان علیه السلام چیست و کدامیک از زنانی است که در آن محیط و خانواده زندگی می کنند. جایگاه نرگس خاتون، جایگاهی است که بایستی به عنوان همسر امام عسکری علیه السلام دارای فرزندی شود و این در حقیقت مثل اسم مستعاری که مصطلح است یک نوع پنهان کاری بود.

بسیاری از اخباری که ما درباره ولادت امام زمان علیه السلام داریم، ظاهراً تنها از طریق حکیمه خاتون عمّه امام عسکری علیه السلام است. روایتی که از حکیمه خاتون نقل می شود مختلف است، البته با یکدیگر تناقض ندارد ولی به گونه ای است که بخشی از خبرها را به کسی می گوید و حرف های دیگری را به شخص دیگری می گوید و آن حرف های قبلی را نقض نمی کند؛ بلکه حرف های کامل تری به او می گوید و علتش این است که اینان

می دانستند مسئله امام زمان علیه السلام و وجود مبارکش مسأله ای است که باید در راز و رمز بماند. ایشان اخبار ولادت را به افرادی که مورد اعتماد بودند، به نوعی به آن ها منتقل می کرد، لذا اخباری که در کتب مختلف می بینیم به صورت پاره پاره برای افراد نقل شده است، دقیقاً به همین خاطر است که می خواهند راز قضیه برای همه روشن نشود.

ما بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام که به همین نکته می رسیم می بینیم امام عسکری علیه السلام به محض این که به شهادت رسید، معتمد عباسی دستور داد بروند خانه امام حسن عسکری علیه السلام را تفتیش کنند و آن را مهر و موم نمایند، به تعبیر امروزی لاک مهر کنند.

کنیزانی که در این خانه بودند توسط زن های متخصص و قابله ها معاینه شدند تا ببینند کدامیک از آن ها باردار هستند. اتفاقاً یکی از خانم ها را که باردار بود به زندان منتقل کردند و تحت نظر داشتند. در پاورقی کتاب بحارالانوار در جلد ۵۱ یک نکته تاریخی نقل شده است که توسط جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام به دستگاه بنی عباس خبر داده شده که نرجس خاتون جزو همان خانم هایی هست که ممکن است از او فرزندی به دنیا بیاید یا فرزندی از او به دنیا آمده باشد. آن ها حضرت نرجس خاتون را بازداشت کردند و از او راجع به فرزند امام عسکری علیه السلام پرسیدند و او اظهار بی اطلاعی کرد. آن ها که فکر می کردند شاید نرجس خاتون باردار باشد لذا او را به دست قاضی مورد وثوق دستگاه عباسی به نام «ابن الشوراب» سپردند که چون فرزندی متولد شود بکشد. ناگاه عییدالله بن یحیی وزیر از دنیا رفت

و صاحب الزنج در بصره خروج کرد و آن‌ها مشغول فرو نشاندن قائله شدند که از حال نرجس خاتون غافل و آن حضرت به خانه خود بازگشت و نجات پیدا کرد. (۲۶)

این‌ها همه بیانگر آن است که آن‌ها شدیداً در فکر بودند که نگذارند فرزندی از امام عسکری علیه السلام به دنیا بیاید اما: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَنْ يُنِيمَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». (۲۷) خدا آنچه که اراده فرموده انجام می‌شود و کسی جلوی اراده خدا را نمی‌تواند بگیرد، این وعده را خدا محقق کرده است و این فرزند را به دنیا آورده است و تقدیم بشریت نموده است.

در اینجا ماجرای ولادت امام زمان علیه السلام را که از کتب معتبره ای مثل کمال الدین شیخ صدوق، بحارالانوار علامه مجلسی، نجم الثاقب محدث نوری و کتاب غیبت مرحوم شیخ طوسی نقل شده است به اختصار ذکر می‌کنیم.

ولادت با سعادت

از قول حضرت حکیمه خاتون چنین نقل شده است: در روز جمعه و به هنگام طلوع فجر در سال ۲۵۵ ه.ق در شهر سامرا، وجود مقدس امام زمان علیه السلام از نرجس خاتون متولد شد، بدین ترتیب که من در روز ۱۴ ماه شعبان سال ۲۵۵ طبق معمول به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم - معمولاً هم علاقه و ارادتی بین من و امام عسکری علیه السلام بوده است. همیشه هم برای او دعا می‌کردم که خداوند به او فرزندی عنایت کند - افطار کردم و وقتی خواستم برگردم، امام فرمود: عمه جان امشب پیش ما بمان چرا که خداوند امشب می‌خواهد فرزندی به من عنایت کند که وصی من و آخرین وصی پیغمبر خداست.

من از حضرت پرسیدم: از

کدام بانو؟ فرمود: از نرجس خاتون. من اطاعت کردم و آن شب را خدمتشان ماندم، اما وقتی خدمت نرجس خاتون رسیدم هیچ نشانه ای از خبری که امام عسکری علیه السلام به من داده بود ندیدم. به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: من هیچ نشانه ای از تحقق این خبر در وجود این بانو نمی بینم. امام علیه السلام جمله ای فرمودند: «لان مثلها مثل أم موسی لم یظهر بها الحیل ولم یعلم بها أحد إلی وقت ولادتها؛ (۲۸) مثل این بانو، مثل مادر حضرت موسی بن عمران است که هیچ کسی ظهور و بروز حالت بارداری را در مادر حضرت موسی علیه السلام ندید در این بانو هم هیچ کسی این آثار را نمی بیند مگر وقت ولادتش».

در نتیجه به فرمان امام یقین کردم و شب را کنار نرجس خاتون خوابیدم. من زودتر برای انجام نافله شب حرکت کردم. دیدم که حالت او عادی است و راحت خوابیده. گفتم خبری که امام معصوم داد قطعی است اما در این خانم هیچ حالتی نمی بینم.

امام حسن عسکری علیه السلام از پشت پرده صدا زد: عمّه جان! تردید به خودت راه مده که وعده خداوند نزدیک است تحقق یابد. آن گاه نرجس خاتون برای نماز شب برخاست. وضو ساخت و مشغول نماز شد. سپس رو به من کرد و گفت: در خود احساس درد و ناراحتی می کنم. وقتی حالش را به من ابلاغ کرد او را دلداری دادم و در همین حال بود که امام عسکری علیه السلام هم متوجه شد و به من فرمود: عمّه جان! سوره «أنا أنزلناه» را قرائت کن و من سوره «أنا أنزلناه» را قرائت می کردم اما با کمال تعجب دیدم کودکی در رحم

این بانوی پاک است که به همراه من سوره انا انزلناه را قرائت می کند. تعجب من بیشتر شد و در همین حال امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمه جان! این فرزند، حجت خدا است و خداوند او را جانشین من و آخرین وصی پیامبر و حجت خودش برای مردم قرار داده است. تعجب مکن که خداوند در کودکی نطق ما را به کلام خودش گویا کرده است و ما را بین خود و مردم حجت قرار داده است.

همین طور که با امام سخن می گفتم دیدم که بین من و جناب نرجس خاتون پرده ای حایل شد و دیگر او را ندیدم، آمدم به سمت امام عسکری علیه السلام. آن حضرت به من فرمود: نگران نباش! برگرد که مجدداً نرجس خاتون را خواهی یافت. وقتی برگشتم در این حال بود که دیدم کودکی نورانی در کنار اوست و هم از چهره نرجس خاتون نورانیت خاصی را احساس کردم که محیط را روشن کرده است و این کودک سر بر سجده گذاشته، سایر مواضع سجده اش بر زمین و انگشت سبابه اش به سمت آسمان بلند شد و در همان حال این عبارت را به زبان آورد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ خَيْرَ رَسُولٍ اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ». و یک یک اسم ائمه علیهم السلام را شمرد و شهادت به امامتشان داد و تا به اسم خودش رسید این جمله ها را فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتَمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَامْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا؛ بار پروردگارا! وعده ای که در حق من داده ای محقق کن و برای من آماده ساز و گام مرا در راه انجام

وظیفه ثابت کن و زمین را به وسیله ام پر از عدل و داد نما».

در همین حین دیدم این کودک مطهر و پاکیزه است. امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! کودک را بیاور و به من بده.

کودک را برداشته و به خدمت امام عسکری علیه السلام آوردم. امام وقتی می خواست کودک را از من تحویل بگیرد کودک با زبان رسا به پدر سلام کرد. پدر او را در آغوش گرفت و آن گاه زبان در کلام او نهاده و علم امامت را به او منتقل کرد. آن گاه او را به من سپرد تا برای شیر دادن به مادرش برگردانم.

پس از شیر خوردن، مجدداً امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! کودک را به من برگردان. وقتی کودک را به او برگرداندم این بار دیدم که به همراه امام عسکری علیه السلام آیه شریفه: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۲۹) را که طبق نقل مفسرین درباره امام زمان علیه السلام است قرائت کرد. همه این ها دلالت بر عظمت، کرامت و امامت امام زمان علیه السلام دارد.

نکته دیگری مرحوم محدث نوری در کتاب نجم الثاقب و در بعضی از کتب معتبره از قول حکیمه خاتون نقل کردند که فرمود: در این حال دیدم پرندگان آمدند بال های خودشان را بر صورت و چهره و بدن این کودک می مالیدند، در میان پرندگان پرنده ای بود که در همه پرندگان به جلالت ظاهر بیشتر و بهتری می رسید و امام عسکری علیه السلام این کودک را به او سپرد. آن پرنده این کودک را برداشت و بالا برد. من گفتم: یابن رسول الله! این پرندگان کیستند؟ فرمود: این ها فرشتگان الهی اند که تو

آن‌ها را به صورت پرنده دیده‌ای. او روح القدس جبرئیل امین است که پاسبان و حافظ وجود ائمه معصومین علیهم السلام و حجت‌های الهی است و آن کسی است که بایستی علم الهی و حفاظت و امنیت الهی را در ارتباط با این کودک بر عهده بگیرد. این خبر به طور مفصل در کتب معتبره نقل شده است.

از آن پس تاکنون این فرزند صالح که لقبش هم صالح است و ابوالصالح کنیه اوست، در پس پرده غیبت است و بر حسب آیات قرآن که مفسرین ما به حق آن را تفسیر کرده‌اند باید وعده خدا که تحققش قطعی است، به وسیله این حجت بر حق خدا، محقق شود و جهان را از عدل و داد پر کند.

دوران کودکی امام زمان «ع»

نکته اول: مسأله نام امام زمان علیه السلام است

آن گونه که از روایات و احادیث برمی‌آید؛ مهم‌ترین نام امام زمان علیه السلام نام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و مهم‌ترین کنیه اش، کنیه رسول خدا می‌باشد. احادیث زیادی در این زمینه نقل شده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

جناب جابر بن عبداللّه انصاری که از نزدیک‌ترین یاران و صحابه رسول خدا و از ارادتمندان به ساحت مقدّس عترت علیهم السلام بوده است نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً تکون له غیبه و حیره تضلّ فیہ الأمم ثمّ یقبل کالشهاب الثاقب و یملاها عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛ (۳۰) مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، او شبیه‌ترین انسان‌ها از نظر خُلق و خلقت - یعنی از نظر اخلاق و شکل و قیافه - به من است برای او

غیبتی است و زمان غیبت هم طولانی است و در این غیبت طولانی است که امت ها گرفتار گمراهی می شوند؛ ولی او ناگهان مثل شهاب آسمانی ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می نماید پس از آن که پر از ظلم و بی عدالتی شده باشد».

از این روایت به صراحت فهمیده می شود که نام مبارک امام زمان علیه السلام همان نام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و کنیه ایشان هم کنیه رسول خدا است. لکن در کتب معتبره که پیرامون زندگی امام زمان علیه السلام تدوین شده است، با استفاده از آیات و روایات، اسم ها و القاب زیادی برای امام زمان علیه السلام قائل شده اند که فقط آدرس آن ها را ذکر می کنیم که یکصد و هشتاد و دو اسم و لقب در کتاب شریف «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری ذکر شده است که این اسامی و القاب از کتب آسمانی تورات، انجیل، کتاب دینی زرتشتیان، کتب ادیان مختلفی که در دنیا وجود دارد و نیز از فرهنگ های مختلف و اعتقادات متفاوتی که در دنیا هست و نیز از روی آیات و روایاتی که از پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، استخراج گردیده است. در این کتاب آیات قرآنی هم که در ارتباط با امام زمان علیه السلام و تعبیری که برای ایشان شده، همه را نقل می کند که هر کدام دارای پیامی هست؛ یعنی هر اسمی که برای امام زمان علیه السلام ذکر می کند در بردارنده محتوای خاصی است. کتاب نجم الثاقب دقیقاً آن ها را ذکر کرده، پیام و مفهوم و بار معنوی این اسامی را هم در آنجا آورده که بسیار قابل استفاده است.

نکته دوم: رشد معنوی

از نظر

رشد معنوی و فکری ائمه معصومین و حجج الهی علیهم السلام بنا بر لطف خداوندی و سایر تفضلات الهی قبل از ولادتشان و در شکم مادر، دارای رشد معنوی می باشند.

درباره امام زمان علیه السلام هم همین طور است و حدیثی را بیان می کنیم که امام زمان علیه السلام از رشد معنوی و فکری و عقلانی، حتی در رحم مادر هم برخوردار است را مشخص می کند. بر حسب روایات و اعتقاد ما شیعیان، امام حتی در رحم مادر دارای همان ویژگی هایی است که در زمان تصدی ولایت الهی برخوردار می باشد و در کودکی نیز آن ویژگی ها را دارا می باشند. امام عسکری علیه السلام فرمود: وان الصبی منّا لیتکلم فی بطن أمّه و یقرء القرآن و یعبد ربه عزّوجلّ؛ (۳۱) همانا کودک ما در شکم مادر سخن می گوید و قرآن قرائت می کند و خدایش را پرستش می نماید.

نکته سوم: رشد جسمی امام زمان علیه السلام

نکته دیگر بعد از ولادت امام زمان علیه السلام رشد جسمی ایشان است.

رشد جسمی ایشان هم مثل دیگر اولیای خدا رشد غیر عادی بود؛ یعنی به لحاظ رشد جسمی مثل دیگر فرزندان انسان ها عادی و معمولی نبوده است بلکه رشد ایشان به صورت استثنایی همانند اولیای خدا و انبیا و فرزندان انبیا می باشد. در این زمینه حدیثی از کتاب شریف بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی ذکر می کنم که راوی این حدیث هم حکیمه خاتون است و علت آن هم قبلاً ذکر شد چون شرایطی که امام زمان علیه السلام قبل از ولادت و هنگام ولادت داشت وضعیت بسیار استثنایی و خطرناکی بود که قبلاً شرح دادم و لذا معمولاً احادیثی که در ارتباط با طفولیت امام زمان علیه السلام هست مأخذش معدود است. از جمله کسانی که از ایشان

حدیث زیاد نقل شده حکیمه خاتون عمّه امام عسکری علیه السلام است که می فرماید: من پس از چهل روز که از ولادت امام زمان علیه السلام گذشت، به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، دیدم کودکی تقریباً دو ساله از نظر شکل و قیافه که چون قرص خورشید نورانی و زیباست جلوی امام عسکری علیه السلام راه می رود. من تعجب کردم و از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: این آقا زاده کیست؟ حضرت با تبسم فرمود: این فرزند نرجس است. گفتم: عجب، به این سرعت رشد به این خوبی داشته، الحمد لله. امام عسکری علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِذَا كَانُوا أُمَّه يَنْشُؤْنَ بِخِلَافِ مَا يَنْشَأُ غَيْرِهِمْ؛ فَرِزْنَدَانِ پِغْمَبِرَانِ وَ أَوْصِيَاءِ كِه قَرَار شُود بِه مَقَامِ وَصَايَةِ يَآ خِلَافَتِ بَرَسِنْدِ، رِشْدِ وَ نَمُوشَانِ بِه اِنْدَازِه اِي اِسْتِ كِه دِيْغِرَانِ نِدَارِنْد.»؛ يَعْنِي رِشْدِ اَن هَا غَيْرِ عَادِي اِسْتِ. بَعْدِ فَرْمُودِ: «وَإِنِ الصَّبِيَّ مَنَّا إِذَا أَتَى عَلَيْهِ شَهْرٌ كَانَتْ يَأْتِي عَلَيْهِ سَنَةٌ؛ (۳۲) فَرِزْنَدَانِ مَا هَمَّ كِه قَرَار اِسْتِ بِه مَقَامِ وَلايْتِ بَرَسِنْدِ وَ قَتِي كِه يَكِّ مَآهِ اَزِ عَمْرِشَانِ كِذْشْتِ بِه اِنْدَازِه يَكِّ كُودَكِّ يَكِّ سَالِه مِي شُونْد.» وَ فَرِزْنَدِ مَن هَمَّ كِه حَالَا چَهْل رُوزِ اَزِ تُولْدِش مِي كِذْرْدِ رَا بِه شَكْلِ وَ قِيَاْفِه كُودَكِّ دُو سَالِه مِي بِيْنِيْدِ. بَعْدِ اِمَامِ اِدَاْمِه دَاْدِ: «وَإِنِ الصَّبِيَّ مَنَّا لِيَتَكَلَّمُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ فَرِزْنَدَانِ مَا دَرِ شَكْمِ مَادَرِشَانِ حَرْفِ مِي زِنْنْد.».

«وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْبُدُ رَبَّهُ؛ وَ قُرْآنِ قِرَائْتِ مِي كِنْنْدِ وَ پَرُورْدِ گَارِشَانِ رَا عِبَادَتِ مِي كِنْنْد.».

«وَ عِنْدِ الرِّضَاعِ تَطِيْعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَنْزِلُ عَلَيْهِ [كُلَّ صَبَاحٍ] [و] مَسَاءً؛ وَ وَ قَتِي بِه هِنْگَامِ شِيْرِ خَوَارِگِي رَسِيْدِنْدِ فَرِشْتِگَانِ اَزِ اَن هَا اِطَاعَتِ مِي كِنْنْدِ وَ بِه هِنْگَامِ هَرِ صَبْحِ وَ شَامِ فَرِشْتِگَانِ بَرِ اَن هَا وَآرْدِ مِي شُونْد.».

این توضیحاتی بود که امام

عسکری علیه السلام در مورد رشد جسمی امام زمان علیه السلام دادند که شامل رشد معنوی ایشان هم می شود. درباره ائمه دیگر نیز همین نکات را در روایات داریم. معمولاً امام زمان علیه السلام رشدشان به سرعت صورت گرفته، تا جایی که جناب حکیمه خاتون در ادامه همین حدیث می فرماید: بار دیگر که یک مدّت کوتاهی قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام خدمت ایشان شرفیاب شدم، دیدم نوجوانی که به قیافه مردی است آنجا حضور دارد. امام عسکری علیه السلام به من فرمود: در کنار او بنشین. من گفتم: این آقا کیست که مرا دعوت می کنی کنار او بنشینم؟ فرمود: این همان فرزند نرجس است.

گفتم الحمدلله! بعد فرمود: شک مکن که او حجت خدا و وصی من است و من به زودی به شهادت می رسم و تو بعد از من از او اطاعت کن. در روایات هم داریم که وقتی امام عسکری علیه السلام به درجه رفیع شهادت رسیدند اولین بار برادرش، جعفر برای اقامه نماز بر جنازه مطهر امام عسکری علیه السلام حاضر شد و با زمینه سازی های فراوانی که دستگاه بنی عباس انجام داده بودند، می خواستند موقعیت جعفر را به عنوان امام شیعیان تثبیت کنند؛ ولی در همین حال دیدند که نوجوانی آمد و دست بر سینه عمویش زد و او را به کنار هدایت کرد و خودش بر جنازه امام عسکری علیه السلام نماز گزارد. بعد فهمیدند که او فرزند امام عسکری علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام است.

نکته چهارم: اقدامات مربوط به دوران کودکی امام زمان علیه السلام

نکته قابل توجه در رابطه با امام زمان علیه السلام این است که بر اساس موقعیت حساسی که وجود داشت، طبیعی بود که امام زمان علیه السلام می بایست در پس پرده و اختفا نگهداری شود

و با روایاتی که نقل شد، حضرت مهدی علیه السلام با عنایات الهی در زمان حیات پدر در پس پرده نگهداری می شد و کسی نمی توانست ایشان را ببیند، البته این موضوع که در آینده ممکن است امام عسکری علیه السلام از دنیا برود و اگر امام زمان علیه السلام بیاید و ادعا کند که من فرزند امام یازدهم هستم شاید قضیه برای بعضی ها جا نیفتاده باشد و شیعیان هم ممکن است بگویند ما از امام عسکری علیه السلام پسری ندیدیم، و این موضوع ممکن بود آن ها را از نظر اعتقادی متزلزل سازد و پذیرش وجود امام زمان علیه السلام را برای آن ها مشکل نماید. از این رو برای آن که چنین حادثه ای پیش نیاید و عده ای امام زمان علیه السلام را بتوانند ببینند و خطری ایشان را تهدید نکنند و بعدها شهادت بدهند که ما دیدیم که امام عسکری علیه السلام فرزندی داشت، در تاریخ داریم که یک عده معدودی از افراد خاص و مورد اعتماد ائمه معصومین علیهم السلام وجود مقدس امام زمان علیه السلام را در کودکی زیارت کردند و امام عسکری علیه السلام آن حضرت را به آن ها نشان داد که این ها می توانند به عنوان یک سند و حجتی برای شیعیان باشند و شهادت آن ها را مورد قبول قرار بدهند که امام زمان علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و در زمان امام عسکری علیه السلام به دنیا آمد و دیگران هم این شهادت را از قول آن ها پذیرند، علاوه بر کرامات و معجزاتی که از امام زمان علیه السلام می دیدند.

از جمله کسانی که مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود و امام زمان علیه السلام را زیارت کرد و بعدها هم این شهادت را داد؛ یکی از

دوستان نزدیک و از ارادتمندان امام عسکری علیه السلام به نام «احمد بن اسحاق» است. احمد بن اسحاق می گوید: من یک روز خواستم خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شوم و از او راجع به جانشین ایشان سؤال کنم. خدمت ایشان رفتم و به محض این که وارد شدم، قبل از آن که من از ایشان بپرسم امام عسکری علیه السلام شروع به سخن کرد و فرمود:

ای احمد بن اسحاق! از زمان حضرت آدم، خداوند زمین را خالی از حجت نگذاشت و تا قیام قیامت هم زمین را خالی از حجت نخواهد گذاشت، حجت خدا همیشه در زمین هست که خداوند به برکت او، نعمت خود را از زمین در اختیار خلق قرار می دهد، آسمان باران خودش را به برکت حجت خدا بر اهل زمین نازل و به وسیله حجت است که بلا را از مردم دور می کند.

این ها را شرح داد. سپس من از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: یا بن رسول الله! جانشین شما چه کسی است؟ امام بلافاصله از نزد من به اتاق اندرونی رفت و کودک تقریباً سه ساله ای را در آغوش گرفت و به سمت من آمد و فرمود: «این فرزند من است و حجت بر حق خداست و وصی من است و آخرین وصی پیغمبر خداست. امام و جانشینی که تو از آن پرسیدی این فرزند است».

امام عسکری علیه السلام صحبت های دیگری نیز فرمودند. من گفتم: همه این ها را پذیرفتم، اما برای این که قلب من آرام بگیرد یک نشانه ای را هم می خواهم ببینم. دیدم که همین کودک سه ساله در آغوش امام عسکری علیه السلام با بیان رسایی به زبان عربی فرمود: «انا بقیه الله فی الارض» و مطالب دیگر.

احمد بن اسحاق

می گوید: من کاملاً بر این که الحمدلله حجت بر حق خدا بعد از امام عسکری علیه السلام وجود دارد و این حقایق را از زبان خود امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام شنیدم، آرامش پیدا کردم.

مجموعاً افرادی اسمشان در تاریخ ذکر شده که امام زمان علیه السلام را در زمان کودکی زیارت کرده اند و بعدها هم در ملامت عام شهادت داده و مسائلی که مربوط به امامت و حجت بودن امام علیه السلام بود، برای مردم نقل کرده اند.

البته بعد از این که امام زمان علیه السلام در پس پرده غیبت رفت، عده فراوانی وجود مقدس ایشان را زیارت کردند و زیارت می کنند و هر کسی که لیاقت داشته باشد قطعاً در هر کجا و در هر زمان خداوند تفضل کند و این برکت را نصیب او نماید، می تواند وجود مقدس امام زمان را ببیند، اما این دیدار لیاقت و سعادت می خواهد، شرایط دارد و هر چشمی لیاقت دیدن امام زمان علیه السلام را ندارد و هر گوشی لیاقت شنیدن کلام نورانی آن حضرت را ندارد.

آغاز امامت امام زمان «ع»

توضیح

آغاز امامت امام زمان علیه السلام، روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۵ ه.ق است؛ یعنی روز شهادت امام یازدهم علیه السلام آغاز امامت امام زمان علیه السلام است. جالب است بدانیم که ولادت امام زمان در روز جمعه بوده و اولین روز امامتش روز جمعه و نیز بنا بر نقلی که از نظر شیعه بسیار مشهور است، ظهور امام هم روز جمعه است و همچنین یکی از اسامی آن حضرت نیز جمعه است.

یکی از افراد مورد وثوق و اعتماد ائمه معصومین و خاصه امام عسکری و امام زمان علیهم السلام فردی به نام ابوسهل بود. ابوسهل اسماعیل بن

علی نوبختی می گوید: پس از آن که معتمد، امام عسکری علیه السلام را به زهر مسموم کرد، من به خدمت امام عسکری شرفیاب شدم، لحظه ای بود که فرزند امام عسکری علیه السلام هم بر پدر وارد شده بود. امام حالش منقلب بود و شدیداً ضعیف شده بودند به گونه ای که وقتی ظرف آب را برای نوشیدن به امام عسکری دادند، قدرت نگهداری ظرف آب را نداشت و می لرزید و دندان های امام عسکری که به کاسه نزدیک شده بود می خورد و من صدایش را می شنیدم. در این لحظه وقتی که امام زمان علیه السلام وارد شد، به محض این که چشم امام عسکری به امام زمان افتاد، بسیار خوشحال شد اما لحظه ای گریست و بعد او را به عنوان آخرین وصی رسول الله و آخرین امام مؤمنین و به عنوان حجت بر حق خدا معرفی کرد و وصیت و سفارش خود را به امام زمان نمود. در این لحظه گویی احساس شد لحظه آغاز قبول مسئولیت امامت امام زمان بود. بعد امام عسکری رو به امام زمان کرد و فرمود: «یا سید اهل بیت! اسقنی بالماء فإنی ذاهب إلی ربّی؛ (۳۳) ای بزرگ خاندان خودت! آبی به من بنوشان؛ زیرا من به زودی به سوی پروردگارم خواهم شتافت».

امام زمان علیه السلام هم آب را به دست پدرش داد و بعد به پدرش کمک کردند تا او وضو بسازد. صحبت هایی هم بین امام عسکری و امام زمان علیهما السلام صورت گرفت آن گاه امام عسکری علیه السلام به درجه رفیع شهادت نایل گشتند.

البته این مسائلی بود که درباره امام زمان و آغاز امامتشان است، ولی چیزی که باید به عنوان حجت برای مردم باشد این

است که برای اثبات حجت بودن امام زمان و امامت ایشان طبیعی است که شیعیان او هم دلایل قانع کننده ای که باعث اطمینان خاطر بشود نیاز دارند.

ابوالادیان یکی از خدمتگزاران و یکی از دوستان نزدیک امام عسکری علیه السلام بود. ابن بابویه رحمه الله به نقل از ابوالادیان می گوید: امام عسکری علیه السلام به من مأموریتی داد که به مدائن بروم و نامه هایی را به آنجا برسانم. امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ابوالادیان! وقتی بعد از پانزده روز از مدائن برگشتی، شهر سامرا را پر از شیون و غوغا خواهی یافت؛ زیرا که من به شهادت خواهم رسیدم. من نگران شدم و از امام راجع به جانشین شان پرسیدم: وقتی شما به شهادت رسیدید، چه کسی باید امامت امت را به عهده بگیرد؟ امام عسکری در جواب به من سه نشانه داد؛ نشانه اول: آن کسی که بر بدن من نماز بگذارد. دوم: آن کسی که جواب نامه ها را از تو طلب کند و نشانه سوم: کسی که بگوید در همیان و کیسه ها چه چیزی وجود دارد. حیا مانع شد که راجع به کیسه از آقا پرسم، نپرسیدم و با نگرانی سفرم را آغاز کردم و به مدائن رفتم. مأموریت را انجام دادم و وقتی برگشتم همان گونه که امام عسکری گفته بود، ایشان به شهادت رسیدند. آن گاه چیزی که برای من مهم بود این بود که بدانم چه کسی جانشین امام یازدهم و به عنوان امام دوازدهم و حجت بر حق خداست. وارد بیت امام عسکری شدم، دیدم برادرش جعفر بر جایگاهی نشسته است و همه واردین به او تسلیم می گویند. گویی این گونه وانمود می شود که او

به عنوان جانشین امام عسکری است، در حالی که من او را می شناختم و می دانستم انسانی است بد سابقه و بد عمل که مرتکب محرمات می شد. مطمئن بودم که او لیاقت امامت را ندارد اما الآن در چنین جایگاهی قرار گرفته؛ چرا که دستگاه بنی عباس تلاش می کرد او را به عنوان جانشین امام عسکری به مردم معرفی کند. در همین حال خبر آوردند که او بیاید و بر پیکر امام عسکری علیه السلام نماز بگذارد.

او از جای خود حرکت کرده، به سمت پیکر مطهر امام عسکری رفت تا نماز بگذارد، دیدم نوجوانی با جمیع شیوه ها و شمایل زیبایی که دلربا بود آمد و دامن عمویش را گرفت و گفت: ای عمو! کنار برو که من بر نماز گزاردن بر پیکر بابایم شایسته ترم.

او را کنار زد و بر پیکر امام عسکری نماز گزارد. با این صحنه مطمئن شدم که یکی از نشانه هایی که امام عسکری داده بود تحقق یافت و این شخص بر بدن امام عسکری نماز گزارد. منتظر بودم که نشانه های دیگر هم تحقق پیدا کند. در این حالت بود که وقتی نماز تمام شد به من اشاره کرد که جواب نامه ها را بده. این هم نشانه دوم؛ چون نامه ای که امام عسکری به من سپرده بود و آن را به مدائن بردم، به دوستانی که باید می دادم سپردم و جواب نامه های آن ها را به همراه بیت المال و سهم امامی که داده بودند با خودم آورده و منتقل کرده بودم. منتظر بودم نشانه سوم هم تحقق پیدا کند، در همین حال جمعی از مؤمنین قم آمدند و در میان جمعیت عزادار قرار گرفتند و

گفتند: جانشین امام عسکری کیست؟ آن‌ها را به سمت جعفر هدایت کردند. آن‌ها وقتی پیش جعفر رفتند، پرسیدند: شما جانشین امام عسکری هستید؟ پاسخ داد: آری. گفتند: بگویید که ما حامل چه چیزی هستیم و نامه‌ای که با ماست چه کسی و برای چه کسی نوشته است و چیزی که به همراه ماست آن متاع چیست و چقدر است؟

جعفر با کمال عصبانیت گفت: عجب! مردم را ببینید که از من چه چیزی را درخواست می‌کنند، علم غیب از من طلب می‌کنند؟ من فهمیدم که او امام نیست و جمعیتی که از قم آمده بودند هم با این پاسخ او مطمئن شدند که او امام نیست و جانشین امام عسکری شخص دیگری است. در همین حال فرستاده‌ای از درون خانه آمد و گفت که حجت خدا (امام زمان) فرمودند: نامه‌هایی که شما اهل قم از فلان شخص و فلان شخص برای امام عسکری آورده‌اید، آن نامه‌ها را بیاورید و به همراه شما همیانی است که هزار اشرفی در آن قرار دارد که از میان هزار اشرفی که به عنوان سهم امام است، ده اشرفی قلبی است که روکش طلا شده و اصل نیست.

آن‌ها باز کردند و دیدند هزار اشرفی سفید هست و آن ده اشرفی را هم شناسایی کردند. ابوالادیان می‌گوید: من دقیقاً به همان نشانه‌هایی که امام حسن عسکری به من داده بود رسیدم و یقین کردم که او امام امت اسلامی و آخرین وصی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و آن پیامی که فرستاده شده از ناحیه امام زمان است و آن فردی که نماز بر پیکر امام عسکری گزارد امام زمان و

غیبت امام زمان علیه السلام

غیبت امام زمان علیه السلام از نظر شیعیان به دو بخش تقسیم می شود: غیبت صغری و غیبت کبری.

غیبت صغری و نواب اربعه غیبت صغری یعنی غیبت کوتاه مدّت، منتها با یک شیوه خاصی که امام زمان علیه السلام به وسیله نایبان خاصی که چهار تن بودند و از جانب او تعیین شده اند، با شیعیان ارتباط داشته و جواب نامه های آن ها را به صورت کتبی و یا شفاهی می دادند. این چهار شخصیت به نواب اربعه معروف هستند که اولین آن ها شخصیت ارجمند اسلامی «عثمان بن سعید عمروی» است. عثمان بن سعید عمروی هم جزو معتمدین و دوستان نزدیک امام هادی علیه السلام بود و هم به عنوان دوست نزدیک و صمیمی و مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود و بعد هم امام زمان او را به عنوان اولین نایب خاص خودشان و رابط بین خود و شیعیان قرار دادند، به گونه ای که جواب سؤالاتی را که شیعیان از امام زمان می خواستند پرسند، می گرفتند و مشکلاتی را که امت اسلامی داشتند به این واسطه حل می کردند.

بعد از عثمان بن سعید عمروی، پسرش که او هم از شخصیت های بسیار با ارزش اسلامی است، به نام محمدبن عثمان بن سعید عمروی دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام شد. نماینده سوم امام زمان هم «حسین بن روح» بوده است و آخرین نماینده امام زمان به نام علی بن محمد سمی است که مجموعاً مدّت نیابت این چهار نایب که با امام زمان علیه السلام ارتباط داشتند ۶۹ یا ۷۴ سال طول کشید. این غیبت را به عنوان غیبت صغری می دانیم.

غیبت کبری اما غیبت کبری، تقریباً شش روز قبل از آن که

علی بن محمد سمیری وفات نماید توقیع مبارکی از جانب امام زمان علیه السلام دریافت کرد که با تمجید و تحسین از او به او خبر داد که حداکثر پس از شش روز از دریافت نامه از دنیا خواهی رفت و دیگر بعد از تو نایب خاصی که به عنوان رابط معین میان من و شیعیانم باشد تعیین نمی شود، بلکه ویژگی های عمومی را در اختیار قرار داد که هر کسی که دارای این ویژگی ها باشد او حجت من بر شیعیان است و من حجت خدا هستم.

از لحظه ای که آخرین نماینده خاص امام زمان علیه السلام به لقاء الله پیوست تا امروز و تا روزی که امام زمان علیه السلام از پس پرده غیبت بیرون آید، به عنوان غیبت کبری محسوب می شود. در زمان غیبت کبری، رابط بین ما و امام زمان علیه السلام فرد خاصی نیست. هر کسی ادعا کند من به عنوان نایب خاص امام زمان علیه السلام هستم و او را مشاهده کردم، بنابر توقیع امام علیه السلام چنین مردی دروغگو است و قطعاً حرفش صحت ندارد، بلکه با ویژگی هایی که امام زمان علیه السلام دادند، از میان فقهای جامع الشرایطی که تحت عنوان روای احادیث و اسلام شناس است آن را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام و حجت ایشان بر خودمان می دانیم و تا روزی که امام علیه السلام در پس پرده غیبت بماند رابط بین ما و امام زمان علیه السلام فقها و مجتهدین واجد شرایط هستند و در عصر حاکمیت حکومت اسلامی و نایب امام زمان علیه السلام و حاکم بر مردم، ولی امر مسلمین و ولی فقیه است که ما او را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام

می شناسیم و اطاعت او را اطاعت از امام زمان علیه السلام می دانیم.

در بیان دیگری که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است، هر کسی فقها را رد کند و دستور آن ها را نپذیرد و حرف آن ها را زیر سؤال ببرد و اصالت برای حرف آن ها قائل نشود، همانند کسی است که امامان معصوم علیهم السلام را قبول ندارد. در حدیث امام صادق علیه السلام که فرمودند: «الراد علیهم کالراد علینا» (۳۵) مَثَل کسانی که فقها را رد نمایند مَثَل کسانی است که ما را رد می کنند؛ بنابراین بین دستورات فقها و مجتهدین با دستورات امام زمان علیه السلام پیوند خورده است.

و ما در عصر حاکمیت نظام مقدّس جمهوری اسلامی، فقیه عالیقدر و ولی امر مسلمین را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام می دانیم و اطاعت از دستوراتش را به منزله اطاعت از امام زمان علیه السلام تلقی می کنیم.

خداوند به برکت وجود امام زمان علیه السلام و به دعای خاص آن حضرت علیه السلام پرده از رخسار دلربای او بر کشد و چشمان ما را به جمال دل ربایش روشن گرداند و به وسیله او مظلومیت جهان اسلام پایان پذیرد و دل های مؤمنین شاد و اولیای خدا عزیز و دشمنان دین خدا ذلیل و خوار گردند، ان شاء الله.

شرح غیبت صغرا و کبرای امام زمان «ع»

اشاره

مسأله غیبت امام زمان علیه السلام یک امر تازه و نویی که پس از تولد او در عقیده شیعه مطرح شده باشد نیست، بلکه از ابتدای اسلام و رسالت نبی مکرم صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از مسائل عقیدتی مطرح بود.

از آیات قرآن کریم و نیز روایاتی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، کراراً درباره غیبت

امام زمان علیه السلام و ظهور آن حضرت و حکومت جهانی و دینی او بحث به میان آمده است که در این فرصت کوتاه به آیات و روایاتی که در این باره آمده است توفیق پرداختن نیست، فقط به نقل یک روایت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اکتفا می کنم.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: من درباره فایده وجود مقدس امام غایب از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم: یا رسول الله! امامی که شما به عنوان امام غایب و یکی از اوصیا و آخرین وصی خودتان مطرح می فرمایید، چه فایده ای برای امت اسلامی در زمان غیبت دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب من فرمود: «والذی بعثنی بالنبوه إنهم لیتفعون به ویستضیئون بنور ولایتیه فی غیبتیه کانتفاع الناس بالشمس وإن جللها السحاب؛ (۳۶) قسم به آن خدایی که مرا به نبوت مبعوث کرد، همانا مؤمنین در زمان غیبت امام زمان از ولایت و نور ولایت برخوردارند و از نور ولایت او کسب نور می کنند مثل برخورداری مردم از نور خورشید است، هر چند در پس ابر باشد».

چگونه وقتی که خورشید در پس پرده ابر وجود دارد همه مردم از آن بهره می گیرند و از تشعشعات آن استفاده می کنند و از جذابیت های آن برخوردارند و از فوایدی که خدا در خورشید قرار داده، همه بهره مند می شوند، مؤمنین هم در زمانی که امام عصر علیه السلام در پس پرده غیبت قرار گرفت از نور ولایت او همانند خورشید پشت ابر برخوردارند.

با این حدیث، مفاهیم زیادی را می توان استفاده نمود. نکته مورد نظر این است که در زمان پیامبر اکرم علیه السلام بحث غیبت امام زمان و فایده امام علیه السلام برای

مؤمنین مطرح بوده و رسول خداصلی الله علیه وآله خود این موضوع را تبیین و تشریح فرمودند.

از قول ائمه معصومین علیهم السلام هم در کتب معتبره روایات زیادی در باب غیبت وارد شده است که باید به مصادر و مآخذ آن مراجعه شود.

درباره غیبت امام زمان علیه السلام همان طور که قبلاً اشاره شد به دو غیبت عقیده داریم؛ یکی غیبت صغری است که اگر از زمان ولادت امام زمان در نظر بگیریم تا وفات آخرین نایب امام زمان علیه السلام یعنی علی بن محمد سمري، ۷۴ سال است و اگر از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام که آغاز امامت امام زمان علیه السلام است محاسبه شود ۶۹ سال می شود.

از زمان وفات علی بن محمد سمري که آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام بود تا امروز، به عنوان غیب کبری نام دارد.

یک سؤال

سؤالی که اینجا مطرح است و شاید به ذهن بیاید این است که غیبت کبری امام زمان علیه السلام چند سال است؟ آیا می توانیم پیش بینی کنیم که امام زمان علیه السلام تا چه زمانی در پس پرده غیبت خواهد بود و کی ظهور خواهد کرد؟

جواب این است که هیچ کسی این موضوع را نمی داند، حتی در روایاتی آمده که خود امام زمان علیه السلام هم دقیقاً نمی داند و سفارشاتى که شده این است که ما از خدا ظهور و فرج امام زمان علیه السلام را مسئلت کنیم، یعنی کسی نمی داند پایان غیبت کبری چه زمانی خواهد بود.

اینجاست که بعضی از افراد مخالف و تضعیف کنندگان عقاید حقّه و یا افراد سودجو و شایعه پراکن و یا مخالف دین و ولایت و امامت، هر از گاهی حرف هایی را شایع می کنند و

بر سر زبان ها می اندازند، چیزهایی را می نویسند و دست به دست می کنند و می گویند مثلاً فلان کس خواب دید که امام زمان علیه السلام کی و کجا خواهد آمد. این ها هیچ کدام قابل قبول نیست و کسی نمی داند امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهور خواهد کرد. اسحاق بن یعقوب نقل می کند که محمد بن عبدالله عمری به امام زمان علیه السلام نامه ای نوشت و حضرت در جواب آن فرمود: «فإنه إلى الله وكذب الوقاتون»؛ (۳۷) امر آن به دست خداست. و هر کس برای آن زمان تعیین کند دروغگو است».

غیبت کبرای امام زمان علیه السلام آغازش زمان وفات آخرین نماینده ایشان، علی بن محمد سمی است و پایانش تا زمانی است که خداوند اراده فرماید و پرده از رخسارش بگیرد و او را به عنوان امام ظاهر به حضور بیاورد و همه از وجود مبارکش برخوردار شوند که خداوند ان شاء الله در ظهور او تعجیل فرماید و دنیا را از حکومت ایشان برخوردار گرداند.

روایاتی که در باب زمان ظهور امام زمان علیه السلام است زیاد است؛ از جمله:

توقیعی است که امام زمان علیه السلام به آخرین نایبش داده اند؛ یعنی نامه ای که امام زمان علیه السلام قبل از وفات آخرین نایبش، علی بن محمد سمی به او نوشت و در آنجا اشاره فرمود: «فقد وقعت غيبه التامه فلا ظهور إلا بعد اذن الله عزوجل بعد طول الامد وقسوه القلوب وامتلاء الأرض جوراً»؛ (۳۸) غیبت کبری آغاز شد، این غیبت پایان نمی پذیرد مگر بعد از اجازه خداوند، مگر پس از آن که زمان درازی فاصله شود و دل ها در برابر پذیرش حق و خدا، سخت و سنگین شود و زمین از ظلم و جور پر گردد».

در این حدیث

می بینیم که امام زمان علیه السلام نمی گوید چه موقع غیبت کبری تمام می شود بلکه می فرماید بستگی به اذن خدا دارد. چیزی که ثابت است طولانی بودن آن است و مشخصاتش این است که افراد جامعه به خاطر گناه زیاد و ضعف ایمان دل هایشان برای پذیرش حق، سخت و سنگین می شود و زمین از ظلم و جور پر می گردد.

این خصوصیت و ویژگی عمومی، در دوران ظهور امام زمان علیه السلام است.

حدیثی هم از قول امام جعفر صادق علیه السلام در همین رابطه است و وضعیت زنان دوران ظهور را بیان می کند و مشخص می سازد که زمان غیبت امام زمان علیه السلام بسیار طولانی خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «والله لتكسرنَّ كسر الزجاج وإن الزجاج يعاد فيعود كما كان والله لتكسرنَّ كسر الفخار وإن الفخار لا يعود كما كان والله لتمحصنَّ والله لتغربلنَّ كما يغربل الزؤان من القمح؛ (۳۹) به خدا قسم! همانا شکسته می شوید مانند شکستن شیشه ها و بر می گردند شیشه ها پس از شکستن به حالت اول. به خدا قسم! در دوران غیبت بعضی ها شکسته می شوید مانند شکستن سفال، ولی سفال بعد از شکستن به حالت اول بر نمی گردد. به خدا قسم! در غیبت کبری که طولانی می شود انسان ها امتحان و زیر و رو می شوند، غربال می شوند مثل، غربال شدن دانه ها از گندم؛ یعنی به قدری فشار و تیرگی فساد و ظلم و ستم و انحراف و انحطاط زیاد می شود که انسان ها غربال شده، خوب ها و بدها از هم جدا می شوند.

طول غیبت سبب می شود که بعضی ها که ایمانشان ضعیف است ایمانشان سست شود. طبق روایات، بعضی ها کافر می شوند، بعضی ها می گویند امام زمان علیه السلام نیست، بعضی ها می گویند که آمد و رفت، بنابراین

از این روایات استنباط می شود که غیبت کبرای امام زمان علیه السلام طولانی است و الآن هم می بینیم که بیش از هزار و صد سال از غیبت امام زمان علیه السلام می گذرد و بسیار طولانی شده است.

نکته ای که امام صادق علیه السلام در این حدیث فرمود، این است که دو نوع شکستن را بیان فرمود: یک نوع شکستن شیشه و یک نوع شکستن سفال، شاید منظور این باشد که بعضی از مؤمنین در زمان غیبت طولانی امام زمان علیه السلام فساد و تباهی و جرم و جنایت و تمایلات به مادیات دنیا، آن ها را از ایمان بر می گرداند. درست مثل این که ظرف شیشه ای می شکنند، ایمانشان می شکنند اما بعد توبه می کنند و به حالت اول بر می گردند و ایمان را قبول می کنند. اما بعضی از مؤمنین به دلایل مختلف، ضعف و سستی در ایمان آن ها ایجاد شده، ایمانشان شکسته می شود و دیگر به حالت اول بر نمی گردند و بی ایمان خواهند مرد.

این است که باید در زمان غیبت، شدیداً از ایمان خود حفاظت کرده مبدا که ایمانمان شکسته شود و اگر خدای ناخواسته در جایی ضعفی ایجاد شد باید دقت کرد که ان شاء الله این ضعف جبران شود و دل هایمان در راه اعتقاد به امام زمان علیه السلام و ارادت به آن حضرت و ولایت آن امام محکم و مستحکم بماند.

طرح سؤالی دیگر

نکته ای که خوب است در اینجا به اختصار به آن اشاره کنیم این است که چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ آیا خدا نمی خواهد این ملت و این امت، در عصر غیبت کبری دارای امام باشند که در حضور و ظهور باشد؟ یا خود امام زمان علیه السلام علاقه به حاکمیت

و حضور خودشان ندارند؟

هیچ یک از این دو نظر درست نیست؛ زیرا اولاً خداوند با این لطفی که به بندگان خود دارد، در هیچ عصر و زمانی بندگان خود را از امام حاضر محروم نمی کند که خود یک بحث مفصلی در باب قاعده لطف و ضرورت وجود امام و رهبر در جامعه است که خداوند همه ضرورت ها و نیازهای بشر را تأمین می کند. قطعاً این نیاز اساسی را که داشتن رهبر و امام و پیشوا و قائد معصوم است، خداوند از بشر محروم نمی کند.

اما آیا امام زمان علیه السلام دلش نمی خواهد که ظهور کند؟ قطعاً این طور نیست. بلکه امام زمان علیه السلام می خواهد در جمع مردم به صورت ظاهر و عادی حضور داشته باشد و جلوی جرم و جنایت را بگیرد و عدل خدا را اجرا کند، همچنان که ائمه دیگر این کار را می کردند، پس چرا امام زمان علیه السلام ظاهر نیست؟ چرا در پس پرده غیبت است؟ راز و رمز قضیه چیست؟

با استفاده از حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از رازهای مسئله غیبت می پردازیم.

شیخ صدوق - اعلی الله مقامه الشریف - در کتاب «علل الشرایع» از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرموده است: از رسول خدا راجع به امام زمان علیه السلام سؤال شد، ایشان فرمودند: «فلا بد للغلام من غیبه فقیل له: ولم یا رسول الله؟ قال: یخاف القتل؛ (۴۰) به ناچار امام زمان علیه السلام باید غیبت کند و غایب باشد پرسیدند چرا؟ فرمود: به دلیل خوفی که از شهادتش می رود امام زمان علیه السلام غایب است».

لازم است ماجراهای قبل از امام زمان علیه السلام را ببینیم و بدانیم قبل از امام زمان علیه السلام که

یازده امام دیگر بوده اند، سرنوشتشان چه شد؟

امیرالمؤمنین با آن همه زجر و شکنجه ای که دید، سرنوشتش شهادت بود، آن هم با شمشیر کسانی که به نام دین آیه ای از قرآن را تلاوت کردند و در محراب عبادت آن حضرت را به شهادت رساندند. امام حسن علیه السلام را مظلومانه شهید کردند، سیدالشهدا علیه السلام و یارانش را در کربلا به شهادت رساندند، سایر ائمه را نیز یکی پس از دیگری تا امام عسکری علیه السلام مظلومانه به شهادت رساندند و طبیعی است که امام دوازدهم هم اگر حضور می داشت او را هم به شهادت می رساندند و این چیزی است که تجربه گذشته نشان داده. دشمن که عملیات به شهادت رساندن امام علیه السلام را قبل و بعد از ولادتشان و بعد از غیبتشان آغاز کرد، تمام تلاشش را به کار برد تا دو سال بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام امام زمان علیه السلام را پیدا کند و به شهادت برسانند، پس معلوم می شود که اگر امام زمان علیه السلام حاضر بود مردم او را می کشتند، یعنی توسط همان کسانی که آمدند حکومت را گرفتند، و به دستور آن دنیاطلبان و ریاست طلبان به شهادت می رسید. و احادیث زیادی در این باب وجود دارد.

خوب از طرفی خداوند نمی خواهد مردم، بدون امام و رهبر باشند؛ یعنی لطف خدا و رحمت او ایجاب می کند که مردم امام داشته باشند. و از طرفی در میان مردم کسانی هستند که نور خدا را نمی پذیرند و می خواهند آن را خاموش کنند: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ». (۴۱) این کار را در گذشته انجام دادند و خدا هم که می خواهد نور ولایتش امتداد پیدا کند؛ بنابراین یا باید

یکی پس از دیگری امام منصوب الهی را به شهادت برسانند و خداوند تا قیام قیامت پی در پی، امام دیگری را جایگزین او کند و یا باید تمهیداتی قائل شود که مردم فاقد امام نباشند و پیکره هستی فاقد قلب نباشد و دوام و استقرار پیدا کند، از طرفی این امام هم مورد آسیب قرار نگیرد، تا زمانی که وضعیت عمومی، شایستگی اش را برای پذیرش امام اثبات کند و امام از پس پرده غیبت بیرون بیاید.

به یک مثال توجه کنید

مثلاً- در یک محله ای مردم در تاریکی شب برای رفتن به منزل و برای عبور از معبرها نیاز به چراغ دارند؛ اما افرادی وجود دارند که مخلد و منافع خود را در تاریکی می بینند و هر چراغی را که روشن می شود می شکنند. مسئولی که دل در گرو مردم دارد می خواهد تا محیط امن باشد و مردم گمراه نشوند و راه خانه شان را پیدا کرده و آسیب نبینند. حال اگر این افراد چراغ اول را شکستند، آن مسئول چراغ دیگری جای آن قرار می دهد، اگر باز هم آن را شکستند چراغ دیگری برایش قرار می دهد آخر الامر می بیند که این مردم خیلی بی لیاقتند همه چراغ ها را می شکنند آیا دیگر چراغی نزنند، تا مردم در تاریکی بیفتند؟ خوب طبیعی است که با حکمتش جور در نمی آید. پس چراغ را در یک جدار و پرده قرار می دهد تا هم نورش را برساند که نیازمندان به این نور از آن برخوردار شوند و هم دشمنان نور هدایت نتوانند به آن آسیب بزنند، درست است که وقتی در جدار باشد نورش کمتر می شود اما به هر ترتیب مانند خورشید پس ابر از آن

استفاده می کنند. طبق حدیثی که بیان شد بحث غیبت امام زمان علیه السلام چنین واقعیتی است.

در خاتمه جمله ای از مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی از کتاب تجرید الاعتقادش نقل می کنم: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر، و غیبتۀ منّا؛ (۴۲) وجودش نشانه لطف خداست و تصرف او در امور لطف دیگر خداست اما موجب و علت غیبت او ما هستیم».

پس علت غیبت را باید در مردم و جامعه بشری جستجو کرد.

امیدوارم خداوند علت غیبت را برطرف و اسباب ظهور امام زمان علیه السلام را فراهم و ما را از نعمت حضورش برخوردار نماید.

مکان زندگی امام زمان «ع»

توضیح

یکی از سؤالاتی که درباره وجود مقدس حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام مطرح است محل زندگی امام زمان علیه السلام است که آیا جای مشخصی هست، یعنی آیا در یک نقطه ثابت و مشخص زندگی می کنند و مثل دیگر انسان ها دارای اهل و عیال و زندگی هم هستند یا خیر؟

تشکیل زندگی

در این قسمت به اختصار با تکیه بر روایات و اقوال مختلف در این مورد بحث می کنیم.

درباره نکته دوم که آیا امام زمان علیه السلام نیز مثل سایر افراد مؤمن تشکیل خانواده داده است یا نه، دو جواب در این مورد وجود دارد:

اول از آنجایی که مسأله ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یکی از اساسی ترین مسائل مؤمن و سنت نبوی است، عادتاً نباید امام زمان علیه السلام از این سنت مهم رویگردان باشد و سرباز زند، باید مثل دیگر مؤمنین بلکه به عنوان امامی که همه سنت های الهی را انجام می دهد این امر را هم انجام داده باشد.

دوم این که در برخی از روایات هم به این مطلب اشاره شده که امام زمان علیه السلام دارای اهل و عیال است، گرچه روایاتی هم دیده می شود که تصریح به عدم آن دارند لذا بعضی معتقدند آن حضرت ازدواج نکرده است و دلایلی برای اثبات عقیده خود ارائه می کنند.

اما اگر امام زمان علیه السلام دارای خانواده است چگونه می شود ما این خانواده را شناسیم؟! در این نکته بحث مفصلی است که در کتب مفصل در مورد امام زمان علیه السلام مطرح شده است که می توان به آن ها مراجعه نمود.

اما در نکته اول که راجع به محل زندگی امام زمان علیه السلام است؛ اشاراتی وجود دارد که به بخشی از آن اشاره می کنم.

در دعای ندبه این جمله به زبان همه افراد جاری است: «أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِحُكْمِ النَّوَى بَيْلُ أُمَّيْ أَرْضٍ تُقْلِكُ أَوْ تُرَى ! أَبْرَضُوا أَوْ غَيْرِهَا، أُمَّ ذِي طُوى ! عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمِعُ - لَكَ حَسَبٌ وَلَا نَجْوَى؛ (۴۳) ای امام زمان در کجا هستی، کدام

سرزمین تو را در بر گرفته است، آیا در رضوی هستی؟ یا در غیر آنجا؟ آیا در «ذی طوی» هستی؟ برای ما بسیار گران است که همه را بینیم ولی تو دیده نشوی و از تو هیچ نه می شنویم و نه تو را می بینیم و نه احساسی از صدای تو داریم».

این درد دلی است در دعای ندبه که به ساحت مقدّس امام زمان علیه السلام شده است؛ یعنی راجع به محل استقرار و محل زندگی ایشان سؤال می شود و جواب این است که ما نمی دانیم کجا هستی.

نکته مهمی که در ارتباط با زندگی و محل زندگی امام زمان علیه السلام در کتب تاریخی مطرح شده که بر سر زبان ها هم افتاده؛ مثلاً داستان جزیره خضراء آیا واقعاً چنین چیزی صحت دارد؟

در بعضی از کتب مثل بحارالانوار علامه مجلسی و کتاب نجم الثاقب مرحوم علامه محدث نوری و دیگر مآخذ، مطالبی راجع به جزیره خضراء وارد شده است که شرح آن را مطرح نمی کنم، امّا چیزی که هست این داستان در میان شخصیت های برجسته، موافقان و مخالفانی دارد که امام زمان علیه السلام در یک جایگاهی تحت عنوان جزیره خضراء زندگی کنند.

امّا درباره موضوع کوه رضوی یا ذی طوی در بعضی منابع، از جمله همین فراز از دعای ندبه راجع به کوه رضوی یا ذی طوی بحث به میان آمده است. آیا واقعاً حضرت در کوه رضوی و ذی طوی زندگی می کند؟

البته کوه رضوی و ذی طوی از کوه های اطراف مدینه هستند که به عنوان نقاط مقدّس به حساب می آیند و مردم به آنجا توجه می کنند. شاید وقتی هم امام زمان علیه السلام در آنجا رؤیت شده باشد، امّا به این

معنی که در آنجا زندگی کند، به صورت قطعی مورد قبول نیست.

نکته دیگری که باز در افکار عموم مطرح است، سردابی است که در کنار حرم مطهر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در شهر سامرا قرار دارد؛ آنجا سردابی است که اکنون آنجا را زیارت می کنند، بعضی ها فکر می کنند یا معتقدند که امام زمان علیه السلام در آنجا مخفی شده است. آیا واقعاً این طور است؟ این هم معقول و مقبول به نظر نمی رسد، البته خود سرداب به دلیل این که هم محل زندگی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بوده و هم امام زمان علیه السلام در آنجا متولد شده، جایگاه مقدسی است. و یکی از مصادیق آیه شریفه است که می فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (۴۴) که درباره خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و خانه ائمه معصومین علیهم السلام هم جزو مصادیق این آیه به حساب می آیند. پس شاید از جمله مصادیق آن همین جایگاه و سردابی است که در سامرا وجود دارد، اما نه عنوان این که امام زمان علیه السلام در آنجا پنهان باشد. از این جهت این مسأله توسط صاحب نظران مورد دفاع نیست.

به هر ترتیب، نکته ای که اینجا قابل بحث است این است که آیا امام زمان علیه السلام پنهان است و در معرض دید حاضر نمی شود و یا پنهان نیست و زندگی ناشناخته ای دارد که دیگران ممکن است او را ببینند ولی او را نشناسند؟

از روایات در این باب هر دو نظر را می توان دریافت، اما آنچه را که غالب روایات و نظرات به آن توجه دارند این است که امام زمان علیه السلام

از دید همه پنهان نیست، امام زمان علیه السلام به آن معنی غایب نیست، به تعبیر حضرت آیت الله حسن زاده آملی که فرمودند «ما غایبیم، او غایب نیست» او هر وقتی که بخواهد می تواند هر کجا و هر کسی را ببیند، این ما هستیم که نمی توانیم هر وقتی که اراده کنیم او را ببینیم.

در دعای ندبه می خوانیم: «بنفسی أنت من مُعَيَّبٍ لم يَخْلُ منا، بنفسی أنت من نازحٍ ما نرح عَنَّا؛ جانم فدایت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت ای دور از نظری که از ما دور نیست».

بنابراین امام زمان علیه السلام غایب به معنی پنهان از انظار همه نیست، بلکه پنهان از انظار بعضی ها زندگی ناشناخته ای دارد که در جمع هست اما جمع او را احساس نمی کنند و او را نمی بینند و یا او را می بینند و نمی شناسند.

حال در این باب روایتی را خدمت شما مطرح می کنم. در یک جمله ای، دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام این گونه توضیح داده است: «والله! ان صاحب هذا الأمر يحضر الفرائض كل سنه، فيرى الناس يعرفهم و يرونه و لا يعرفونه؛ (۴۵) به خدا قسم صاحب الامر امام زمان علیه السلام در همه مراسم هر ساله (ظاهراً منظورش مراسم حج باشد) حضور پیدا می کند، او مردم را می بیند و مردم را می شناسد، اما مردم او را می بینند ولی او را نمی شناسند».

با توجه به این جمله، امام زمان علیه السلام در میان مردم حضور پیدا می کند، اما مردم او را نمی شناسند، منتها نه در جای معین و مشخص که در این باره حرف ها و احادیث و اخبار فراوانی وارد شده است.

حدیث دیگری از قول امام صادق علیه السلام است که می فرمایند: «إن

للقائم غیبتین یرجع فی إحداهما والأخری لا یدری أین هو یشهد المواسم یری الناس ولا یرونه» (۴۶).

این حدیث می گوید: امام زمان علیه السلام دو غیبت دارد؛ در یک غیبت بر می گردد. ظاهراً همان مسأله غیبت صغری است و در غیبت دیگر امام زمان علیه السلام را نمی بینند، او مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند، در مراسم حضور پیدا می کند، اگر هم خداوند بخواهد قدرت دید مردم را می گیرد، به گونه ای که او در جمع باشد و او را نبینند. به هر ترتیب چیزی که می شود بیشتر به آن توجه کرد این است که امام زمان علیه السلام در میان مردم هست، در مراسم شرکت می کند. در نقاط مختلف می رود، به زندگی عموم خصوصاً شیعیان خودش اشراف دارد و هیچ چیز از نظرش پنهان نیست، اما در جایگاه های مقدّس و مشاهد مشرفه رفت و آمد زیادی می کند و در شهرهایی؛ مانند مکه، کربلا، نجف، سامرا و همه مکان های مقدسی چون مسجد جمکران، مسجد سهله، مسجد کوفه توسط کسانی که لیاقت رؤیت او را داشته باشند، زیاد دیده می شود.

در کتاب غیبت نعمانی روایت دیگری هم که ابو حمزه ثمالی از قول امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام نقل می کند، می گوید: امام زمان علیه السلام غیبتی دارد که ناگزیر است از این غیبت و زندگی سرّی و ناشناخته، و در جای معینی هم زندگی نمی کند. اما در پایان این حدیث این جمله است که: «مدینه جای خوبی است».

از این حدیث می توان فهمید، جایی که آن حضرت بیشتر مواقع حضور پیدا می کند و یا به صورت ناشناخته زندگی می کند «مدینه طیبه» است؛ یعنی مدینه النبی صلی الله علیه و آله.

بنابراین بر حسب اعتقادی که

داریم، امام زمان علیه السلام را ناظر بر همه امور و مشرف بر همه مکان ها می دانیم و چیزی نمی تواند جلوی اطلاعات امام را بگیرد تا اطراف و اکناف عالم از زیر دید و اشراف اطلاعات و علم امام زمان علیه السلام مخفی بماند.

ایشان در همه جا حضور دارند اما نه به معنای حضور مادی بلکه اشراف دارد و هر جایی هم که بخواهد حضور پیدا کند، محدودیتی ندارد و ما باید همه جا خودمان، اموالمان و رفتارمان را حفظ کرده و مجالس و معابر، مراسم مذهبی و محیط زندگی خودمان را به گونه ای بسازیم که این لیاقت را داشته باشیم تا وجود مقدّس امام زمان علیه السلام هم اگر حضور ناشناخته ای پیدا کرد ان شاء الله از رفتار و حالات و اخلاق و اعمال و وضعیت جامعه ما راضی باشد و قلب مقدّسش از همه ما خشنود گردد.

از جمله جاهایی که امام زمان علیه السلام حضور پیدا می کند و حضور دائمی دارد و مستمراً می رود، کربلای ابا عبدالله الحسین علیه السلام است و این طبیعی است. این یکی از ظلم هایی است که دل امام زمان علیه السلام را داغدار کرده و همیشه انتظار دارد خداوند پرده از رخسارش برکشد تا این مظلومیت را از دنیا برطرف کند و همچنین مظلومیت جدّه سادات حضرت زهرا علیها السلام که مظلومه بزرگ تاریخ است.

امام زمان علیه السلام از جمله اقداماتی که پس از ظهورش انجام می دهد، گرفتن انتقام از دشمنان حضرت زهرا علیها السلام است. برای این که یکی از القابشان منتقم است و انتقام خون به ناحق ریخته حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و انتقام مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام را خواهد گرفت.

آیا هیچ مظلومی، مظلوم تر از صدیقه طاهره علیها السلام

هست؟ با آن همه توصیه های خداوند در قرآن کریم به امت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (۴۷) «ای پیامبر! بگو جز محبت نزدیکانم، اجری و مزدی از شما نمی خواهم».

از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که نسبت به حرمت خاندانش توصیه اکید می فرمود چند روزی بیشتر نمی گذرد که درب خانه وحی و رسالت و خانه امامت و ولایت به آتش کشیده می شود و یگانه دختر رسول خدا و یادگار مصطفی به جرم دفاع از امامت و ولایت به شهادت می رسد و این امام زمان علیه السلام است که باید انتقام این مظلومه را بگیرد.

موضوع طول عمر امام زمان «ع»

اشاره

در سلسله مباحث پیرامون وجود مقدس امام عصر - ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا - به موضوع طول عمر امام زمان علیه السلام اشاراتی خواهم داشت.

اصل موضوع بسیار مهم است و باید بحث گسترده ای درباره آن انجام بگیرد، اما به دلیل محدودیت فرصت اشاراتی به این مطلب دارم.

پیشینه بحث طول عمر امام زمان علیه السلام

اولین نکته این که، بحث طول عمر امام زمان علیه السلام و طولانی شدن غیبت آن حضرت، بحثی است که در آغاز غیبت کبرای امام زمان علیه السلام در جامعه مطرح بوده و علما به آن پرداخته اند. نشانه این مطلب، که این بحث، تاریخی است و از آغاز غیبت کبری مطرح بوده، نوشتن کتاب هایی است پیرامون این مطلب؛ از جمله کتاب «غیبت نعمانی» که توسط مرحوم شیخ مفید برای تبیین و توضیح و توجیه طولانی شدن عمر امام زمان علیه السلام نوشته شده است و اولین کتاب در این زمینه است. تقریباً در سن هشتاد و چند سالگی امام زمان علیه السلام این کتاب به رشته تحریر درآمد؛ یعنی وقتی که امام زمان علیه السلام هشتاد و چند ساله بودند، کتاب «غیبت نعمانی» نوشته شد که در آن راجع به طول عمر امام زمان علیه السلام بحث های مستدلّی شد.

بعد از نعمانی، مرحوم شیخ صدوق تقریباً حدود صد و شصت و چند سالگی عمر امام زمان علیه السلام کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» خودش را درباره امام زمان علیه السلام به رشته تحریر درآورد و در آنجا راجع به طول عمر امام زمان علیه السلام بحث کرد.

یا کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی در حدود صد و نود سالگی امام زمان علیه السلام نوشته شد و در آنجا مباحث مبسوط و مستدلّی راجع به امکان طولانی بودن عمر

امام زمان علیه السلام و قابل دفاع بودن آن را آورد.

این اقدامات بیانگر این است که در آغاز غیبت کبرای امام زمان علیه السلام هم سؤالات و اشکالاتی راجع به طول عمر امام که در پس غیبت است مطرح بوده و علما در این راه به استدلال و اثبات این قضیه پرداختند.

حالا- در این فرصت کوتاه از سه جهت، بحث طول عمر امام زمان علیه السلام را مطرح می‌کنم که یک عمل کاملاً ممکن است و امر محالی نیست:

اول از نظر علمی، دوم از نظر تاریخی، سوم با تکیه بر اعتقادات دینی و قدرت الهی.

(۱) از نظر علمی؛

طول عمر بشر محدود به حدّ معینی نیست که بگوییم علم می‌گوید بشر به گونه‌ای است که مثلاً دویست سال بیشتر عمر نمی‌کند.

علم این حرف را نمی‌زند، بلکه در مسائل علمی راجع به طول عمر بشر بحث‌هایی می‌شود که معطوف به این معناست که مرگ انسان به دلیل حوادث یا نقص‌هایی است که در جهت تأمین نیازمندی‌های بدن ممکن است ایجاد شود و حیات پایان می‌پذیرد و مرگ آغاز می‌شود؛ یعنی اگر بشر بتواند از طریق علمی عوامل صحت و عافیت بدن و عوامل تخریب‌کننده صحت و سلامتی بدن را شناسایی نماید و دستور صحت را به کار ببرد، امکان این هست که بتواند هزار سال و بیش از آن، عمر طولانی داشته باشد. دلیلش این است که می‌گویند در قرن شانزدهم، متوسط عمر انسان‌ها در اروپا ۲۱ سال بود در قرن هجدهم ۲۶ سال و در قرن نوزدهم ۳۶ سال و اوایل قرن بیستم، ۵۰ سال و الآن در اروپا میانگین عمر تقریباً هفتاد سال است. چرا؟ برای این که

اطلاعات علمی درباره مسائل بهداشتی، صحت و تأمین نیازمندی‌ها و عوامل تخریب‌کننده سلامت جسم و روان بالا رفت.

وقتی قوانین بهداشتی تن و روان، اصول تغذیه و امور تأمین‌کننده راحتی‌های جسمی، روحی و روانی رعایت شود، طبعاً می‌توانند از عمر بیشتری برخوردار شوند.

یکی از دانشمندان اروپایی (۴۸) می‌گوید: همچنان که امروز بشر توانسته دیوار صوتی را بشکند، محدودیت عمر بشر هم مثل دیوار صوتی می‌ماند و قابل شکستن است و روزی این محدودیت برطرف می‌شود. یعنی بشر می‌تواند با بالا بردن سطح اطلاعات علمی خودش، دیوار محدودیت‌های عمر را بشکند و عمر طولانی داشته باشد. نه در حد پنجاه و شصت سال، بلکه می‌تواند عمر بسیار طولانی بکند.

باز یکی از دانشمندان انگلیسی در تحلیلی که انجام داده می‌گوید: دانشمندان با تحقیقات و بررسی‌های همه‌جانبه توانسته‌اند که عمر بعضی گیاهان و یا بعضی از حیوانات را تا نهمصد (۹۰۰) برابر افزایش دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همین کار را اگر روی انسان انجام بدهیم، می‌توان میانگین عمر که حالا هفتاد سال است را تا نهمصد (۹۰۰) برابر افزایش داد.

از نظر علم، طول عمر یک امر محالی نیست، پس علم هرگز نمی‌گوید یک انسان محال است دو هزار سال یا سه هزار سال عمر کند. این عمر از نظر علم، امر محالی نیست بلکه تحقیقات علمی نشان می‌دهد که این امر، امری ممکن است و می‌شود انسان با بالا بردن آگاهی‌های لازم خودش در زمینه‌های مختلف تأمین سلامت جسم و روان و شناسایی عوامل مختل‌کننده و فرسوده‌کننده بدن و روان، عمری طولانی داشته باشد.

عوامل مؤثر در طول عمر

حالا چه عواملی برای طول عمر

مؤثر است، به چند عامل اشاره می‌کنیم:

عامل اول از مهم‌ترین عواملی که باعث فرسودگی بدن انسان می‌شود مشکلات روحی و روانی است.

اگر ما بتوانیم آرامش روحی خودمان را تأمین کنیم طبیعی است که از فرسودگی جسم ما هم جلوگیری می‌شود، به این نشانی که شما الآن علما و دانشمندان به خصوص علمای دینی را در نظر بگیرید، مراجع عظام تقلید، چه آن‌هایی که در گذشته زندگی می‌کردند و به جوار رحمت حق رفتند یا آن‌هایی که الآن زندگی می‌کنند که خداوند وجودشان را سلامت بدارد معمولاً سنشان بین ۹۰ تا ۱۰۰ سال یا بین ۸۰ تا ۹۰ سال است و معمولاً عمر طولانی دارند و علتش این است که آن‌ها از چیزهایی که معمولاً انسان را فرسوده می‌کند اجتناب می‌کنند، نگرانی روحی و روانی زیادی ندارند و آرامش روحی دارند، به ذکر و یاد خدا و با فهمیدن حقایق خودشان را آرام می‌کنند. در زمینه تغذیه و مسائل غریزی تعادل را رعایت می‌نمایند، در نتیجه عمرشان طولانی می‌شود.

عامل دوم عامل دومی مسئله تغذیه است، تغذیه اگر سالم باشد و جامع، به اندازه باشد نه زیاد و نه کم، و از نظر محتویات و ترکیبات غذا، تأمین‌کننده نیاز بدن باشد طبعاً در تأمین سلامتی بدن مؤثر است. یکی از چیزهایی که در گذشته باعث مرگ و میر زیاد می‌شد و اکنون نیز در بعضی از جوامع همچنان وجود دارد، سوء تغذیه است. بی‌غذایی یا بدغذایی یا زیاده روی در غذا و عدم دسترسی به غذای سالم همه مؤثر است.

اگر علم بتواند جامعیت غذا یعنی نیاز بدن و نظر غذایی بدن را شناسایی کند و

حدّش را مشخص و تنظیم نماید، یکی از راه های تأمین کننده سلامتی بدن و طول عمر است.

عامل سوّم عامل دیگر، محیط زندگی است. محیط می تواند در بردارنده مسائل بهداشت های مادی و روانی و مسائل مختلف آب و هوایی و موقعیت های اجتماعی باشد.

اگر محیط زندگی انسان محیطی باشد که منطبق با موازین علمی و سلامتی بدن باشد، در تأمین سلامتی و در طول عمر بشر بسیار مؤثر است. مناطقی که انسان ها در گذشته زندگی می کردند، مناطقی بیلاقی و روستایی بوده، محیطی سالم از نظر روحی، روانی، آرامش، هوا و فضا لذا عمری طولانی تر نسبت به کسانی که در جاهای دیگر زندگی می کردند و از این امتیازات برخوردار نبودند، داشته اند.

این ها نشانه های صحت این ادعاهاست.

عامل چهارم شرایط کاری و نوع شغل هم می تواند عامل مؤثر در تأمین سلامتی باشد. البته مسائلی دیگر از قبیل ورزش و سایر امور هم بسیار مهم است. شناسایی عوامل تخریب کننده صحت بدن هم بسیار کارساز است.

آمار مرگ و میر را در میان نوزادان گذشته ملاحظه کنید که چقدر بالا بود. در گذشته معروف بود که اگر بچه اوّل می مرد به عنوان دلداری می گفتند روی بچه اوّل نباید حساب کرد، اما امروز در کشور ما آمار مرگ و میر نوزادان بسیار کم شده است و علم جلوی مرگ و میرهایی را که قرار نیست اتفاق بیفتد گرفت و از نظر علمی در این مورد مخالفتی نیست.

۲) از نظر تاریخی کتاب های فراوانی در رابطه با اثبات امکان مسأله طول عمر و اثبات طولانی شدن عمر مقدّس امام زمان علیه السلام به رشته تحریر درآمده است که معّمین را در طول تاریخ شناسایی کردند: افراد نهصد

سال و هشتصد سال و بیش از آن را احصا نمودند. در تورات افراد زیادی را نشان دادند که عمرشان را هشتصد سال، نهصد سال، نهصد و اندی سال، ششصد سال ذکر کردند.

در قرآن کریم مدت رسالت و ابلاغ شریعت و تبلیغ حضرت نوح را ۹۵۰ سال ذکر فرموده است.

پس طول عمر امر محالی نیست و در تاریخ به مصادیق زیادی برخورد می کنیم که ۲۵۰۰ سال عمر داشتند.

بعضی از کتاب هایی که در ارتباط با معمرین نوشته شده، عمر بعضی از افراد از صد تا چهار هزار سال هم ذکر کردند که در دنیا زندگی کردند؛ بنابراین از نظر مصداق های خارجی امر محالی نیست که یک انسان بتواند چندین هزار سال در این دنیا زندگی کند و این در حالی است که امام زمان علیه السلام هنوز به هزار و پانصد سال هم عمرشان نرسیده است که خداوند ان شاء الله در ظهور مبارکش تعجیل فرماید.

۳) از نظر قدرت الهی و اعتقادات آیا خداوند متعال می تواند یک انسان را تا هر مقدار که بخواهد زنده نگه دارد یا خیر؟ آیا طول عمر امام زمان علیه السلام امر محال ذاتی است؟ پس در برابر قدرت خدا کاملاً ممکن است. قدرت مطلقه خداوندی به امری که جزو محالات عقلی نیست ممکن است تعلق بگیرد و می بینیم که خداوند در ارتباط با مسأله حیات و ممات به یکی از پیامبرانش این قدرت را داد که عصای چوبین را تبدیل به حیوان زنده نماید.

حضرت موسی علیه السلام با تکیه بر قدرت الهی، عصایش را به اژدها تبدیل کرد. حضرت عیسی علیه السلام به اذن الهی، مرده را زنده می کرد. خدا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

این قدرت را داد که سنگریزه در دست او به حرف بیاید و خدا را تسبیح گوید. خدا می تواند عوامل تخریب کننده و علت مرگ و میر را از بین ببرد. حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش می اندازند اما آتش ابراهیم علیه السلام را نمی سوزاند: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ». (۴۹)

دشمنان حضرت عیسی علیه السلام خواستند او را به شهادت برسانند خداوند به قدرت خود شخصی را به شکل و قیافه او درآورد و حضرت عیسی علیه السلام را از چنگال آن ها نجات داد و به آسمان ها برد و همچنان زنده نگه داشته است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا * بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ»؛ (۵۰) «و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آن ها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند؛ و قطعاً او را نکشتند بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد!».

و نیز درباره حضرت یونس علیه السلام قرآن کریم می فرماید: «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (۵۱) یعنی اگر حضرت یونس در شکم ماهی تسبیح خدا نمی کرد و نمی گفت «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» خداوند می فرماید او را تا روز قیامت در شکم ماهی (زنده) نگاه می داشتیم، پس با قدرت

خدا امکان زنده ماندن در شکم ماهی که همه چیز را هضم می کند امکان پذیر می شود.

بنابراین، خداوند درباره انبیای خود، اموری را که محال عادی بودند، محقق ساخته است. بر همین اساس درباره امام زمان علیه السلام نیز امر غیر عادی را عملی می سازد و با تعلق اراده مطلقه اش، وجود مقدس امام زمان علیه السلام را نگه می دارد تا وقتی که خودش بخواهد، پرده از رخسارش بردارد و چشمان مشتاقان را به جمالش روشن می نماید.

با توجه به راه های سه گانه مورد بحث، طول عمر امام زمان علیه السلام قابل قبول و کاملاً ممکن است؛ زیرا امام عصر علیه السلام از نظر علمی و برخوردار از دانش در زمینه های مختلف در بالاترین سطح قرار دارد و علم او متصل به علم الهی است و اگر قرار باشد با اطلاع از عوامل تأمین کننده سلامت و در امان بودن از عوامل کهولت و فرسودگی و آسیب پذیری از نعمت طول عمر برخوردار شود، امر محالی نخواهد بود. بنابراین از جهت علمی و از جهت دینی و از جهت مصادیق خارجی این یک امر کاملاً ممکن و از نظر ما امر یقینی و قطعی است و امیدوارم که خداوند به عنایات و لطف خودش و به دعای امام زمان علیه السلام چشمان همه ما را به زودی به جمال دل آرای امام زمان علیه السلام روشن بفرماید.

انتظار فرج، اعتقاد مشترک پیروان مکاتب

توضیح

در ادامه بحث پیرامون وجود نازنین امام عصر علیه السلام به اختصار درباره انتظار بحث می کنیم. انتظار موعود جهانی و مصلح عالمی، عقیده عمومی و همگانی است و منحصر به پیروان مکتب تشیع نیست، بلکه همه مکاتب الهی و غیر الهی بر این باورند که پایان کار هستی به حاکمیت

عدل و قسط منتهی خواهد شد. در این قسمت قبل از این که به بحث انتظار از دیدگاه تشیع بپردازیم، نکاتی را پیرامون عقیده اقوام و ملل مختلف درباره منجی جهانی، عیناً از روزنامه جمهوری اسلامی نقل می‌کنیم. (۵۲)

«السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ» سلام بر مهدی علیه السلام که امت‌ها از او سخن گفته‌اند، هم او که همه افکار و اقوام را متحد می‌کند و زیر یک پرچم گرد می‌آورد.

با مطالعه در فرهنگ و اعتقادات جوامع مختلف انسان به این نتیجه می‌رسیم که اعتقاد به وجود یک مصلح جهانی (فتوربسم) در همه جوامع وجود داشته و اکثر ملل، این اصل را باور دارند که روزی، حامی ضعیفان خواهد آمد و داد آن‌ها را از ستمگران و گردن‌کشان خواهد گرفت. این باور نه تنها در پیروان ادیان آسمانی، بلکه در بین مردمی که پیرو آئین‌های سنتی و بومی هم هستند، مطرح می‌باشد و تنها فرقی که این اعتقادات و باورها با هم دارند، نام آن مصلح و موعود است.

مثلاً در آئین بودایی این مصلح دادگر «بودای پنجم» و در کتاب‌های هندوئیسم «فرخنده» و در اوستا، نام وی «سوشیانت» است. با توجه به این اعتقادات و باورها در بین امت‌های مختلف، فرازی از زیارت آن حضرت که در بالا آمده است، نمود پیدا می‌کند. به عبارت دیگر این مصلح بزرگ نه تنها به شیعه یا مسلمانان، بلکه به همه جهان و امت‌های مختلف با ایده‌ها و باورهای گوناگون تعلق دارد، هر چند که هر امتی او را با یک نام صدا می‌کند. بدیهی است با ظهور ایشان تمام اسامی مختلف و باورهای مختلف، همه در یک اسم و

یک اعتقاد، متجلی خواهند شد.

بی‌مناسبت نیست مطلبی را در این زمینه در اختیار آن دسته از هموطنان و منتظرانی که در این رابطه خواهان اطلاعات بیشتری هستند قرار دهیم که این مطالب تحت عناوین زیر خواهد بود:

۱) انتظار برای آمدن یک مصلح و موعود در بین اقوام و امم الف: اقوامی که فاقد دین رسمی می‌باشند.

ب: امت‌هایی که فاقد دین رسمی می‌باشند.

پ: امت‌هایی که پیرو ادیان آسمانی هستند.

۲) انتظار در قرآن مجید و احادیث قدسی (۳) انتظار در احادیث چهارده معصوم علیهم السلام

(۱) انتظار برای یک مصلح و موعود در بین همه امت‌ها

الف: اقوامی که فاقد دین رسمی می‌باشند

ملت‌هایی که فاقد هرگونه دین، مذهب و ایدئولوژی هستند؛ مانند: سرخ‌پوستان اطراف کشور مکزیک و مناطق دیگر آمریکا در این گروه به حساب آورده شده‌اند. طبق تحقیقات انجام شده در بین این اقوام، آن‌ها به وجود مصلحی که در آینده خواهد آمد اعتقاد راسخ دارند که در این رابطه استاد علی‌دوانی در صفحه ۱۷۳ مقدمه کتاب «مهدی موعود» که ترجمه جلد ۱۳ بحارالانوار می‌باشد، مطلب زیبایی را از کتاب «ظهور و علائم ظهور» نوشته هدایت و قائمیان بیان کرده که قسمتی از آن در اینجا نقل می‌گردد: قسمت اعظم متن‌های پهلوی هدایت درباره ظهور و علائم ظهور است و اگر روی هم رفته به متون نظر کنیم باید بگوییم که تماماً جنبه مذهبی دارند.

ظهور و علائم ظهور موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان، واجد اهمیت خاصی است و در همه مذاهب مشترک است و آرزوی مشترک همه معتقدین به مذاهب بزرگ را تشکیل می‌دهد.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است

و این آرزو تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ؛ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه های یونان، در افسانه های میترا در ایران، در کتاب های قدیم چینیان، در عقاید هندویان، در بین جزایر اسکاندیناوی؛ حتی در میان مصریان قدیم و بومیان مکزیک نظایر آن ها را نیز می توان یافت.

ب: اّمّت هایی که پیرو ادیان غیر آسمانی هستند

۱. هندوئیسم در آئین های هندوان و در کتاب های مذهبی آن ها، بشارت هایی در مورد دوره آخرالزمان و ظهور منجی و مصلح کل داده شده است که در اینجا از سه کتاب آن ها به نام های «مهباراتا» «وشن جک» و «پورافه ها» اسم برده می شود.

در کتاب «وشن جک» به دوره آخرالزمان اشاره شده و این کتاب از مصلحی به نام «فرخنده» نام برده است که با آمدن او، بشریت در صلح و صفا خواهد زیست. یا در کتاب «پوران» شرح مفصلی درباره دوره آخرالزمان یا عصر «کالی» داده است. در این کتاب نیز از مصلح بزرگ به نام دهمین «آواتارای ویشنو» یاد شده و منظور از کامی، یعنی دوره قبل از ظهور دهمین «آواتارای ویشنو» می باشد.

۲. بودائیزم آئین بودا که در قسمت شرق آسیا پیروانی دارد و هم اکنون در اکثر کشورهای این منطقه از جمله ژاپن، کره، تایوان و... پیرو آن می باشند؛ این آئین نیز به آمدن یک مصلح بزرگ بشارت داده و از این مصلح بزرگ با نام «بودای پنجم» یاد کرده است.

ج: اّمّت هایی که پیرو ادیان آسمانی هستند

۱. گروهی از دانشمندان اسلامی عقیده دارند، زرتشت پیامبری است که از طرف خداوند متعال برای راهنمایی انسان ها مبعوث شده است و یکی دیگر از افتخارات کشور عزیزمان ایران

در این است که زرتشت، ایرانی بوده و در ارومیه به دنیا آمده است. کتب آن‌ها، کتاب اوستا - کتاب جاماسب نامه - کتاب زرتشت نامه - کتاب زند - کتاب داتشتان دینیک می باشد.

در این کتاب‌ها مصلح جهانی با نام «سوشیانت» عنوان گردیده و به طور کلی از سه «سوشیانت» نام برده شده که آخرین آن‌ها و در عین حال که مهم‌ترین آن‌ها نیز هست «سوشیانت پیروزگر» می باشد.

۲. آئین یهودی در اکثر آثار دینی قوم یهود، اسفار تورات و دیگر کتاب‌های پیامبران بنی اسرائیل به مصلح جهانی و ظهور موعود اشاره شده و تعدادی از پیغمبران بنی اسرائیل به قوم خود دستور دادند که همواره منتظر این منجی عالم باشند که در ذیل نمونه‌هایی از این کتب خواهد آمد و در برخی از این کتاب‌ها در رابطه با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آله و واقعه غدیر خم، واقعه جانسوز کربلا، علائم آخرالزمان و رجعت، مطالب مبسوطی بیان گردیده است، از آن جمله: واقعه کربلا و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب اشعیا.

در کتاب «اشعیا» آمده است: «ای فرزند حبیب من! به خاطر نرسانی که در این زحمت و مصیبت که به مصلحت‌های بسیار گرفته، من تو را فراموش کرده و خلاص نخواهم نمود. خواستم که به واسطه تو حجت‌ها را بر خلق تمام کنم و به این جهت تو را خلاص نکردم و چنان ندانی که تو را فراموش کردم، بلکه اگر مادر فراموش کند، من تو را فراموش نمی‌کنم. پس این است که من تو را با دست قدرت خود در آن شهر علم انداخته بودم با ده نفر دیگر از آن شهر علم به وجود

آیند؛ دیوارها و حصارهای آن شهر خواهند بود، آنان که می خواهند نسل شما را منقطع کنند ممکن نیست که اراده خود را به اتمام رسانند، بلکه به نفاق و اعمال خود، گرفتار از دنیا خواهد رفت».

و بعد از آن اخبار می فرماید: «از آن که اولاد آن حضرت زیاد شوند که زمین برایشان تنگ شود، زمین متعلق به آن حضرت که از جور منافقین خراب و بیابان شد، آباد گرداند، دشمنان و قتله او را در دنیا نیز سخت عذاب خواهد فرمود».

در زبور حضرت داود علیه السلام آمده است: «شیران منقطع می شوند اما متوکلان به خدا، وارث زمین خواهند شد. خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان، منقطع خواهند شد، صدیقان، وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند شد».

مطالب فوق که در زبور حضرت داوود آمده است، عیناً در قرآن مجید نقل گردیده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». (۵۳)

باز در کتاب اشعیا آمده است: «گرگ و بزّه با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو، گاه خواهد خورد».

«گرگ با بزّه سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و میش با هم طفل کوچک آن ها را خواهند راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آن ها با هم خواهند خوابید».

اینک چند کتاب دیگر از کتاب های یهودیت و عهد عتیق که در آن ها مطالبی درباره موعود آمده است برای طولانی تر شدن مطلب فقط نام برده می شود:

کتاب دانیال پیامبر - کتاب حکای پیامبر - کتاب صفنیای پیامبر - کتاب حیقوق پیامبر.

۳. آئین مسیحیت در کتاب های آئین مسیحیت

نیز بشارت های زیادی، درباره موعود آخرالزمان رسیده است و آن هم به دو علت زیر می باشد:

۱ - نزدیک بودن زمان حضرت مسیح علیه السلام به زمان پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه و آله.

۲ - در ایام ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام نیز به زمین خواهند آمد. در کتاب های زیر بشارت ها و اشارت هایی در مورد آخرالزمان آمده است. که نام موعود «فراقلیط» بیان شده است:

انجیل متی - انجیل لوقا - انجیل مرقس - انجیل برنابا مکاشفات یوحنا که به عنوان نمونه به یک مورد از انجیل متی اکتفا می گردد: «پس اگر شما را کسی گوید که اینک مسیح در اینجاست یا در آنجاست، باور ننمایید؛ زیرا که مسیحیان دروغین و پیغمبران کاذب بر خواهند خاست. پس هر گاه، شما را گویند که اینک در صحراست، بیرون نروید، یا آن که در خلوتخانه است، باور ننمایید؛ زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود. در آن وقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد شد و خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمانی که با قدرت و جلال عظیم می آید. فرشته های خود را خواهند فرستاد، با صوت بلند برگزیدگان را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک یا به طرف دیگر».

د: انتظار موعود از نظر آئین اسلام قسمت اول: مهدویت از نظر اهل سنت اهل سنت به این مورد که حضرت مهدی علیه السلام فرزند بلافضل امام عسکری علیه السلام و دوازدهمین امام شیعیان باشد اعتقاد ندارند، اما در این که آن حضرت از نسل پیامبر و از فرزندان حضرت زهرا اطهر علیها السلام است و زمین را

پر از عدل و داد خواهد کرد، شکی ندارند. نیز معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل خواهد شد و در پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند، مردم در عصر ظهور آن حضرت در رفاه زندگی می کنند و عقیده دارند که امام مهدی، حسینی و از نسل اوست و خصلت های امام حسین علیه السلام در آن حضرت است. در این زمینه روایات متواتر زیادی در مآخذ اهل سنت، مثل کتب صحاح سته مسانید اهل سنت وارد شده است که به عنوان نمونه به گفته بعضی از بزرگان آن ها اشاره می کنم.

(۱) حافظ شافعی متوفای ۶۵۸ هجری قمری در کتاب فتح الباری که در شرح صحیح بخاری نوشته است، می گوید: «تواتر الاخبار بأن المهدی من هذه الأمة و ان عیسی علیه السلام سینزل و یصلی خلفه» (۵۴) یعنی در اخبار متواتر آمده است که حضرت مهدی علیه السلام از میان امت اسلامی است و حضرت عیسی علیه السلام به زودی از آسمان نازل خواهد شد و در پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند.

(۲) حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ هجری قمری در کتاب «اللیان» می گوید: «تواتر الاخبار و استغاثت بکثره رواتها عن المصطفی فی امر مهدی علیه السلام» (۵۵) اخبار پی در پی و فراوان از محمد مصطفی صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است.

قسمت دوم: مهدویت از دیدگاه شیعیان؛

اما از نظر ما پیروان مکتب تشیع، بحث انتظار موعود الهی یک امر بسیار مهم، مقدس و قطعی است. قبل از این که به آیات و روایات پیرامون این موضوع بپردازم، این مقدمه را ضروری می دانم که بعضی از واژه های عقیدتی است که اگر مفهوم صحیح آن روشن نشود،

چه بسا در عقیده جنبه تخریبی پیدا کند و موجب انحراف در دین گردد؛ واژه هایی مانند شفاعت، تقیه، صبر که اگر به مفهوم واقعی آن پی نبریم نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه به عنوان یک انحراف در عقیده باعث تخریب اعتقادات هم خواهد شد.

یکی از این واژه ها واژه انتظار است. درباره انتظار می توان دو مفهوم قائل شد؛ یکی مفهوم منفی و دیگری مفهوم مثبت و صحیح است. مفهوم منفی انتظار در میان بعضی از پیروان عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام این گونه است که معتقدند چون پایان کار عالم به وسیله مصلح جهانی و الهی است، ما به عنوان منتظران آن مصلح و آن رهبر عدل الهی هستیم و خود هیچ رسالتی در اصلاح جامعه نداریم، بنابراین نابسامانی های اجتماعی، دینی، اخلاقی و اعتقادی و امور جهان را باید به انتظار بنشینیم تا آن مصلح الهی بیاید و به سامان برساند و ما فقط باید مواظب شخص خودمان باشیم، اما مواظب شخصیت و رفتار جامعه و اصلاح اوضاع اجتماعی بودن کار ما نیست و از حدود اختیارات ما خارج است. و باید به انتظار روزی بنشینیم که با همه گیر شدن فساد در جامعه، خداوند مصلح عالم، امام زمان علیه السلام را برساند و فساد عالم را به دست او از بین ببرد و قسط و عدل را حاکم کند. بر اساس مفاهیمی که به غلط از بعضی از روایات مثلاً: «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» گرفته اند، می گویند: اگر ما با ظلم و فساد و جور مبارزه کنیم چه بسا باعث به تأخیر افتادن ظهور حضرت حجت علیه السلام باشیم، بلکه ما

نباید کاری به این کارها داشته باشیم اصلاً از حدود اختیارات ما خارج است، همه چیزها را خدا به عهده او گذاشته است.

طبیعی است که چنین مفهومی نمی تواند مفهوم واقعی انتظار باشد و از مذهب و دین مرفعی اسلام چنین مفهومی بر نمی آید.

حال قبل از این که مفهوم صحیح انتظار را شرح دهیم، باید راجع به اهمیت انتظار از دیدگاه قرآن و روایات توجه کنیم تا بتوانیم مفهوم صحیح انتظار را بفهمیم. طبعاً آن مفهوم منفی و نادرستی که از بحث انتظار برداشت می کنند یک مفهوم عقیدتی و صحیح نیست. منتظر بودن به معنای دست روی دست گذاشتن و فقط به خود پرداختن و به دیگری و جامعه توجهی نداشتن و دست به اقدام نزدن نیست، بلکه این مفهوم، نابجا و ناصواب است. اگر این چنین باشد بحث انتظاری که در قرآن و روایات آن همه بر آن تأکید می کند، معنی واقعی پیدا نمی کند. حداقل در هشت سوره از قرآن کریم آیاتی راجع به مسأله انتظار آمده است که به عنوان نمونه در دو جای قرآن کریم مشابه هم یعنی عین یکدیگر آمده است: «فانتظروا إني معكم من المنتظرين»؛ (۵۶) «منتظر باشید همانا من هم با شما از منتظران هستم».

آیات دیگری هم با همین مفهوم و معنا هست که مفسرین بزرگ شیعه از معانی آن، انتظار و منتظر فرج امام زمان علیه السلام بودن را می دانند. خوب انتظاری که خدا به ما دستور می دهد که منتظر باشید و من هم با شما منتظر آن هستم، نمی تواند به معنی دست روی دست گذاشتن و همه کار را به عهده مصلح الهی گذاشتن و با فساد و تباهی کاری نداشتن

و با مفسد و ظالم برخورد نکردن باشد، بلکه باید معنی و مفهوم مترقی تری داشته باشد. درباره روایاتی که در این زمینه هست به دلیل محدودیت فرصت فقط به یکی دو تا از آن‌ها اشاره می‌کنم. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «انتظروا الفرج ولا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله - عزوجل - انتظار الفرج من الله»؛ (۵۷) منتظر فرج و گشایش باشید و از روح الهی و آرامشی که خداوند در جامعه بشری باید ایجاد بکند و از رحمت پروردگار که می‌خواهد به وسیله آن فرجی که خودش تصمیم دارد ایجاد کند هرگز ناامید نباشید؛ زیرا بهترین عمل در پیشگاه الهی انتظار فرج از خدا خواستن است».

بهترین عمل، منتظر فرج و گشایش الهی بودن است؛ بهترین عمل، نه بهترین کناره‌گیری از عمل و سکوت و سکون در آرامش و گوشه‌ای نشستن.

حدیث دیگری از امام زین العابدین علیه السلام است به فردی به نام ابا خالد که می‌فرماید: «یا أباخالد! إنَّ أهل زمان غیبه، القائلون بامامته، المنتظرون لظهوره أفضل أهل كل زمان؛ (۵۸) ای اباخالد! اهل آن دورانی که امام زمان در پس پرده غیبت است و معتقد به امامتش و منتظر ظهور آن حضرت باشند بهترین آدم‌های هر روزگارند».

اگر ما فرض کنیم آدم گوشه‌نشین و دست‌روی‌دست گذاشته‌ای که کاری به کار فساد و تباهی جامعه نداشته، کار به ظالم و ظلم و ستمگران و مظلوم و مظلومیت و عدل و ظلم نداشته، بلکه گوشه‌ای نشسته و می‌گوید ما همه چیز را به عهده امام زمان علیه السلام می‌گذاریم، او بیاید اصلاح کند، آیا همین مقدار اعتقادش می‌تواند این فرد را، یا

این مجموعه افراد را به عنوان بهترین شخص یا اشخاص دوران و اهل زمانه به حساب آورد؟ قطعاً چنین تفکری، نمی تواند منطقی باشد. در روایت دیگری هست که می فرماید: شأن و منزلت انسان هایی که منتظر ظهور امام زمان هستند، به منزله آن هایی هستند که شمشیر به دست گرفته و در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد می کنند. آیا این گروه یا افرادی که با گوشه نشینی در یک جایی که هیچ مسئولیتی را نمی پذیرند و همه را به عهده دیگری می گذارند، می تواند در یک مرتبه باشند؟

یا در حدیث دیگری هست که منتظرین «بمنزله من استشهد مع رسول الله» شأن و منزلت و شرف و مقام منتظر ظهور امام زمان، به اندازه آن کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و در نبرد با دشمنان دین، شربت شهادت نوشیده باشد.

پس معلوم می شود مفهوم انتظار، آن مفهوم منفی که توضیح دادیم نیست بلکه باید مفهوم مثبت و مترقی داشته باشد.

وظیفه منتظر در جهت اصلاحات

با توجه به مفاهیمی که راجع به ارزش و اهمیت انتظار از آیات و روایات به اختصار بیان داشتیم، مفهوم مثبت انتظار که ما معتقد هستیم این است که انسان در عصر غیبت امام زمان علیه السلام باید در دو جهت تلاش کند:

جهت اول: در اصلاح شخص خویش جهت دوم: در اصلاح جامعه خویش اولاً

وی منتظر کسی است که خواهد آمد و آخرین رهبر منصوب از جانب خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و رسالت او برداشتن فساد و تباهی و مبارزه با مفسدان و ظالمان و اجرای حاکمیت حق و عدل و پیاده کردن دستورات و احکام الهی و مذهب نبوی است.

او اسلام را «کما هو حقه» به مردم می فهماند و اجرا می کند و مردم را در آن جهت تربیت می نماید و به راه می برد. یک چنین شخصیتی باید ظهور کند و انسان منتظر، منتظر ظهور این شخصیت، چشم به راه حکومتی است که این شخصیت الهی باید آن را پیاده کند. پس اگر کسی به انتظار چنین شخصیت الهی باشد، آن هم با چنان اهداف بلند الهی، طبعاً باید خودش را در حال انتظار و با اهدافی که آن رهبر منتظر دارد، تطبیق دهد. خودش را به گونه ای بسازد که اگر امامش ظهور کرد او را به عنوان سرباز خودش بپذیرد، به عنوان یار و یاور خودش قبول کند. اما اگر در جهت عکس اهداف الهی او گام بردارد، طبیعی است که هنگام ظهور، آن حضرت را قبول نکرده و آن حضرت هم او را نپذیرد. مگر این که به گونه ای تربیت شود که اهداف امام زمان با این تربیت و اخلاق و رفتار و اعتقادات و منش و شخصیت او سازگار باشد. پس انتظار یعنی خود را در آن جهتی که اهداف امام زمان علیه السلام است تربیت نماید و خودش را آماده کند.

ثانیاً

در جهت اصلاح جامعه هم اقدام نماید و دیگران را در همان جهتی که از اهداف بلند حکومت امام زمان است، تشویق نماید و در جهت رفع فساد و تباهی جامعه و اصلاح آن و محیط خانواده اش تلاش کند.

رسالت فرد منتظر، سازندگی خود و جامعه است. آن برداشت غلطی که پیروان مفهوم منفی انتظار دارند مبنی بر این که شرط آمدن امام زمان پر شدن جامعه از ظلم و فساد است، به گونه ای که

هیچ آثاری از عدل و داد و طرفداری از حق وجود نداشته باشد، صحیح نبوده و به این معنی نیست که در موقع ظهور آن حضرت هیچ انسان خوبی در دنیا یافت نشود و هیچ جامعه خوبی وجود نداشته باشد و یا هیچ مجموعه و جریان اصلاح طلبی پیدا نشود.

مرحوم شیخ صدوق از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند: معنای این که دنیا پر از ظلم و جور می شود تا امام بیاید و عالم را پر از عدل و داد کند، این است که در آن زمان طرفداران حق از نظر پیروی از حق به حد اعلای خودشان و طرفداران باطل هم به حد اعلای بطلان و فساد خودشان می رسند، نه این که اصلاً جریان حق طلبی در دنیا وجود نداشته باشد. اتفاقاً روایاتی داریم که زمینه سازان حکومت عدل امام زمان علیه السلام پیدا می شوند، بلکه جریان های حق طلب مبارزاتی را پیش می گیرند، مبارزاتشان هم به پیروزی می رسد، حکومتی درست می کنند که زمینه و مقدمه حکومت امام زمان علیه السلام می شود. بنابراین مفاهیمی؛ از قبیل پر از ظلم و جور شدن به معنای این که اصلاً آدم خوب پیدا نشود و یا هیچ جامعه خوبی پیدا نشود نیست، بلکه منتظر واقعی باید در صدد باشد خود و خانواده و جامعه اش را در آن جهت اصلاح و تربیت صحیح انسانی تشویق و ترغیب نماید، چنین فردی را می توان منتظر واقعی دانست.

نحوه ظهور و اقدامات اولیه

حال دو حدیث در باب نحوه ظهور و اقدامات اولیه آن حضرت مطرح می کنم تا بیانگر وضعیت یاران امام و سربازان در خدمت آن حضرت باشد. این حدیث شریف از قول امام باقر علیه السلام است که می فرماید: «امام زمان علیه السلام وقتی می آید

با سیره پیامبران می آید؛ یعنی امام زمان علیه السلام از هر پیامبر، یک نمونه و نشانه ای را در خود دارد، نشانه الهی که مورد نظر بحث ماست از رسول خدا صلی الله علیه و آله است: «وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَالْقِيَامُ بِسِيرَتِهِ وَتَبْيِينُ آثَارِهِ، ثُمَّ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. قُلْتُ: وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - قَدْ رَضِيَ؟ قَالَ: يَلْقَى اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ»؛ (۵۹) امام زمان علیه السلام با سیره و روش رسول خدا قیام می کند یعنی آن طور که پیغمبر بود او نیز همان گونه است، آنچه حضرت رسول اکرم می خواست او می خواهد و آنچه را که رسول خدا انجام می داد، اجرای حدود و حقوقی که وجهه همت آن حضرت بود، برای امام زمان نیز مطرح و مهم است.

او می خواهد آثار رسول خدا را برای مردم تبیین کند؛ یعنی اسلام ناب را «بما أنزل الله» همه را برای مردم تشریح و تفسیر کند. سپس شمشیر را حمایل کرده، تا هشت ماه جهاد می کند، البته این به این معنا نیست که وقتی امام زمان ظهور کرد همان ساعات اول شمشیر را بگیرد و همه مخالفان را نابود کند. وقتی که آمد طبیعی است که به همه دشمنان اعلام عفو بدهد. یوسف زهرا علیهما السلام نیز همانند یوسف علیه السلام که وقتی برادرانش او را شناختند، با این که آن همه ستم به او کردند امّا در عین حال فرمودند: خداوند شما را بیامرزد: «قَالَ لَمَّا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ (۶۰) «(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می بخشد؛

و او مهربان ترین مهربانان است!». امام زمان علیه السلام نیز چنین خواهد کرد. پس از عفو عمومی، احکام دین و حقیقت اسلام را تبیین و تشریح می فرماید تا همه طالبان حق و مشتاقان حقیقت هدایت شوند. اما جریان هایی که در پذیرش اسلام و هدایت، لجاجت و عناد ورزند و با امام زمان علیه السلام به مخالفت پردازند، جریان های باطلی که در جاهای مختلف در برابر حق و خدا ایستادگی می کنند و همچنان که در طول غیبت صغری و کبری لجاجت می کردند، لجاجتشان را ادامه بدهند، امام زمان علیه السلام با آن ها مبارزه خواهد کرد، شمشیر را حمایل و در راه خدا، جهاد و مبارزه می کند. حال این شمشیر چیست؟ آیا واقعاً همان شمشیر ذوالفقار هست؟ آیا همان شمشیر آهنی و عادی است؟ یا با ابزار دیگر می جنگند؟ این شمشیر به عنوان سمبل جهاد و قیام و مبارزه است که در دستش می گیرد و با قدرت الهی همه سلاح ها را از کار می اندازد و او با همان شمشیر مبارزه می کند؟

این بحث جداگانه ای است که ان شاء الله بعداً در این باره صحبت می کنیم.

بالاخره امام زمان علیه السلام قیام مسلحانه می کند. می فرماید که تا هشت ماه می جنگد: ولا يزال یقتل أعداء الله حتی یرضی الله، مقاتله می کند و بی وقفه دشمنان خدا را به قتل می رساند، آن هایی که منطق را نپذیرفتند، می کشد تا خدا راضی شود.

راوی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که او چگونه می فهمد که خدا راضی شده تا دست از کشتارشان بردارد؟

فرمود: خداوند در دل او محبت و رأفتی ایجاد می کند که البته مخالفین اصلی از میان خواهند رفت، آن وقت است که حکومت عدل الهی را پیاده می کند.

حالا سؤال

این است، آدمی که دست روی دست گذاشته و کاری به کار ظالم و مظلوم ندارد و همه چیز را به عهده دیگری می گذارد، آیا چنین شخصی را می توان منتظر واقعی دانست؟

با عنایت به توضیحات فوق طبعاً نمی تواند مفهوم درستی باشد، مفهوم درست این است که انسان مجاهد فی سبیل الله، به تعبیر بنیانگذار پرافتخار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره مملکت امام زمانی همه اش باید بسیجی باشد. یعنی آموزش رزمی و عزم جدی برای اجرای فرمان الهی و عمل به دستورات خدا دارند. این جامعه، جامعه منتظر است و این چنین مردمی، منتظران ظهورند و این مجموعه، مجموعه ای است که انتظار امام زمان علیه السلام را دارد که از جهات مختلف خود را برای پذیرفتن امام زمان علیه السلام آماده می سازد.

در روایات داریم که اگر کسی این گونه تلاش بکند و انتظارش این گونه باشد، اگر توفیق درک ظهور امام زمان علیه السلام را در عصر حیات خودش پیدا نکرد و امام زمان پس از فوت او ظهور نماید، به قدرت خدا زنده می گردد و جزو سربازان امام زمان خواهد شد؛ بنابراین با عنایت به این دو مفهوم که یکی مفهوم ناصحیح و دیگری مفهوم درست است، ان شاء الله با درک درست از مفهوم متری انتظار بتوانیم در عصر غیبت، خودمان را لایق ملاقات و سربازی وجود مقدس امام زمان علیه السلام بنماییم.

ان شاء الله

مشکل دینداری و وظیفه دینداران...

اشاره

یکی از مباحثی که باید مورد توجه قرار گیرد مشکلات دینداری در عصر غیبت امام زمان علیه السلام است. غیبت امام زمان علیه السلام باعث می شود که راه دست اندازی به دین و تضييع حقوق متدینین هموار شود.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَهُ

وَلِيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقَلَّةَ عَدَدِنَا؛ بار الها! ما به تو شکوا می کنیم در این عصر فقدان حضور پیامبران و غیبت ولی و امام زمانمان و زیادی دشمن و کمی دوستانمان».

این فراز از دعا که در مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی قدس سره است در حقیقت تبعات عصر غیبت را مطرح می کند.

از روایات هم بر می آید که دینداری در عصر غیبت سخت تر است لذا اجر دینداران این عصر هم از سایر عصرها بیشتر است.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «من ثبت علی ولایتنا فی غیبه قائمنا أعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهداء بدر وأحد؛ (۶۱) کسی که در عصر غیبت قائم ما بر ولایت و اعتقاد به امامت ما ثابت قدم بماند اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را دارد».

در روایت دیگری رسول خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام می فرماید: «یا علی واعلم أن أعجب الناس ایماناً وأعظمهم یقیناً قوم یكونون فی آخر الزمان لم یلحقوا النبی وحبب عنهم الحجه فأمنوا بسواد وبیاض؛ (۶۲) ای علی! بدان که شگفت آورترین مردم از نظر ایمان و بالاترین مرتبه یقین مردمی هستند که در دوره آخر الزمان می آیند که با پیامبر ملاقات نداشتند و حجت خدا، و امام هم از آن ها مخفی است اما به وسیله سیاه و سفید (اخبار و نوشته ها) ایمانی محکم دارند».

روزی رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «یا لیتنی قد لقیتم إخوانی. فقال له أبوبکر وعمر: أولسنا إخوانک، أما بک وهاجرنا معک؟ قال: قد آمتتم وهاجرتم ویا لیتنی قد لقیتم إخوانی. فأعاد القول، فقال رسول الله صلی الله علیه وآله: أنتم أصحابی ولكن إخوانی الذین یأتون من بعدکم، یؤمنون بی ویحبونی وینصرونی ویصدقونی وما رأونی، فیا

لیتی قد لقیتم إخوانی؛ (۶۳) روزی رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: ای کاش! با برادرانم ملاقات می کردم. ابوبکر و عمر گفتند: آیا ما که به شما ایمان آوردیم و با شما مهاجرت کردیم برادران شما نیستیم؟

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: آری شما ایمان آوردید، مهاجرت کردید اما ای کاش با برادرانم ملاقات می داشتم. ابوبکر و عمر باز جمله قبل را تکرار کردند. حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید اما برادران من آن هایی هستند که بعد از من می آیند با این که مرا ندیدند اما به من ایمان می آورند و مرا دوست دارند و مرا یاری می کنند و تأییدم می کنند در حالی که من را ندیده اند. ای کاش! با آن ها ملاقات می کردم».

این احادیث دلالت بر سخت بودن دینداری در عصر غیبت می کند که بهترین عمل و مشکل ترین آن است؛ زیرا دین سازان و دین بازان و دین ستیزان با شیوه های مختلف بر سر راه دین داران می آیند تا آن ها را از راه حق دور سازند.

طولانی شدن غیبت حضرت مهدی علیه السلام و ادعای کاذب مدعیان دروغین مهدویت، موجب شد که بسیاری از مؤمنین ساده اندیش یا ضعیف الایمان به دام شیطانی این مدعیان دروغین گرفتار شوند، لذا مقاومت کردن در برابر این جریان ضد دینی کاری سخت و دشوار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إن لصاحب هذا الأمر غیبه، المتمسک فیها بدینه كالخارط لشوك القتاد بیده - ثم أوماً أبو عبد الله علیه السلام بیده هكذا - قال: فأیکم تمسک شوك القتاد بیده.

ثم أطرق ملئاً ثم قال: إن لصاحب هذا الأمر غیبه، فلیتق الله عبد عند غیبه و لیتمسک بدینه؛ (۶۴) برای حضرت صاحب الامر علیه السلام غیبتی است که دین داری در آن عصر مثل

این است که کسی با دست خود گیاه تیغ داری را بخواهد بکشد آن گاه با دست اشاره کرد و فرمود چه کسی از شما این گیاه تیغ دار را با دست می کشد؟ پس کمی سکوت کردند و ادامه دادند: همانا برای صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) غیبتی است که باید برای نجات در این عصر تقوا داشته و به دین خدا متمسک شد.

آنچه که مؤمن را در این عصر در دینداری کمک می کند، میزان شناخت او نسبت به امامت و ولایت، شناخت دین خدا و نیز تمسک به تقوی، التزام به دین و تمسک به قرآن و پیروی از علمای دین و تبعیت از ولایت فقیه است.

در رویدادها و حوادث باید به بزرگان و علما مراجعه کرد و از آن ها پیروی نمود. امام زمان علیه السلام فرمودند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حَجَّةُ اللَّهِ؛ (۶۵) در حوادث و رویدادها باید به راویان احادیث و علمای دین مراجعه کنید؛ زیرا آن ها حجت های من بر شما و من حجت خدا هستم».

نقش علما در عصر غیبت

امام صادق علیه السلام فرمود: «عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا يَرَابِطُونَ بِالشَّجَرِ الَّذِي يَلِي ابْلِيسَ وَعَفَارِيْتَهُ، يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَيَّ ضَعْفَاءَ شِيعَتِنَا وَعَنْ اَنْ يَسْلُطَ ابْلِيسُ وَشِيعَتُهُ النُّوَاصِبُ؛ (۶۶) علمای شیعه ما مرزبانانی هستند در برابر شیطان و دار و دسته بدش که از یورش آنان بر شیعیان مستضعف و نیز از سلطه ابلیس و دنباله روهای ولایت ستیزش جلوگیری می کنند.»

امام هادی علیه السلام فرمود: «لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمُكُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالذَّالِمِينَ عَلَيْهِ وَالذَّالِمِينَ عَنِ دِينِهِ لِحَجَّةِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لَضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ ابْلِيسَ وَمُرْدَتِهِ وَمَنْ فَخَاخَ النُّوَاصِبَ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ

إلما ارتدَّ عن دين الله ولكنهم العذین یمسکون از مه قلوب ضعفاء الشیعه کما یمسک صاحب السفینه سکانها، اولئک هم الأفضلون عند الله عزو جل؛ (۶۷) اگر دوران غیبت قائم آل محمد علیهم السلام دانشمندانی نبودند که مردم را به سوی او هدایت و راهنمایی کنند و با حجت های الهی از دینش دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام های شیطان و پیروانش رهایی دهند و از دام های ناصبی ها (دشمنان اهل بیت علیهم السلام) نجات بخشند، کسی در دین خدا پا برجا نمی ماند و همه مرتد می شدند، ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند؛ چنان که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد؛ بنابراین آنان نزد خدا والاترین انسان ها هستند».

بدین ترتیب، راه حفظ دین و سلوک در راه مستقیم، با شناخت دین از طریق علمای دینی و دین شناسان متخصص و پیروی از نظرات آن ها و نزدیک شدن به آن ها و تخلف نکردن از دستورات عملی و دینی آنان میسر است، در غیر این صورت، دزدان عقیده و راهزنان دینی، متدینین را از دین منحرف می سازند.

راه دیگر برای حفظ دین و جلوگیری انحطاط، توسل و دعا و تمسک به اهل بیت علیهم السلام است. حضرت حجت علیه السلام خود دستور و سفارش فرمود که در عصر غیبت، دعای فرج که معروف به دعای غریق است را زیاد بخوانند و در خواندن آن مداومت نمایند که آن دعا این است: «إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ...».

وظایف شیعیان و نظارت ائمه بر اعمال آنان...

توضیح

بحثی که اکنون تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام می کنیم، پیرامون وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان علیه السلام است.

از وظیفه های مهم ما آن است که

همیشه موجبات خشنودی خاطر خطیر پیامبر خدا و ائمه هدی را فراهم کنیم و در این عصر هم درباره خشنودی امام زمان علیه السلام تلاش کنیم. حقیقت امر این است که ما هر چه باشیم و هر گونه عمل کنیم عملکرد و اخلاق و رفتار ما برای ائمه مؤثر است، یعنی آن‌ها ناراحت یا خوشحال خواهند شد. این حدیث شریف را بارها شنیده‌اید که امام صادق علیه السلام فرمودند: «کونوا لنا زیناً و لاتکونوا علینا شیئاً؛ برای ما زینت باشید و برای ما باعث انفعال و سرشکستگی نباشید».

چگونه فرزند می‌تواند برای پدر و خانواده اش باعث زینت و افتخار و سربلندی شود و یا باعث انفعال و ناراحتی و سرشکستگی شود؟ شیعیان هم برای ائمه معصومین علیهم السلام این گونه اند. می‌توانند باعث زینت و افتخار و سربلندی و یا باعث انفعال و ناراحتی باشند. حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که از آن می‌فهمیم عملکرد ما حتی در این عصر هم ممکن است موجب اذیت و آزار و یا خوشحالی وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. چون ما اعتقاد داریم که وجود مقدس رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام از نظر اشراف بر امور ما؛ در زمان حیات و پس از مرگشان تفاوتی ندارند. حدیثی از قول امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «أما لکم تسوؤن رسول الله: فقال رجل کیف نسوئه؟ فقال علیه السلام: أما تعلمون ان أعمالکم تعرض علیه فإذا رأى فیها معصیه ساء ذلك فلا تسوؤا رسول الله و سروه؛ (۶۸) چرا شما با پیغمبر خدا بد می‌کنید؟ فردی پرسید: ما چگونه به پیغمبر خدا بد می‌کنیم یا ناراحتش می‌نماییم؟ امام صادق فرمود: آیا نمی‌دانید که

اعمال شما به محضر رسول خدا عرضه می شود؟ مگر نمی دانید که اگر عملی انجام دهید، به رسول خدا عرضه می کنند (که امت تو، این کار را کرده است) اگر پیغمبر در اعمال شما معصیت و گناهی را ببیند، معصیت و گناه شما او را ناراحت می کند. پس به پیغمبر اکرم بدی نکنید ناراحتش نکنید بلکه خوشحالش کنید».

با توجه به مقدمه و حدیث فوق که مطرح شد، متوجه مسؤلیت سنگین خود خواهیم شد؛ یعنی اعمال و رفتار ما می تواند موجب ناراحتی و یا موجب سرور و خوشحالی پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام باشد. این عقیده ماست که بر حسب مفهوم آیه شریفه ای که ذکر خواهد شد اعمال مؤمنین را به پیغمبر خدا و ائمه هدی عرضه می کنند. حال، عرضه این اعمال به چه صورت است؟ آیا هر روز یا هر شب و یا هفته ای یک بار و یا هفته ای دوبار یا روزهای پنج شنبه عرضه می شود؟

آنچه مسلم است بر حسب آیه شریفه، عرضه اعمال ما به محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام یک مسأله عقیدتی است که به آن پایبندیم. خداوند می فرماید: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ (۶۹) «ای پیامبر بگو هر عملی انجام دهید به زودی اعمال شما را خدا و رسول خدا و مؤمنون می بینند».

بر حسب نقل احادیث، منظور از مؤمنون که در آیه شریفه هست، ائمه معصومین علیهم السلام هستند؛ یعنی قرآن کریم می فرماید که اعمال ما را به محضر الهی که اشراف دارد و به محضر رسول اکرم و ائمه هدی عرضه می کند بعد می فرماید: «وَسْتُرْدُونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» به زودی در

قیام قیامت، نتیجه اعمال خودتان را خواهید دید. پس اعمال ما هر چه باشد به محضر پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام از جمله در محضر امام زمان علیه السلام عرضه خواهد شد. طبق نقل مفسرین شیعه، منظور از مؤمنون، ائمه معصومین علیهم السلام هستند. شخصی به نام عبدالله بن ابان زیات می گوید: به محضر امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم و از ایشان درخواست کردم برای من و خانواده ام دعا فرمایند امام رضا علیه السلام فرمودند: آیا خیال می کنی من برای شما دعا نمی کنم، بلکه برای خانواده شما دعا می کنم.

آن مرد گفت: چطور؟

امام فرمود: به خدا اعمال شما در هر روز و شب به من عرضه می شود. یعنی امام رضا علیه السلام که امام هستند، اعمال شیعیان به محضرشان عرضه می شود. امام می خواهد به او بفهماند وقتی من بینم اعمال شما وفق دستورات مکتب امامت و ولایت است و گناه و معصیت نیست دعایتان می کنم. ابان می گوید که این نکته بر من دشوار شد و پذیرفتنش بر من سنگین بود که چگونه می شود اعمال همه شیعیان را روز و شب به محضر امام عرضه کنند، امام رضا متوجه برداشت و فهم من شد. به من فرمود: ای ابان! مگر تو قرآن نمی خوانی، چرا باور این موضوع برایت سخت است مگر این آیه را نخواندی که خداوند فرموده: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ».

گفتم: آری خوانده ام. امام فرمود: به خدا قسم منظور از مؤمنون، علی بن ابیطالب و ائمه معصومین علیهم السلام هستند. بنابراین بر اساس نقل این روایت، اعمال همه مؤمنین و شیعیان به محضر امام عرضه می شود.

در این صورت، اگر اعمال ما اطاعت و عبادت خدا، دوری از

گناه و معصیت، تقوا و پرهیزگاری مطابق دستورات ائمه معصومین علیهم السلام باشد امام زمان علیه السلام خوشحال خواهند شد. آیا غیر از این است که ما دلمان می خواهد قلب مقدّس آن حضرت از ما راضی و خوشحال باشد؟ این همه زجر و بلا و شکنجه که در دنیا علیه مؤمنین و مسلمین و مظلومین روا می دارند همه داغی است بر قلب نازنین امام زمان علیه السلام.

اگر ما شیعیان قلب امام زمان را در این عصر مظلومیت امامت و ولایت، شاد کنیم چه کاری از این بهتر و خدای ناخواسته اگر امام عصر را با گناه و معصیت و اخلاق زشتان ناراحت کنیم، چه ظلمی از این بدتر؟

توقیع امام زمان علیه السلام

خود امام زمان در توقیعی که برای شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - که از برجسته ترین شخصیت های شیعی است مطالبی را در این زمینه اظهار می فرماید که طولانی است و ما فقط جمله مورد نظر خود را ذکر می کنیم: «فإننا نحیط علماً بانبائکم ولا یغرب عنّا شی من اخبارکم»؛ (۷۰) همانا، ما امامان به خبرهای شما احاطه علمی داریم. چیزی از اخبار پیرامون شما برای ما پوشیده نیست و بر همه کارها آگاهی داریم.

در این بیان امام زمان علیه السلام به شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - تصریح می فرماید که ما نسبت به اعمال و رفتار و اخبار شما، احاطه علمی و اشراف داریم که نه زمان جلوی آگاهی و اشراف ائمه را می گیرد و نه مکان معینی، اگر نقطه دوری هم باشند، فاصله فیزیکی و طبیعی و زمانی نمی تواند جلوی علم و اطلاعات ائمه نسبت به شیعیان شان را بگیرد. چون علم آن ها متصل به علم خداست. هنگامی که

خداوند اراده فرماید که ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به شیعیانشان اشراف داشته باشند این اراده تحقق پیدا می کند.

حکایت

مردی از اهالی کوفه و از پیروان امام صادق علیه السلام به خراسان عزیمت نمود و مردم خراسان را به امامت ایشان دعوت کرد، مردم به سه گروه تقسیم شدند: گروه اول امامت امام صادق علیه السلام را پذیرفتند، گروه دوم امامت آن حضرت را انکار کردند و نپذیرفتند و گروه سوم رعایت احتیاط پیشه کرده، نفیاً و اثباتاً اظهار نظر نکردند. سرانجام قرار شد از هر گروه یک نفر به نمایندگی خدمت امام صادق علیه السلام برسند و این امر را تحقیق نمایند، در نتیجه با همدیگر به سمت مدینه حرکت کردند. در بین راه نماینده گروه به اصطلاح محتاط، به کنیزی که به همراه یکی دیگر از افراد گروه بود طمع کرده و در تاریکی شب به خواست غیر مشروع خود رسید و دامن آلوده کرد.

چون خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند، همان شخص سخن آغاز کرد و ماجرای دعوت مرد کوفی و سه گروه شدن مردم منطقه خود را توضیح داد و گفت: من هم جزو گروه سوم و اهل احتیاط هستم.

امام صادق علیه السلام فرمود: پس چرا در فلان شب احتیاط کاری ندانستی و دامن آلوده کردی. (۷۱) بنابراین شاهد تاریخی، امامان معصوم به لطف و عنایت الهی از همه رفتار مردم می توانند باخبر باشند.

برادر و خواهر من! هر کسی باشی و در هر کجا و در هر حالت و وضعیتی باشیم باید بدانیم که اعمال ما به محضر پاک امام زمان علیه السلام عرضه می شود، اگر اعمال ما مطابق شرع و شریعت و خواسته امام زمان باشد خوشحال می شوند

و اگر بر عکس، گناه و معصیت باشد امام ناراحت می شوند.

پس ما وظیفه داریم، اخلاق و رفتار و اعمال و اعتقادات و عباداتمان را به گونه ای تنظیم نماییم که امام زمان علیه السلام از ما راضی باشند. همان گونه که ابان به امام رضا علیه السلام گفت برای ما دعا کند.

اگر اعمال ما مطابق دستورات خداوند باشد و آلوده به گناه و معصیت نباشد، امام زمان علیه السلام در حق ما دعا می کند و چه بهتر از دعای امام زمان علیه السلام که دعای آن حضرت مستجاب است.

خداوند فرموده: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۷۲) وقتی امام زمان علیه السلام در حق مؤمنین دعا کند، خداوند اجابت می کند، پس باید به گونه ای عمل کنیم تا خود را مشمول ادعیه زاکیه امام زمان علیه السلام نماییم و از گناه و معصیت و بی تقوایی دوری نموده تا ان شاء الله از ما راضی و خشنود گردد.

برخی از وظایف شیعیان...

توضیح

در قسمت قبل درباره وظایف شیعیان از نظر رعایت موازین و دستورات الهی و تبعیت از رسول خدا و ائمه هدی و عرضه اعمال مطالبی را تقدیم نمودیم. در این قسمت نیز نکاتی راجع به وظیفه شیعیان در قبال شخص امام عصر علیه السلام مطرح می نمایم.

شکرگزاری از خداوند

در درجه اول شکرگزاری از خدا که ما را به نعمت وجود امام زمان متنعم فرمود که به برکت وجود امام زمان دنیا و آخرتمان ان شاء الله تأمین خواهد شد.

در برابر چنین نعمتی که خداوند نصیب ما فرمود شکر نعمت ضروری است.

امّا وظیفه ای که در قبال خود امام زمان داریم عطوفت متقابل است؛ یعنی همان گونه که امام زمان علیه السلام در مقابل شیعیان عطوفت و مهربانی و دلسوزی و شفقت و علاقه دارد، ما هم بایستی در قبال وجود مقدّس امام زمان دارای عشق و عطوفت و علاقه باشیم. قرآن کریم درباره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (۷۳) یعنی برای شما از بین خودتان پیغمبری آمد که این پیغمبر آنچه برای شما سختی و دشواری و مشکلات است برای او نیز سخت است، وقتی دشواری های شما را ببیند برای او هم مشکل است، درست مثل پدر که وقتی ببیند فرزندانش دچار مشکلند رنج می برد، پیغمبر هم این گونه است.

«حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» نسبت به خوشبختی و سعادت و نیک بختی و ایمان و هدایت مؤمنین شدیداً حرص دارد، دلش می خواهد همه ایمان بیاورند و ایمانشان کامل باشد همچنان که پدر و مادر علاقمند به هدایت و کمال و ترقی فرزندانشان هستند.

«بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»؛ رسول خدا به مؤمنین، رحمت و رأفت

این آیه در شأن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است ولی در حدیثی که قبلاً مطرح شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اشبه الناس خلقاً و خلقاً بی» یعنی حضرت مهدی علیه السلام شبیه ترین آدم ها از نظر خلقت و اخلاق به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است، پس همان رحمت و رأفت و علاقه و محبتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امت خودش دارد، امام زمان علیه السلام هم به شیعیان خویش دارد. لذا ما هم وظیفه داریم که متقابلاً به محضر نورانی امام زمان علیه السلام عرض ارادت کنیم و اخلاص داشته باشیم و همیشه دلمان به یاد امام زمان باشد.

او هیچ زمانی از یاد ما غافل نیست، پس ما هم همیشه باید به یاد او باشیم. قلبی که به یاد امام زمان باشد، این قلب به نورانیت وجود مقدس امام زمان نورانی خواهد شد، قلبی که جایگاه یاد امام زمان باشد قطعاً جایگاه یاد خداست و شیطان در این قلب رخنه نمی کند. این اولین وظیفه است که نسبت به امام زمان علیه السلام دارای رأفت و عطوفت و مهربانی و عشق و علاقه باشیم و قلب ما از یاد امام زمان خالی نباشد و دائماً به یاد امام زمان باشیم.

درخواست از خداوند برای شناخت امام عصر علیه السلام

در ابتدای بحث درباره امام زمان علیه السلام اهمیت شناخت امام را مطرح کردیم از جمله وظایف ما در عصر غیبت این است که از خدا درخواست کنیم که معرفت امام زمان را برای ما فراهم کند که در کتب معتبر، دعاهای زیادی در این زمینه است، دعاهای معروفی که همیشه به خصوص بعد از هر نماز واجب و مستحب تأکید به خواندن آن

شده است؛ از جمله دعایی که مرحوم سید بن طاووس در کتاب شریف «جمال الاسبوع» آورده است و آن دعای معروف «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ» تا آخرین جمله ای که در این فراز اول دارد: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَن دِينِي»؛ (۷۴) یعنی خدایا! امام زمان ما را که حجت توست به ما بشناسان که اگر ما او را نشناسیم در دین خود گمراه می شویم. بنابراین وظیفه دیگر ما در قبال امام زمان این است که از خدا بخواهیم او را به ما بشناساند.

(البته منظور از شمارش وظایف بدین معنا نیست که همین مقدار هست، چون در بعضی از کتب معتبر قدیمی تا هشتاد وظیفه در قبال امام زمان برای مؤمنین ذکر کرده است لذا در اینجا بعضی از وظایف را تقدیم محضر شما می کنیم).

دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام

یکی از وظایف ما این است که باید همیشه برای سلامتی وجود مقدس امام زمان علیه السلام دعا کنیم که خداوند وجود عزیزش را از همه بلیات محفوظ بدارد و وجود مقدسش را سالم نگه دارد. در ارتباط با درخواست سلامتی برای وجود مقدس امام زمان، دعاهای متعددی وجود دارد؛ از جمله همین دعای معروفی که در کتاب شریف مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی آمده است که بحمدالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی عموم مردم حتی نوجوانان و جوانان هم همیشه ورد زبانشان هست: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ صَيِّمُوا تُكَ عَلَيَّ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى تُشَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

این از جمله دعاهایی است که باید برای سلامتی وجود مقدس امام زمان علیه السلام در عصر غیبت بخوانیم.

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام

از جمله وظایفی که به عهده ما شیعیان و منتظران امام زمان علیه السلام است این است که برای فرج و تعجیل در فرج امام زمان دعا کنیم که در روایات متعدّد راجع به این امر تأکید شده. در کتاب شریف بحار الانوار از قول امام صادق علیه السلام آمده است، حضرت فرمودند:

لكل اناس دولة يرغونها

ودولتنا آخر الدهر يظهر (۷۵)

یعنی هر کسی طرفدار یک دولت و حکومتی است که در دلش از خدا آرزوی آن دولت را می کند، دولت ما اهل بیت در آخرالزمان است، یعنی ما خواستار ظهور دولت اهل بیت هستیم، این بیان امام صادق علیه السلام است. پس شیعه امام زمان علیه السلام چون خواستار حاکمیت اهل بیت علیهم السلام است، آن هم به امامت امام زمان، باید همیشه برای تحقق این دولت دعا کند. در حدیث دیگر از قول امام زمان علیه

السلام آمده: «واكثرُوا الدعَاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم»؛ (۷۶) «زیاد درباره فرج امام زمان دعا کنید که همین فرج و گشایش برای شماست».

در حدیث دیگری باز می فرماید: «وتوقع امر صاحبك ليلك ونهارك» (۷۷) یعنی آرزو کن از خدا صاحبت یعنی امام زمان را که از پس پرده غیبت در بیاورد. در صبح و شامت، در روز و شبت، ظهور امام زمان علیه السلام را از خدا تقاضا کن. این ها احادیثی است که از کتب شیعه نقل شده که به عنوان یک وظیفه، شیعه و منتظر امام زمان، هر روزه تعجیل فرج آن حضرت را درخواست کند. در بعضی از روایات آمده که خود امام زمان هم از شیعیان خودش این درخواست را می کند که شما تعجیل فرجم را از خدا درخواست نمایید.

ندبه و زاری به خاطر غیبت امام عصر

یکی دیگر از وظایف منتظر، ندبه و گریه و زاری برای غیبت امام زمان است، برای این جهت که ما دسترسی به وجود مقدّسش نداریم چون این بزرگ ترین مصیبت است. همان طوری که در دعای شریف ندبه آمده است: «عزیز علیّ أن أری الخلق ولا تری (۷۸) چه چیزی از این بدتر، چه مصیبتی از این بالاتر که همه چیز را می بینیم اما آن عزیز همه دل های مؤمنین و حجت خدا را نمی بینیم. این فقدان و این عدم درک وجود مقدّس، به عنوان بزرگ ترین مصیبت است و برای این مصیبت باید ندبه و زاری کرد.

معروف ترین متونی که تحت عنوان ندبه برای امام زمان آمده، همان دعای شریف ندبه است که هر روز صبح جمعه معمولاً مؤمنین در خواندنش مداومت دارند. مطالب بسیار مهمی دارد که در قالب همین ندبه و زاری و آه و ناله به

در گاه خداوند عرضه می شود و ان شاء الله خداوند به وسیله همین ناله هایی که مؤمنین دارند به غیبت امام زمان پایان بدهد و نیز در دعای هر شب ماه مبارک رمضان هم به صورت ندبه است که **اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَيْبَهُ** **وَلَيْئِنَّا وَكَثَرَةُ عَدُوِّنَا، وَقَلَّةُ عَدِدِنَا، وَشِدَّةُ الْفِتْنِ بِنَا، وَتَظَاهَرُ الزَّمَانِ عَلَيْنَا؛ (۷۹)** بار الها! ما به تو شکوا می کنیم در این عصر از فقدان حضور پیامبران و غیبت ولی و امام زمانمان و زیادی دشمن و کمی دوستانمان...».

این ها همه ندبه است در طول تاریخ، شیعه این ندبه را داشت یعنی این هم جزو وظایف ما شیعیان بوده و هست.

خواندن زیارتنامه امام عصر

از جمله وظایف ما زیارت خواندن و زیارت کردن امام زمان است. اگر ما او را نمی بینیم، او ما را می بیند، لذا باید هر وقتی که این حال به ما دست داد وجود مقدسش را زیارت کنیم. به صورت زیارتنامه مأثوره ای که در کتب معتبر وارد شده و از جمله بعد از نماز واجب صبح، زیارت مخصوص امام زمان است؛ به خصوص زیارت جامعه کبیره را که خود امام زمان در دیدار مرحوم حاج علی بغدادی به او تأکید فرمودند که نماز شب بخوانید «نافله، نافله، نافله» بعد فرمودند که زیارت جامعه بخوانید «جامعه، جامعه، جامعه» بعد فرمودند که زیارت عاشورا بخوانید «عاشورا، عاشورا عاشورا» که داستان رؤیت و ملاقات حاج علی بغدادی در کتاب مفاتیح الجنان آمده است، لذا از جمله دعاهایی که به عنوان زیارت امام زمان هم محسوب می شود همین زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی علیه السلام است.

دادن هدایا و صدقات به نام امام زمان علیه السلام

دادن هدیه و صدقه به نام امام زمان نیز دیگر وظیفه ماست؛ یعنی هر وقتی می خواهیم صدقه بدهیم، برای سلامتی وجود امام زمان و به نیت امام زمان صدقه بدهیم. هر وقت می خواهیم به کسی هدیه ای بدهیم به نام امام زمان بدهیم این جزو وظایف است.

در قرآن کریم آیه شریفه «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها» می فرماید: اگر کسی به تو تحیتی کرده، سلامی گفته و خدمتی به تو کرده، تو وقتی می خواهی جواب بدهی، جواب بهتری بده یا مثل همان تحیت را به او برگردان. حال سؤال اینجاست، آیا امام زمان این کار را انجام می دهد؟ قطعاً انجام میدهد. پس اگر ما به امام زمان علیه السلام با دادن هدیه

تحیتی داشته باشیم آیا امام زمان تحیت ما را بهتر از آن یا مثل خودش را پس نمی دهد؟ لذا اگر بخواهیم هدیه امام زمان هم به ما تعلق بگیرد، یک راهش این است که ما برای او و به نام وجود مقدسش هدیه بدهیم و برای سلامتی وجود عزیزش صدقه بدهیم که این صدقه دادن قطعاً موجب این می شود که دعای امام زمان شامل حال ما گردد.

احترام به اماکنی که منتسب به امام زمان علیه السلام

احترام به اماکنی که منتسب به امام زمان علیه السلام است نیز از جمله وظایف منتظران می باشد. به آن مکان ها برویم، زیارت مخصوص امام زمان را آنجا انجام بدهیم، اعمالی که در آنجا به نام امام زمان وارد شده، به جای آوریم، اماکنی مثل مسجد مقدس جمکران قم که خود تاریخچه و اعمالی مخصوص دارد. یا سرداب مخصوص به نام امام زمان علیه السلام در کنار حرم مطهر عسکریین علیهما السلام در شهر سامرا و یا مسجد سهله در شهر کوفه که مقام و جایگاه امام زمان است. بنابراین هر کجا که مقامی برای امام زمان و منتسب به ایشان می باشد به آنجا برویم، اعمال آنجا را انجام دهیم و در آنجا با امام زمانمان راز و نیاز و درد دل کنیم.

آن مکان ها، جایگاه هایی هستند که امام زمان معمولاً به آن جاها می آیند. این یکی از وظایفی است که ان شاء الله این اماکن مقدسه را که نام بردم زیارت کنیم شاید خداوند زیارت امام زمان علیه السلام را نصیب همه ما بفرماید.

ادای احترام به هنگام شنیدن نام امام زمان علیه السلام

مورد دیگری که به عنوان وظیفه خدمت شما عرض می کنم احترام به امام زمان علیه السلام است به هنگام شنیدن نام مقدسش.

اسم مقدسش را بدون آداب بر زبان نیاوریم و با احترام ادا کنیم. با القاب و تحیت نام مقدسش را ببریم. البته همان طور که قبلاً گفتم، در کتب شیعه، اسامی زیادی برای امام زمان ذکر شده است که ذکر بعضی از اسامی امام زمان هم برای خودش آداب و احترامی دارد، ضمن این که هر اسمی که از امام زمان برده می شود باید با تحیت و سلام و صلوات توأم باشد. بعضی از اسامی هست که

به همراه خود آدابی دارد؛ مانند همین اسم شریف «قائم» - عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه و سَهْلُ اللَّهِ مخرجه - از جمله اسامی است که آدابی دارد و الحمد لله شما مؤدب به این ادب هستید و الآن با شنیدن نام مقدسش از جا برخاستید، این جزو آداب است و در روایات وارد شده است.

از قول ائمه ما به خصوص از امام رضاعلیه السلام این حدیث وارد شده که در حضور امام رضاعلیه السلام همین نام مقدّس (قائم) برده شد که امام رضا با کمال ادب، تمام قد ایستادند و دستشان را روی سرشان گذاشتند و فرمودند: «وعَجَل فرجه و سَهْل مخرجه».

امام رضاعلیه السلام با شنیدن این نام، هم از جا برخاست و هم دست را بر روی سر گذاشت و هم تعجیل در فرج امام زمان را از خدا خواست و هم آسان شدن کارها را برای امام زمان از خدا درخواست کرد.

حال نکته ای در این باره می گویم؛ علت این که به هنگام بردن این نام از جا بر می خیزیم، به دو نکته اشاره می کنم: یکی این است که در روایات وارد شده که وقتی هر شیعه و دوستدار امام زمان این نام را ببرد و از جای برخیزد، امام زمان در هر جایی که باشند متوجه او می شوند و از او به خاطر این احترام، تشکر و قدردانی می نمایند.

علت دوّم، در حقیقت یک پیام و یک فرهنگ است. چون این اسم یعنی برپا دارنده، قیام کننده، یعنی امامی که ما منتظر ظهور او هستیم تا قیام کند و دنیا را پر از عدل و داد فرماید. اکنون نام مقدسش را که شنیدیم اعلام آمادگی می کنیم

که «ای امام زمان! تو بیا و ما حاضریم در رکاب تو قیام کنیم و جانمان را در رکاب تو تقدیم خدا کنیم. این هم یک پیام و فرهنگ است.

این پیام سازنده هم است، یعنی موجب می شود ما به قدری در مواظبت از اخلاق و رفتار و اعمال و ایمان خود کوشا باشیم که وقتی تشریف آوردند لیاقت سربازی او را داشته باشیم، ان شاء الله.

پس به اختصار و در این فرصت، چند وظیفه در قبال امام زمان علیه السلام مطرح کردم، بکوشیم تا ان شاء الله گوشه ای از وظایفی که در قبال وجود مقدس ولی عصر داریم انجام بدهیم تا قلب عزیز و نورانی اش از ما راضی و خشنود گردد.

خداوندا! چشمان ما را به جمال دل آرای عزیز و حجت خودت، امام ما، به زودی زود روشن بفرما و جهان پر از ظلم و بیاداد را به وجود مقدسش با عدل و داد الهی اش نورانی بگردان.

عنایت و لطف امام زمان «ع» نسبت به شیعیان

اشاره

وجود مقدس حضرت امام زمان مظهر صفات الهی است. خداوند متعال نسبت به همه مخلوقات خاصه به انسان، لطف و رحمت دارد. امام زمان علیه السلام نیز مظهر لطف خدا بر همه انسان هاست. وجود مقدس امام زمان مظهر رحمانیت خداست؛ بنابراین لطف و رحمت امام زمان هم شامل عموم انسان ها می شود و هم شامل مؤمنین.

از یک نظر وجود امام زمان علیه السلام برکات و خاصیتش به همه هستی بر می گردد و لطف برای همه است و به تعبیر خواجه نصیر طوسی «وجوده لطفٌ و تصرفه لطفٌ آخر و غیبه منّا». امّا از جهت اظهار لطف و محبت امام زمان نسبت به مؤمنین و شیعیان، از آنجایی که امام زمان ولی امر مسلمین

است، هیچ گاه ولی نباید از افراد تحت سرپرستی خود غافل باشد و در مشکلات آن ها بی تفاوت و بی توجه باشد. امام به منزله پدر است و پدر نسبت به فرزندان خود توجه دارد و به هنگام ضرورت، لطف و مرحمتش را شامل حال آن ها می گرداند. امام زمان از یک جهت لطفش عام است و شامل عامه جهان تشیع و عموم مؤمنین می گردد و در بعضی از موارد هم خاص است و شامل افرادی می شود که از نظر درجات علمی و ایمانی به مراتبی نایل شده باشند و آن لطف خاص است. نمونه هایی از این دو لطفی که امام زمان به عنوان مظهر لطف الهی اعمال می کند، مطرح می کنم.

در درجه اول این عقیده ماست که امام زمان، شیعیان خود را بی سرپرست نمی گذارد و به حال خود رها نمی کند و در سختی ها و شداید، آن ها را تنها نمی گذارد.

نامه ای از امام زمان علیه السلام

در نامه ای که وجود مقدسش به یکی از بزرگان دین «محمد بن محمد بن نعمان» معروف به «شیخ مفید اعلی الله مقامه» می دهد، این جمله را تصریح می کند: «أنا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم ولولا ذلك لنزل بکم اللأواء واستظلمکم الاعداء»؛ (۸۰) همانا ما شما را رها نمی کنیم، تنهایتان نمی گذاریم و هیچ وقت یاد شما را از خاطرمان نمی بریم که اگر چنین گردد (یعنی شما را از یاد ببریم و رها کنیم) همانا بلای سختی بر شما نازل خواهد شد و مشکلات فراوانی برای شما پدید خواهد آمد و دشمنان شما را بی چاره خواهند کرد. ما نمی گذاریم که شما به چنین وضعیتی بيفتید.

با چنین جملاتی که امام زمان در توقیع مبارکش به مرحوم شیخ مفید می دهد تصریح می فرماید

که ما مواظب شما هستیم، و اگر مشکلی به وجود بیاید، کمکتان می کنیم.

در مورد کمک امام زمان نسبت به عموم شیعیان که واقعاً از وجود مقدسش همه جهان تشیع بهره می برد، ما در طول تاریخ شواهد زیادی داریم که امام زمان به حال تشیع و به حال شیعیانش دعا می فرماید. هم برای مشکلات دنیا دغدغه خاطر دارند و هم برای مسائل آخرتشان نگرانی دارند.

نقل واقعه ای از سید بن طاووس

مرحوم علامه مجلسی و مرحوم علامه محدث نوری - اعلی الله مقامهما - از مرحوم سید بن طاووس نقل می کنند که گفته است: من در سرداب مقدس سامرا که منتسب به وجود مقدس امام زمان علیه السلام است مشغول توسل بودم، حالتی برای من پدید آمد و دیدم وجود مقدس حضرت صاحب الامر در حال راز و نیاز با خداوند بودند، با این جملات، امام زمان راز و نیاز می فرمود: «اللهم انّ شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا ومن بقیه طینتنا، قد فعلوا ذنوباً کثیراً اتکالاً علی حبنا وولایتنا، فان کانت ذنوبهم بینک وینهم فاصفح عنهم فقد رضینا وما کان منها فیما بینهم فاصلح بینهم وقاص بها عن خمسنا وادخلهم الجنة وزحزهم عن النار ولا تجمع بینهم وین اعدائنا فی سخطک»؛ «بار پروردگارا! شیعیان ما از انوار ما آفریده شدند و از بقیه طینت ما خلق شدند، به اتکای این که ولایت و محبت ما را در دل دارند گاهی مرتکب گناهان زیادی می شوند، اگر بین تو و آنان، گناهی وجود دارد آن ها را ببخش، ما هم خشنود می شویم و اگر بین خودشان مشکل دارند و نگرانی و نارضایتی دارند بین آن ها صلح و صفا ایجاد کن، مشکلات مالی بین آن ها را از طریق خمس

که حق ما هست، خودت تقاصشان را انجام بده، حقوقشان را ادا کن، شیعیان ما را به بهشت وارد فرما و آن‌ها را از جهنم باز دار و آن‌ها را با دشمنان ما در غضب خودت جمع و شریک نفرما».

مفهوم این دعا همه بیانگر این نکته است که امام زمان علیه السلام توجه و دل مشغولی و لطف نسبت به شیعیان خودش را دارد، هم برای مشکلات دنیا و هم برای مشکلات آخرتشان نگران است. این است که گاهی شیعیان در یک وضعیت بحرانی به سر می‌برند و حاکمیت مربوط به دشمنان و مخالفین ولایت گاهی برای آن‌ها فتنه‌هایی را تدارک می‌دیدند و امام زمان علیه السلام به کمک آن‌ها می‌آمدند.

حکایت انار

مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار نقل می‌کند: در زمانی که غربی‌ها و انگلیسی‌ها بر جزیره بحرین سلطه داشتند، حاکمی را در آنجا به کار گماردند که ناصبی و مخالف اهل بیت علیهم السلام بود. وزیری داشت که او هم در مخالفت با شیعیان و اهل بیت، شدت بیشتری به خرج می‌داد. روزی اناری را به نزد امیر و پادشاه بحرین آورد و به دست امیر داد، امیر نگاه کرد و دید روی این انار تازه و درشت، با خط طبیعی نوشته شده: «اشهد أن لا اله إلا الله واشهد أن محمداً رسول الله واشهد أن ابابکر وعمر وعثمان وعلی خلیفه رسول الله»، امیر تعجب کرد، چون دید نوشته انار به صورت طبیعی حک شده است، پرسید: این چیست؟ گفت: دلیل بر حقانیت خلفا و باطل بودن تشیع است. حال شیعیان را احضار کن و بگو جواب این‌ها را بدهند، یا باید جواب قانع‌کننده‌ای داشته باشند

و یا باید مثل یهود و نصاری، جزیه بدهند و یا باید همه آن‌ها را بکشیم. امیر گفت: حجت بسیار قوی ای است. بزرگان شیعه بحرین را آورد و انار را به آنان نشان داد و گفت که این دال بر حقانیت اهل سنت و باطل بودن شما شیعیان است، یا جواب قانع کننده ای بدهید یا جزیه بدهید یا همه شما را از دم تیغ می گذرانم.

بزرگان شیعه بحرین دچار مشکل شدند، از یک طرف می دانند حق با آن‌هاست و از طرف دیگر اناری را نگاه می کنند که نمی توانند جوابی به آن بدهند. با هم مشورت کردند و گفتند مهلتی به ما بدهید تا بعد از سه روز ما جواب را برای شما بیاوریم. به آن‌ها سه روز مهلت دادند. علما آمدند و خصیصین و شیعیان و زهاد و عباد را جمع کردند و مشکل را با آن‌ها در میان گذاشتند. از بین آن‌ها ده نفر از بهترین‌ها را برگزیدند و از میان این ده نفر هم سه نفر را گزینش کردند. گفتند ما صاحب داریم، مولا داریم، امام زمان علیه السلام، رهبر و مولای ماست، باید مشکل را با او در میان بگذاریم، بروید خلوت کنید و به وجود مقدسش استغاثه کنید که کمکتان کند و گرنه خون همه بی گناهان را خواهند ریخت.

این سه نفر هر کدام به نوبت، هر شب، از آبادی خارج شدند، در بیابان تضرع و زاری به درگاه خداوند و استغاثه به وجود مقدس امام زمان کردند؛ نفر اول شب تمام شد و جوابی نگرفت، نفر دوم هم همین طور، نفر سوم شخصی به نام «محمد بن عیسی» شب را به استغاثه مشغول شد، ناگهان

دید یک شخصی آمد رو به او کرد و فرمود: محمد بن عیسی چه می خواهی، اینجا چه می کنی، مشکلت چیست؟ گفت: مشکل من مشکل مهمی است که جز با مولایم امام زمان علیه السلام در میان نمی گذارم. گفت: بگو مشکلت را، شاید من همان کسی باشم که تو می خواهی. گفت اگر تو همان کسی باشی که من می خواهم، مشکل مرا خبر داری و نیاز به گفتن من نیست. فرمود: مشکل شما بحث انار است، اما حل مشکل شما این است که با جمع علما پیش امیر برو و بگو جواب را در خانه وزیر به شما خواهیم گفت. هنگامی که به خانه وزیر رفتید، غرفه ای در سمت راست شما هست، به آن غرفه بروید در بالای طاقچه به گوشه ای نگاه کنید آنجا قالبی است، لکن متوجه باشید که قبل از شما وزیر جلوتر به آن غرفه نرود و او را تنها نگذارید. به آنجا که رفتید در یک بسته ای یک قالب گلی پیدا می کنید. زمانی که این انار کوچک بود این وزیر ناصبی و دشمن اهل بیت علیهم السلام در این قالب آن جملات را به صورت معکوس حک کرد و انار را در درون این قالب قرار داد. انار که بزرگ می شد این شهادت ها در آن حک شد، آن را بیاورید و به دست امیر بدهید و بگویید: جواب شما این است، این توطئه وزیر شماست که چنین کاری انجام داده است. حقانیت از آن تشیع است ضمناً ما یک معجزه دیگر هم برای شما بگوییم که این انار در داخلش جز خاکستر و دود و گاز چیز دیگری نیست، به دست وزیر بده تا باز

کند، وقتی وزیر باز کرد همه آن به سر و روی وزیر خواهد ریخت. خدا به این وسیله نجاتتان خواهد داد.

محمد بن عیسی خوشحال شد، آمد و ماجرا را به تمام افراد و خصیصین دیگر گفت. به نزد امیر رفتند و در حضور وزیر در خانه وزیر، طبق دستور حضرت صاحب الامر علیه السلام عمل کردند و آن دشمن خدا و اهل بیت علیهم السلام رسوا شد و شیعیان نجات پیدا کردند و باعث هدایت آن امیر گمراه و باعث هلاکت آن وزیر روسیاه شد. (۸۱)

این نمونه ای است از عنایت های امام زمان علیه السلام نسبت به جمع شیعیان که اگر برایشان مشکلی پیش بیاید، آن ها را به حال خودشان رها نمی کنند و مهمل و بی یاور نمی گذارند.

نمونه های فراوانی وجود دارد؛ در تاریخ زندگی مرحوم علامه نائینی - اعلی الله مقامه الشریف - که از بزرگان اسلام و تشیع است و در عصر مشروطیت، جزو رهبران مشروطه بوده، او وقتی احساس می کند مردم ایران دچار مخمصه سختی شدند که دین و کشورشان در خطر است و سلطه دشمنان در حال زیاد شدن است (۸۲) استغاثه به وجود مقدس امام زمان می کند و در همان حالت بیداری، یک حال عرفانی برای او ایجاد می شود و می بیند امام زمان در کنار یک دیوار بلندی ایستاده اند و این دیوار هر قدر که بلندتر می شود کج تر می شود و در حال ویران شدن است. ایشان با دست مبارکشان اشاره می کنند و به سمت مرحوم نائینی نگاه می کنند و می فرمایند: «این بنا و این دیوار، ایران است، ایران شیعه، خانه ماست. هر وقت بخواهد برایش مشکلی پیش بیاید ما با انگشتانمان آن را به سمت صلاح و

این نکته ای است که در زندگی مرحوم نائینی نوشته اند و یکی از حقایقی است که ما به آن باور داریم و بارها و بارها، این وضعیت دیده شده است مگر در انقلاب اسلامی بارها شاهد حمایت های امام زمان علیه السلام نبودیم؟ آیا اگر حمایت وجود مقدس آن حضرت نبود، ما می توانستیم بر رژیم ستم شاهی که تا دندان به انواع سلاح مسلح بود و استکبار جهانی و شرق و غرب برای بر پا نگه داشتن آن متفق بودند و برای سرکوب دشمنانش با هم متحد بودند و ایران را به عنوان یک جزیره امن تلقی می کردند، پیروز شویم؟ اما دیدیم که در فرصت بسیار کوتاهی، انقلاب اسلامی پیروز شد و حکومت شاه از بین رفت. آیا غیر از این است که عنایت و لطف امام زمان شامل حال امام عظیم الشأن - اعلی الله مقامه - و این ملت شد؟ مشکلات عدیده ای که گروهک ها و جریان های وابسته به شرق و غرب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد کرده بودند، مسأله جنگ تحمیلی؛ همه این ها مشکلاتی بود که می توانست ایران و انقلاب اسلامی را از بین ببرد، اما دیده شد که امام زمان علیه السلام با حمایت خود انقلاب و جبهه و جنگ و در عملیات های مختلف، این کشور را مورد لطف و عنایت خودشان قرار داد. خودشان فرمودند، ایران شیعه، خانه ماست، بنابراین ما مستظهر به این عنایت و لطف الهی هستیم و نباید خودمان را تنها احساس کنیم و باید همیشه در فکر این باشیم که مولا- و صاحبی داریم که در مشکلات یاری مان می کند. لکن ما باید خودمان را لایق این کمک و مساعدت و

عنایت وجود مقدّس امام زمان بکنیم تا او هم به ما لطف و مرحمتی داشته باشد. ان شاء الله خداوند وجود مقدّسش را از جمیع بلیات مصون و محفوظ و جامعه و نظام و کشور ما را و رهبر و ملت ما را در پناه امام زمان علیه السلام موفق و پیروز بدارد.

عنایت خاصّ امام زمان «ع» نسبت به شیعیان

توضیح

ادامه بحث گذشته درباره عنایت های خاص امام زمان علیه السلام نسبت به شیعیان است. ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام در همه گرفتاری ها به شیعیان خودش یاری می رساند و آن ها را در گرفتاری ها تنها نمی گذارد، اما شیعیان هم وظیفه دارند مرتب با امام زمان علیه السلام در ارتباط و استغاثه باشند، بدانند که در مشکلات و گرفتاری ها، امام زمان علیه السلام به آن ها مدد می رساند. بر این حساب، در مشکلات از امام زمان علیه السلام و استغاثه به آن حضرت غافل نشوند.

البته، ادعیه مختلفی در این باره آمده که همگی استغاثه به امام زمان است که فرج و گشایش را به نام مقدّس امام زمان از خداوند در خواست کردن است.

یکی از همین دعاها، دعای معروف فرج «إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ...» است که از ادعیه معروف و مجرب است که مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان می فرماید: این دعا به فردی که در زندان بود تعلیم داده شد که در زندان به این دعا و استغاثه به امام زمان علیه السلام مداومت کرد و رهایی پیدا کرد.

نکته ای دیگر که در همین مورد تأکید می کنم این که امام صادق علیه السلام فرموده است: از جمله بهترین اعمال در روز جمعه، صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله و درخواست فرج اهل بیت پیامبر را از خدا خواستن است. روزی که

قیامت برپا شود، ایام هفته که پیشاپیش آن ها روز جمعه است، در جلوی بهشت صف می کشند و کسانی که در روز جمعه مداومت بر صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته اند، از آن ها استقبال می کنند. راوی می گوید که من از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به چه نحو باید صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمودند: بعد از نماز عصر، صد بار به این ترتیب: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم».

حال شما برادران و خواهران، بعد از این که نماز جمعه و نماز عصر تمام شد، حتی در حال حرکت به سمت منزل خود، از این ذکر غافل نباشید که هم صلوات بر پیغمبر و آلش باشد و هم تعجیل فرج امام زمان علیه السلام و هم از ناحیه شمایی که در پایگاه نماز جمعه که محل اجتماع مشتاقان ظهور امام زمان است این ذکر را در مسیر بر لب داشته باشید که خداوند در قیامت شما را به عنوان اصحاب جمعه ان شاء الله محشور فرماید.

ما معتقدیم که بسیاری از افراد، از طریق استغاثه به امام زمان توانسته اند مشکلاتشان را حل کنند. بسیاری از گم شدگان، چه گمشده در عرصه مادی و چه گمشدگان عرصه معنوی و هدایت، با استغاثه به امام زمان هدایت شدند.

حکایت

در حالات شخصی که از علمای کوفه بود، به نام محمد کوفی که از بزرگان و از متنفذین میان علمای اسلام است و او همان کسی است که به واسطه و وسیله او، نامه امام زمان به مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی - اعلی الله مقامه - ارسال شده است. گفته اند که این فرد می گوید: من بعد از سفر حج در بین راه گم

شدم و در باتلاقی گرفتار شدم. در حالی که مرکبی که من بر آن سوار بودم - اسب یا شتر - در باتلاق گیر کرده بود و دیدم که در خطر قرار گرفتم و مشکلاتم جدی شد، همان جا از ته دل چند بار صدا زدم «یا ابا صالح المهدی ادر کنی» ناگهان دیدم یک سواری به سمت من می آید، جلو آمد، نزدیکی شتر و زیر گوش شتر چیزی را گفت که من فقط یک کلمه آن را شنیدم «الی بیته»، تعجب کردم، دیدم به محض این که این جمله را زیر گوشش خواند، بلافاصله از باتلاق بیرون آمد. گفتم: آقا شما چه کسی هستی؟ فرمود: شما از چه کسی کمک خواستی؟

همین را گفت و از من دور شد. شتر من حرکت کرد و مرا از او جدا کرد. آمد و وارد شهر کوفه شد، ناگهان دیدم به زمین افتاد. گفتم عجب! این که مرا به منزل نرساند، زیر گوشش همان جمله را گفتم «الی بیته» و شتر مرا به در خانه ام رساند و قالب تهی کرد و مرد.

من فهمیدم که اگر کسی از ته دل به وجود مقدس امام زمان استغاثه کند، امام زمان قطعاً او را در مشکلات تنها نمی گذارد، به هر حال، ما صاحب و مولایی داریم که قطعاً به کمک ما خواهد شتافت، فقط شرطش این است که رابطه ما با مولایمان امام زمان علیه السلام رابطه ای خالصانه باشد.

درباره علما و بزرگان دین، بارها شده که از امام زمان کمک خواستند و کمک گرفتند. درباره زندگی مرحوم آیت الله گلپایگانی - علیه الرحمه - می خوانیم که ایشان در عالم رؤیا دید که امام زمان علیه

السلام به او فرمود: هر وقت در مشکلات گیر کردی، به شیخ عبدالکریم حائری پناه ببر؛ «إذا تهاجمت علیکم الفتن فعلیکم بالشیخ عبدالکریم؛ هنگامی که فتنه ها هجوم آورد به شیخ عبدالکریم پناه ببرید» یعنی امام زمان ایشان را حواله داد به مرحوم شیخ عبدالکریم حائری و تصادف این طور شده که قبر این دو بزرگوار در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در کنار یکدیگر باشد.

داستانی از علامه حلّی

مرحوم شهید قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین نقل می کند: علامه حلّی متوجه شد که یکی از علمای سنی کتابی را در رد تشیع نوشته است و در رد شیعه استدلال کرده است ولی این کتاب را به کسی نمی دهد. او مطالب را در میان مردم می گفت و مردم را در عقاید شیعه متزلزل می کرد و می ترسید که کتاب در دست کسی قرار بگیرد که کتابی در رد آن بنویسد و لذا، آن را به کسی نمی داد.

مرحوم علامه حلّی - اعلی الله مقامه - که بین او و عالم سنی رابطه شاگردی و استادی بود، از این ارتباط استفاده کرد و این کتاب را از او درخواست کرد. او گفت که من تعهد کردم این کتاب را بیش از یک شب به هیچ کس ندهم، چون تو را خیلی دوست دارم یک شب به تو می دهم. علامه حلّی، کتاب را گرفت و شروع به استنساخ و رونویسی از روی کتاب مذکور کرد. لکن چون پاسی از شب گذشت و خسته شد، دید وجود مقدّسی وارد حجره اش شد و به او گفت: شما خسته شدی! اجازه بده که من برای شما بنویسم. کتاب را از او گرفت و نوشت مرحوم علامه

حلی به خواب رفت، وقتی که بیدار شد دید تمام کتاب تا پایان استنساخ شده (۸۳) و این عنایت امام زمان به این عالم بزرگوار است. اخیراً نیز کتابی را دیدم درباره بسیاری از علما و مراجع معاصر که عنایت های خاص امام زمان درباره آن ها در آن کتاب جمع آوری شده و مستند است.

بنابراین امام زمان نسبت به مجموعه شیعه و مذهب تشیع و جهان تشیع همان طور که قبلاً ذکر کردم توجه ویژه دارند. همچنین نسبت به افراد شیعه اگر در مشکلاتی گیر کنند، به آن ها توجه دارند. گاهی هم در گمراهی های معنوی و در ضلالت هایی که ایجاد می شود، در ایجاد انحراف هایی که در جامعه برای افراد به وجود می آید، اگر کسی استغاثه به امام زمان کند، قطعاً هدایتشان می کنند و نمی گذارند که گمراه شوند، همان طور که پدر نسبت به هدایت فرزندان خود حساسیت دارد و سعی می کند که آن ها را هدایت کند، امام زمان هم به فرزندان معنوی خودشان؛ یعنی شیعیان عنایت خاص دارند.

درباره زندگانی مرحوم شیخ مفید - اعلی الله مقامه - که کراراً مورد عنایت امام زمان علیه السلام قرار گرفت، وارد شده که یکی از افراد بادیه و روستاهای عراق به خدمت ایشان آمد و این مسأله را سؤال کرد که خانم بارداری از دنیا رفته و بچه هم در رحم او زنده است، آیا او را به همین حالت دفن کنیم یا شکم او را بشکافیم و بچه را زنده در بیاوریم؟ مرحوم شیخ مفید فرمودند: او را به همین حالت دفن کنید. عرب جواب را گرفت و رفت. در وسط بیابان، دید که تک سوارى به سرعت به سوی او

می تازد، عرب پیش آمد و گفت: شیخ مفید فرمودند این خانم را این طور دفن نکنید، شکم او را بشکافید و فرزند او را زنده در بیاورید و خانم را دفن کنید. عرب رفت و همین کار را کردند و نوزاد را زنده در آوردند و مادرش را دفن کردند و نوزاد هم به زندگی اش ادامه داد. این خبر پخش شد که مرحوم شیخ مفید فتوایی داد و بعد پشیمان شد و بین راه کسی را فرستاد که فتوی را اصلاح کند. وقتی خبر به خود مرحوم شیخ مفید رسید، گفت: من فتوایم این بود که او را همین طور دفن کنید و مجدداً کسی را برای اصلاح فتوی نفرستادم. بعد خودش متوجه شد که آن سوار وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام بود و به این وسیله، اشتباه او را اصلاح کرده است. مرحوم شیخ مفید گفت: حال که من اشتباه به این مهمی را مرتکب شدم و وجود مقدس امام زمان آن را اصلاح کرد، من لیاقت فتوا دادن را ندارم و دیگر فتوی نمی دهم. در خانه را بست و تصمیم گرفت که اگر از او استفتا کردند، جوابشان را ندهد. امام زمان، تویع و نامه مبارکی را برای ایشان فرستادند و فرمودند: وظیفه تو فتوی دادن است و وظیفه ما حفاظت از شماست، اگر اشتباهی کردید که این اشتباه به ضرر شما و مردم شود من جلوی این اشتباه را می گیرم و اصلاح می کنم، شما کار خود را بکن و ما هم کار خود را می کنیم. (۸۴)

این ها عنایت های امام زمان علیه السلام است که از ابتدای امامتشان تاکنون نسبت به هم جهان تشیع و هم علما

و هم مردم عادی مخلصی که نسبت به وجود مقدس ایشان خلوص دارند، بارها و بارها شده است.

این است که ما باید خود را آماده کنیم و خلوص و توجه داشته باشیم و خود را تنها و بی صاحب نبینیم و در رعایت اصول اخلاقی و مسائل دینی از خود مواظبت کنیم و هم ارتباط خود را با امام زمان تنگاتنگ کنیم و همیشه به یاد ایشان و به ذکر ایشان باشیم و در ارتباط و استغاثه معنوی و قلبی با حضرتش باشیم، قطعاً او هم ما و خانواده، جامعه و کشور ما را مورد عنایت ویژه خودشان قرار خواهند داد.

امکان ملاقات با امام زمان «ع»

اشاره

موضوعی که در این قسمت راجع به آن بحث می کنیم این است که آیا در زمان غیبت کبری، امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام برای ما وجود دارد یا خیر؟

آنچه را که در گذشته در بخش مربوط به محل زندگی امام زمان با تکیه بر احادیث و اخبار مطرح کردم این بود که امام زمان در میان مردم زندگی می کند و در همین جامعه بشری ما در حال زندگی است. بر حسب احادیث، حضرت در مراسم حج شرکت می کند، مردم را می بیند و می شناسد و در بعضی از روایات بود که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند، بنابراین در این که امام زمان در میان جامعه بشری زندگی می کند امری ثابت است اما این که آیا مؤمنین می توانند حضرت را ببینند مورد بحث است.

در حدیث مفصلی، سدید صیرفی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که وقتی از آن حضرت راجع به امام زمان سؤال شد، حضرت فرمودند: «مَثَلُ امام زمان همانند حضرت یوسف علیه السلام است. در میان

مردم زندگی می کنند امّا ممکن است مردم او را شناسند «إن إخوه يوسف كانوا عقلاء ألباء أسباطاً أولاد أنبياء دخلوا عليه فكلّموه وخاطبوه وتاجروه وراودوه»؛ (۸۵) یعنی برادران حضرت یوسف - علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام - با این که جزو خردمندان و زیرکان و فرزندان پیامبر بودند، وارد بر حضرت یوسف شدند و با او صحبت کردند و به تجارت پرداختند و با او مراوده داشتند و با این که یوسف برادرشان بود، رو در روی هم نشستند امّا یوسف را نشناختند «لم يعرفوه حتی عرفهم نفسه» تا این که حضرت یوسف خودش را به آن ها شناساند «فقال لهم انا يوسف فعرفوه حينئذ...» پس به آن ها گفت: من یوسفم، آن گاه او را شناختند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «فما تنكر هذه الأمة أن يكون الله يفعل بحجته ما فعل بيوسف» چرا مردم منکر این هستند که آنچه خدا با حضرت یوسف انجام داد و قدرت شناخت را از برادران ایشان گرفت، همین کار را با حجت خودش امام زمان کند که مردم ایشان را ببینند امّا شناسند؟ «أن يكون صاحبكم المظلوم المجحود حقه صاحب هذا الأمر يتردد بينهم ويمشي في أسواقهم و...». (۸۶)

امام زمان مظلومی است که حقش انکار شده، در میان مردم زندگی و رفت و آمد می کند، در بازارهای مردم راه می رود و در میان مردم می نشیند «ولا يعرفونه» و کسی نتواند ایشان را بشناسند، همان طور که حضرت یوسف را برادرانش نشناختند. خداوند همین کار را در قبال حضرت حجت می تواند انجام دهد «حتى يأذن الله له أن يعرفهم نفسه» تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد که خود را به مردم بشناساند، حال این

اجازه می‌تواند هم در زمان ظهور باشد و هم قبل از آن، وقتی مأذون باشد یا وقتی طرف را شایسته ببیند اذن پیدا می‌کند تا خود را بشناساند، لذا با توجه به بیان این حدیث، امام زمان در میان ما زندگی می‌کند، مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند، مگر آن‌ها که به اذن خداوند می‌توانند ایشان را بشناسند.

نکته قابل توجه در توقیع امام زمان علیه السلام

بعضی‌ها انکار کردند و گفته‌اند در زمان غیبت کبری رؤیت امام زمان ممکن نیست و به توقیعی که امام زمان به آخرین نماینده خودشان یعنی علی بن محمد سمری داده است، استناد کردند که در آن توقیع حضرت تصریح فرمودند: «وسیأتی شیعتی من یدعی المشاهده» حال که تو از دنیا خواهی رفت، من نماینده‌ای را به جای تو نصب نمی‌کنم، و روزی برای مردم فرا خواهد رسید که کسانی ادعای مشاهده مرا بکنند «ألا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی والضحیه فهو کذاب مفتر؛ (۸۷) آگاه باش؛ هر که ادعای مشاهده امام را بکند قبل از این که خروج سفیانی و ضحیه آسمانی انجام بگیرد او دروغگو و افترا زننده است».

بعضی از این توقیع عدم امکان مشاهده و ملاقات با امام زمان علیه السلام را استفاده می‌کنند، اما بزرگان ما در ارتباط با توضیح این حدیث و شرح این توقیع مانند علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار (۸۸) فرمودند: شاید منظور امام زمان این باشد که هر کسی ادعا کند من امام زمان را مشاهده کردم و به عنوان نایب او، او را دیده‌ام این فرد دروغ گو است. پس آن حضرت نخواستند مطلق رؤیت شان را نفی کنند. البته از نظر ادبی هم در اینجا مطالبی را نقل می‌کنند، مثلاً کلمه «المشاهده»

اولش الف و لام است یعنی این طور مشاهده که تو (علی بن محمد سمیری) با من داری این طور مشاهده را اگر کسی به عنوان نایب خاص ادعا کند دروغگو است، اما نه رؤیت واصل ملاقات را. این را امام زمان علیه السلام نفی نکردند، این اولین نکته.

اما نکته دیگر این که در طول تاریخ غیبت کبرای امام زمان علیه السلام، شخصیت های برجسته ای بودند که ادعای ملاقات با امام زمان را داشتند که هیچ نمی توان به حرف آن ها، خدشه ای وارد کرد، شخصیت هایی؛ مانند مقدّس اردبیلی، علامه بحر العلوم، علامه حلّی، سید ابوالحسن اصفهانی، و بسیاری دیگر از علما و مجتهدین و مراجع بنامی که مجسمه تقوا و پرهیزگاری و زهد و دینداری بودند که در عمر خودشان هیچ دروغ نگفتند و هیچ خلاف انجام ندادند و در حد اختیار و توان خودشان در حال عمد مرتکب معاصی کبیره نشدند و انسان های بسیار شایسته ای بودند، این ها ادعای رؤیت و ملاقات با امام زمان را کردند، آیا می شود این ادعاها را زیر سؤال برد؟ مطمئناً این ها ادعاهای صادقی است و می تواند سند صحت رؤیت امام زمان در عصر غیبت کبری باشد.

برای اثبات این نظر به عنوان نمونه به یکی از ماجراهای ملاقات امام زمان توسط یکی از این شخصیت های برجسته عالم اسلام، یعنی علامه حلّی می پردازم که در قسمت های بعدی شرایط آن خدمت شما مطرح خواهد شد.

علامه حلّی - اعلی الله مقامه الشریف - که از بزرگ ترین و نامورترین علمای شیعه است و هر چه دارد از امام زمان دارد، عادتش این بود که همیشه جمعه ها به زیارت مرقد مطهر سیدالشهدا علیه السلام می رفت و از حله تا کربلا که فاصله زیادی بود، ولی

به حکم علاقه و ارادتی که به ساحت مقدّس امام حسین علیه السلام داشت و یا شاید به این خاطر که معروف و مجرب بوده که امام زمان در شب جمعه به زیارت جدّ غریبش، ابا عبدالله الحسین علیه السلام می آید، علامه حلّی به این کار مداومت می کرد. در یکی از این سفرها، که روز پنج شنبه ای حرکت کرده بود و به سمت کربلا می آمد، در مسیر سفر زیارتی، مرد عربی با لباس عربی با او همسفر شد. در خلال راه با هم به بحث و گفت و گوی علمی، مشغول شدند. علامه حلّی، مشاهده کرد که این مرد عرب، عالم بسیار متبحری است و در تمام زمینه ها که وارد بحث می شود، به وضع بسیار نیکو و عالمانه ای بحث را به پایان می برد، الا در یک نکته که نظر فتوایی او با فتوای علامه حلّی مغایرت دارد، علامه حلّی گفت این نظر که شما دادید هیچ دلیلی برای اثبات آن ندارید و طبق قاعده فقهی این نظر درست نیست، چون با قاعده مخالفت دارد و ما هم اصلی برای اثباتش نداریم، بنابراین نظر شما قابل قبول نیست. مرد عرب فرمود: چرا، اتفاقاً دلیل محکمی هم داریم. علامه حلّی گفت: من در این رابطه هیچ دلیلی در هیچ یک از کتاب ها نیافتم. فرمود: چرا، در کتاب «تهذیب» مرحوم شیخ طوسی در فلان قسمت، این حدیث آمده است که می تواند دلیل روشن بر این نظر من باشد. علامه حلّی گفت: من اتفاقاً «تهذیب» را بررسی کردم و چنین حدیثی در آن ندیدم. مرد عرب فرمود: این بار به کتاب «تهذیب» خودت مجدداً مراجعه کن، در فلان قسمت فلان صفحه این

حدیث هست.

اینجا مرحوم علامه حلّی برایش خیلی عجیب به نظر رسید، گفت: عجب، حرف دقیقی می زند، با خودش گفت که این مرد چه کسی می تواند باشد و این مرد، انسان طبیعی و عادی به نظر نمی رسد، در همین حال تازیانه از دست علامه حلّی که برای راندن مرکب در دستش بود از دستش افتاد. آن مرد عرب، کمر خم کرد که تازیانه را به دست علامه حلّی بدهد، علامه حلّی از ایشان سؤال می کند که آقا! من سؤالی دارم، آیا می شود کسی در عصر غیبت، حضرت صاحب الامر علیه السلام را هم زیارت کند، آقا فرمود: بله، چگونه ممکن نیست در حالی که اکنون دستش در دست توست. مرحوم علامه حلّی وقتی این جمله را شنید از بالای مرکب خود را به زمین انداخت و به دست و پای آقا افتاد و از حال رفت و وقتی به هوش آمد دید که آن آقا نیست. بنابراین، چنانچه انسان شرایط را در خود ایجاد کند، می تواند محبوب خود و حجت خدا، یوسف زهرا علیها السلام را ببیند و بشناسد و مشکلات خود را به کمک او حل کند و از او کمک بگیرد. این امر محالی نیست و مورد اعتقاد ماست. همان طوری که پدر نسبت به فرزندان خود انس و الفت و محبت دارد، امام زمان هم که سَمَت او سَمَت پدری برای این امت اسلامی است، ممکن نیست از این امت، دور باشد و از دوستان و فرزندان معنوی خود دور باشد، و به آن ها توجه نکند. لکن دیدن آقا شرایط و لوازمی دارد و شایستگی هایی می خواهد که از خدا مسألت می کنیم، آن شایستگی ها را به

ما مرحمت فرماید که ما هم بتوانیم چهره نورانی او را ببینیم.

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاکْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ. (۸۹)

شرایط کسب لیاقت ملاقات با امام زمان «ع»

اشاره

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۹۰)

این آخرین آیه سوره آل عمران است که معنای ظاهری اش این است: ای کسانی که ایمان آورده اید صبر پیشه کنید و با مبارزه با دشمنان درون و دشمنان بیرون تحمل مشکلات کنید و با هم در ارتباط باشید برای آن که بر مشکلات فائق شوید. تقوای خدا پیشه کنید، باشد که پیروز و کامیاب گردید.

اما صاحبان بعضی از تفاسیر (۹۱) با تکیه بر حدیثی منقول از امام باقر علیه السلام این چنین برداشت کردند که خطاب این آیه شریفه به مؤمنین عصر غیبت امام زمان علیه السلام است؛ یعنی «ای کسانی که در عصر غیبت امام زمان زندگی می کنید، با شیطان درون و نفس اماره مبارزه کنید و در این مبارزه شکمیا باشید و در مبارزه با دشمنان دین و حق و عدل مبارزه همراه با شکمیایی و بردباری داشته باشید و با امامی که منتظر ظهور و فرج او هستید در ارتباط باشید، تقوای خدا پیشه کنید، باشد که پیروز و کامیاب گردید».

با توجه به این برداشت، مخاطب آیه شریفه، مؤمنین عصر غیبت می باشند و مأمور به ارتباط قلبی و عملی با امام منتظر هستند. همان طوری که در گذشته وعده کردم مختصری در مورد شرایط لیاقت ملاقات با امام زمان می پردازم و طبیعی است هر کسی که بخواهد با شخصیتی عظیم ملاقات کند، رعایت اصول و ضوابط به عنوان مقدمات ضروری است و بدون طی آن مراحل، ملاقات برایش فراهم نمی شود.

نکته اول

اولین نکته برقراری ارتباط با امام زمان علیه السلام که باید به آن عمل شود، ارتباط قلبی با حالت دعا و نیایش و تضرع و زاری همیشگی

است. یعنی انسانی که مشتاق ملاقات است، بایستی به هر زبانی، به خصوص به زبان دعاهایی که به ما رسیده و مأثوره است، با امام زمانش درد دل کند. در دل شب‌ها، و روزها، در خلوت و جلوت، دلش مشغول به آقا باشد، همیشه نام و یاد او و دعا به وجود او را ورد زبان داشته باشد. این اولین حالتی است که مشتاق ملاقات، باید در خود ایجاد کند.

نکته دوم

دومین نکته این است که همیشه باید به وسیله زیارت‌هایی که از جانب بزرگان نقل شده، امام زمان را زیارت کند که از جمله زیارت‌نامه‌های مجرب که مشتاقان امام زمان مداومت بر آن داشته و دارند؛ زیارت مبارکه «آل یاسین» است که محتوای بسیار بلندی دارد و درد دل‌های جانسوز در آن نهفته است. مشتاقان اهل بیت علیهم السلام وقتی آن را زمزمه می‌کنند، ارتباط قلبی و معنوی با ائمه هدی، خاصه با امام زمان برقرار می‌کنند، این دعا، برای بسیاری مجرب است که افراد زیادی با خواندن آن به آرزوهای خود رسیده‌اند.

نکته سوم

نکته سوم این است که مشتاق ملاقات بایستی در بذل مال و صلّه مالی به امام زمان علیه السلام دریغ نورزد و برای جلب رضایت امام زمان در ادای حقوق مالی آن امام تلاش کند. همان‌گونه که استحضار دارید و قبلاً نیز بیان شد، یکی از وظایف شیعیان در حال انتظار، دادن صلّه، هدیه و صدقه به نام امام زمان است. اما در اینجا تذکر این نکته لازم است که اگر در اموال ما حق امام زمان باشد، باید این را به امام زمان علیه السلام بدهیم؛ یعنی به همان راهی که در فقه اسلامی مشخص شده است برسانیم، یعنی به دست نمایندگان امام زمان علیه السلام، مراجع عظام تقلید و ولی امر مسلمین برسانیم، سهم امام، نصف از ۱۵ اموالی که بایستی به عنوان خمس، آن‌ها را بدهیم است و باید به همان راهی که مورد نظر اوست به مصرف برسانیم.

در توقیعی که امام زمان علیه السلام به محمد بن یعقوب داده است، فرمود: «واما اموالکم فلا نقبلها الا لتطهروا فمن شاع فليصل و من شاء فليصل»

و ما اتانا الله خير مما اتاكم؛ اما اموال شما مؤمنين و طرفدارانمان، ما اين اموال شما را قبول نمی کنیم مگر به خاطر اين که شما از درون، خودتان پاک شوید پس هر کسی که می خواهد چنین شود باید به وسیله اموال خود به ما نزدیک شود و هر کسی نمی خواهد با ما نزدیک شود، بخل نماید». (اصطلاحاً می گوییم فلانی مالش را پاک نکرد). در حقیقت ظاهرش اين است که در اموال او سهم امام علیه السلام، سهم سادات (خمس) است و حق تصرف در آن را ندارد، همچنان که یک انسان در مال شریک، بدون اجازه او حق تصرف ندارد.

از آنجایی که ۱۵ اين اموال به صورت مشاع حق امام زمان علیه السلام و سادات است و باید به دست نایب امام زمان و به اهلش برسد. اگر انسان این کار را نکند، مجاز به تصرف در مالش نیست. یکی از مفاهیم حدیث فوق همین است و مفهوم دیگرش این است که کسی که علاقه مال در درونش باشد، در حقیقت مثل این است که قلب او آلوده و چشم دلش کور است و باید قلب خود را پاکیزه کند.

امام زمان علیه السلام می فرماید: ما مال شما را قبول نمی کنیم مگر برای طهارتتان؛ یعنی وقتی ۱۵ اموال را انسان از مالش خارج می کند، به همان اندازه طهارت قلبی پیدا کرده است، پس اگر کسی قلبش طاهر باشد اموال و لقمه و لباس و مسکن او نیز پاکیزه و طاهر است و این قدمی از قدم های به دست آوردن شایستگی های ملاقات امام زمان علیه السلام است.

نکته چهارم

نکته چهارم، بحث تزکیه نفس است که مهم ترین موضوع است. بحث تزکیه نفس؛ طهارت باطن،

پرهیز از گناه، عمل به اعمال واجب و فرایض، متخلّق به اخلاق حسنه، دوری جستن از اخلاق سیئه و رفتار ناپسند است. انسان باید تلاش کند در راه تزکیه نفس و تطهیر باطن و زدودن اخلاق ناروا و کسب اخلاق حسنه و پسندیده و حسنات و منش های مورد تایید امام زمان، توفیقاتی را کسب کند. اگر انسان از جهت اخلاق و رفتار در جهت مغایرت با اخلاق و رفتار امام زمان باشد چگونه می توان پذیرفت که لیاقت ملاقات با امام زمان را داشته باشد؟ در درجه اول انجام فرایض با شرایط آن، جزو وظایف ضروری است. راجع به نماز صبح و مغرب توصیه امام عصر بسیار مهم است. مرحوم شیخ طوسی از «زهری» نقل می کند که با صرف مال و تلاش حال، به خدمت آقا نرسیدم، تا به خدمت محمد بن عثمان عمروی (نایب خاص امام علیه السلام) رفتم. در توقیعی که به دست او رسید، فرمود: ملعون است، ملعون است کسی که نماز مغرب را تأخیر کند تا ستاره آسمان زیاد شود و ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را تأخیر اندازد تا ستاره ها محو شود. (۹۲)

درجه دوّم تطهیر نفس، این است که علاقه به مادّیت را از دلش قطع کند، پایبند به علاقه به مال دنیا در حد غیر متعادل نباشد، علاقه به مال دنیا و شئون دنیا، او را آن چنان به خودش مشغول نکند که از اشتغال حسنه به یاد خدا و امام زمان و اعمال پسندیده غافل بماند. در این باره ماجراهای زیادی هست.

حکایت

داستانی از کتاب دارالسلام مرحوم عراقی نقل شده که وقتی دو نفر در شهر بصره

به مغازه مرد متدینی آمدند و کافور خواستند، او چهره آن‌ها را که دید، متوجه شد اثر نجابت و طهارت باطن در آن‌ها هست. از آن‌ها پرسید: شما که هستید؟ برای چه چیزی این‌ها را می‌خواهید؟ چیزی نگفتند، آن مرد اصرار کرد و آن‌ها را به پیغمبر خدا قسم داد، که خلاصه گفتند: ما از افرادی هستیم که توفیق ملاقات و حشر و نشر با امام زمان را داریم، در بین ما فردی از دنیا رفت، آقا به ما مأموریت داد تا سدر و کافور تهیه کنیم.

وسایل را تهیه کردند، گفت: حالا که به خاطر پیغمبر خدا شما را قسم دادم و این موضوع را به من گفتید، مرا هم با خود ببرید تا من هم بلکه به این آرزو نایل شوم و چشمم به جمال مولایم بیفتد. گفتند: ما نمی‌توانیم قول قطعی ملاقات را بدهیم. به هر ترتیب ایشان را با خودشان بردند، به دریا که رسیدند. برای حرکت از مسیر آب بدون این که از قایق یا هر وسیله آبی دیگری استفاده کنند روی آب حرکت کردند به او گفتند: بیا. گفت: روی آب؟ گفتند: آری، توکل نما و دلت را محکم کن. به یاد امام زمان و خدا مشغول باش. گفت: این کار را کردم، گویی بر روی سنگ به همراه آن‌ها راه می‌رفتم. بین راه، باران سختی در گرفت. ناگهان به یادم افتاد که صابون‌هایی که ساخته بودم و در پشت بام منزل پهن کرده‌ام در این باران از بین خواهد رفت، خیلی نگران صابون‌ها شدم، ناگهان پایم در آب فرو رفت و نزدیک بود غرق شوم، دستم را گرفتند و گفتند:

دچار غفلت شدی؟ دستش را گرفتند و از آب بیرون آوردند و با خود بردند، وقتی به محضر امام علیه السلام رسیدند، حضرتش اجازه ورود نداد و فرمودند: او به فکر صابون های خودش است. (۹۳)

این گونه دل مشغولی ها، انسان را از آن فیض عظاما محروم می کند. دل مشغولی، علقه قلبی و گره و مودت و عشق به دنیا و مال دنیا، نمی گذارد نام و یاد و عشق معشوق دیگری در قلب جا بگیرد: «ما جعلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ». (۹۴) خداوند برای کسی دو دل در سینه قرار نداده است.

پس، دو دل در سینه جای ندارد، یک دل است و یک دلبر و آن هم خداست و بس، دل را به یاد خدا و ائمه هدی و امام زمان علیهم السلام روشن کنیم تا ان شاء الله بخشی از این لیاقت ها را پیدا کنیم.

این نکته بسیار مهمی است که در بعضی از کتاب های معتبر نقل شده که پرهیزکاری، تقوی، تزکیه نفس و مداومت به حضور قلبی برای ترک گناه و معصیت و دوری از رفتار و گفتار و اخلاق زشت، شرط تشرّف به محضر امام زمان علیه السلام است.

یکی از بزرگان که از اعظام مازندران است و از علمای بسیار زحمت کش و اهل قلم و بیان و تدریس و تحصیل می باشد، در کتاب هایی که برای وجود مقدّس امام زمان در چند سال اخیر نوشته، در سخنرانی های خودش مطرح کرده که: در محضر حضرت آیت الله کوهستانی - اعلی الله مقامه الشریف - که از انسان های شایسته معاصر بود، یکی از علمای معروف به نام حاج شیخ محمود کومله ای در حوزه کوهستان در خدمت ایشان بود. در خلال صحبتی

بیان کرد که رسم طلبه های نجف این بود که برای این که به آرزوی دیدار امام زمان نایل شوند، گاهی به صورت اربعین (چهل روز) اعمالی را انجام می دادند؛ دعا، مناجات، روزه، یا گاهی چهل هفته از نجف به مسجد سهله می رفتند تا با دعا و اعمال و رعایت و مداومت در گناه نکردن، (چشم و زبان و معده و فکر را حفظ می کردند، گناه نکنند) بلکه لیاقت دیدار امام زمان را داشته باشند چون، از جمله اماکنی که ممکن است کسب چنین توفیقی میسر شود مسجد سهله در کوفه، مسجد جمکران در قم، یا حرم مطهر نبوی و یا حرم مطهر حسینی است.

این عالم می فرماید: من شاید در هفته سی و چهارم و یا سی و پنجم از چهله بود که از نجف به مسجد سهله می رفتم، طبق عادت همیشگی به گوشه ای رفتم و نشستم و با کسی صحبت نمی کردم، سعی می کردم طبق رسم طلبه ها از غذای زیاد در این حالت استفاده نکنم، از غذاهای حیوانی؛ مثل گوشت، روغن و... و به خود مشغول باشم. ناگاه دیدم جوانی عرب آمد کنار من نشست و با حالت خاصی شروع به قرائت قرآن کریم کرد. چون قرائت قرآنش تمام شد، رو به من کرد و مشغول صحبت شد. من با بی میلی جواب صحبت هایش را می دادم. چون می خواستم این حالت از من گرفته نشود، سعی می کردم با دیگران صحبت نکنم. بعد دیدم سفره ای حاوی برنج و غذایی همراه با گوشت باز کرد و به من گفت: بیا میل کن. گفتم: من این غذا را نمی خورم. (غذای حیوانی را نمی خورم) چون چنین تصمیمی دارم. فرمود: اگر شنیدی که غذای

حیوانی نخور، به این معنی نیست که غذایی که از حیوان به دست می آید مثل روغن یا از ذبح حیوان به دست می آید مثل گوشت را استفاده نکن، بلکه یعنی مثل حیوانات غذا نخور که حلال و حرام یا حق صغیر و کبیر در آن باشد و خدا راضی نباشد، و این که تو برداشت می کنی نیست. بعد از لحظاتی دیدم از نظرم ناپدید شد. متوجه شدم همان کسی که من برای دیدنش اربعین گرفته بودم و دیگران اربعینات زیادی گرفتند، حضرت بود که من لیاقت شناختن او را نداشتم، چون راهی که انتخاب کرده بودم آن راهی نبود که ایشان می خواستند.

این است که انسان از حلال خدا استفاده کند، اما از حرام خدا پرهیز کند، غذا بخورد، حرف بزند، کار کند، ولی حیوانی نباشد؛ یعنی خارج از چارچوب و مقررات و ضوابط دینی و الهی نباشد. از این ماجرا می توان این نکته را استفاده کرد که مشتاق ملاقات باید پاک و منزّه باشد، در چارچوب رعایت مقررات و ضوابط و اصول مختلفی که خدا برای او از لحاظ فکری و عملی مشخص کرده، گام بردارد تا بخشی از لیاقت های ضروری را که موجب ملاقات با محبوب الهی و معشوق مشتاقان؛ یعنی امام زمان است را در خود ایجاد کند. (۹۵)

نکته پنجم

پس از آن که تشریح کردیم امکان ملاقات به محضر امام زمان علیه السلام وجود دارد، اینک می گوئیم لکن شرطهایی هم برای تشرّف به محضر آقا است که هر کسی این شروط را در خود ایجاد کند، امکان شرفیابی برای او پیدا خواهد شد و اگر هم توفیق شرفیابی پیدا نکرد، خو را در جهت آنچه که امام

زمان علیه السلام می خواهد و در مسیر آنچه مورد رضایت امام زمان است قرار داده است؛ و این خود توفیق بزرگی است.

نکته ششم

امّا نکته دیگر این است که آیا تشرّف به محضر امام زمان اختصاص به انسان های خاص دارد که مثلاً حتماً باید از علما و مجتهدین و افراد شاخص در میان مؤمنین باشد؟ آیا ملاقات با امام زمان علیه السلام مربوط به دوران گذشته است و در این عصر و زمان، این امکان وجود ندارد و کسی قادر به ملاقات امام عصر نخواهد بود؟

در توضیح این دو نکته، لازم به ذکر است که ملاقات با امام زمان مربوط به عدّه و صنف خاصی نیست که بگوییم حتماً باید از علما و مراجع و بزرگان و معاریف باشند، بلکه هر کسی که در وجود خودش لیاقت ملاقات ایجاد کند احتمالاً تشرّف به محضر امام زمان برای او متصوّر است. نمونه هایی هم وجود دارد که ذکر خواهیم کرد.

ضمناً ملاقات با حضرت فقط مربوط بر عصر گذشته نیست، بلکه در عصر و زمان ما و پس از آن تا قبل از ظهور امام زمان احتمالاً این که انسانی باشد و این لیاقت را در خود ایجاد کند و به این آرزو هم نایل شود وجود دارد. پس باید همه در این جهت تلاش کنیم و هیچ کس نباید خود را ناامید از توفیق تشرّف به محضر امام علیه السلام بداند و این امید باید در دل همه باشد که همین امید، هم موجب تحرّک و هم باعث اصلاح و تلاش برای سازندگی شخص جهت دستیابی به این آرزوی بزرگ است.

البته، در ارتباط با ملاقات امام زمان اگر انسان ها از نظر مراتب

تقوا و اخلاص در درجات عالیّه باشند، شاید کیفیت برخورد حضرت با آن ها، با افراد دیگری که از نظر مراتب و لیاقت ها به آن رتبه و درجه نیستند با هم متفاوت باشد.

ماجرای ملاقات علامه بحر العلوم

مثلاً درباره علامه بحر العلوم موارد مختلفی وارد شده که ایشان به محضر حضرت صاحب الامر مشرف شد؛ به عنوان نمونه مرحوم میرزای قمی می فرماید: من و علامه بحر العلوم با هم در درس آیت الله بهبهانی در نجف اشرف حضور پیدا می کردیم، امّا از نظر رتبه علمی، من در درجه بهتری از او بودم، گاهی درس های استاد را من تقریر می کردم و او استعداد آن چنانی نداشت. من بر حسب ضرورت از نجف به ایران آمدم و مدّتی در ایران بودم، سپس برای زیارت عتبات عالیات مجدداً به نجف مشرف شدم، امّا قبل از برگشتن به نجف، آوازه بلند علامه بحر العلوم به همه جا رسیده بود. به نجف مشرف شدم و دیدم ایشان آن چنان حوزه درسی قوی و شاگردان عالی رتبه دارد که موجب شگفتی من شد. روزی در خلوت از او پرسیدم، من و شما همدرس بودیم و در محضر استاد حضور می یافتیم و می دانی که من از نظر رتبه و درجه علمی و استعداد، وضع بهتری از تو داشتم، امّا این همه آوازه و رتبه عمیق علمی که در اختیار توست، موجب شگفتی من است. چه چیز باعث شد که به اینجا رسیدی؟ گفت: از اسرار است. اصرار کردم که اسرارش را به من هم بگویند، گفت: به شرط آن که تا زمانی که زنده ام، سرّ را فاش نکنی. قول دادم، به من فرمود: من کراً آرزوی ملاقات با آقا، امام عصر را داشتم.

روزی به مسجد سهله رفتم، چشمم به جمال دل آرای مولایم امام زمان افتاد، به من اشاره کرد جلوتر بیا. جلوتر رفتم، سلام و عرض ادب کردم، باز هم فرمود جلوتر بیا، جلوتر رفتم، فرمود جلوتر بیا، جلوتر رفتم، دیگر خجالت کشیدم، باز هم فرمود: جلوتر بیا، تا آن که در کنار امام زمان قرار گرفتم، آغوشش را گشود و مرا در بغل گرفت و سینه مبارکش را به سینه من چسباند و به برکت این ملاقات بود که درهایی از حقایق و معارف به رویم باز شد و این وضعی که می بینی، همه از لطف آقا و مولایم امام زمان است. (۹۶) این هم یک قسم ملاقات است.

اما این نوع توفیقات که امام، او را به کنار خودش بخواند و او را در آغوش بگیرد و در بغل بفشارد و دریایی از معرفت را به روی او باز فرماید که ملقب به بحر العلوم (دریای دانش ها؛ زیرا سینه او به سینه امام زمان علیه السلام چسبیده که آنجا دریای علم الهی است و علم خدا در آن موج بوده است) شود، توفیق دیگری است.

او چون این لیاقت را پیدا کرده بود، به این شرافت عظمی دست یافت. این گونه ملاقات ها طبعاً برای همه افراد نیست. اما ملاقات های عادی و عنایت هایی که امام زمان به همه افراد می فرمایند، احتمال و امکان تشرف به محضرشان هست. می خواهد یک عالم باشد، مرد یا زن، پیر، جوان، بی سواد، یا باسواد باشد، همه این ها بستگی به تلاش برای کسب لیاقت دارد.

علائم ظهور، فواید و آثار اعتقاد به آن

اشاره

قبل از این که بر اساس احادیث و روایات به شرح علائم ظهور پردازیم، فواید اعتقاد به این علائم را بیان می کنیم:

فایده اول

با علائمی که برای ظهور امام زمان از معصومین علیهم السلام ذکر شده، یکی از فوایدش این است که معلوم می شود ائمه معصومین علیهم السلام علمشان متصل به علم خداست زیرا قبل از تحقق علائم و حوادث آینده، خبر از آن چیزهایی، که در آینده اتفاق می افتد دارند. وقتی این حوادث اتفاق بیفتد، پیروان آن ها یقین می کنند که ائمه علیهم السلام علمشان به علم الهی متصل است و اطلاعات غیبی دارند و علم غیب از جانب خداوند به آن ها رسیده و در نتیجه در حقانیت ائمه معصومین علیهم السلام اعتقاد راسخ پیدا می کنند.

فایده دوم

مردم در رابطه با وجود مقدس امام زمان علیه السلام عقیده راسخ تری پیدا می کنند، هر مقدار از این علائم ظهور پیدا کند، انسان خودش را به روز ظهور و موعودی که خداوند در نظر گرفته است نزدیک تر احساس می کند و دلش به سمت تحقق آن امید شتافته و آماده تر می شود و رعایت حالات یک منتظر واقعی را بیشتر مورد توجه قرار می دهد.

چون علائم ظهور یکی پس از دیگری وقوع پیدا می کند، منتظر امام زمان علیه السلام، حالت انتظارش بیشتر و بهتر و به موعودش نزدیک تر و به اصل اشتیاق خود راغب تر می شود؛ مثل کسی که مهمان عزیزی را در نظر داشته باشد، اگر یکی

پس از دیگری علائم و آثاری از رسیدن او پیدا شود که مهمان او نزدیک است، حالات معنوی و روحی بهتری پیدا می کند.

فایده سوم

وقتی که علائم و آثار ظهور امام زمان ذکر شود و همه آن را بدانند، موجب می شود که ادعای کذب که دروغگویان در طول تاریخ انجام دادند و ادعای مهدویت کردند و چه بسا در آینده هم ادعای مهدویت کنند، ادعای دروغشان آشکار می شود؛ زیرا هیچ کدام از آثار و علائمی که گفتند، در ارتباط با آن ها تحقق پیدا نمی کند، در نتیجه ادعای دروغین آن ها برای عموم آشکار می شود.

علائم ظهور

در کتب ما شیعیان و بعضی از کتب غیر شیعی هم روایاتی تحت عنوان علائم ظهور امام زمان علیه السلام ذکر شده است. در کتاب بحارالانوار مرحوم مجلسی، کتاب اثبات الهداه، کتاب شریف کفایه الموحدین مرحوم حاج سید اسماعیل عقیلی نوری که کتابی در کلام و عقاید است، علائم زیادی ذکر شده که طبعاً ذکر همه آن ها در این فرصت نمی گنجد. در این کتاب ها، علائم ظهور را به اقسامی، تقسیم کرده اند.

مرحوم عقیلی نوری در کتاب کفایه الموحدین آن را بر سه نوع تقسیم کرده است:

نوع اول؛ علائم خاصه که فقط مربوط به امام زمان علیه السلام است و علائم عامه که می تواند مربوط به غیر امام زمان، از معصومین علیهم السلام هم باشد.

نوع دوم؛ علائم حتمیه و علائم غیر حتمیه ۷

نوع سوم؛ علائم واقعه، یعنی علائمی که تاکنون اتفاق افتاده و علائم غیر واقعه، یعنی علائمی که هنوز ظاهر نشده است.

اما معمولاً بر حسب روایات، علامات ظهور به دو قسمت تقسیم می شود: علائم حتمیه و غیر حتمیه.

علائم حتمیه و غیر حتمیه

علائم حتمی علائمی است که شرط ظهور است و باید حتماً اتفاق بیفتد تا حضرت، ظهور کنند.

اما علائم غیر حتمی علائمی است که ممکن است وضعیت طوری شود که این علائم اتفاق بیفتد یا بعضی علائم که از عذاب ها به حساب می آیند به خاطر تفضل پروردگار به بندگانش از بین برود، شاید خداوند مصلحت بداند که آن علائم تحقق پیدا نکند و حضرت تشریف بیاورند و یا شرایط و علل بروز آن علائم فراهم نگردد و در نتیجه آن علائم تحقق نیابد.

برخی از علائم غیر حتمیه

در این بخش راجع به بعضی از علائم غیر حتمیه بر اساس روایات به اختصار توضیح می دهیم: روایتی از امیرالمؤمنین علیه

السلام است که در یکی از خطبه‌ها ایشان فرمودند: «الا ان لخروجه علامات عشره، اولها تخريق الرايات في اذقه الكوفه، ثانيها، تعطيل المساجد وانقطاع الحاج و خسف وقذف بخراسان و طلوع الكواكب المذنبه و اقتوان النجوم و هرج و مرج و قتل و نهبت فتلك علامات عشره و من العلامه عجب عجب فإذا تمت العلامات، قام قأئنا»؛ (۹۷) همانا برای خروج ما علامات ده گانه است؛

اول: آتش گرفتن پرچم‌ها در کوچه‌های کوفه که جهت شرح آن باید به کتاب‌های مفصل مراجعه کرد.

دوم: مسجدها تعطیل می‌شود، حال آیا در مسجدها را می‌بندند، همچنان که اخیراً در اخبار و روزنامه‌ها منعکس شده، شیطنت‌هایی که استعمار ایجاد کرده باعث شده که یکی از مسئولین کمیسیون اروپا اعلام کند که مساجد، جایگاه تربیت تروریست‌ها است و باید درب مساجد را ببندید!! و یا در زمان رضاخان که جلوی اجتماعات مؤمنین را گرفته و درب مساجد را بستند و بعضی از آن‌ها را به محل انبار کالاهای دولتی تبدیل کردند! و یا شاید منظور

این است که از مساجد بهره برداری صحیح که خواندن نماز در مساجد است استفاده نمی شود و نماز در مساجد تعطیل می گردد! این ها همه ظاهر است، کما این که در بعضی از خبرهاست که مساجد زینت می شود اما از نظر عبودیت و بندگی، کسی به آن ها مراجعه نمی کند و استفاده غیر عبادی در آن می شود.

سوم: راه های مکه ناامن و بسته می شود و در بعضی از روایات آمده است که در مکه سه سال عمل حج تعطیل می شود. اما آیا تاکنون تحقق یافته یا نه، مورد بحث است؛ آیا منظور این است که در این سه سال از هیچ مسیری امکان رفتن به حج برای هیچ مسلمانی وجود ندارد و یا این که راه مکه را بر روی کسانی که بخواهند حج ابراهیمی را به معنی واقعی و بر اساس مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام انجام دهند، می بندند. همان طوری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به مدت سه سال متوالی راه حج را به روی ایرانیان مسلمان بستند!

چهارم: فرو رفتن بخشی از زمین خراسان و یا خرابی خراسان. آیا اتفاق افتاده، آیا ما می توانیم حمله روسیه که در گذشته به خراسان انجام شد را حساب کنیم یا این حادثه بعداً اتفاق خواهد افتاد، به هر حال جزو علائم ظهور ذکر گردیده است.

پنجم: طلوع ستاره های دنباله دار.

ششم: ستاره ها به یکدیگر نزدیک تر می شوند.

هفتم: الفتنه = هرج.

هشتم: الاختلاط = مرج.

نهم: قتل.

دهم: غارت.

این ها جزو علامات ده گانه است و همان گونه که ملاحظه می شود، بسیاری از این علائم اتفاق افتاده و شاید همین رویدادها، مورد نظر باشد.

در یک روایت مفصلی در کتاب شریف بحارالانوار (۹۸) از امام صادق علیه السلام نقل شده که امام صادق علیه السلام

می فرمایند: شخصی مرا با منصور دوانیقی دید که با هم حرکت می کنیم، در حالی که منصور دوانیقی بر اسب راهواری سوار است و اطراف مرکب او را نیروهایی احاطه کردند، اما من بر الاغی سوار بودم و در میان آن ها حرکت می کردم، آن شخص به منزل من آمد و به من گفت: آقا! شما با این عزت و جلال و شوکت، اما منصور با این وضع، تا کی باید وضع به این گونه ادامه پیدا کند که حکومت دست آن ها باشد؟ پس کی فرج شما تحقق پیدا می کند؟ «إلی متی هولاء یملکون؟» تا کی این ها فرمانروایی دارند؟

«فقلت: أليس تعلم أن لكل شیء مده، ألا تعلم أن من انتظر أمرنا و صبر علی ما یری من الأذى والخوف هو غدا فی زمرتنا؛ گفتم: آیا نمی دانی که هر چیز یک مدّتی دارد؟ آیا نمی دانی کسی که منتظر امر حکومت و فرج ما باشد و بر این کار صبر کند و هر چه در این راه اذیت و آزار دیده تحمل کند، در زمره ما خواهد شد؟ صبر کنید، این برای خود یک مدّتی دارد.»

بعد نشانه هایی را ضمن بیان مفصلی توضیح دادند که بخشی را من ذکر می کنم: «فإذا رأیت الحق قد مات وذهب أهله ورأیت الجور قد شمل البلاد ورأیت القرآن قد خلق وأحدث فیہ ما لیس فیہ ووجه علی الأهواء ورأیت الدین قد انکفأ کما ینکفی الإناء؛ هنگامی که دیدی حق از بین رفت و اهل حق هم از بین رفتند و دیدی که اهل جور و ستم همه دنیا را گرفته و قرآن احکامش فرسوده شده و در بین مردم، منزوی شده و احکامی

را به عنوان احکام قرآن عرضه کردند، مفاهیم قرآن را جور دیگر برداشت می کنند، چیزی که در مفاهیم قرآنی نیست به عنوان مفاهیم قرآنی برای مردم مطرح می کنند و آنچه را که در قرآن است بر اساس خواسته ها و هواهای نفسانی خودشان تعبیر و تفسیر کنند و آن گاه که بینی دین بی محتوا شده درست مثل ظرفی که آدم آن را خالی کند بی محتوا می شود». این ها جزو علائم ذکر شده است.

و در ادامه این روایت می فرماید: «ورأيت أهل الباطل قد استعلوا على أهل الحق ورأيت الشر ظاهراً لا ينهي عنه ويعذر أصحابه ورأيت الفسق قد ظهر واكتفى الرجال بالرجال والنساء بالنساء...؛ و دیدی که اهل باطل، حاکم بر اهل حق شدند و حاکمیت به دست باطل افتاد و دیدی که شر حاکم می شود و کسی هم جلوی آن را نمی گیرد. (۹۹) و فسق همه جا را می گیرد، مردان به مردان اکتفا می کنند و زنان به زنان.

بحث همجنس بازی به عنوان فرهنگ و حزب و تشکیلات در کشورهای اروپایی و آمریکایی در آمده است «ورأيت الكافر فرحاً لما يرى في المؤمن مرحاً لما يرى في الأرض من الفساد ورأيت الخمر تشرّب علانية و... ورأيت المؤمن لا يستطيع أن ينكر إلا بقلبه و... ورأيت الولاه يقربون أهل الكفر ويباعدون أهل الخير ورأيت الولاه يرتشون في الحكم»؛ (۱۰۰)

و می بینی که کفار به خاطر مشکلی که برای مؤمنین ایجاد شده شاد و مسرورند و از حاکمیت جور و فساد خود بر زمین، حال کبر و غرور به آن ها دست می دهد. (۱۰۱) منافقین و کفار به خاطر وضعیتی که در مؤمنین ایجاد شده به خاطر فساد، خوشحال و مسرورند و می بینی که به صورت علنی

شراب می خورند این ها جزو علائم است. و می بینی که مؤمن نمی تواند جلوی فساد را بگیرد و توان نهی از منکر را ندارد و مجبور است در دل خود نسبت به بدی ها ابراز انزجار کند و اگر به زبان بیاورد مورد اذیت و آزار قرار می گیرد و یا مورد سرزنش و مذمت قرار می گیرد و می بینی که والیان به اهل کفر نزدیک می شوند و به غیر مؤمن تمایل پیدا می کنند، اما مؤمنین را از خود طرد و دور می کنند. والیان را می بینی که رشوه می گیرند تا کاری را انجام دهند و تا آخر حدیث که خیلی مفصل است. (۱۰۲)

علامات، فراوان است و همه این علامات به عنوان علائم غیر حتمیه است، بعضی ممکن است تحقق پیدا کرده و بعضی به لطف خدا تحقق نیابد.

به هر حال این علائم که اتفاق بیفتد ما می فهمیم که به ظهور نزدیک می شویم اما این به این معنی نیست که هر وقت این علائم اتفاق بیفتد بعد از مدتی امام زمان علیه السلام بلافاصله خواهند آمد، البته علائم حتمیه در بعضی از روایات، زمانش هم ذکر شده که اگر آن علامت اتفاق افتاد، امام زمان چند سال بعد خواهد آمد ان شاء الله آن علائم را در بخش های بعدی شرح خواهم داد.

پروردگارا! در فرج امام زمان تعجیل بفرما و به وجود مقدسش ناامنی هایی که در مؤمنین ایجاد شده پایان بخش، جمعیت کفر را از هم بگسلان، جمعیت مؤمن را با هم متحد فرما، و پرچم «لا اله الا الله» را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآور و ما را از یاران امام زمان قرار بده.

علائم ظهور حادث شده امام زمان «ع»

توضیح

قبلاً درباره بعضی از علائم ظهور امام

زمان مطالبی را تقدیم مشتاقان ظهور آن حضرت کردیم. گفتیم که بخشی از این علائم، بر اساس تقسیم بندی بعضی از علما و شخصیت ها، علائم غیر حتمی است که تاکنون تحقق پیدا کرده. و علائم حتمیه ای که هنوز تحقق خارجی پیدا نکرده و تا تحقق پیدا نکنند ظهور صورت نمی گیرد.

در این قسمت به بعضی از علائم غیر حتمیه ای که واقع شده می پردازم؛ بنابراین، این علائم جزو علائم حتمیه هم می تواند به حساب آید و این همان علائمی می باشد که در گذشته در کتب تاریخ و احادیث ذکر گردیده است.

علائم غیر حتمیه

از جمله این علائم: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تقوم الساعة حتى يخرج نحو من ستين كذاباً كلهم يقولون أنا نبي»؛ (۱۰۳) قبل از ظهور امام زمان علیه السلام ۶۰ نفر ادعای نبوت می کنند، این ادعاهای نبوت از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا قرن اخیر در تاریخ اتفاق افتاده است. اولین مدعی نبوت در عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مسیلمه کذاب بود و همزمان با او زنی به نام «سجاح» که او هم ادعای نبوت کرد. و همین طور، زمانی پس از آن افراد فراوانی که شاید تعداد آن ها به این مقدار هم رسیده باشد، ادعای دروغین نبوت کرده اند تا به این عصر که فرقه ضالّه مُضَلَّه بهائیت که رهبر آن ها میرزا حسینعلی بهاء، ادعای نبوت داشت، حتی در بعضی از گفتارش ادعای الوهیت هم به چشم می خورد.

علامت دیگر این که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «لا يخرج القائم حتى يخرج اثنا عشر من بني هاشم كلهم يدعو إلی نفسه»؛ (۱۰۴) ۱۲ نفر که همگی سید هستند، با این که ساداتند اما به دروغ ادعای امامت می کنند.

در قرن اخیر، محمد علی باب، رهبر فرقه ضاله بایبه از جمله آنان است. این ها را علما در کتب خود به عنوان علائم ظهور مطرح کرده اند.

خرابی خانه کعبه

علامت دیگری که در ارتباط با ظهور امام زمان و پیش از ظهور حضرتش ذکر کرده اند، خراب شدن خانه کعبه است. در اخبار داریم که از جمله علائم ظهور این است که خانه کعبه خراب می شود و حجرالاسود به کوفه منتقل می شود. این داستان هم اتفاق افتاده است؛ در سال ۳۳۷ هجری قمری «قرامطه» یا همان اسماعیلیه، خانه کعبه را خراب کردند و حجرالاسود را به کوفه منتقل کردند. جعفر بن محمد بن قولویه استاد مرحوم شیخ مفید رحمه الله می گوید: من وقتی دیدم حجرالاسود را به کوفه منتقل کردند و بعد از فرونشاندن غائله قرامطه، آن را به سمت کعبه برگرداندند تا در کنار خانه کعبه قرار گیرد، می دانستم که حجرالاسود را باید معصوم سر جای خود بگذارد و الا در جای خود قرار نمی گیرد این حادثه دو بار تکرار شد؛ یک بار قبل از بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر سیلی که در گرفت و خانه کعبه را که در یک نقطه فرورفتگی است خراب کرد و حجرالاسود از جای خودش افتاد و پس از آن که خواستند حجر را پس از بنای جدید در جای خود بگذارند، بین قبایل اختلاف شد و سنگ هم بر جای خودش قرار نمی گرفت، به هر حال امر آن چنان شد که وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، وارد مسجد الحرام شد، همه گفتند اگر او سنگ را سر جای خود بگذارد همه قبول داریم و رسول اکرم صلی الله علیه و آله سنگ

را در جای خودش قرار داد آن هم با شرایط و تفصیلاتی که در تاریخ آمده است. بار دیگر، در زمان هشام بن عبدالملک بود که برای دستگیری عبدالله بن زبیر، فتنه ایجاد شد و بخشی از خانه کعبه خراب گردید و حجرالاسود از جای خودش فرو افتاد، آن گاه که خواستند آن را بر جای خود قرار دهند، چندین بار این کار را انجام دادند اما حجرالاسود به جای خودش قرار نگرفت تا آن که امام زین العابدین علیه السلام آمدند با دو دست مبارکشان، حجرالاسود را در جای خود قرار دادند.

جعفر بن محمد بن قولویه می گوید: چون می دانستم که حجرالاسود باید به دست معصوم در جای خودش قرار گیرد من به اشتیاق دیدار امام زمان به راه افتادم و گفتم کسی که آن را نصب می کند خود آن حضرت است. به هر حال به سمت مکه بار سفر بستم. در بین راه مریض شدم و دیدم نمی توانم برسم، فردی را به نام هشام به نمایندگی انتخاب کردم و یادداشتی به او دادم و سؤالاتی از امام زمان علیه السلام کردم. او برای این که صحنه نصب حجرالاسود را ببیند و هم زیارت آقا را انجام دهد و هم پیغام مرا تقدیم کند، رفت مقداری به آن مأمورین و خدام بیت الحرام پول داد تا به او اجازه دهند که با جمعیت باشد. هشام می گوید رفتم نگاه کردم فردی که سنگ را نصب می کند چه کسی است. چشمم به جمال نورانی جوانی افتاد که آمد، سنگ را به آرامی در جای خود قرار داد. جمعیت را شکافتم و بحمدالله به این توفیق رسیدم و قبل از آن که نامه را

به دست امام زمان علیه السلام بدهم، حضرت مطلب نامه و جواب نامه را دادند، از جمله سؤالات جعفر از امام زمان این بود که من سخت مریض هستم و می ترسم که از دنیا بروم و به زیارت شما نرسم. امام علیه السلام قبل از خواندن نامه فرمودند ۳۰ سال دیگر زندگی می کند، به او بگو که نگران نباشد و همین طور هم شد؛ بنابراین خانه کعبه براساس این نقل خراب شد و حجرالاسود از جای خود منتقل شد و به عنوان یکی از علائمی که اتفاق افتاده به حساب می آید.

خراب شدن شهر بغداد

علامت دیگر خراب شدن شهر بغداد است، بغداد شهر قدیمی است و در آن عمران و آبادی بسیار صورت گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی بعد از جنگ صفین از بغداد عبور می کرد، خطاب کرد به بغداد: ای بغداد که ساختمان های مرتفعی پیدا خواهی کرد و قصرهای تو همانند بال های طاووس زیبا خواهند شد، ولی پس از مدتی همانند نمک حل خواهی شد و از بین خواهی رفت. نبوقنطوره (که منظور همان مغول هستند) به تو حمله خواهند کرد و تو را از بین خواهند برد.

این طور هم شد، هلاکوخان مغول به شهر بغداد حمله کرد و بغداد را ویران کرد. این هم جزو علائمی است که اتفاق افتاده است.

قبه های حمراء

علامت دیگری که در بعضی از روایات به آن خبر داده شده این است که ساختن گنبدهای سرخ یا گنبدهای رنگین که شاید منظور ساختن گنبدهای مشاهد مشرفه باشد که در شهرهای مختلف بنا شده است.

البته تذکر این نکته خالی از لطف نیست که همه آثار و علائم ظهور، حوادث بد و منفی محسوب نمی شوند، بلکه بعضی از حوادث خوب هم به عنوان علائم ظهور به حساب می آیند و بعضی هم علائم منفی؛ از جمله در روایت وارد شده است که مساجد آباد می شود و مزین به زینت ها می شود، قرآن با چاپ زیبا مزین می شود، مناره های مسجد مرتفع می شود، اما از آبادی و عمران و عبادت خالی می شود. این ها جزو علائمی است که اتفاق افتاده است لذا می توانیم از آن ها به عنوان علائم حتمیه یاد کنیم.

علامت دیگر

علامت دیگر این که درباره آیه شریفه که می فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (۱۰۵) راوی می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که مسأله ظهور دولت اهل بیت علیهم السلام بحث شد، گفتم: یابن رسول الله! این ظهور کی صورت خواهد پذیرفت و آیا مشکلاتی که می گویند پدید خواهد آمد؟ فرمود: این آیه شریفه را دقت نکردید (قریب به این مضمون) که می فرماید «و لنبلونکم...» شما مؤمنین را حتماً می آزمایشیم، آزمایش و امتحانات می کنیم «بشیء من الخوف» با ترس؛ منظور از ترس، ترس از حکام جور و فساد است. جور آن ها، دل های مردم را می لرزاند و می ترساند، خوف آن ها برای سلطه شیطانی شان همه جا را می گیرد «والجوع» گرسنگی، گرسنگی به خاطر گرانی ها و بالا بودن نرخ ها در بعضی از اماکن و بلاد «و نقص

من الاموال» اموال کم می شود، منظور چه بسا به خاطر تجارت های سیاه و سلطه استعمار اقتصادی، منافع بعضی از دولت ها به خصوص منافع ملت مسلمان کم می شود، منفعت طلبان جهانی و استعمارگران، سلطه جویی اقتصادی بکنند «والانفس» نقص در جان، منظور مرگ های سریع است؛ یعنی مرگ های زودرس، مرگ های ناگهانی و سگته ها زیاد می شود و آخر آیه که می فرماید «و بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» منظور این است که به منتظران ظهور مژده دهید که وقتی این حوادث اتفاق افتاد، ان شاء الله ظهور هم کم صورت خواهد پذیرفت. (۱۰۶)

در حاکمیت جور و فساد که یکی از علائم ظهور امام زمان است بحث های زیادی در روایت ها شده است، همان طوری که می فرماید: «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا» این نکته به وضوح از آن فهمیده می شود که ظلم و جور زمین را پر می کند.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که پرسیدند: وضعیت آخرالزمان چه خواهد شد؟ حضرت فرمودند: نماز را در اول وقت بر پا نمی کنند، به شهوات و خوردن شراب روی می آورند، به پدر و مادر دشنام می دهند، زکات دادن را ضرر مالی می دانند، حاکمیت به دست بانوان می افتد، مردان مطیع محض زنان خواهند شد، (۱۰۷) به همسایه ها جفا می کنند. قطع رحم صورت می گیرد، صله رحم کم می شود، دل های بزرگان از رحم و مروت خالی می شود، حیای کوچک ترها کم می شود، امارت ها را محکم می سازند، به خدمتگزاران جفا می شود، شهادت دروغ زیاد می شود، حکام رشوه می خورند، بی حیایی، بی عفتی رایج می شود، مردان به لباس زنان و بالعکس، زنان به لباس مردان در خواهند آمد. معاصی آشکار، و مردم به مهم ترین امور دین سهل انگار می شوند

و امور مهم دین برای آن ها چیز مهمی نیست و سهل و سبک به نظر می رسد، نسبت به دین بی توجه می شوند و مالشان را در راه غنا و حرام صرف می کنند... تا آخر حدیث.

این ها نشانه هایی است که برای دوره آخرالزمان ذکر شد و جزو علائم ظهور حضرت محسوب می گردد. در حدیث دیگری که مفهوم بسیار مهمی دارد از رسول خداصلی الله علیه و آله راجع به همین مسائل پرسیدند که هنگام ظهور، ویژگی آخرالزمان که شما می فرمایید چیست؟ حضرت بیان فرمودند: «کیف بکم اذا فسد نساءکم؟»؛ چه وضعی پیدا خواهید کرد آن وقت که زنانتان فاسد شوند «فسق شبابکم»؛ جوانانتان هم فاسق شوند. «ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر»؛ شما هم امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید و فساد و بی عفتی بالا می گیرد. «فقیل له: ویکون ذلک یا رسول الله؟» آیا چنین می شود که جنایت صورت گیرد و ما هیچ نگوییم؟

حضرت فرمودند: «نعم و شر من ذلک، کیف بکم إذا أمرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف» (۱۰۸) آری بلکه بدتر از آن، مردم را می بینید که به منکرات و کارهای خلاف فرمان می دهند، از کارهای خوب هم جلوگیری می کنند، گفتند: ای کون ذلک؟ آیا این گونه خواهد شد؟ فرمود: «نعم و شر من ذلک کیف بکم إذا رایتم المعروف منکراً والمنکر معروفاً» (۱۰۹) آری بدتر از این. چه خواهید کرد زمانی بیاید که معروف و منکر جایشان عوض شود، چیزهایی که به عنوان منکر بود مردم آن را به عنوان معروف بدانند و چیزهایی که معروف بود به عنوان منکر بدانند؟

آیا فکر نمی کنید که در گوشه و کنار، همین الان، این طور احساس می شود؟ این ها جزو علائم ظهور است،

البته به این معنی نیست که حال که این ها اتفاق افتاده، پس امام زمان علیه السلام حتماً به زودی خواهند آمد، من قبلاً هم توضیح دادم این جزو علائم دوره آخرالزمان است، این را به این جهت عرض می کنم که حوادثی که اتفاق افتاده، بیانگر علم ائمه علیهم السلام نسبت به آینده است، چرا که همه متصل به علم الهی هستند، این همه دال بر حقانیت ائمه ماست، که قبل از این که حوادث اتفاق بیفتد، این ها باخبرند. بنابراین ما باید در اعتقادمان نسبت به آنچه که آن ها راهنمایی کردند و به ما دستور دادند، در آینده حتی اگر اتفاق نیفتاده باشد و دستورات دینی که دارند باید یقین پیدا کنیم. این ها همه نشانه هایی است برای این که اهل بیت نبوت بر حق هستند و اطاعت حرفشان به منزله اطاعت از اوامر الهی است و ما باید از آن ها تبعیت کنیم. ضمناً حوادثی که اتفاق افتاده، باید برای ما هشدار باشد که آقا و مولای ما خواهد آمد و ما خود را برای آن روزی که امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد آماده کنیم. زمینه را برای پذیرش وجود مقدس امام زمان آماده کنیم، نکند وضعیت جامعه به گونه ای بر ما اثر بگذارد که وقتی امام زمان آمد در پذیرش او تردید کنیم. در بعضی از روایات این طور آمده «یأتی بدین جدید» از بس جامعه با دین فاصله می گیرد همان طور که در حدیث فوق آمد: معروف، منکر و منکر، معروف می شود. امام زمان علیه السلام وقتی آمد و حرف های اسلام را گفت، می گویند این ها حرف جدید است. ما این چیزها را در اسلام نداریم، این قدر در افکار دینی و

عقاید مردم دگرگونی ایجاد می شود که قبول اسلام راستین مشکل خواهد شد، خداوند ان شاء الله به قدرت حکمت و فضل و کرم خودش وجود امام زمان علیه السلام را از جمیع بلیات محفوظ بدارد و به زودی پرده از رخسار او بردارد و دین خودش را به دست او در دنیا حاکم گرداند و جلوی شر و فساد و حاکمیت جور و ستم را بگیرد و دنیا را پر از عدل و داد کرده، ما را جزو سربازان آن حضرت قرار بدهد.

فتنه دجال

اشاره

در گذشته پیرامون بعضی از علائم غیر حتمیه تحقق یافته ظهور امام زمان علیه السلام صحبت کردم، یکی دیگر از علائم حتمیه ای که توسط اهل بیت علیهم السلام بسیار از آن، صحبت به میان آمده است، خروج دجال است. در این مورد نکاتی را تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور می کنم:

یکی از علائم حتمی، ظهور دجال است که مدتی قبل از ظهور امام زمان تحقق پیدا خواهد کرد. دجال با وضعیتی که دارد و با موقعیتی که او در آن زمان خروج می کند، وسیله ای برای آزمایش مؤمنین است و در حقیقت ابزار جدا شدن مؤمنین از غیر مؤمنین است، آن هایی که ایمانشان ضعیف است یا رابطه خوبی با خدا و حقیقت ندارند، جذب دروغ های این کذاب می شوند. در زمانی که دجال ظهور می کند هم از نظر مشکلات و قحطی و هم از نظر فساد، جامعه وضعیتی پیدا می کند که بعد از حضرت آدم بی نظیر است. درباره خصوصیات دجال در روایات نشانه هایی داده شده، دجال یک آدمی است که از نظر جثه، آدمی بسیار عجیب، یکی از چشمان او کاملاً بسته و مسح شده است و چشم

دیگرش بر پیشانی اش قرار دارد و مثل ستاره نور می دهد و درخشش دارد... به گونه ای خاص حرکت می کند، با سحر بسیار عجیبی که دارد همه را جذب خود می کند و با توجه به قحطی و گرسنگی که وجود دارد، قدرت ساحریت دجال به گونه ای وانمود می کند که دو کوه را به همراه خود دارد، یک کوه از نان و یک کوه دیگر به صورت چشمه آبی به نظر می رسد که موجب می شود افراد را به دنبال خودش بکشاند. همه جا سر می کشد و به همه جا می رود، الا به دو شهر مقدس مکه و مدینه که به این دو شهر نمی تواند وارد شود و اما به بقیه اماکن قدرت ورود دارد و آن گونه که درباره فساد گفته شد و درباره قحطی و مشکلات، دجال به سبکی حرکت می کند که همه مفسدین به دنبال او به حرکت می افتند. در روایات آمده که یهود جزو کسانی هستند که به دنبال دجال در حرکتند، افرادی که از راه خلاف شرع به دنیا آمده اند، افرادی که اهل فسق و فجور هستند، ساحران و جادوگران، همه به دنبال دجال در حرکتند و دیگران را به دنبال خودشان می کشانند، با ساز و تنبور و دستگاه های غنا و عیاشی، افراد طرفدار عیاشی و هوس را به دنبال خودشان حرکت می دهند. جمع آن ها، جمع فاسدان و فاسقان و نابکاران و بوالهوسان است. به هر حال این وضعیت دجال است و کسانی که با او در حرکتند، جزو اصحاب اویند.

مطلب دیگری که در روایات نقل شده این است که بر پیشانی دجال به عبارت روشن نوشته شده «هذا کافر حقاً» این به حق کافر

است، به گونه ای که همه می توانند بخوانند، اما در عین حال، آنان که بی مبالا تند و به دنبال شکم و شهوتند، با این که می بینند چنین چیزی بر پیشانی او به وضوح نوشته شده، در عین حال از او روی بر نمی گردانند و همچنان به دنبال او حرکت می کنند و او آن ها را سیر می کند، هم خواسته های شکم و هم خواسته های شهواتشان را بر آورده و اشباعشان می کند و آن ها را به دنبال خود دارد. اولین بار ادعای نبوت و پیامبری می کند و کسانی که به دنبال او حرکت کرده، حرف او را اطاعت می کنند و پس از آن ادعای خدایی می کند و با ندای بلند، ندا در می دهد «یا اولیائی انا ربکم الاعلی؛ ای دوستان من! من پروردگار برتر شما هستم»، و با این وضع ادعای خدایی خود را به اطلاع این و آن می رساند. با چنین ادعایی افراد را به دور خودش جمع می کند، مشکلات فراوان را برای مردم ایجاد می کند و سرانجام زمانی که حضرت عیسی علیه السلام به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام ظهور می کند و در رکاب امام زمان قرار می گیرد و پشت سر امام زمان نماز می خواند، دجال ملعون به دست عیسی مسیح - علی نبینا و آله و علیه الصلوه والسلام - به قتل می رسد و یا به قولی به دست حضرت حجت کشته می شود و فتنه او پایان می پذیرد. اما درباره دفع شرّش حدیثی وارد شده است از قول ابوامامه از نبی مکرم اسلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای دفع شرّ دجال و برای ابطال سحر دجال، هر کسی که او را دید اگر آب دهان بر رویش

بریزد و دوبار سوره حمد بخواند سحر او خنثی می شود و سحرش نسبت به این شخص کارگر نمی افتد. حالا این تعبیر روایات است که در کتاب ها نقل شده است.

اما در مورد خود دجال که بحث های زیادی در کتاب های اعتقادی شده، نکاتی را به عرض می رسانم؛ در بعضی از روایات آمده که دجال در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متولد شده، در کتب اهل سنت روایات زیادی است که دجال در عصر رسول خدا متولد شد و الآن زندگی می کند، لکن در زنجیر است و می گویند وقتی او در مکه متولد شد حضرت رسول رفتند به آنجایی که او ولادت یافت و او را دید و نبوت خود را به او عرضه کرد اما او نپذیرفت و همان جا ادعای نبوت کرد و حضرت او را لعنت کرد و دیگران را به لعن او امر کرد و هشدار داد که از او پیروی نکنند.

با توجه به نکاتی که در طول مطالب ام گفتم که دجال به همه شهرها وارد می شود إلا شهر مکه و مدینه، معلوم می شود که حدیث فوق منقول از اهل سنت با احادیث قبلی قابل جمع نیست. چون اینجا می گوئیم در مکه متولد شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا حضور پیدا کرد، اما در آن حدیث می گوید به همه شهرها وارد می شود إلا شهر مکه و مدینه. بنابراین حدیث اول یا از نظر سلسله حدیث یا از نظر روایات یا از نظر مأخذ خیلی قابل اعتماد نیست.

عجیب است اهل سنتی که می گویند دجال در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله متولد شد و همچنان زنده است تا ظهور مهدی موعود علیه

السلام، نسبت به عمر طولانی امام زمان علیه السلام تردید می کنند.

معنی لغوی دَجَال

امّا لفظ دَجَال از نظر لغوی به معنای دروغگو، کذاب و حيله گراست و ممکن است این که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود دَجَال یا آن دجالی که اسم او را گفتند، صائد بن صید بود و در عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله متولد شد، یکی از آن کذاب ها و مدعیان دروغین نبوت و رسالت بوده و در حدیث دیگری باز از رسول خدا نقل شده که فرمود: «لا تقوم الساعة حتی یخرج ثلاثون دَجَال کلهم یزعمون إنّهُ رسول اللّهُ» (۱۱۰) تا روز قیامت شود ۳۰ نفر به عنوان دَجَال قیام می کنند، همه هم ادّعی نبوت می کنند.» شاید منظور از دَجَال همان معنای لغوی آن است و مدعیان دروغین نبوت از جمله آن دَجَال مورد بحث ماست، یا در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که حضرت در جواب یکی از اصحاب که پرسید: «فوصفه لنا رسول اللّهُ»؛ یا رسول اللّهُ! دَجَال را برای ما توصیف کن»، فرمود: «لعله سیدرکوا بعض من رأی او سمع کلامی؛ بعضی که مرا دیدند و کلام مرا شنیدند شاید دَجَال را ببینند»؛ یعنی دَجَال در عصر پیغمبر یا بعد از ایشان وجود داشته است، این هم ممکن است همان مفهوم لغوی دَجَال باشد، یعنی حيله گران و دروغگویان، چه بسا آنانی که ادّعی جانشینی پیغمبر را کردند، ادّعی دروغین خلافت رسول اللّهُ را کردند. ممکن است بنی امیّه مورد نظر باشد که چقدر مردم را به دنبال خود کشاندند و ادّعی دروغین کردند و حرف های بسیاری برای اغوای این و آن زدند، چقدر بیت المال

را در اختیار دیگران قرار داده، تا آن‌ها را به سمت خودشان بکشانند، چقدر لهو و لعب و شرابخواری به راه انداختند، شاید منظور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دجال همین‌ها باشند.

دجال در کتب آسمانی

با عنایت به معنای لغوی کلمه دجال و مفهوم دجال بودن، در کتب آسمانی دیگر؛ از جمله در کتاب عهد جدید یعنی انجیل مسیحیان هم زیاد از آن صحبت شده، در انجیلی که اکنون در اختیار مسیحیان است، در جاهای مختلفی مفهوم دجال آمده است، در فرهنگ مسیحیان، دجال را به عنوان «آنتی کریست» (دشمن مسیح) می‌نامند و در ادبیاتشان هم زیاد به کار می‌رود و با توجه به روایات زیادی هم که ما داریم که حضرت مسیح - علی نبینا و آله و علیه الصلاه والسلام - او را خواهد کشت، تا حدودی فرهنگ‌ها در مورد دجال به هم نزدیک می‌شوند. پس به عنوان فرهنگ عمومی، در میان مذہبیون از گذشته تا حال در آمده است. و اگر همه این مفاهیم را توجه کنیم ممکن است دجال به معنای لغوی باشد، دجال‌های متعدد، کسانی باشند که سر راه مؤمنین دام‌هایی بگذارند، تهدید و تطمیع کنند، جامعه را به فساد بکشانند و ادعای دروغین بکنند. این‌ها با آن دجالی که در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام خروج خواهد کرد قابل جمع است، زیرا همه این‌ها ممکن است صحیح باشد و نیز در عصر و در آستانه ظهور و یا کمی قبل از ظهور حضرت امام زمان آن دجال ملعون معهودی که ذکرش در کتاب‌ها هست و ابتدا درباره خصوصیاتش صحبت کردیم می‌آید و فتنه و فساد خواهد کرد. انسان‌های ضعیف‌الایمان و

شکم باره و شهوت پرست، به دنبال او حرکت می کنند که شر و فتنه او به وسیله امام زمان و یاران امام و حضرت مسیح از دنیا ریشه کن خواهد شد و مؤمنین از عذابیه که او ایجاد می کند نجات پیدا می کنند. بنابر توضیحاتی که داده شد هم باید از این نظر یعنی معنای لغوی دجال و روایاتی که تعداد دجال را منحصر به همان نمی دانند و او را از جمله مصادیق بارز دجال می دانند مورد توجه قرار داد. آدم باید حساب کند که در همه زمان ها کسانی در دنیا هستند که ادعای دروغین دارند، الآن شما استکبار جهانی را در نظر بگیرید، در ظاهر به وسیله هواپیماها برای مردم مظلوم افغانستان نان و غذای فاسد می ریزند، اما از آن طرف ببینید که بمب های خوشه ای هم می ریزند. می خواهد مردم را فریب بدهند که من نان و تغذیه می دهم، من دفاع از حقوق بشر می کنم، ما مخالف تروریسم هستیم و... این ها همه دروغ است، این ها خوی دجال گری است، باید در این گیر و دار دروغ بافی های دجال های این عصر و زمان، هشیار باشیم در دام دجال ها نیفتیم و انحراف پیدا نکنیم، راه حق را از راه باطل تشخیص دهیم که ان شاء الله خداوند در زمان حیات ما ظهور پر نور امام زمان علیه السلام را محقق بسازد و ما را به عنوان منتظران واقعی اش محسوب بدارد و از یاران و انصار امام زمان علیه السلام و سربازان رکابش قرار دهد.

علائم حتمیه در آستانه ظهور امام زمان «ع»

توضیح

در بحث های گذشته پیرامون علائم ظهور حضرت حجت علیه السلام مطالبی را به عرض رساندیم و آثار و فواید عقیده به این علائم ظهور را مطرح کردیم. امروز به بعضی

از علائم حتمیه ظهور امام زمان علیه السلام اشاره می کنیم.

خسوف و کسوف

از جمله علائم حتمیه ای که برای ظهور امام زمان علیه السلام ذکر شده، خسوف و کسوفی است که در وسط و آخر ماه رمضان سالی که امام زمان ظهور می کند اتفاق می افتد.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: در ماه رمضان که امام زمان در آن سال یا سال ها ظهور می کند، کسوف است؛ یعنی آفتاب گرفتگی اتفاق می افتد و این آفتاب گرفتگی در آخر ماه است و ماه گرفتگی هم در وسط ماه رمضان می باشد. مردی از آن میان پرسید: یا بن رسول الله! تاکنون حادثه کسوف و خسوف غیر از این بود، معمولاً کسوف در آخر ماه و خسوف در اوایل یا اواسط ماه اتفاق می افتد اما این خبر شما برخلاف آن را اعلام می کند. فرمودند: بله، من به این معنی واقفم، این گونه خسوف و کسوف از زمان حیوط آدم تا آن روز اتفاق نمی افتد. معیارهای منجمین به هم می ریزد، این یکی از علائمی است که قبل از ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق می افتد که نشانه حقانیت ادعای امام زمان است.

خروج موافقان و مخالفان

علامت دیگر، خروج موافقان و مخالفان است. در روایات، خروج قیام هایی که در آن عصر اتفاق می افتد ذکر شده است؛ از جمله خروج سید حسنی، آن گونه که در روایات ذکر شده، سید جلیل القدری که از اولاد امام مجتبی علیه السلام است از منطقه دیلمان و گیلان فعلی و قزوین و این حومه ها قیام می کند. او انسان شایسته و مؤمنی است که قیام او به حق است و مردم را به دین آل محمد صلی الله علیه و آله دعوت می کند، ادعای نیابت امام زمان را ندارد، بلکه ادعای حقانیت مذهب تشیع را دارد

و دعوت کننده مردم به امامت امام زمان است. وقتی خروج و قیامش آغاز می شود، مردم ستم دیده و مؤمن به او گرایش پیدا می کنند، به خصوص در روایات آمده است: «فتجیبه کنوز الله بطالقان؛ (۱۱۱) گنج های طالقان از او اجابت می کنند».

بعد امام فرمود: منظور از این گنج ها، طلا و نقره نیست، انسان های مؤمن و شایسته ای است که به عنوان سلحشوران آماده به میدان، در خدمت این سید بزرگوار حسنی قرار می گیرند و به یاری دین خدا می شتابند. این گروه قیام کننده به رهبری این سید بزرگوار قدرت را به دست می گیرند، فساد و جور را در محیطی که قیامشان به آنجاها می رسد ریشه کن کرده تا خود را به کوفه می رسانند، کفار و منافقان و بدکاران را قلع و قمع می کنند، وقتی به کوفه می رسند به آن ها خبر می رسد که امام زمان ظهور کرده است و این سید بزرگوار حسنی به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب می شود و خودش این حقیقت را در می یابد که او امام زمان است اما برای این که پیروان کثیری که به همراه او هستند برای آن ها نیز امر را روشن کند به محضر امام زمان اظهار می کند: «إن كنت مهدي آل محمد فأين هراوه جدك رسول الله صلى الله عليه وآله وخاتمه وبردته ودرعه الفاضل وعمارته السحاب وفرسه اليربوع وناقته العضباء وبغلته الدلدل؛ (۱۱۲) اگر تو مهدی موعود آل محمد علیهم السلام هستی، او نشانه هایی دارد، از جمله نشانه های او خاتم و انگشتری جدش رسول خداست و ردای او، زره، عمامه و مرکب او نیز چنین است»، اگر شما همان موعودی هستی که خدا وعده داده، این نشانه ها کجاست؟ امام زمان علیه السلام نشانه هایی که

او می گوید را ارائه می دهد. در نتیجه همه پیروان او به حقانیت امام زمان علیه السلام معترف می شوند و ایشان جلو می رود و تقاضا می کند که امام زمان دستش را دراز کند تا او با ایشان بیعت کند و چنین می شود. بیعت او و پذیرش و اثبات حقانیت امام زمان باعث می شود که همه پیروان این سید بزرگوار که طرفداران حق اند به امام زمان ایمان آورده و جزو یاران امام زمان شوند.

لکن عدّه ای که در روایات گاهی تعدادشان هم ذکر می شود، حدود چهل هزار نفر یا چهار هزار نفر انسان هایی که وضعیت ظاهری آن ها بسیار روشن و وضع ظاهری متدینین را دارند، قرآن ها بر گردنشان آویزان است، اما درست مثل خوارج نهروان که در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفتند، به امامت امام زمان علیه السلام اعتراف نمی کنند، که به قولی، همه از فرقه زیدیه هستند و در نتیجه امام زمان علیه السلام آن ها را ارشاد و هدایت می کند اما آن ها هدایت امام را نمی پذیرند، در نتیجه در جنگی که بین آنان و یاران امام زمان به وجود می آید همگی کشته می شوند.

خروج یمانی و خراسانی

از قیام های دیگری که به موازات خروج و قیام موافقان و حمایت کنندگان امام زمان صورت می گیرد خروجی است که از صنعای یمن و از خراسان است، این دو قیام و این دو قیام کننده و دو جریان به عنوان پشتیبان یکدیگر هستند. قیامی که از یمن و صنعای شروع می شود، رهبری آن را فردی به نام حسین یا حسن به عهده می گیرد و رهبری قیام مردم خراسان یا از محیط خراسان را فردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد. این دو جریان از محیط

قیام خودشان به سمت عراق و حجاز حرکت می کنند، آن گونه که از این روایات فهمیده می شود، قیام یمانی که انسان های شایسته ای هم در اطراف او هستند در حقیقت به پشتیبانی قیام خراسانی که آن ها هم از طرفداران امام زمان و مذهب حقه هستند انجام می گیرد. این دو قیام به عنوان حمایت از امام زمان و حمایت از مذهب جعفری و تشیع و به عنوان حمایت از حق و مخالفت با باطل است.

خروج سفیانی

در آن عصر و زمانی که متأسفانه خیانت و خباثت و کفر و نفاق دامن گیر می شود این حرکت های رهایی بخش الهی و حق طلبانه است که انسان های شایسته و صالح را با خود هماهنگ می کند، این دو قیام با حمایت یکدیگر در برابر خروج مخالف حقانیت؛ یعنی خروج دیگری که خروج و قیام باطل است و به نام خروج سفیانی است قد علم می کنند و با حمایت یکدیگر در برابر سفیانی می ایستند.

سفیانی کیست؟ او شخصی است که طبق روایات به عنوان عثمان بن عنبسه، از نسل یزید بن معاویه - علیهما الهاویه - بد منظر، آبله رو، کبود چشم است که از وادی یابس بین مکه و شام خروج می کند، به سرعت پنج شهر دمشق، حمص، قنسرين، فلسطین و اردن را می گیرد و با سپاهی عظیم به کوفه می آید. به طوری که در روایات ذکر شده او «ابن آکله الاکباد؛ از نسل هند جگر خواره است». او انسانی است که مورد حمایت شیطان است.

صیحه آسمانی

یکی دیگر از علائم ظهور را صیحه آسمانی ذکر می کنند، این صیحه دو گونه است؛ یکی صیحه آسمانی حق طلبانه ای است که صاحب آن صیحه و فریاد آسمانی، جبرئیل امین - علیه الصلوه والسلام - است که فریاد بلند می کند: «الحق مع علی و شیعتہ؛ حق با علی بن ابیطالب و پیروان اوست».

این ندا را شرق و غرب عالم می شنوند، اما شیطان از آسمان ندا می زند «الحق مع عثمان و شیعتہ» حق با عثمان بن عنبسه یعنی همان سفیانی ملعون است. و در روایت دیگر است که شیطان در آسمان ندا می کند و خیلی ها ندایش را می شنوند و به آن ها می گوید که پروردگار

شما در وادی یابس که بین شام و حجاز است حضور پیدا کرده، به سوی او بشتابید؛ طرفداران باطل، طرفداران دنائت و پستی و کفر به سمت او می روند و ندای شیطان را شیطان پرستان و مریدان شیطان گوش می دهند و به سمت او می روند، در نتیجه خروج سفیانی از وادی ای به نام «وادی یابس» است، سپاهیان به سمت عراق می آیند در محیط کوفه و نجف کشتاری بی رحمانه ایجاد می کند، شخصیت ها را می کشد، بی عفتی ها به راه می اندازد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده: «کأني بالسفياي أو بصاحب السفياي قد طرح رحله في رحبتكم بالكوفة فنادي مناديه من جاء برأس شيعة علي فله ألف درهم فثبت الجار علي جاره ويقول: هذا منهم فيضرب عنقه ويأخذ ألف درهم؛ (۱۱۳) گویا یاران سفیانی را می بینیم که به کوفه آمدند و آنجا رحل اقامت افکندند، و منادی سفیانی فریاد بلند می کند که هر کس سر یک شیعه علی بن ابیطالب را بیاورد هزار درهم به او می دهند، همسایه ها پیش سفیانی می روند و می گویند که همسایه ما شیعه است. سفیانی ها می آیند، دستگیرشان می کنند و گردن شیعه را می زنند و آن اطلاع دهنده خبیث هم هزار درهم خود را می گیرد»، این ناامنی سراسر محیط کوفه و عراق را می گیرد.

در این زمان است که امام زمان علیه السلام ظهور می کند، با ندایی که فرشته خدا، جبرئیل امین سر می دهد و همه این ندا را می شنوند. امام زمان به سمت کوفه می آید. سفیانی ملعون، لشگریان و سربازان خود را دو دسته می کند، یک دسته را به سمت شام رهسپار می کند و خود در میان آنان قرار می گیرد و دسته دیگر را به سمت

مدینه می فرستد و در مدینه مؤمنین را قتل عام می کنند، از مدینه به سمت مکه می رود. در نزدیکی مکه وقتی سپاهیان رسیدند در یک نقطه ای به نام بیداء، به زمین فرو می روند و این خود از علائم حتمیه ظهور است.

فرو رفتن سپاه سفیانی در بیداء

فرو رفتن سپاه سفیانی در بیداء جزو علائم حتمیه است و تا این ها اتفاق نیفتند امام زمان ظهور نمی کند، این ها جزو علائم ظهور است که به عنوان علائم روشن کننده و آیات باهرات است که مؤید صدق ادعای امام زمان علیه السلام است، امام زمان و یارانش برای سرکوب سفیانی که به سمت شام می روند حرکت می کنند. حضرت ولی عصر علیه السلام سفیانی خبیث را در بیت المقدس از بین می برد و او را به جهنم واصل می کند. این ها علائم و آثاری است که از زبان اهل بیت علیهم السلام در کتب شیعه و بعضی هم در کتب اهل سنت آمده است.

همان طوری که قبلاً مطرح کردم، اعتقاد به این علائم ظهور موجب می شود که ادعای مدعیان دروغین مهدویت که در طول تاریخ دوران غیبت کبری از گذشته و حال بوده و چه بسا در آینده نیز باشند، افشا شده و ادعای دروغ آن ها بر ملا گردد و برای مؤمنین و پیروان و منتظران ظهور امام زمان نشانه ای باشد برای پی بردن به حقانیت وجود مقدس امام زمان و وسیله ای شود تا در دام منحرفین و گمراهان نیفتند.

امّا آنچه موجب می شود انسان به هنگام بلوا و شورش و خروج مخالفان حق و حقیقت در دام آن ها گرفتار نشود، تقویت بنیه دین و ایمان و اعتقاد و ولایت است. قطعاً آن هایی که مبانی اعتقادی شان مستحکم است، عقیده شان راسخ و دل هایشان

پاک است، تحت تأثیر القائنات شیطانی قرار نمی گیرند. شما اکنون می بینید در دنیایی که زندگی می کنیم، فریاد حق طلبانه بلند است، ولی بُرد آن کم است. یعنی صدای حق طلبان به دنیا نمی رسد اما به هر کجا که رسید انسان های طرفدار حق، انسان هایی که ضمیمه روشن و دل پاک و ایمان قوی دارند ندای حق طلبانه و فریاد دین خواهی منادیان حق و عدالت را به گوش جان می شنوند و برای حمایت از آن از بذل جان و مال دریغ نمی کنند. به موازات آن، ندهای شیطانی که به وسیله بلندگوهای استعماری و تبلیغات صهیونیستی و شیطانی در دنیا بلند است، تبلیغات انحرافی که به وسیله رسانه های جمعی شیطانی، به وسیله ماهواره های تبلیغاتی که درست مثل صیحه شیطانی هستند و فرهنگ و تمدن ملت ها را مورد آماج قرار داده و یکی از مصادیق مهم تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی است، ببینید چه کسانی تحت تأثیر این تبلیغات شیطانی قرار می گیرند که به صورت مدرن و صنعتی الآن در دنیا ندای شیطانی را پخش می کنند، این رسانه های جمعی، این رادیوهای بیگانه، ابزارهایی که حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند، این هایی که برای تضعیف موقعیت متدینین و حق طلبان به وسیله ماهواره های تبلیغاتی اشاعه فحشا می کنند. چه کسانی این ندهای شیطانی را لیک می گویند، الا آن هایی که بنیه ضعیف ایمانی دارند، آیا غیر از آن هایی که از نظر فردی و خانوادگی و اجتماعی بنیان دینی مستحکمی ندارند؟!

اگر امروزه ما این نکته را رعایت کنیم و در تحکیم مبانی دینی، اعتقادی و تزکیه نفس خود و فرزندان، خانواده و جامعه مان بکوشیم، تبلیغات سوء دشمنان و

تبلیغات هوس انگیز شیطان ها و شیطان صفتان، مؤثر نخواهد بود. باید این نکات را دقت کنیم، هشدارهایی که مقام معظم رهبری - حفظه الله - در سخنرانی های مختلف به عموم خانواده ها به خصوص به جوان ها می دهند و آن ها را به این توصیه ها سفارش می فرمایند، راه نجات از این توطئه های شیطانی است که جامعه شیعی خود را به عنوان جامعه زمینه ساز و منتظران واقعی امام زمان علیه السلام از خطر تبلیغات شیطانی حفظ کنیم تا ان شاء الله وقتی امام زمان ظهور کند و خدا ظهور پر نورش را در زمان حیات ما و در زمان حاکمیت و ولایت مقام معظم رهبری - حفظه الله - محقق بفرماید، جزو یاران آن حضرت قرار بگیریم.

اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان «ع» در این قسمت به دورنمایی از اوضاع مختلف جهان قبل از بعثت امام زمان علیه السلام می پردازم و لکن به دلیل محدودیت فرصت، مجبورم که این امر را از زبان روایات به اختصار تقدیم محضر شما مشتاقان ظهور امام زمان نمایم. نکته اساسی و مهم این است که اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان اوضاع آشفته با دگرگونی ها و انحرافات مختلف در زمینه های دینی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی است و به همین جهت است که فرمودند دنیا از ظلم و بیدادگری پر می شود، یعنی در هر عرصه ای از عرصه هایی که شما دست بگذارید، می بینید که فساد و تباهی و ظلم و تعدی به صورت فراوان به چشم می خورد. از این جمله ای که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است می توانیم تا حدودی دور نمای آن زمان را ببینیم. در یکی از کلمات قصار نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ

لا- يقرب فيه إلا الماحل ولا يظرف فيه إلا الفاجر ولا يضعف فيه إلا المنصف يعدون الصدقه فيه غمماً وصله الرحم منا والعباده استطاله على الناس فعند ذلك يكون السلطان بمشوره الإمام وإماره الصبيان وتدابير الخصيان؛(۱۱۴) زمانی فرا خواهد رسید که با دگرگونی فرهنگ و ارزش ها و معیارها، ارزش هایی بر جامعه حاکم خواهد شد که انسان های مقرب و ارزشمند در میان سخن چینان هستند و گزارشگران دروغگو با گزارش دروغ و سخن چینی خود، خود را به دستگاه های حاکم و افراد مؤثر نزدیک می کنند و به عنوان مقربان، مورد توجه آن ها قرار می گیرند: «ولا- يظرف فيه الا- فاجر»؛ آن ها انسان های فاجر و نابکارند که به عنوان شخصیت های مورد قبول تلقی می شوند. در مقابل اینان، انسان های با انصاف که امور را با انصاف و عدل و دادگری به پیش می برند تضعیف می شوند و جایگاهی ندارند. صدقه و کمک به بیچارگان را به عنوان خسارت تلقی می کنند و صله رحم را منتی بر خویشاوندان خود حساب می کنند، عبادتی که می کنند آن را وسیله ای برای برتری و ترجیح دادن خود بر دیگران قرار می دهند. در چنین شرایطی، حاکمان، زنان را در امور مهم کشور مورد مشورت خود قرار می دهند و کوچکان سرنوشت جامعه را به دست می گیرند و نامردان (شاید از نظر صبر و یا از نظر مردانگی، صفت مردانگی ندارند) تدبیر امور را به دست می گیرند.

با این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام می شود دور نمای قبل از ظهور امام زمان را ببینیم، با بیان معجزه آسایی حقایق آینده را می بیند و آینده را به خوبی مشاهده می کند و هشدارهای لازم را به ما می دهد.

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید:

«كأنك بالدنيا لم تكن إذا ضيقت أمتي الصلاة واتبعت الشهوات وغلّت الاعسار وكثر اللواط؛(۱۱۵) در آن دوران به وسیله ائت من نماز ضایع می شود، شهوت و خواسته های حیوانی اطاعت می شود، نرخ ها به سختی گران می شوند و همجنس بازی در میان مردان زیاد می شود».

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: «وأمشطوا كما تمثشط المرأة لزوجها؛(۱۱۶) مردان مثل زنانی که برای همسران خود آرایش می کنند، آرایش می کنند».

از نظر شرعی زن حق ندارد خود را برای نامحرمان آرایش کند و با آرایش در دید عموم قرار گیرد و در مرئی و منظر بیگانگان قرار بگیرد. اما با کمال تأسف می بینیم امروزه در میان دختران جوان، کم نیستند کسانی که خود را می آرایند و در بازارها و معبرها و مراکز علمی و آموزشی و سیاسی اقتصادی حضور پیدا می کنند. بدتر از آن، امام صادق علیه السلام می فرماید: مردانی هستند که خود را به صورت زنان آرایش می کنند، همچنانی که زنان خود را برای مردان و همسران خود آرایش می کنند؛ یعنی دگرگونی فرهنگی، ابتدال فرهنگی، اباحه گری فرهنگی و عملی، جامعه را فرا می گیرد. در بیان دیگر می فرماید: نسل ها را محدود می کنند و موالید تعدادشان کم می شوند؛ مثلاً آن هایی که سه فرزند دارند آرزو می کنند دو فرزند داشتند یا آن هایی که دو فرزند دارند آرزو می کنند یک فرزند داشتند.

و در جایی در حدیث دیگر است که می فرماید: تعداد خانواده های بی سرپرست زیاد می شود. الآن مشاهده می کنیم، نمی خواهم بگویم که حتماً این پیشگویی در مورد حالا-است، چه بسا با بالا گرفتن فساد و تباهی و جنگ، تعداد کشتار دسته جمعی بیش از آن گردد. وقتی در جنگ جهانی اول با توجه به محدودیت سلاح های

مدرن در آن عصر، بیش از ۱۵ میلیون نفر کشته شدند و بیش از ۲۵ میلیون نفر جراحت کلی پیدا کردند، تعداد بی خانمان در دنیا چقدر می شود. جنگ ها و بمباران ها و کشتار دسته جمعی که توسط آمریکای جنایتکار در عرض این ۵۰ سال در دنیا صورت گرفته، چقدر از خانواده ها را بی سرپناه و بی سرپرست کرده است. ماجرای اخیر افغانستان را نگاه کنید، جنگ ها معمولاً بیشترین کشتار را از میان مردان می گیرد، این ها موجب می شود که تعداد خانواده های بی سرپرست زیاد شوند. البته ماجرای عصر قبل از ظهور براساس لسان صدقی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به ما رسیده، این گونه خواهد شد.

حدیث دیگر از امام باقرعلیه السلام است که برای یکی از بهترین یاران خود، ابو حمزه ثمالی اوضاع دوران ظهور حضرت حجت را تشریح می کند: «یا ابا حمزه! لا یقوم القائم إلا علی خوف شدید من الناس وزلزال وفتنه و بلاء یریب الناس و طاعون قبل ذلک و سیف قاطع بین العرب و اختلاف شدید بین الناس و تشتت فی دینهم و تغییر فی حالهم حتی یرتمی الی الموت صباحاً و مساءً من عظم ما یری من کلب الناس و أكل بعضهم بعضاً»؛ (۱۱۷) امام زمان ظهور نمی کند مگر در اوج وحشت و زلزله و فساد و فتنه و گرفتاری ها و امراض؛ از قبیل طاعون که به جان مردم بیفتد، در آن زمان میان احزاب اختلاف شدیدی پدید می آید، مردم در اعتقاداتشان پراکنده و متفرق می شوند، در احوالشان دگرگونی ایجاد می شود تا این که صبح و شام آرزوی مرگ می کنند. روحیه مردم به گونه ای می شود که به منافع همدیگر تجاوز می کنند و...».

امام عصرعلیه السلام قیام نمی کند مگر در عصری که ترس و خوف

همه جا حکم فرما شود، الآن دنیا در چه وضعیتی است و در آینده در چه وضعیت بدتر از این قرار خواهد گرفت؟

یکی از دانشمندان انگلیسی به نام «برتراند راسل» در کتاب خود به نام «آیا بشر آینده ای دارد؟» در حدود ۳۲ و ۳۳ سال قبل براساس سخنرانی جان اف کندی رئیس جمهوری که در آمریکا توسط سیاه پوستان ترور شد، می گوید: او مدعی است که قدرت اتمی ما این است که می توانیم کره خاکی را ۵ بار زیر و رو و ویران نماییم. راسل ارزیابی می کند با توجه به این که قدرت های مقابل آمریکا در آن عصر، مثل شوروی نیز چنین قدرتی دارد، آیا بشر آینده ای دارد؟! این سلاح های اتمی، هیدروژنی، کشتار جمعی که به دست انسان های دور از اخلاق و انسانیت قرار گرفته است، اگر به یک بهانه کوچکی دنیا را به آتش بکشند و از این کار هیچ باکی هم ندارند، آیا بشر آینده ای دارد؟!

ما معتقدیم آینده بشر، حاکمیت حق و عدل است اما جنایتکاران حاکم بر دنیا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام دنیا را تحت سلطه می گیرند و حکومت سلطه آن ها باعث حاکمیت ترس و خوف در سراسر عالم می شود. تزلزل در موقعیت های مختلف؛ مسائل اقتصادی متزلزل است، مسائل سیاسی امنیتی متزلزل است، فتنه ها همه جا را می گیرد، گرفتاری ها دامن گیر بشر می شود و مرگ های دسته جمعی به وسیله امراض واگیردار مثل طاعون و ایدز واقع می شود. (۱۱۸) وقتی دنیا به سمت فساد برود، اخلاق تضعیف شود، دین در جامعه حاکم نباشد، انسان ها در قید و بند دیانت و اخلاق نباشند، فحشا و بی عفتی و تجاوز به ناموس دیگران و آلودگی زنان و مردان زیاد

شود، قطعاً دنیا را به کام این مرگ خطرناک و ننگین یعنی ایدز فرو خواهد بود. به هر حال در روایات بحث طاعون را مطرح می کنند و یا در بعضی از روایات بحث مرگ سرخ و سفید است، مرگ سفید مثل طاعون و امراضی را که این گونه انسان را نابود می کند یا امراضی که به صورت سریع و ناگهانی دامنگیر انسان می شود و مرگ های سرخ کشتاری که به وسیله جنگ در دنیا پدید می آید.

امام باقر علیه السلام می فرماید: اعراب به جنگ با یکدیگر می پردازند و بین مردم اختلاف شدید به وجود می آید و تشتت و پراکندگی در ادیان پیدا می شود. این همان بحث قرائت های مختلف است که افکار و اندیشه هایی در جامعه القا می کنند که همه ادیان حقّ اند و هیچ دین باطل نداریم!!! اسلام را اگر هر کسی با هر قرائتی بخواهد تعبیر بکند و توجیه کند حقّ است!!! بحث های دیگری که در پلورالیسم مطرح است، به عنوان بحث روز در مطبوعات و میتینگ ها و سخنرانی های داخل و خارج به خصوص برای تشتت آراء اعتقادی و منحرف کردن مردم به خصوص نسل جوان، به ویژه تحصیل کرده ها در جامعه ما هم رواج می دهند. این ها همه می تواند زمینه ای باشد برای سوق دادن جامعه بشری به سمت آن تشتت آرا و عقاید دینی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام.

در روایت آمده است که جامعه به گونه ای می شود که انسان ها صبح و شام آرزوی مرگ می کنند، چرا؟ به خاطر این که حالت هرج و مرج در جامعه پدید می آید و برای کسب منافع بیشتر به یکدیگر حمله ور می شوند، خلق و خوی سگی در بین انسان ها ایجاد می شود، آدم های شایسته

در غربت و تنهایی و عزلت قرار می گیرند، آرزوی مرگ می کنند. این ها می تواند به عنوان بخشی از اطلاعاتی باشد که قبل از ظهور امام زمان علیه السلام در دنیا پدید خواهد آمد. اما به این معنی نیست که در آن عصر و دوران، انسان های شایسته و جریان های حق طلب وجود ندارد. انسان های شایسته وجود دارند، جریان های حق طلب نیز هستند، این ها می تواند پناهگاهی باشد برای هر کسی که بخواهد از موج تلاطم های سهمگین انحراف در زمینه های مختلف نجات پیدا کند و با پناه به دین و پناه به قرآن خود را حفظ کند.

علائم هنگام ظهور امام زمان «ع»

اشاره

در ادامه بحث گذشته پیرامون وجود مقدس حضرت مهدی - عجل الله فرجه - به علائم و نشانه هایی که در لحظه ظهور، تحقق می یابد، می پردازیم.

از نظر ما لحظه ظهور امام زمان - عجل الله فرجه - و روز ظهور آن حضرت را کسی جز خدا نمی داند، بعضی از مفسرین ما به آیه شریفه ۱۸۷ سوره اعراف استناد می کنند. البته روایات زیادی هم در این رابطه وجود دارد که جز خدا کسی نمی داند که امام زمان - عجل الله فرجه - کی ظهور خواهد کرد.

«يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي»؛ (۱۱۹) «درباره قیامت از تو سؤال می کنند، کی فرامی رسد؟! بگو: علمش فقط نزد پروردگار من است».

البته مفسران این آیه را در مورد وقوع قیامت می دانند، لکن بعضی از مفسران درباره ساعت قیام امام زمان علیه السلام هم تفسیر کرده اند. به هر حال آنچه از این آیه بر می آید این است که زمان این ساعت را کسی نمی داند.

طرح یک سؤال

حال سؤال این است که آیا خود امام زمان علیه السلام هم نمی داند کی ظهور خواهد کرد و از کجا با خبر می شود که باید ظهور کند و از پس پرده غیبت بیرون بیاید و قیامت را آغاز نماید؟

در اینجا نکاتی است که به اختصار به آن می پردازیم:

نکته اول

اعتقاد داریم ائمه معصومین علیهم السلام آنچه را که در دوران امامتشان باید انجام بدهند، بر اساس برنامه طرح شده ای که در صحیفه امامت، از امام قبلی به دست آن ها رسیده است عمل می کنند که شامل بعضی از دستور العمل های الهی است که از جانب پروردگار به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده است و در این دستور العمل وظایف هر یک از امامان مشخص است که باید چگونه امامتشان را انجام بدهند.

از جمله امامان که وظایفشان در آن صحیفه مشخص شده است وجود مقدّس امام زمان علیه السلام است، او همیشه به این صحیفه نگاه می کند و دستورات الهی را اجرا می کند، بنابراین هنگامی که لحظه قیامش فرا رسد و باید ظهورش را آغاز کند با نگاه به این صحیفه متوجه وظیفه قیامش می شود.

ابی بن کعب می گوید: من از رسول خداصلی الله علیه وآله درباره آشنایی امامان به وظایفشان پرسیدم، رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ صَحِيفَةً اسْمُ كُلِّ إِمَامٍ عَلَيَّ خَاتَمُهُ وَصَفَتُهُ فِي صَحِيفَةٍ؛ (۱۲۰) خدا برای من ۱۲ صحیفه نازل کرده و در هر یک از آن ها خصوصیات و وظایف امامان در آن گنجانده شده که به دست ۱۲ امام می رسد و هر کدام طبق آن عمل می کنند».

اما از نظر دیگر آن است که امام زمان علیه السلام از لحظه

ظهورش بر اساس وحیی که به او می شود و الهامی که به او می گردد، با خبر می شود. یعنی دستور ظهور، به صورت وحی و الهام بر وجود مقدس امام زمان علیه السلام صادر می گردد و او وظیفه اش را کشف می کند، این معنی را بر اساس روایاتی که در این رابطه است، برداشت می کنیم.

ممکن است مقداری پذیرش سنگین باشد، قاعدتاً ما باور داریم که با ارتحال رسول خدا صلی الله علیه وآله وحی الهی قطع شد، حال چگونه باور داشته باشیم که بر امام زمان علیه السلام وحی نازل می شود و او هم با دستور وحی الهی، قیامش را آغاز می کند؟ روایتی است که ابوجارود از قول امام باقر علیه السلام نقل می کند که من از امام باقر علیه السلام راجع به قیام امام زمان پرسیدم: «قلت لأبی جعفر علیه السلام: جعلت فداک! أخبرنی عن صاحب هذا الأمر؟ قال: یمسی من أخوف الناس ویصبح من آمن الناس یوحی إلیه هذا الأمر لیله ونهاره. قال: قلت: یوحی إلیه یا أباجعفر؟ قال: یا أباجارود إنه لیس وحی نبوه ولکنه یوحی إلیه کوحیه إلی مریم بنت عمران وإلی أم موسی وإلی النحل. یا أباجارود إن قائم آل محمد لأکرم عند الله من مریم بنت عمران وأم موسی والنحل؛ (۱۲۱) ای ابا جعفر! به من خبر ده که امر امام زمان علیه السلام چگونه تحقق پیدا می کند؟ فرمود: او در حالی شب را به صبح می آورد که از نظر امنیت، در ناامنی است اما صبح گاه در امنیت کامل خواهد بود. امر قیام بر او وحی می شود و دستورات کار خودش را روز و شب از طریق وحی می گیرد. (مثل این که برای راوی هم پذیرش این معنا سنگین بود)

پرسید: برای او وحی می شود ای ابا جعفر؟! حضرت جواب داد: بله، برای او وحی می شود، ای ابا جعفر! آن وحی به صورت وحی نبوت و شریعت نیست (۱۲۲). همان طور که ما در قرآن کریم تنها وحی را برای پیامبران نمی دانیم در قرآن کریم وحی های مختلفی ذکر شده است، آیات متعددی است، چنان که در یک جا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: پروردگار تو به زنبور عسل وحی فرستاده است. در جای دیگر می فرماید درباره مادر حضرت موسی وحی کردیم در آن ماجرای که فتنه فرعون را ایجاد شد و فرعون، فرزندان پسر بنی اسرائیل را می کشت و دخترانشان را برای خنثی کردن اراده الهی نگه می داشت، که قطعاً قادر به چنین کاری هم نبود، در آنجا خداوند برای حفاظت از حضرت موسی، به مادر حضرت موسی وحی فرستاد.

اینجا امام باقر علیه السلام می فرماید: ای ابا جعفر! وحی که بر امام زمان علیه السلام نازل می شود از نوع وحی نیست که به پیامبران نازل می شود بلکه از نوع وحی است که بر مادر موسی علیه السلام بر مادر عیسی علیه السلام حضرت مریم و بر زنبور عسل نازل می شود؛ یعنی یک هدایت الهی والهامی است که خداوند به امام زمان علیه السلام می دهد و به ایشان دستور می دهد که چه کاری باید انجام دهد. بعد به او می فرماید: شخصیت امام زمان علیه السلام بسی والاتر و بالاتر از مادر حضرت موسی و مادر حضرت عیسی علیهما السلام و زنبور عسل است. قرآن می گوید: بر آن ها وحی نازل کردیم، حالا که من می گویم، بر امام زمان علیه السلام دستور امامت و رهبری به صورت وحی نازل می شود، تعجبی ندارد.

با توجه به این حدیث شریف در می یابیم که امام

زمان علیه السلام خود نمی داند که کی ظهور می کند و تنها دستور ظهورش از ناحیه ذات اقدس الهی صادر می شود و او براساس دستور الهی این کار را آغاز می نماید.

نکته دوم

همان گونه که قبلاً توضیح دادیم ما معتقدیم که برای ظهور امام زمان علائمی است؛ علائم حتمیه داریم و علائم غیر حتمیه که من توضیحات زیادی در قسمت های قبلی دادم. از جمله علائمی که برای ظهور امام زمان است علائمه حتمیه خاصه است که فقط مربوط به امام زمان علیه السلام است و در لحظه ظهور تحقق پیدا می کند. بین ظهور و پیدایش این علائم، فاصله زیادی نیست؛ از جمله این علائم آن است که شمشیر و پرچمی که در اختیار آن حضرت است، این شمشیر و پرچم به قدرت الهی حالتی از خود نشان می دهد که امام زمان علیه السلام می فهمد که زمان ظهورش فرا رسیده است. حدیثی از گفت و گوی ابی بن کعب با رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

اعلام اذن ظهور

ابی بن کعب راجع به زمان ظهور امام زمان علیه السلام که امام زمان علیه السلام با چه علائمی ظهور می کند و با چه علائمی می فهمد که باید ظهور کند، می فرماید: «له عَلمٌ إذا حان وقت خروجه انتشر ذلك العَلم من نفسه وأنطقه الله - عزَّوجلَّ - فناده العلم: اخرج يا ولي الله فاقتل أعداء الله وهما آيتان وعلامتان وله سيف مغمد فإذا حان وقت خروجه اقتلع ذلك السيف من غمده وأنطقه الله - عزَّوجلَّ - فناده السيف: اخرج يا ولي الله فلا يحل لك أن تقعد عن أعداء الله، فيخرج ويقتل أعداء الله»؛ (۱۲۳) برای امام زمان پرچمی است که وقتی خروج او نزدیک شد خودش باز می شود و خدا او را به سخن می آورد، نام خدا را به زبان می آورد و خطاب به امام زمان علیه السلام می گوید: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خدا

را از میان بردار. ادامه این حدیث آن است که می فرماید: شمشیری دارد که در غلاف خودش است، این شمشیر تا هنگام ظهور از غلاف خودش بیرون نمی آید اما هنگامی که لحظه ظهورش فرا رسید، شمشیر، خودش از غلاف بیرون می آید و به امام زمان علیه السلام خطاب می کند: دیگر صلاح نیست بنشینی و قیام نکنی، قیام کن و دشمنان خدا را از پیش پا بردار و امام زمان علیه السلام با ندای این علامت الهی که در اختیار او قرار داده شده است، دستور قیام می گیرد؛ یعنی این علامت و نشانه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ظهور امام زمان فرموده در اختیار امام زمان علیه السلام است و امام زمان آن را دریافت می کند و وظیفه خودش را می شناسد و خروج می کند و آن آغاز قیام امام زمان علیه السلام است.

مکان ظهور

امام زمان علیه السلام در کجا ظهور می کند؟ آنچه در روایات زیاد و فراوان ذکر شده است لحظه اول ظهور امام زمان علیه السلام که مردم او را می بینند در شهر مکه و در بین رکن و مقام است. این طور که در روایات است مردم مکه می بینند شخصیتی با لباس و شمشیر و نعلین پیغمبر وارد مکه می شود. در بعضی از روایات است برای این که او را نشانند، به صورت ناشناس می آید. آنچه در لسان بعضی از روایات است این است که چند نفر هم همراه او هستند برای این که به صورت ناشناخته باشد و کسی او را نشانند. به هر حال خود را غروب به کنار خانه کعبه می رساند و شب وارد خانه کعبه می شود. حضرت جبرئیل امین و اسرافیل و خیل ملائک به حضور او می آیند، آن گاه

وقتی صبح فرا رسید در کمال امنیت و آرامش به دستور خدا بین رکن و مقام می آید و ندای الهی اش را بلند می کند و ندای «الا- یا اهل العالم» را به گوش همه می رساند و دوستان و نقیبانش را که در اطراف و اکناف عالم هستند، به حضور خود فرا می خواند. این ندای الهی او به گوش شنوای آن هایی که گوششان به حرف خدا همیشه شنواست و جز حرف خدا، حرف دیگر را نمی شنوند و از هیچ حرفی جز حرف خدا پیروی نمی کنند و دعوت امام زمان علیه السلام را می شنوند می رسد و در یک چشم به هم زدن در کنار خانه کعبه و در حضور امام زمان علیه السلام قرار می گیرند و ظاهراً منظور همان ۳۱۳ نفر از یاران خاص ایشان باشد که در لحظه ظهور در محضر پر نور حضرت شرفیاب می شوند و این آغاز قیام و ظهور پر نور امام زمان علیه السلام است که بشریت از ابتدا تا لحظه ظهور به انتظار آن نشسته بود.

ان شاء الله خداوند همه ما را جزو منتظران واقعی و اصحاب آن حضرت قرار بدهد و قلب نورانی اش را از همه ما خشنود بگرداند و تا ظهورش، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب را حفاظت فرماید. آمین

اوصاف یاران امام زمان «ع»

اشاره

نکاتی که در این قسمت تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام می کنم مختصری پیرامون خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام به هنگام ظهور آن حضرت است. همان طور که قبلاً اشاره کردم، براساس روایات، امام زمان علیه السلام در روز جمعه ای در کنار بیت الله الحرام ظهور می کند و اعلام ظهورش به وسیله منادی آسمانی به گوش همه عالم

و جهانیان می رسد و او نیز به کمک خدا، ندای رسای الهی را به گوش یاران و خاصان خودش می رساند. ابتدا خدا را به خاطر تحقق وعده ای که فرموده است، سپاسگزاری می کند و می فرماید: «... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْزَنَا الْأَرْضَ نَبْوًا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»؛ (۱۲۴) «... حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان».

چرا که در قرآن کریم آمده است خداوند فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ (۱۲۵) «خداوند به مؤمنان صالح وعده داده که آن ها را در زمین حاکم گرداند».

این آیه در مورد ظهور امام زمان علیه السلام است و در آیه دیگری فرموده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

«همانا در زبور نوشتیم که زمین میراث بندگان شایسته من خواهد شد».

این آیات درباره امام زمان علیه السلام است و وقتی که ظهورش آغاز شد، او بر تحقق این وعده، خدا را سپاس می گوید. آن گاه در همان جا به یاران خاص و نقبای خود در دنیا، ندا می دهد و ظهور خودش را اعلام می کند.

یاران خاص

در روایات وارد شده که ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام زمان علیه السلام که در سراسر دنیای آن روز زندگی می کنند، همه در چشم به هم زدنی در کنار رکن و مقام به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب می شوند که این بحث بسیار گسترده ای است که در همه روایات راجع به این مسأله مطالبی آمده است. در یکی از این

روایات اصغ بن نباته که از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است، می گوید: من از امیرالمؤمنین درباره یاران امام زمان علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمود: یاران امام زمان علیه السلام که به صورت قدرت الهی در چشم به هم زدنی در کنار او حاضر می شوند در آغاز ظهورش ۳۱۳ نفر هستند (۱۲۶). در این روایت امیرالمؤمنین تعداد افراد را که مربوط به شهرهای مختلف هستند به تفصیل نام می برد، مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس نقل اصغ بن نباته فرموده است: ۳ نفر از شیراز، ۴ نفر از اصفهان، ۱۰ تا ۱۷ نفر از قم هستند، و از همه بیشتر طالقان که تعداد ۲۴ نفر از مردم طالقان در محضر امام زمان علیه السلام به عنوان همان ۳۱۳ نفر حضور آنی پیدا می کنند، از خطه شمال هم این گونه که در روایات دیده ام یک نفر از آمل و یک نفر از جرجان که شاید همین گرگان باشد، یک نفر از خراسان و... در این روایت ذکر شده است، اما آنچه که مهم است این که براساس این روایات، حدود ۷۲ نفر از یاران امام زمان علیه السلام از ایرانند، البته براساس نقل سید بن طاووس که در کتاب ملاحم تعداد دیگری را هم به صورت مشخص بیان می کند و سهم ایران اند آن روزی که امام زمان علیه السلام ظهور می کند را بیشتر از ۷۲ نفر می داند. همه این ها بر اساس نقل روایات است که به ما رسیده. در کتب مختلف به خصوص کتبی که در رابطه با امام زمان علیه السلام نوشته شده؛ مثل کتاب «کمال الدین» مرحوم صدوق، کتاب «غیبت نعمانی» مرحوم شیخ مفید و کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی و کتاب های عمومی مثل «بحارالانوار»

روایات در این زمینه فراوان است و ویژگی های این تعداد از یارانی که با این حالت آنجا حضور پیدا می کنند نیز بسیار مهم است.

بیان یک نکته

این نکته را هم توجه کنیم که چگونه می شود امام زمان علیه السلام در کنار خانه کعبه ندایش را بلند کند و این ندا به سراسر عالم و به گوش انسان های خاص که یاران و نقیبان او محسوب می شوند برسد. یارانی که در روایت ویژگی هایشان را تعبیر کردند «رهبان باللیل، لیوث بالنهار، كأن قلوبهم زبر الحديد فیبايعونه بین الرکن والمقام» (۱۲۷) شیران روز و عابدان شب هستند و مانند پاره های آهن، آهنین اراده اند و بین رکن و مقام با او بیعت می کنند».

آیا ممکن است یک انسان در نقطه ای از عالم ندا بلند کند «الا یا اهل العالم» و همه دنیا صدای او را بشنوند؟! اگر این نکته را ما، در قدیم می خواستیم به عنوان یک حالت عادی انسانی بدون برخورداری از امدادهای غیبی توجیه کنیم، کار مشکلی بود، امّا امروزه با پیشرفت تکنیک و فن آوری آیا این امر، امر غریبی است؟ مگر امروزه در دنیا، اطلاعات ماهواره ای و پیام های رادیویی در آن واحد به سراسر جهان مخابره نمی شود؟ یعنی اگر چنانچه بنا را هم بر این بگذاریم که با شیوه های انسانی امر تحقق پیدا کند، امری کاملاً طبیعی است، امام زمان علیه السلام علمش متصل به علم خداست، بنابراین او از آن تکنیک های علمی که بتواند با ابزار اطلاعات، صدای خود را به دنیا برساند، چه بسا در اختیار داشته باشد. در گذشته خبری را باید با اتصال فیزیکی از اینجا به دنیا مخابره می کردند مثلاً اطلاعات مخابراتی را باید به وسیله سیم

از اینجا به جای دیگر منتقل می کردند اما ابزاری که امروز مخابرات در اختیار دارد به وسیله وسایل فیزیکی و اتصال سیمی نیست بلکه به وسیله امواج است که با کمک گرفتن از امواج و وسایل علمی می تواند پیام ها را به اقصی نقاط عالم برسانند. آیا امام زمان علیه السلام نمی تواند با علم والایی که فوق علم انسان های عادی و معمولی است، از ابزاری برخوردار باشد که بتواند امواج را در اختیار و استخدام خود بگیرد و این پیام را به وسیله امواج به کل جهان برساند، که قطعاً امر غریبی نیست و اکنون هم در اختیار بشر است و حال آن که بشر در آینده به چه تکنیکی دست پیدا خواهد کرد بماند. قطعاً در آینده وسایل اطلاعاتی و پیام رسانی دنیا، غیر از این چیزی است که امروز است که ممکن است در آینده بشر بتواند به تکنیک های بسیار پیشرفته ای که وسایل امروز در مقابل آن ها ابتدایی محسوب شوند دسترسی پیدا کند. پس امام زمان علیه السلام به وسیله ابزارهای علمی خود می تواند از این امکانات برخوردار بشود.

نکته دیگر

ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام از جانب خدا تأیید می شود و از امدادهای الهی برخوردار است و وقتی از امدادهای الهی برخوردار باشد خداوند همه هستی را در اختیارش قرار می دهد؛ همه امواج را، باد را، خورشید را، نور را، ظلمت را، فرشتگان و جتیان را و همه موجودات به وسیله ذات اقدس الهی در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد.

شمه کوچکی از مظهر قدرت و اراده الهی در سلطنت حضرت سلیمان پیغمبر - علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام - بوده که این ها را در

اختیار داشت و آن کارهای محیر العقول را انجام می داد. حضرت مهدی علیه السلام امام زمان و امام عصر است و عصاره همه انبیا و اولیاء خدا و مظهر قدرت و اراده ذات اقدس الهی است و خدا او را از انواع حمایت ها برخوردار خواهد کرد و به کمک خدا این فریاد الهی و حیات بخش را به سراسر عالم منتقل می کند و به گوش آن هایی که گوش شنوا دارند می رساند.

در یکی از قسمت ها گفتیم، او ندای خود را در آن واحد یا در ساعات و روزهای مشخص به گوش جهانیان می رسند. یک ندا، ندای جبرئیل امین است که در فضای مکه آغاز می شود و مردم را به ظهور امام زمان علیه السلام مژده می دهد و به بیعت او فرا می خواند و ندای دیگر، ندای شیطان است که مردم را به تبعیت از سفیانی، که در شام قیام می کند و سرانجام نابود خواهد شد به بیعت او تشویق می کند. گوش هایی که در دنیا عادت به شنیدن پیام های شیطانی دارند و معمولاً خلق و خوی آن ها، خلق و خوی شیطانی است و تحت تأثیر القائنات شیطانی قرار گرفتند «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَسْمَاءَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِكَ لِيُظَاهَرَهُمْ بِالْأَعْيُنِ وَمَنْ يُظَاهَرْ بِهِمْ لَبِئْسَ مَا يَكُونُونَ» (۱۲۸) چه بسا آنجا خطر جذب شدن به آن ندای شیطانی و جذب شدن به سفیانی را داشته باشند.

اما گوش هایی که به ندای ملکوتی و وحیانی عادت کرده اند، این ها قطعاً ندای جبرئیل امین و ندای امام زمان علیه السلام را می شنوند و یکی پس از دیگری به محضر ایشان شرفیاب می شوند. حال، بعد چه خواهد شد، چون می خواهیم در مورد ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام مطلب را خلاصه کنم، مطالب بعد را ان شاء الله در قسمت های دیگر در

بیان ویژگی های یاران امام

آیه ای از آیات قرآن که به نقل بسیاری از مفسرین درباره خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام است، آیه ۵۴ سوره مائده است. خداوند عظیم می فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَمَّا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لِمَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (۱۲۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از شما کسانی از دینشان برگردند به زودی خداوند قومی را خواهد فرستاد که آن ها خداوند را و خدا آن ها را دوست دارد، این ها کسانی هستند که در برابر مؤمنین خاضع و ذلیل و خاشع هستند اما در برابر کافران، عزیز و نستوه و آهنین اراده اند، در راه خدا دائماً جهاد می کنند و در این راه از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. این فضل خداست که به هر کسی که بخواهد می دهد و خداوند دارای فضل بی کران است».

مفهوم این آیه این است: آدم اگر جمع بندی بکند تقریباً پنج خصوصیت برای این گروه ذکر می شود، قرآن می فرماید: ای مؤمنین، اگر بعضی از شما از دین خود برگردید برای دین مهم نیست، البته برای شما مهم است اما به زودی خداوند قومی را خواهد آورد که آن ها این ویژگی ها را دارند:

۱) اینان خدا را دوست دارند و خدا اینان را دوست دارد. دوستی خدا چیست، خدا دوست داشته باشد چه ارزشی دارد بماند که جای توضیح فعلاً نیست.

۲) در برابر مؤمنین و کسانی که خاضع و خاشع به امر پروردگارانند، خاکی و متواضع اند اما در برابر کفار و دین ستیزان

و مخالفین حق، انسان های آهنین اراده، سازش ناپذیر، مبارز و معارضند.

۳) دائماً در راه خدا جهاد می کنند، جبهه نظامی، جبهه فرهنگی، جبهه اقتصادی، جبهه اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر، همه جهاد در راه خداست، این ها دائماً در راه خدا در جهادند، عرصه ها و جبهه ها عوض می شود؛ از نظامی به فرهنگی، از فرهنگی به اقتصادی، چه بسا هم زمان در همه عرصه ها مبارزه می کنند.

۴) در راه خدا و مبارزه در راه خدا هر چه هم از سختی ها، بدی ها، ملامت ملامت کنندگان نصیبتان شود، خم به ابرو نمی آورند. این ویژگی های بی نظیر عالیه یک انسان کامل، چیزی است که از فضل خدا نصیب آن ها شده، آن ها تلاش کردند تا فضل خدا را شامل حال خودشان بگردانند. اما ویژه انسان های خاصی نیست، همه می توانند این فضل را نصیب خود کنند، این را از پایان آیه می توان فهمید که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (۱۳۰) خداوند فضل و علمش وسیع است» و هر کسی این گونه است خدا می داند شایسته است و به او می دهد. طبق روایات، صاحب مجمع البیان مرحوم طبرسی در جلد دوم در ارتباط با همین آیه شریفه می فرماید این جزء ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام است که وقتی ظهور می کنند این ویژگی ها را دارند.

روزی اصحاب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله راجع به هدایت این قوم که در این آیه قرآن راجع به آنها وارد شده پرسیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله دستش را بر شانه سلمان فارسی که در کنارش ایستاده بود گذاشت و فرمود: این هموطنان او هستند.

راجع به خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام احادیث فراوانی در کتب روایی وارد شده است؛ از جمله از قول امام

صادق علیه السلام که می فرماید: «فإن الرجل منهم يعطى قوه أربعين رجلاً- وإن قلبه لأشده من زبر الحديد ولو مروا بجبال الحديد لقطعوها لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله - عزوجل»؛ (۱۳۱) نبرد یک مرد از آن ها به اندازه چهل نفر است، دلشان از آهن سخت تر است و اراده ای آهنین دارند که اگر بر کوه آهنین بگذرند کوه از هم می پاشد، شمشیرشان را قلاف نمی کنند تا خدا راضی شود».

و در حدیثی دیگر آمده است: «فإذا وقع أمرنا وجاء مهدينا كان الرجل من شيعتنا أجرة من ليث وأمضى من سنان»؛ هنگامی که کار دولت ما آغاز گردد و مهدی ما بیاید، مردان آن ها از شیر، کاربرتر و از شمشیر بزننده ترند».

این ها ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام است، ایشان که بیایند، این طور آدم ها را می پسندند. لذا باید از قبل، این ویژگی ها را در خود ایجاد کنیم، به تناسب امکاناتمان، به تناسب لیاقتمان، به تناسب عنایت پروردگار به ما، وقتی آمد ما بتوانیم جزو سربازان ایشان باشیم که اگر کسی محضرش را درک کند و به سربازی او قبول شود مثل کسی است که در رکاب رسول اکرم صلی الله علیه وآله در بدر شمشیر زده باشد و در خون خود غوطه ور شده باشد. حتی اگر این انسانی که در این جهت تلاش می کند درک محضر امام زمان در هنگام ظهورش نکند و از دنیا برود، باز هم به همین درجه و رتبه نایل می شود. پس فضلی به این بزرگی در اختیار ماست، تلاش کنیم آن را به خود اختصاص دهیم.

از خدا می خواهیم به ما عنایتی فرماید، تحولی در ما ایجاد کند.

این نکته را هم بگویم؛ برادران و خواهران، اولیای محترم،

پدران و مادران، جوانان ما باطنی پاک دارند، من سروکار با آن‌ها دارم در مدارس، و دانشگاه‌ها، این‌ها به بهانه‌های مختلفی که پیش می‌آید درونشان را نشان می‌دهند که دین باورند، علاقمند به خدا و معنویت و عبادت و اهل بیت پیغمبرند.

از این‌ها غفلت نکنیم، راه‌های زیادی پیش پای آن‌ها پراکنده است که آن‌ها را می‌ربایند، با مواد مخدر، با افیون‌های مختلف، با تجهیزات انحراف‌گری، با فیلم‌ها و نوارها و برنامه‌های فراوانی می‌خواهند این‌ها را از ما بگیرند. دشمنان در گذشته هم سعی می‌کردند با ترویج مرام کمونیستی و سوسیالیزم جوانان ما را از دین به سمت بی‌دینی ببرند، اما طشت رسوایی از آسمان افتاد، این بار آمدند از راه پلورالیزم، انسان‌ها و جوانان ما را بی‌دین کنند، نمی‌توانند بگویند دین نه، چون در دنیا فهمیدند دین در زندگی بشر نقش اساسی دارد. قطعاً با تلاش مسئولین و هوشیاری خانواده‌ها و بیداری جوانان ما این توطئه هم خنثی خواهد شد. ان شاء الله

نقش زنان در جمع یاران امام زمان «ع»

توضیح

در ادامه صحبت پیرامون مسائل مربوط به امام عصر علیه السلام و به دنبال بحث گذشته پیرامون ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور، به اختصار درباره نقش زنان در هنگام ظهور و آغاز قیام امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم شما مشتاقان ظهور حضرتش می‌نمایم.

نقش زنان در سرنوشت دینی و اجتماعی، در دین مبین اسلام نادیده گرفته نشده است. با توجه به الگوهای قرآنی و تاریخ روشن اسلامی در طول تاریخ زنانی بوده‌اند که به خصوص درباره مسائل دینی و هدایت جامعه نقش اساسی داشته‌اند. قرآن کریم الگوهای مثبت و منفی آنان را به عنوان نمونه مطرح می‌کند؛ در تاریخ اسلام

زنان زیادی بوده اند که در کنار رسول خداصلی الله علیه وآله در عرصه سیاست و جهاد هر نقشی برای آن ها تناسب داشت ایفای وظیفه می کردند. در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام هم دیده می شود، زنان مجاهدی که هم در عرصه جهاد به کارهایی که به تناسب جسمی و روحی آنان مطابقت داشت و هم در عرصه های سیاست و مبارزه مثبت و منفی و هم در کنار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقش های اساسی و حساسی را ایفا می کردند. به همین ترتیب بر اساس روایات به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام زنان نیز در کنار امام زمان علیه السلام به تناسب جسمی و روحی خود ایفای نقش دارند و حضور فعال پیدا می کنند. درباره نقش منفی زنان در عصر ظهور، بر اساس روایاتی که قبلاً هم مختصر به آن اشاره کردم، آمده است که بیشترین پیروان دجال را افرادی از میان یهودیان و بخشی از آنان را زنان تشکیل می دهند، در عین حال نقطه مقابل آن، زنانی هستند که به ضدیت با دجال برمی خیزند و به مبارزه با دجال می پردازند.

تعداد زنان در یاران اولیه

برحسب بعضی روایات، هنگامی که امام زمان علیه السلام قیامش را آغاز می کند تعداد ۱۲ هزار نفر نیرو را از میان مردان و ۷۸۰۰ نفر از میان زنان، نیروهای آماده به خدمت در محضر امام زمان علیه السلام هستند و بر حسب روایت دیگر منقول از رسول خداصلی الله علیه وآله حضرت عیسی مسیح علیه السلام در میان جمعیتی حاضر خواهد شد که تعدادی از آنان را زنان تشکیل می دهند و از بهترین انسان های گذشته یا دوران خود بودند. روایات دیگری هم وجود دارد که از بین ۳۱۳ نفر یاران خاص امام زمان علیه السلام ۵۰ نفر

از بانوان هستند.

بانوان نمونه هنگام ظهور

روایات دیگری هم وجود دارد که مفهومی این است: در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام شخصیت های برجسته ای از میان بانوان که در اعصار گذشته، نقش نمونه داشتند به دنیا بر می گردند و در رکاب امام زمان علیه السلام حاضر می شوند و نقش اساسی خود را ایفا می کنند. اسامی بعضی از این زنان در روایات ذکر شده که عبارتند از:

(۱) ام ایمن؛ همان کسی که مربی و دایه وجود مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. (۱۳۲)

(۲) حبابه والیه؛ آن بانوی والا معتقد به امر ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام که از کهنسالان در میان انسان ها بود. و نقل است که از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان امام رضا علیه السلام زندگی کرده و با اعجاز وجود مقدس امام سجاده علیه السلام به یکباره به جوانی بازگشت و آثاری از اعجاز تأیید امامت ائمه را هم به همراه خود داشت. (۱۳۳)

(۳) سمیه مادر عمار؛ وی نیز یکی از آنان است که به عنوان یکی از یاران امام زمان علیه السلام نام برده می شود که هم خود اولین شهید در میان بانوان در اسلام است و هم همسرش شهید است و هم فرزندش عمار یاسر در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین به شهادت رسیده است. (۱۳۴)

(۴) نضر بعدی «زبیده» است، زبیده ظاهراً همسر هارون الرشید است، بانویی در خاندان خلافت غاصبانه عباسی، قدرتی دارد، اما از این قدرت خودش بهره ای سود نمی گیرد، جنبه های مثبت زیادی دارد، از جمله خدمات او تکمیل آب آشامیدنی مکه برای حاجیان است.

(۵) بانوی دیگر به نام «ام خالد (ام خالد احمیسه)» که از جمله بانوان مبارز و مجاهدی است که زمان قیام «زید بن

علی بن حسین علیه السلام» به عنوان جانباز آن جهاد و مبارزه است و دست او را به عنوان محب امیرالمؤمنین علیه السلام از بدن جدا می کنند. (۱۳۵)

۶) صیانه شخصیت دیگری که باز در تاریخ ذکر شده، «صیانه ماشطه» است مشاطه و آرایشگر دربار فرعون بود که حرم سرای فرعونی را مشاطگی می کرد. علت حضور این خانم ها در رکاب امام زمان علیه السلام به خاطر ویژگی های این هاست که چنین لیاقتی پیدا می کنند. هر یک از این ها دارای نقاط مهم و مثبتی در زندگی خود هستند. پس یکی ام ایمن است، مربی نمونه؛ یکی سمیه است، همسر و مادر و بانوی نمونه؛ و امّ خالد است بانوی مجاهد فی سبیل الله و جانباز در راه اسلام، یکی زبیده بانوی باکیاست و فراست و مقتدری که انواع قدرت را در اختیار دارد، اما جذب شیطان نمی شود. این بانویی هم که دربار او صحبت می کنم «صیانه» بانویی است که همسر او به نام حزقیل خزانه دار اموال فرعون و پسر عموی اوست. در کاخ فرعون از جایگاه مثبت برخوردار است اما وقتی حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام - مبعوث می شود، او و همسرش در آن محیط جرم و جنایت معتقد به خدای یکتا می شوند، با آن که خزانه دار اموال آل فرعون لقب می گیرد، این خانم دیانتش را مخفی نگه می دارد. روزی بر حسب تصادف در حال آرایشگری دختر فرعون شانه از دستش به زمین می افتد و او بر حسب اعتقاد خود بسم الله را به زبان می آورد و شانه را از زمین بر می دارد. دختر فرعون به زیرکی در می یابد که او چیزی به زبان آورده که

متداول نیست. از او می پرسد: نام پدر مرا برده ای؟ فرمود: نه، نام خدا را برده ام که او خدای من و خدای تو و خدای پدر تو، و خدای همه است. دختر اطلاعات را به پدرش می رساند که این بانویی که در خانه ما نفوذ دارد، به موسی کلیم علیه السلام ایمان آورده است. در نتیجه او را به حضور فرعون حاضر می کنند و تحت فشار قرار می دهند که از عقیده اش برگردد. ولی او ثابت و استوار بر عقیده حق خود پایدار می ماند، در نتیجه فرعون دستور می دهد، تنوری از مس درست کنند که از نظر حرارت فوق العاده است و در جلوی چشمان این خانم چند تا از بچه هایش را یکی پس از دیگری در درون آتش و تنور مسین انداختند که او ببیند تا بلکه از عقیده اش به خدا برگردد، اما او همچنان ثابت بود، سرانجام آمدند از آغوش او کودک شیرخواره اش را گرفتند و می خواستند او را داخل آتش بیندازند، جذابیت فرزند شیرخواره، مادر را به خودش کشاند، نزدیک بود که از عقیده خود به ظاهر تبری کند که آن کودک با زبان فصیح گفت: «اصبری یا اماه فإِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ؛ شکیبا باش ای مادر، تو در راه حقی». او شکیبایی کرد و شاهد شهادت آخرین فرزندش هم بود اما دین خودش را فدا نکرد. آن گاه او را بعد از فرزندانش در درون آتش انداختند و سوزاندند. در حدیث وارد شده است که شب معراج، رسول خدا صلی الله علیه و آله، ناگهان بوی خوشی را استشمام کرد، از جبرئیل امین پرسید: این بوی خوش استثنایی چیست؟ عرض کرد، از سرزمینی عبور کردیم که خاکستر جسم پاک

و مطهر «صیانه» آن بانوی نمونه و فرزندانش را پس از سوزاندن، در این بیابان ریختند و الی الابد این بوی خوش به مشام می رسد. (۱۳۶)

این ها بانوان نمونه ای هستند که در رکاب امام زمان علیه السلام حاضر می شوند. البته نقش بانوان در مرحله قبل از ظهور نیز قابل توجه است که قبلاً اشاره ای به آن شده است؛ به عنوان نمونه ابو سعید خدری می گوید: زنی است به نام لثیه یا طیبه که در هنگام خروج دجال، هر جا که دجال می رود، پیش از او به آنجا می رود و به مردم هشدار می دهد و می گوید دجال به سوی شما می آید، از او دوری کنید و از عواقب کارش بر حذر باشید. (۱۳۷)

بانوان محترم! خواهران و برادران و خانواده هایی که منتظر ظهور امام زمان علیه السلام هستیم، باید در راه آماده سازی خویش، جهت درک شخصیتی که لیاقت حضور در محضر امام زمان علیه السلام و سربازی در اردوگاه و ارتش الهی امام زمان علیه السلام را پیدا کنیم آمادگی در خود فراهم کنیم، غفلت سزاوار نیست، هر چه زودتر باید هر کسی در جهت اصلاح خود و خانواده خود برآید تا بتواند ان شاء الله در اردوگاه نظامی و الهی امام زمان علیه السلام لیاقت عضویت را پیدا کند.

ماه مبارک رمضان برای چنین امر مهمی مناسبت ترین اوقات است، توسل به مولی الموحدين علیه السلام یکی از ابزارهای کارآمد است، آن روح بلند می تواند دگرگونی الهی در ما ایجاد کند، این ایام همه شما عزاداری کردید، امروز روز عزای امیرالمؤمنین علیه السلام است، روز عزای بشریت است؛ چرا که به دست اشقی الاشقیاء، یکی از بهترین فرزندان آدم در محراب عبادت و بندگی با زبان نماز و دهان روزه،

شمشیر بر فرق مبارکش فرود آمد و او را تا عرش اعلی بالا برد و به لقاء و فوز عظیم شهادت نایل آورد. جان عالمی به قربان مظلومیت یا علی جان. این چه سری است که امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام عمر خودش خاصه در دوران ۳۰ ساله بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت زهرا علیها السلام این مظلومیت جانکاه را احساس کند، چرا تا زمان هارون الرشید، کسی از قبر این شاخص ترین مرد خدا، اولین مؤمن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اولین انسان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، اطلاعی نداشته باشد؟ به خاطر دشمنی های دشمنان کینه توز و جاهل، یعنی خوارج نهروان.

فرمود: حسن جان، حسین جان! شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می کنم، فرصت نیست که درباره آخرین وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت کنم اما از جمله وصیت هایی که فرمود: مرا شبانه و مخفیانه، تشییع جنازه کنید. در دل شب امام حسن علیه السلام عهده دار غسل بابا می شود، امام حسین علیه السلام و قمر بنی هاشم علیه السلام بر روی بدن مطهر بابا آب می ریزند.

اگر بناست تسلی دهید خاطر من برای قاتل سنگین دلم غذا ببرید

دلم برای یتیمان کوفه تنگ شده کمک کنید مرا در خرابه ها ببرید

جنازه من مظلوم را چو مادرتان شبانه مخفی و آرام و بی صدا ببرید

سلام گرم مرا در خرابه در دل شب به آن یتیم که خوابیده غذا ببرید

سلام من به شما ای فرشتگان خدا

نبرد فاطمه با خود مرا شما ببرید

نشانه های شخصی امام زمان «ع» به هنگام ظهور

اشاره

در این بحث راجع به وضعیت شخصی امام زمان علیه السلام از نظر ظاهری و وضعیتی که در معرض دید مردم قرار می گیرد و آغاز

قیامش را با آن حالت ظاهری خودش آغاز می کند، مطالبی را تقدیم می کنم.

در روایات متعددی فرموده اند که امام زمان علیه السلام در حالی که دارای سن زیاد است اما همه او را به صورت جوانی که حدود ۴۰ سال است مشاهده می کنند، با قیافه ای جذاب و با اندامی بسیار نورانی و با چهره شاداب. گذشت زمان او را پیر نمی کند و به لطف پروردگار همیشه جوان شاداب و شجاع باقی می ماند تا آن روزی که خداوند مقدرات او را تقدیر کرده است تحقق بخشد.

وضعیت ظاهری

اما از نظر وضعیت ظاهری (پوشش، غذا و اخلاق) امام زمان علیه السلام وصی همه انبیا و خاصه خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله است، عصاره هدایت و ولایت و نبوت و امامت است، تحقق بخش اهداف همه انبیا و اولیای خداست. شخصیت هایی در وجود همه اولیای خدا بود که یک جا در وجود امام زمان علیه السلام تبلور پیدا می کند، امام زمان علیه السلام شخصیتی است که از نظر پوشش و تغذیه و صلاح و منش و اخلاق، بیانگر فرهنگ مترقی و الهی انبیا و اولیای خداست، چهره مجسم اسلام و قرآن است.

درباره زهد و عدم گرایش به زرق و برق دنیا توسط امام زمان علیه السلام با توجه به همه امکاناتی که در اختیار دارد، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «فوالله ما لباسه إلا الغلیظ ولا طعامه إلا الجشب وما هو إلا السیف والموت تحت ظل السیف»؛ (۱۳۸) قسم به خدا، لباس او جز لباس خشن و زبر نیست و طعام و خوراکی های او از نان جو و وجود او شمشیر و مرگ در سایه شمشیر است». این که در روایات وارد

شده است امام زمان علیه السلام در ندای جهانی که سر می دهد یکی از القابی که برای خودش ندا می کند، می فرماید: «انا الصمصام المنتقم؛ من شمشیر انتقامم»، و در این روایت هم امام زمان علیه السلام را به شمشیر لقب داده، او نیست مگر شمشیر یعنی شمشیر انتقام خدا که از نیام برآمده، انتقام همه مظلومین را باید بگیرد، از ابتدای خلقت آدم، از عصر هابیل و قابیل گرفته تا زمان ظهور، آن قدر قدرتمندان ستم کردند، جنایت آفریدند، کشتارها کردند، حقوق را پایمال کردند، پیامبران را قتل عام کردند، اولیای خدا را به مسلخ بردند، ائمه هدی را به شهادت رساندند، حق طلبان و صلح جویان را نابود کردند، زنان و مردان مظلوم دنیا را به صلابه کشیدند. آری همه مظلومان ندای مظلومیت سر می دهند و این امام زمان علیه السلام است که شمشیر خداست و باید از نیام برآمده و روزگار ستمکاران را سیاه کند و انتقام مظلومان را بگیرد و داد الهی را بر بیدادگران اجرا کند. اما از نظر ظاهری؛ این وضعیت لباسش و آن وضعیت خوراکش، بسیار ساده، بسیار زاهدانه، بیانگر وجود مقدس پیغمبر خدا و علی مرتضی علیهما السلام است.

پیراهن مخصوص

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده، یعقوب بن شعیب می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می خواهی پیراهن امام زمان علیه السلام را به شما نشان بدهم؟ گفتم: بسیار علاقه داریم یابن رسول الله! حضرت دستور فرمود صندوقچه ای را آوردند، در صندوقچه را باز کرد و از درونش پیراهنی که از جنس کرباس بود را بیرون آوردند، دیدیم بر آستین چپش قطره خونی است، فرمود: این همان قطره خونی است که در جنگ احد با

شکستن چهار دندان پیشین رسول خدا علیه السلام از دهان مبارکش جاری شده و بر این پیراهن نشسته است. بر آن پیراهن بوسه زدیم، فرمود: این پیراهن در اختیار ما می ماند تا به دست مهدی می رسد و او هنگام ظهور این پیراهن را بر تن می کند. (۱۳۹)

در حدیث دیگری از قول مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که نمرود ابراهیم را در آتش افکند، جبرائیل امین از بهشت برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشانید و خدا فرمود: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»؛ (۱۴۰) آتش بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت شد، آن گاه پس از واقعه آتش نمرود حضرت ابراهیم علیه السلام این پیراهن را به فرزندش اسحاق و او به فرزندش یعقوب و او به فرزندش حضرت یوسف سپردند و آن پیراهنی است که در قرآن از او ذکری به میان آمده است، یعقوب پیغمبر بوی یوسف را از این پیراهن از مسیر دور، مصر تا کنعان به مشام جان خودش شنید و این پیراهن در اختیار ما و بعد در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و جزو پیراهن هایی می شود که امام زمان علیه السلام آن را بر تن می کند. (۱۴۱)

پرچم و انگشتری مخصوص

در روایتی از امام باقر علیه السلام است که می فرماید: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ظَهَرَ بَرَايَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ وَحَجْرُ مُوسَى وَعَصَاهُ»؛ (۱۴۲) وقتی امام زمان علیه السلام قیام کند با پرچم پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله است و با انگشتر حضرت سلیمان بن داوود و با سنگ و عصای موسای کلیم ظهور می کند». هر یک از این ابزارهای شخصی که در اختیار انبیای گذشته

بود، وسیله اعجاز الهی هستند و باید در اختیار عصاره انبیا و جانشین همه انبیا و تحقق بخش اهداف همه آن‌ها؛ یعنی امام زمان علیه السلام قرار بگیرد، خاتم سلیمان برای جنّ و انس مقبولیت دارد و عصای موسی است که فرعونیان و جادوگران و شیاطین را رسوا و خوار و ذلیل می‌کند و سحر ساحران را باطل می‌نماید، پرچم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که پرچم شکست ناپذیر است، همچنین آن سنگی که موسای کلیم به اعجاز الهی آن را بر می‌دارد و چشمه ای جوشان از زیرش جاری می‌گردد و بنی اسرائیل پیمان شکن از این نعمت خدا استفاده می‌کنند. امام زمان علیه السلام با این وضعیت ظاهری، با این اخلاق کریمانه ای که در همه انبیا بود و در وجود ایشان تبلور پیدا می‌کند، ظهور می‌کند.

در روایت داریم وقتی امام زمان علیه السلام با این هیبت حرکت می‌کند، دستور می‌دهد به لشکریان که از برداشتن آذوقه برای خود و مرکب هایشان، خودداری کنند، بعضی که هنوز دلشان روشن نیست و عارف به حق ایشان نیستند می‌گویند: می‌خواهد ما را به هلاکت بیندازد، کدام لشکر است که برای خود و اسب‌ها و شترانش آذوقه نیاز ندارد؟ وقتی حرکت می‌کند به اولین منزلگاه که می‌رسند امام زمان علیه السلام این سنگ را بر زمین می‌گذارد، آن گاه که بر می‌دارد از جایگاه او چشمه زلالی جوشان می‌شود و آن منطقه سبز و خرم شده و خداوند همه نعمت‌ها را برای سربازان امام زمان علیه السلام فراهم می‌کند.

این‌ها همه وسایلی است که در اختیار ایشان است تا با قدرت الهی بتواند سراسر عالم را تصرف کند و عدل الهی را که آرمان انبیا بود

و هدف خلقت بشریت، در کل عالم پیاده کند.

مسخر بودن طبیعت

از دیگر ویژگی های امام زمان علیه السلام این است که به لطف الهی همه طبیعت در اختیار ایشان و در تسخیر اوست. زمین زیر پای او به سرعت حرکت می کند، زمین و زمان جزو سربازان امام زمان علیه السلام هستند، زمان به آرامی حرکت می کند؛ آن گونه که یک سال در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام بیش از ۱۰ سال عادی و معمولی است، اما زمین گاهی که نیاز باشد به سرعت زیر پای ایشان حرکت می کند که به طی الارض معروف است.

یکی دیگر از کراماتی که امام زمان علیه السلام دارد این است که با دیدن افراد، آن ها را می شناسد، که حَقَنَد یا باطل، از قول امام صادق علیه السلام نقل است: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا عَرَفَهُ صَالِحٌ أَوْ طَالِحٌ» (۱۴۳) وقتی امام زمان علیه السلام خروج می کند هیچ کسی نیست مگر این که امام زمان علیه السلام او را می شناسد که آیا صالح است یا طالح و نابکار».

لذا معرفتی است که امام زمان دارد و این وسیله ای است که بتواند اهداف الهی خود را محقق کند، آیه شریفه «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» (۱۴۴) را بعضی از مفسرین درباره امام زمان علیه السلام و زمان ظهورش ذکر می کنند که مجرمین با سیمایشان شناخته می شوند و امام زمان علیه السلام هم آن ها را با موی پیشانی و انگشتان پا می گیرد، همچنان که در قیامت مجرمین با چهره شناخته می شوند و به دست فرشتگان الهی به عذاب می رسند، زمان ظهور امام زمان علیه السلام هم چنین خواهد شد. (۱۴۵)

برادران و خواهران، منتظران ظهور امام زمان علیه السلام و مشتاقان دولت حق و عدل الهی

امام زمان علیه السلام و ای کسانی که افتخار همه ما این است که شیعه امام زمان علیه السلام هستیم و همه او را ولی امر خود و ولی عصر خود می دانیم و سر تسلیم به فرمان نایب او فرود می آوریم و در نظامی زندگی می کنیم که مورد تأیید اسلام و قرآن می باشد، باید به گونه ای زندگی کنیم که ان شاء الله وقتی خداوند، امام زمان علیه السلام را به ما برساند در چهره ما نور حق را ببیند، هدایت و ولایت را که در دل ما است در چهره ما تبلور پیدا کند و ما را جزو سربازان خود بپذیرد، این کوشش به اختیار ما بستگی دارد، باید سعی کنیم در این ایام باقی مانده از عمر خودمان و جوانان و نوجوانان، که آغاز عمر و اول زندگی شان است در این کشور امام زمان علیه السلام به گونه ای زندگی کنیم که مورد تأیید این نور خدا و حجت خدا باشیم، بدانیم که همه هفته اقلاً یک بار همه اعمالمان را به محضر امام زمان علیه السلام می برند و به حضورش می رسانند، سعی کنیم حداقل هر هفته یک بار، قلب نازنینش را از خودمان خوشحال کنیم و ان شاء الله خداوند ما را جزو سربازان امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

ویژگی های لشکریان امام زمان علیه السلام

توضیح

یکی از موفق ترین ارکان موقعیت رهبری در نظام، داشتن نیروی شایسته و کارآمد است. اگر چنانچه رهبری یک نظام دارای همه ویژگی ها و شرایط لازم باشد اما نیروهای تحت امر او واجد شرایط و لایق مسؤولیت و فرمانبردار نباشند آن مقام مسؤول و رهبر، موفق نخواهد شد. نمونه کامل این معنا وجود مقدّس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در میان

رهبران عالم، بعد از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله شایسته ترین رهبر جهان است و لایق ترین امام برای رهبری جامعه بشری است، اما می بینیم که نتوانست آن گونه که رسالت داشت و هدف مقدسش بود به اهدافش برسد و در رسالت و امامت و رهبری خود توفیق لازم را کسب نکرد.

میزان تأثیر یاران در موفقیت رهبران

مهم ترین دلیل برای عدم احراز موفقیت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همکاری نکردن و شایسته نبودن مردان و همکاران آن حضرت بود. در مدّت کوتاهی که امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت را به عهده گرفت، بعضی از کارگزاران حضرت، خارج از چارچوب وظایف مسئولیتی خود عمل کردند و از دوران حکومت خود سوء استفاده کردند. نهج البلاغه را که نگاه می کنیم می بینیم، نامه ها و خطبه های فراوانی است در جهت گلابیه حضرت امیرالمؤمنین از این کارگزاران و همکاری نکردن امت در عصر به حکومت رسیدن امیرالمؤمنین که موجب شد تا حضرت علی علیه السلام نتواند به اهداف خود برسد. سه جنگ شناخته شده داخلی در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام؛ جنگ جمل، جنگ صفین و نهروان، عاملی بود برای عدم موفقیت امیرالمؤمنین علیه السلام و نشانه بارزی از عدم همکاری برخی همکاران امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ بنابراین شرط موفقیت یک رهبر، داشتن همکاران متعهد و شایسته و تبعیت مردم، از اوست. تبعیت مردم بیشتر وابسته به تبعیت و ولایت پذیری کارگزاران آن رهبر است. درباره وجود مقدّس امام زمان علیه السلام هم همین است، امام زمان علیه السلام وقتی به رهبری ظاهری رسید، از این نعمت الهی برخوردار است که شایسته ترین افراد به عنوان کارگزاران او خواهند شد. سربازان و لشکریان امام زمان علیه السلام به عنوان پیروان خالص آن حضرت خواهند بود. بر همین اساس درباره ویژگی ها و

خصوصیات کارگزاران و لشکریان امام زمان علیه السلام در آیات قرآن و روایات، نشانه های زیادی آمده است که به بعضی از خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام اشاره می کنیم:

قدرت روحی و جسمی

ثبات عقیده و قدرت روحی؛ در حدیثی از امام باقر علیه السلام است که می فرماید: «فإذا وقع أمرنا وجاء مهدينا كان الرجل من شيعتنا أجرى من ليث وأمضى من سنان يطاء عدونا برجليه ويضربه بكفيه وذلك عند نزول رحمه الله وفرجه على العباد؛ (۱۴۶) هنگامی که امر الهی ما پدید آمد و مهدی ما خروج کرد، مردان شیعه و پیرو ما در آن عصر از شیر بی باک ترند، از شمشیر برنده ترند، دشمنان را لگدکوب می کنند و با دستانشان آنان را مضروب و مقتول می سازند و این زمانی است که رحمت خدا نازل می شود و گشایش الهی بر بندگان خدا حاصل می گردد»؛ یعنی ویژگی های یاران و سربازان امام زمان علیه السلام ویژگی شیران بیشه شجاعت است و در میدان رزم و نبرد، از توانایی جسمی بسیار قوی برخوردارند و خستگی ناپذیر و نستوه و شکست ناپذیرند.

از نظر ثبات عقیده و قدرت ایمان و توان معنوی در روایت دیگری فضیل بن یسار نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «ورجال كان قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله أشد من الحجر لو حملوا على الجبال لأزالوها لا يقصدون براياتهم بلده إلا خربوها كان على خيولهم العقبان؛ (۱۴۷) یاران امام زمان علیه السلام مردانی هستند همانند پاره های آهن، آهنین اراده، استوار عقیده، در دل های آنان شکی نسبت به اعتقاد ذات توحیدی نیست. در امر اعتقادات توحیدی بی شک و شبهه اند. تردیدی در وجود آن ها راجع به اعتقادات الهی نیست، از سنگ سخت ترند و اگر به کوه ها حمله

کنند کوه ها را از جا خواهند کند. به چیزی هجوم نمی آورند مگر این که آن را ویران کنند. درست مثل باز شکاری چابک سواری هستند که بر اسبان خود نشسته اند، هم از نظر روحی، هم از نظر جسمی و هم از نظر ایمانی لایق ترین و شایسته ترین و قوی ترین مردان تاریخ اند.

عبادت و پرهیزگاری

از نظر عبادت و پرهیزگاری و شب زنده داری بی نظیرند، می فرماید: «رجال لا ینامون اللیل لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل یتتون قیاماً علی أطرافهم ویصبحون علی خیولهم»؛ (۱۴۸) شب ها نمی خوابند، زمزمه ای که در نماز شبشان دارند همانند زمزمه زنبور عسل است، شب زنده داران بیداردلی هستند که در دل شب با خدای خود نجوا و زمزمه می کنند. شب را برپا ایستاده اند و به صبح می آورند و در حال قیام به عبودیت خدا مشغولند، صبح که شد بر اسبان چابک خود سوار شده و در میدان نبرد حاضر می شوند.

در بخشی از این حدیث می فرماید: «رهبان باللیل و لیوث بالنهار؛ زاهدان شب و شب زنده دارند و روز که شد همانند شیر شجاع، غرش کنان در میدان نبرد و در راه خدا با دشمنان خدا، در مبارزه و جنگند.

ولایت پذیری

ولایت پذیری و تبعیت خالصانه از امام، خصوصیت مهم دیگر یاران امام زمان است. این از نکات بسیار حساسی است که هر رهبری دارای چنین نیرویی باشد، خداوند توفیق و موفقیت نصیبش می کند و این ویژگی امام زمان علیه السلام است که خداوند او را به چنین نعمتی برخوردار کرده، می فرماید: «اطواع له من الامه لسیدها»؛ (۱۴۹) پیروان امام زمان علیه السلام مطیع ترند به ایشان از اطاعت یک کنیز نسبت به سید و مولای خودش؛ یعنی غلامان آماده به فرمانی هستند که مثل کنیزان حلقه به گوش در اختیار سید و مولای خودشان هستند، نه از ترس و نه به عنوان تبعیت خشک و ظاهری، بلکه این تبعیت، تبعیت قلبی و خالصانه است، یک وقتی یک کنیزی از مولای خود از ترس عقوبت اطاعت می کند و اگر او را به حال خود بگذارند اطاعت نمی کند،

نافرمانی می کند، اما فرمانبرداری یاران امام زمان علیه السلام از طوع و رغبت و ارادت است و در ادامه می فرماید: «یتمسحون بسرج الإمام یطلبون بذلك البرکة ویحفون به یقونه بأنفسهم فی الحروب ویکفونه ما یرید فیهم رجال لا ینامون»؛ (۱۵۰) می آیند زین اسب امام علیه السلام را مسح می کنند و خود را به آن می مالند و به این وسیله می خواهند تبرک پیدا کنند، پس تبعیت و تطوع و اطاعت، نه از ترس و جبر است بلکه از سر خلوص است. این ارادت قلبی پیروان امام زمان علیه السلام نسبت به ایشان است که حتی زین اسبش را دست می کشند و تبرک می جویند، جانشان را فدای امام زمان علیه السلام می کنند، در جنگ ها جانشان را سپر بالای حضرت می کنند، در میدان جنگ و نبرد هر چه امام زمان علیه السلام از آن ها بخواهد آن را انجام می دهند، فرمانبری خالصانه و عاشقانه و مشتاقانه از حضرت دارند.

اما آن هایی که حضرت علی علیه السلام در کنار خود داشت چگونه بودند؟ حتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله چنین یارانی در اختیار خود نداشت، ولی امام زمان علیه السلام از این نعمت الهی برخوردار است و خداوند همه نعمت های الهی را به ایشان داده است تا ایشان همه نعمت های الهی را در دسترس جامعه بشری قرار دهد.

شهادت طلبی

آن ها عاشقان شهادتند، می فرماید: «وهم من خشیه الله مشفقون یدعون بالشهادة ویتمنون أن یقتلوا فی سبیل الله شعارهم یا لثارات الحسین إذا ساروا یرعب الرعب أمامهم مسیره شهر یمشون»؛ (۱۵۱) شیفتگان خشیت خدایند و خواستار شهادت در راه خدا، دعا می کنند در راه خدا شهادت نصیبشان شود و آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند و در خون خود بغلظند. شعارشان

این کلمه است؛ یا لثارات الحسین علیه السلام ای خونخواهان حسین علیه السلام». یعنی اباعبدالله الحسین علیه السلام که مظلوم ترین مظلومان تاریخ بوده و به دست جباران، او و همه عزیزانش در عاشورا به مسلخ عشق رفتند و مظلومانه به شهادت رسیدند و همچنان در تاریخ مظلومند، باید یک روز خونخواهان او بیایند و خونخواهی کنند و این امام زمان علیه السلام است که در پیشاپیش خونخواهان امام حسین علیه السلام قرار می گیرد و پیروانش با این شعار لبیک می گویند و دفاع از مظلومیت امام حسین علیه السلام می کنند و ان شاء الله از همه مظلومان تاریخ رفع ستم می شود. این نکته بسیار مهمی است.

بستن میثاق

در روایت وارد شده امام زمان علیه السلام در کنار کوه صفا از یارانش بیعت می گیرد. چند یاری که آن ها را در کنار رکن و مقام می بینند، می خواهد آزمایش کند از آن ها جدا می شود به مدینه می رود. پشت سر حرکت می کنند به مدینه می روند تا خدمت امام علیه السلام برسند. مجدداً امام علیه السلام مدینه را ترک می کنند و به مکه می آیند، دوباره پشت سر امام حرکت می کنند و در مکه خدمت امام می رسند، وقتی این امتحانات را پس می دهند، آن گاه در کنار کوه صفا امام زمان علیه السلام از آنان بیعت می گیرد و می گوید: من این پیمان را از شما می خواهم. چندین ماده در این پیمان است که به اختصار عرض می کنم.

مواد پیمان نامه یاران و لشکریان امام علیه السلام

امام به آنان می فرماید: پیمان ببندید که (۱) در میدان نبرد حق نگریزید (۲) دزدی نکنید (۳) عمل نامشروع و خلاف شرع و کارهای حرام و زشت و منکر مرتکب نشوید (۴) کسی را جز به حق نزنید (۵) از دنیا، به اندوختن زر و سیم نپردازید (۶) جو و گندم که خوراک عمومی است را احتکار نکنید (۷) مسجدی را ویران نسازید (۸) شهادت ناحق ندهید (۹) مؤمنین را هرگز کوچک نکنید (۱۰) ربا نخورید (۱۱) در سختی ها و مشکلات پایمرد و صبور باشید (۱۲) کسی که خدای یکتا را پرستش می کند لعنت نکنید (۱۳) شراب نخورید (۱۴) لباس زربافت نپوشید (۱۵) لباس ابریشم و لباس خز نپوشید (۱۶) شخص فراری را تعقیب نکنید (۱۷) خون حرامی را نریزید (۱۸) به منافق و کافر انفاق نکنید (۱۹) خاک را بالش خود قرار دهید؛ یعنی متواضع و فروتن باشید (۲۰) از کارهای ناشایست پرهیزید، (۲۱) امر به

معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. تا زمانی که این گونه عمل کنید من برعهد خودم نسبت به شما پایدارم و از شما حمایت می کنم. (۱۵۲)

مجموعاً پیمانی از یاران خویش می گیرد، آن یاران آهنین اراده، شکست ناپذیر، که در باب امامت و ولایت و توحید و نبوت مخلص اند.

طبیعی است که اگر چنین گروهی تشکیل بشود، با تشخیص الهی امام زمان علیه السلام که در گذشته ذکر شد باطن افراد را به روشنی می بیند و حق و باطل را به خوبی می شناسد، طرفداران حق و باطل را به خوبی تشخیص می دهد، چنین یارانی در کنار امام زمان علیه السلام قرار می گیرند، اگر کوه در برابر آن ها قرار بگیرد آن را از جا بر می کنند، آن ها هستند که بازوان امام زمان علیه السلام هستند و لطف الهی به وسیله آنان محقق می شود.

ان شاء الله خداوند ما را در عصر انتظار، برای خودسازی و آماده سازی خود و جامعه مان یاری کند که در حد صلاحیتی باشیم که اگر امام زمان علیه السلام تشریف آوردند، ما را به عنوان سرباز خود بپذیرند و موفق بدارد.

چگونگی غلبه امام زمان «ع» بر دشمنان

توضیح

از جمله عقایدی که ما درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام داریم این است که آن حضرت تمام عالم را زیر سلطه حکومت عدل الهی خود در می آورد و کل عالم، بر اساس نظام الهی و حاکمیت الهی و ولایت آن حضرت اداره خواهد شد. تنها دینی که در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام در دنیا حاکم خواهد بود، دین مبین اسلام است و رهبری این دین در آن عصر را امام زمان علیه السلام به عهده دارد. آیات و روایات فراوانی در این زمینه است که به بعضی از آن ها

اشاره می کنم.

قبلاً این نکته قابل ذکر است که حکومت واحد جهانی از جمله آرمان های صاحب نظران در گذشته و حال است؛ یعنی بر اساس اعتقادات و باورهای دینی و فلسفی بعضی از اندیشمندان و مکاتب، تنها حکومتی که می تواند خواسته بشر را تأمین کند حکومت واحد جهانی بر اساس عدل است، که به وسیله امام زمان علیه السلام و اراده الهی تحقق می پذیرد، حکومتی که مورد انتظار همه جهانیان است. ما نیز آیات و روایاتی که مؤید این عقیده است به اختصار تقدیم حضور شما می نمایم.

ذکر نمونه ایی از آیات قرآن کریم

خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۱۵۳) «در "زبور" بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!».

مفسرین در باب این آیه شریفه می گویند: منظور حکومت امام زمان علیه السلام است حکومت صالحان است، و کل زمین در اختیار صالحان قرار خواهد گرفت و از این کلمه ارض (زمین) می توان این نتیجه را گرفت که کل زمین قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام خواهد شد.

آیه دیگری می فرماید: «وَوُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ (۱۵۴) «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!». این آیه هم وفق نظر مفسرین به حکومت امام زمان علیه السلام تفسیر شده و حاکمیت کل زمین را در قلمرو حاکمیت امام زمان علیه السلام می دانند.

آیه سوم: «وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَسِّرَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»؛ (۱۵۵)

خداوند به مؤمنین از شما و آن هایی که عمل صالح می کنند وعده داده است که آن ها را در زمین حکومت

و خلافت می بخشد و به دین آن ها قدرت و حاکمیت می دهد.

این آیه هم به نظر مفسرین ما به معنای حکومت کردن امام زمان علیه السلام در کل زمین است. در هر سه آیه، کلمه زمین ذکر شده و مفسرین از آن برداشت می کنند که منظور، کل زمین قلمرو حکومت عدل امام زمان علیه السلام است، البته در بعضی از روایاتی که در برخی از کتب ما هست، امام زمان حکومت بر آسمان ها یا بخشی از آسمان ها را نیز در اختیار دارد. وقتی در این آیه می گوید زمین، منظور این است که قلمرو جهان عصر ظهور امام زمان علیه السلام در اختیار امام زمان علیه السلام است.

نمونه ای از روایات

روایاتی که در این باب وارد شده، باز هم به وفور در کتاب های ما پیدا می شود که من به دو روایت یکی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و روایت دیگری از قول امیرالمؤمنین علیه السلام خدمت شما بسنده می کنم. اما از قول نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله؛ ابوحزمه ثمالی که از یاران امام سجاد و امام باقر علیهما السلام است، می گوید: امام سجاد علیه السلام می فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الأئمة من بعدی اثنا عشر أولهم أنت يا علي وآخرهم القائم الذي يفتح الله تعالى ذكره علي يديه مشارق الأرض ومغاربها» (۱۵۶) امامان و رهبران بعد از من دوازده (۱۲) نفرند، ای علی! اولین امام بعد از من تو هستی، آخرین امام هم، امام قائم است که خداوند به دست او مشارق و مغارب عالم یعنی همه عالم را فتح می کند و به تحت حاکمیت او در می آورد».

می بینید که این روایت از قول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که

مشرق و مغرب عالم یعنی همه عالم در قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها وتلا عقيب ذلك وتريد أن نؤمن على الذين استنصحنوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين»؛ (۱۵۷) همانا دنیا به ما، با مهربانی روی خواهد کرد، پس از آن که از ما روی گردانیده است؛ همانند شتر بد خلق و خوی و گاز گیرنده ای که بچه اش را گاز می گیرد و طرد می کند، اما بعد با مهربانی به سمت او بر می گردد، شاید منظور این باشد که از اول زندگی ائمه معصومین علیهم السلام تا دوران غیبت کبرای امام زمان علیه السلام دنیا، یعنی عوامل مختلفی که دنیا را تشکیل می دهد، نسبت به ائمه هدی علیهم السلام بد رفتاری و نامهربانی کرده اند در پایان این جریان دشمنی حاکمان دنیا، دنیا به سمت امام معصوم، امام زمان علیه السلام خواهد افتاد. بعد در پایان این بیان، امیرالمؤمنین علیه السلام آیه شریفه: «وتريد أن نؤمن على الذين استنصحنوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين» را که قبلاً معنی کردم قرائت فرمود.

مجموعه این آیات و روایات نتیجه این است که قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام تمام دنیای عصر ظهور است، نه بخشی از اسلام و دنیا، بلکه در همه اقطار عالم، شرق و غرب عالم حاکمیت پیدا می کند.

سؤال مهم

اشاره

در اینجا این سؤال ممکن است در ذهن مطرح شود که با توجه به اقتدار تسلیحاتی دشمنان امام زمان علیه السلام و دشمنان دین و عدالت، چگونه ممکن است امام زمان علیه السلام بر همه قدرت های قوی و مدرن تسلیحاتی عصر خود غلبه یابد و بتواند دنیا را در اختیار خود بگیرد؟ به چه قدرتی؟ آیا

به کمک قدرت مادی و تسلیحاتی بر همه قدرت ها چیره می شود؟ یا با امدادهای غیبی به چنین حکومت جهانی دست می یابد؟

در توضیح این دو سؤال، نکاتی را خدمتان می گویم، البته شرح آن را باید در کتاب ها بیشتر نگاه کنید.

در خبرها آمده است که امام زمان علیه السلام قیامش، قیام شمشیر است. این واژه شاید به این معنی باشد که امام زمان علیه السلام قیامش، قیام مسلحانه است و شمشیر هم سمبل جهاد است و ممکن است که خود امام زمان علیه السلام علاوه بر این که از تسلیحات دیگر برخوردار است، شمشیر هم به عنوان نماد قدرت در حمایتش باشد. و همان طور که در گذشته گفتم شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام چه بسا، بر اساس روایت در اختیار او باشد، به عنوان سمبل جهاد مسلحانه و قدرت الهی، اما قابل توضیح است، در عصری که امام زمان علیه السلام ظهور می کند، چند احتمال است:

احتمال اول

چه بسا قدرت های تسلیحاتی دنیا به جان هم بیفتند - مثل جنگ های جهانی - همدیگر را نابود کنند و تسلیحات خود را هم نابود کنند، آن وقت امام زمان علیه السلام ظهور کنند و هیچ تسلیحاتی وجود نداشته باشد و خود آن ها همدیگر را نابود کرده باشند و امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام کنند و با همان شمشیر ذوالفقار، جهاد را آغاز کنند.

احتمال دوم

ممکن است قدرت های تسلیحاتی دنیا بر حسب وحشتی که از همدیگر دارند، قراردادهای عدم استفاده از تسلیحات را امضا کرده باشند. همان طوری که قبل از فروپاشی شوروی در پیمان های استراتژیک که شرق و غرب داشتند مثل پیمان های نظامی سالت ۲، شوروی آن زمان و آمریکا با هم قرار گذاشتند که از استفاده سلاح های دوربرد و موشک های قاره پیما استفاده نکنند و یا حتی به خنثی سازی موشک های قاره پیما پرداختند. بعضی خودشان به این نتیجه رسیدند که استفاده از این سلاح های مخرب جهانی و یا تسلیحات اتمی، خود به خود زمینه فروپاشی همه آن ها را فراهم خواهد کرد. با هم کنار آمده که استفاده نکنند، چه بسا در عصر امام زمان علیه السلام هم چنین قراردادی میان قدرت ها ایجاد شود و امام زمان علیه السلام در یک فرصت بسیار کوتاهی، در آن عصر بتواند همه دنیا را بگیرد.

احتمال سوم

به دلیل ظلم و ستم قدرت های دنیا، نیروهایی که استفاده از این سلاح ها در اختیار آن هاست وقتی ببینند که امام زمان علیه السلام ظهور کرد و پیام عادلانه جهانی دارد قلباً به امام زمان علیه السلام رغبت پیدا بکنند و دست به استفاده از اسلحه نبرند، مثلاً در رژیم گذشته نیروهای مسلح، نظامیان و ارتشیان، غرق در سلاح بودند، مردم بی سلاح در برابر آن ها حاضر می شدند اما آن ها از سلاح استفاده نمی کردند. انواع سلاح در اختیار شاه و سربازانش بود اما امام قدس سره و نیروهای انقلابی بدون سلاح، مبارزه کردند و پیروز شدند. سلاح ها، اصلاً به کار نرفت مگر در حد محدود، توسط نابکاران، چنین چیزی ممکن است در عصر امام زمان علیه السلام هم اتفاق بیفتد.

نکته دیگری که قابل بررسی است، از کجا معلوم امام زمان علیه السلام از سلاح های مدرن تری برخوردار نباشد، از قدرت علمی فوق مدرن برخوردار نباشد که بتواند به وسیله تسلیحات برتر خودش، تسلیحات پیشرفته دشمنان را خنثی کند، مثل بعضی از دستگاه های قوی و مدرنی که رادارهای موشک ها و هواپیماها را کور می کند و خود به خود از کار می اندازد، ردیاب های مختلفی که موشک ها را شناسایی می کنند و قبل از به کار افتادن آن ها، نابودشان می کند و موشک های ضد موشک و دستگاه های علمی دیگر.

نیروهای رزمنده ما در زمان دفاع مقدّس، در سطح آب های خلیج فارس توانستند دستگاه هایی درست کنند با همین قایق های تندرو، مسیر کاربرد موشک های پیشرفته فرانسوی (اگزوسه) را که در اختیار صدام قرار داده بودند را کور می کردند، در نتیجه آن ها نمی توانستند به هدف برسند. خوب از کجا معلوم که امام زمان علیه السلام از این قدرت فوق قدرت های آن روز

خود استفاده نکند.

ما معتقدیم علم او متصل به علم الهی است، یعنی با همین سلاح های علمی و ابزارهای علمی در عصر خودش همه سلاح های پیشرفته را خنثی می کند.

از کجا که امام زمان علیه السلام از قدرت علمی و سلاح های قوی و مدرن برخوردار نباشد؟ این ها می تواند یک مورد احتمال و بررسی باشد. در هر حال اگر ما پیروزی امام زمان علیه السلام را منوط به برخورداری از سلاح های مادی هم بدانیم دور از ذهن نیست. در همین باب روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: یاران امام زمان علیه السلام شمشیرهایی از نوع آهن دارند، امّا نه از نوع این آهن، از نوع غیر این آهن، جنس آن، این آهن عادی و معمولی نیست. بعد می فرماید: اگر یکی از آن ها با شمشیر خود بر کوه ضربه بزند کوه را دوانیم می کند. (۱۵۸) این چه قدرتی است که آن شمشیر دارد؟ از چه قدرتی و از چه اشعه هایی برخوردار است، نمی دانیم.

حدیث دیگری از قول امام صادق علیه السلام می فرماید: یاران مهدی اگر با سپاهسانی که شرق و غرب را گرفته باشد درگیر شوند آن ها را در یک لحظه نابود خواهند کرد. (۱۵۹) خوب، چگونه؟ ممکن است با همین سلاح های فوق مدرن باشد.

نکته بعدی که مورد نظر است، علاوه بر برخورداری از قدرت تسلیحاتی مادی یا بدون برخورداری از قدرت تسلیحاتی مادی از امدادهای غیبی برخوردار باشد، همچنان که در جنگ بدر، این گونه بود. «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ (۱۶۰) «چه بسا، گروه اندکی به یاری خدا بر گروه کثیری غالب خواهند شد وقتی خدا بخواهد».

در روایات در این باب مطالب زیادی وارد شده، از جمله این روایت

است که امام باقر علیه السلام می فرماید: جبرائیل امین در سمت راستش و میکائیل در سمت چپش و فرشتگان زیادی در خدمتش هستند و ترس به عنوان سرباز خدا در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و هراس در دل دشمنان امام زمان علیه السلام با فاصله یک ماه مسیر ایجاد می شود و خدا به وسیله ۵۰ هزار فرشته نامدار و نشان دار، امام زمان علیه السلام را کمک می کند و بر کل دنیا چیره می گرداند.

در جریان دفاع مقدّس؛ دشمن ما از مدرن ترین سلاح ها برخوردار بود، رزمنده های ما بدون این که سلاح داشته باشند پیروز شدند. از قول سردار رشید بابایی (۱۶۱) نقل شده که گاهی به صورت تن به تن به جای نارنجک، مшти گل را به سمت دشمن پرتاب می کردند و دشمن خیال می کردند نارنجک است و وحشت عجیب داشتند. از آن طرف قدرت و شجاعتی خداوند در دل رزمندگان ایجاد کرده بود که از دشمن نهراسند و دشمن از آن ها بترسد.

از جمله توانی که خدا به وسیله امداد غیبی در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می دهد قدرت شجاعت نیروهای او و ترس و وحشت در دل دشمنانش است که این شکننده است، ترس شکست آور است، همان تعبیری که خداوند برای جنگ بدر دارد. که خداوند با فرشتگان نشان دار سربازان اسلام را کمک کرد. همین قول را در روایات درباره امام زمان علیه السلام داریم قدرت الهی و معنوی پیدا می کند، امدادهای غیبی به کمکش می آیند و لذا به هر تعبیری که بگوییم، خداوند قدرت حاکمیت کل عالم را به ایشان می دهد و او عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد.

آغاز جهاد و تشکیل حکومت...

آغاز جهاد و تشکیل حکومت...

در ادامه بحث پیرامون وجود

نازنین امام زمان علیه السلام مختصری پیرامون مسائل مربوط به آغاز جهاد برای استقرار حکومت عدل الهی و نیز پایگاه و جایگاه استقرار و مدّت حکومت ایشان بر اساس روایاتی که از معصومین علیهم السلام در اختیار ما قرار گرفته، مطالبی را تقدیم حضور شما می نمایم.

زمان ظهور

آنچه از روایات بر می آید این است که زمان ظهور وجود مقدّس امام زمان علیه السلام بنا به بعضی از روایات، غروب تاسوعا و شب عاشورا است و شب جمعه، در کنار خانه کعبه ظاهر می شود.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «ینادی باسم القائم فی یوم ستّ وعشرین من شهر رمضان ویقوم فی یوم عاشورا وهو یوم الذی قتل فیہ الحسین علیه السلام لکانی به فی یوم العاشر من المحرم قائماً بین الرکن والمقام جبرئیل بین یدیه ینادی بالبیعه له فتصیر شیعتہ من اطراف الأرض تطوی لهم طياً یبایعوه فیملاء به الله الأرض عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً» (۱۶۲) روز بیست و ششم ماه رمضان ندایی به نام امام قائم ما بلند می شود، در روز عاشورا؛ یعنی همان روزی که حسین در آن به شهادت رسید، گو این که می بینم در روز دهم محرم، امام زمان بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در مقابل اوست و صدای بلند برای بیعت با او را سر می دهد، سپس شیعیان او از اطراف عالم به سوی او حرکت کرده و با او بیعت می کنند، آن گاه خداوند زمین را پر از عدل و داد می کند».

به هنگامی که مخالفین از حضور آن حضرت با خبر می شوند، سوء قصد و تعرض به وجود مقدّس می نمایند اما با حفاظت الهی و حمایت یاران مخصوصش محافظت می شود. صبح روز جمعه از

کنار بیت الله الحرام پیام خود را به زبان های مختلف به دنیا ابلاغ می کند و همه دنیا را به حکومت الهی خود می خواند و دعوت به پذیرش حق می نماید «إذا ظهر القائم عليه السلام بين الركن والمقام وينادي بنداء خمسه، الاول؛ ألا يا اهل العالم انا الإمام القائم، الثاني؛ ألا يا اهل العالم أنا الصمصام المنتقم، الثالث؛ ألا يا اهل العالم انّ جدّي الحسين قتلوه عطشاناً، الرابع؛ ألا يا اهل العالم انّ جدّي الحسين طرحوه عرياناً، الخامس؛ ألا يا اهل العالم ان جدّي الحسين سحقوه عدواناً؛ (۱۶۳) هنگامی که قائم ما قیام کند میان رکن و مقام ابراهیم در مسجدالحرام پنج نکته را با صدای بلند فریاد می زند، اول: ای جهانیان من همان امام قائم هستم، دوم: ای اهل عالم من همان شمشیر انتقام هستم، سوم: ای جهانیان همانا جد من حسین علیه السلام را تشنه کام به شهادت رساندند، چهارم: ای جهانیان بدن جد من حسین را بعد از کشتن در بیابان رها کردند، پنجم: ای جهانیان همانا جدم حسین را کینه توزانه از بین بردند».

همین زمان است که سپاهیان سفیانی که علیه حق و حقیقت قیام می کنند بخشی از آنان برای حمله به مکه به سمت مکه حرکت می نمایند اما چون به سرزمین بیداء که نزدیک مکه است می رسند به قدرت الهی در زمین فرو می روند. وقتی این پیشگویی پیغمبر خداصلی الله علیه و آله تحقق پیدا کرد، امام زمان علیه السلام با تعداد دوازده هزار نفر از نیروهای خود از مکه خارج می شود و به سمت مدینه حرکت می کند و از بعضی از روایات بر می آید که امام زمان علیه السلام وقتی از مکه خارج می شود فردی را

به عنوان جانشین و وکیل خود در مکه منصوب می کند، اما اهل نفاق و شقاق علیه او قیام و او را به قتل می رسانند. امام زمان علیه السلام مجدداً به مکه بر می گردد و شخص دیگری را به جای خود تعیین و سپس به سمت مدینه حرکت می کنند.

حاکمان مدینه و اطراف آن وقتی خبر ظهور امام را می شنوند، برای این که تسلیم او نشوند به جمع آوری عتده و عتده می پردازند و از سپاهیان سفیانی و باقیمانده آن ها که در عراق هستند کمک می گیرند اما امام زمان علیه السلام با قدرت الهی، مدینه را آرام می کند و در زیر پوشش حکومت عدل الهی در می آورد. هنگامی که حرمین شریفین یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و دو شهر ام القرای مکه و مدینه النبی و اطراف آن ها امن و امان شد، به سمت جنوب ایران حرکت می کند و در ایران و بین مرز ایران و عراق فعلی یعنی همان حول و حوش کوفه و شهرهای اطراف و شهرهای ایران قیام حق طلبانه خود را به سمت عراق و کوفه نزدیک می کند. قیام حق طلبانه دیگری که قبلاً درباره علائم ظهور به شرح آن پرداختم و آن هم قیام «یمانی» است که شخص حق طلب و شیعی از صنعای یمن حرکت می کند و پرچم عدالت را برمی افرازد و او هم خود را به سمت عراق نزدیک می کند. پس به سپاه حق طلب خراسانی به رهبری شعیب بن صالح و سپاه یمانی، و سادات حسنی که از شمال ایران و مناطق دیلم است، قیامشان آغاز می شود و در اطراف کوفه، به امام زمان علیه السلام می پیوندند و اعلام وفاداری می کنند و

سپاهیان آن‌ها تحت فرمان امام زمان علیه السلام در می‌آیند.

مکان حکومت

امّا راجع به سؤال دوم که جایگاه حکومت امام زمان علیه السلام کجاست؟ پاسخ می‌دهیم که بر اساس روایات، وقتی این سپاهیان حق طلب به امام زمان پیوستند آن حضرت در شهر کوفه حکومت خودشان را اعلام می‌کند. روایاتی در این رابطه هست که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنم:

از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «ثم يقبل إلى الكوفة فيكون منزله بها»؛ (۱۶۴)

پس از جهادی که انجام می‌دهد از مدینه به سمت کوفه می‌رود و کوفه را جایگاه خود قرار می‌دهد. روایت دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فقال: أما إنه منزل صاحبنا إذا قدم»؛ (۱۶۵) کوفه جایگاه صاحب ماست یعنی صاحب العصر و الزمان علیه السلام هنگامی که با یاران و خانواده خود به سمت کوفه روی بیاورد، در آن شهر اقامت می‌کند، و مسجد سهله که جایگاه استقرار امام زمان علیه السلام است، محل حکومتشان می‌شود. مؤمنین از اطراف و اکناف به محضر ایشان می‌رسند و مجمع بزرگی از مؤمنین خواهد شد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إذا قام القائم ودخل الكوفة لم يبق مؤمن إلّا وهو بها»؛ (۱۶۶) هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کند و وارد کوفه شود هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر آن که خدمت امام زمان علیه السلام بیاید؛ یعنی کوفه مرجع و ملجأ و محل زندگی مؤمنین و محل زندگی امام زمان علیه السلام است.

حدیث دیگری است راجع به وسعت شهر کوفه و مسجدی که پایگاه امام زمان علیه السلام می‌شود، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وینبی فی ظهر الكوفة مسجداً له ألف باب ویتصل بیوت الكوفة بنهر كربلاء بالحیره»؛ (۱۶۷) در کوفه مسجدی بنا می‌شود که هزار درب دارد

و خانه های شهر کوفه به نهر کربلا و شهر حیره متصل می گردد». یعنی این منطقه به صورت یک آبادی وسیع درمی آید و در آن مسجدی است که امام زمان علیه السلام در آنجا اقامه نماز می کند در آنجا امور حکومت را رتق و فتق می نماید که همان جایگاه مسجد سهله است؛ بنابراین از روایات فوق بر می آید که محل حکومت و جایگاه استقرار امام زمان علیه السلام شهر کوفه است که توسعه پیدا می کند. اکنون هم شهر کوفه با شهر نجف متصل است، یعنی نجف و کوفه و کربلا تقریباً به هم وصل خواهند شد. فعلاً بین کربلا و کوفه حدود ۷۰ یا ۹۰ کیلومتر است و وقتی در آنجا حکومت خود را مستقر کرد، بقایای سپاهیان عثمان بن عنبسه معروف به سفیانی به سمت دمشق می روند و با نیروهای غربی و رومی و یهودیانی که در آنجا مستقرند متحد می شوند و امام زمان علیه السلام برای سرکوبی آن ها به سمت دمشق حرکت می کند و در «مرج عذرا» که محل شهادت و مدفن یکی از بهترین یاران امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی حجر بن عدی است به سفیانی دست پیدا می کند. در آغاز قرار بر مذاکره می گذارند اما بعضی از همراهان سفیانی که براساس روایات، یهودیان و رومیان؛ یعنی غربی ها هستند او را از مذاکره با امام زمان علیه السلام باز می دارند و در نتیجه نبرد شدیدی شروع می شود و به سرزمین وسیعی از انطاکیه یعنی ترکیه فعلی تا دمشق و عکا در فلسطین اشغالی کنونی کشیده می شود. رومیان و غریبان به حمایت از سفیانی می آیند، در همین حالت وجود مقدس عیسی مسیح - علی نبینا و آله و علیه الصلاه و

السلام - از آسمان فرود می آید، مسلمانان و مسیحیان با دیدن مسیح علیه السلام خوشحال می شوند و مسیحیان متوجه می شوند که حضرت مسیح علیه السلام با امام زمان علیه السلام بیعت می کند و در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می خواند. و چون مشاهده می کنند که عیسی علیه السلام جزو یاران و پیروان امام زمان علیه السلام قرار می گیرد، موجب می شود مسیحیان و نیروهای غربی هم علاقه مند شوند و در نتیجه جنگی که صورت گرفته، به صلح و آشتی مبدل شده و به پذیرش نیروهای غربی می انجامد. اما نیروهایی که سرسختی می کنند و می خواهند مبارزه را ادامه دهند نابود می شوند. بگذریم که طول و تفصیل قضایا چیست، از روایات این گونه بر می آید که حضرت مسیح علیه السلام در همان فلسطین از دنیا می رود و امام زمان علیه السلام به دست خودشان او را آماده خاک سپاری می کند. غسلش می دهد و بنا بر نقل روایتی، با پارچه ای که دستباف خود حضرت مریم علیها السلام است حضرت مسیح علیه السلام را کفن می کند و در بیت المقدس کنار قبر مادرش حضرت مریم علیها السلام به خاک می سپارد و آن گاه به شهر کوفه بر می گردد و آنجا را محل حکومت خود قرار داده و به پیاده کردن امور حکومت الهی می پردازد.

مدت حکومت

اینجا لازم است به اختصار نکته ای راجع به حکومت امام زمان علیه السلام مطرح نمایم؛ یعنی درباره کسی که تقریباً همه ملت ها، امت ها و مکتب ها به نوعی با اختلاف و تفاوت منتظر ظهورش هستند و اوست که عصاره انبیاست.

این نکته راجع به مدت حکومت آن حضرت است. یعنی وقتی ظهور کرد و حکومتش را آغاز نمود چند سال حکومت می کند؟

روایات در این باره

متفق نیستند بعضی از روایات اقل مدّت حکومت را ۷ سال می گویند.

روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمودند: «یخرج رجل من أهل بیتی ویعمل بستتی وینزل الله له البرکه من السماء وتخرج الأرض برکتها وتملاً به الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، ویعمل علی هذه الأُمَّه سبع سنین؛ (۱۶۸) فردی از خاندان من خروج می کند و خدا به وسیله او برکات خودش را از زمین و آسمان نازل می کند، زمین همه برکات خود را در اختیار او قرار می دهد و زمین هر چه استعداد دارد در اختیار او قرار می دهد».

ما به خوبی نمی دانیم استعداد زمین چقدر است مثلاً در گذشته با ابزارها و امکانات عادی، یک هکتار زمین دو تن شلتوک تحویل می داد اما اکنون، ده تن شلتوک می دهد. اخیراً شخصی به عنوان کشاورز نمونه در یک هکتار ۱۳۰ تن چغندر تولید کرده، استعداد این زمین عجیب است، استعدادهای دیگری هم دارد آنچه ذخایر الهی است در دل زمین است، از آفتاب گرفته تا معادن و ذخایر و زمین ها، هرچه در زمین است خارج می شود و در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد. در ادامه روایت می فرماید: دنیا را پر از عدل و داد می کند آن چنان که پر از ظلم و بیدادگری شده بود و ۷ سال بر این اساس حکومت می کند.

در قرآن و روایت هم حدود ۳۰۹ سال نقل شده که امام باقر علیه السلام در روایت مفصلی می فرماید: «یملک القائم ثلاثمائه سنه ویزداد تسعا كما لبث أهل الكهف فی كهفهم؛ (۱۶۹) همچنان که اصحاب كهف بر اساس آیات و روایات، ۳۰۹ سال در غاری اقامت کردند امام زمان علیه السلام هم مدت حکومتش ۳۰۹

تعبیری که در بعضی از روایات آمده این است که سالی که در این روایت آمده به سال شمسی و قمری نیست، بلکه مدّت این سال فرق می کند همچنان که ما نمی توانیم همه جای کره زمین، ساعات روز و شب را مساوی بدانیم. در بعضی مناطق، روز بسیار طولانی است بنابراین با ملاک و معیارهایی که در روایات آمده عرف و عادت روزانه ما نیست. در بعضی از روایات آمده است که در حکومت امام عصر علیه السلام هر سالی به مدّت ۱۰ سال ماست، بنابراین ما نمی توانیم دقیقاً بگوییم چقدر با سال و ماهی که ما عرفاً به آن عادت کردیم امام زمان علیه السلام حکومت می کند. بعضی هم گفتند منظور از این هفت سال این است که قبل از این که حکومتش کاملاً مستقر شود ۷ سال طول می کشد تا حکومتش در لابلای جهاد و جنگ و خون و شجاعت و ایثارگری که صورت می گیرد مستقر شود و سپس ۳۰۹ سال ادامه پیدا می کند.

وضعیت فکری و اعتقادی مردم...

اشاره

در این بخش از سخن پیرامون وضعیت فکری و اعتقادی مردم دوران حکومت امام زمان مطالبی را تقدیم می دارم.

معتقد هستیم هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند و حکومتش را پابرجا نماید جامعه بشری از جهات مختلف به بهترین وضعیت خودش می رسد و از نظر دین، اخلاق، تفکر و اندیشه، آگاهی، امنیت، عدالت، اقتصاد، عمران و آبادی در بهترین شرایط خودش قرار می گیرد که در طول عمر دنیا نظیری برای آن نبوده است. اما در آغاز این بحث راجع به وضعیت فکری و دینی مردم عصر امام زمان علیه السلام و چگونگی تفکر جامعه عصر حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را مطرح

می کنم.

بازگشت مردم به اسلام واقعی

از روایات نتیجه می گیریم که از زمان بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام به دلیل دوران زیادی که پیش آمده است، بسیاری از سنت های الهی و دینی متروک می شود و بسیاری از بدعت ها در جامعه دینی به نام دین رایج می شود، وقتی که امام زمان علیه السلام ظهور کرد همه این بدعت ها را برمی چیند و همه سنت های فراموش شده و منزوی شده را احیا می کند. می فرمایند: «قیل لایترک بدعه الا ازالها ولاسنه الا احیایها»؛ (۱۷۰) بدعت و نوآوری و چیزی که جزو دین نبوده و به نام دین در میان مردم رایج کرده اند و آداب و رسوم غلطی که تحت عنوان دین و افکار و آداب دینی در جامعه رایج کرده اند همه را برمی دارد و سنت نبوی صلی الله علیه وآله را که در گذشت زمان توسط دشمنان منزوی شده یا از بین رفته، همه را احیا می کند و به گونه ای می شود که بعضی ها گمان می کنند آنچه که امام زمان علیه السلام می گوید دین جدید است و دین اصلی اسلام نیست.

تعبیر روایات این است که می گوید: «یأتی بدین جدید؛ با دین جدید و تازه می آید».

آیا نعوذ باللّٰه، دینی که امام زمان علیه السلام در جامعه ها حاکم می کند دین اسلام و دین پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله نیست؟

خیر، مفهومش این است؛ از بس که جامعه، از سنت الهی فاصله می گیرد که تقریباً با اسلام راستین بیگانه می شود، ولی امام زمان علیه السلام وقتی سنت اصلی اسلام را به جایگاهش برمی گرداند بعضی گمان می کنند که دین جدیدی است و در روایات هم به همین خاطر به آن جدید گفته شده است. در روایتی

از امام صادق علیه السلام است که می فرماید: «إذا قام القائم عليه السلام دعا الناس إلى الإسلام جديداً وهداهم إلى أمر قد دثر وضلّ عنه الجمهور؛ (۱۷۱) وقتی امام زمان علیه السلام قیام کند مردم را به اسلام تازه دعوت می کند یعنی به اسلام ناب فرا می خواند و به سنت های اسلامی که عموم مردم از آن غافل شدند دعوت می کند». در عصر امام زمان علیه السلام که قوانین و حدود منزوی شده اسلام باید اجرا شود و این احکام در میان جامعه پیاده می شود. امام زمان علیه السلام مردم را به سوی کارهایی دعوت می کند و به اموری فرا می خواند که در جامعه کهنه و فرسوده شده و از بین رفته اند و جمهور امت اسلامی از آن بیگانه شدند، پس از این روایت می توان فهمید و نتیجه گرفت که فاصله بین امت اسلامی و اسلام راستین به قدری زیاد می شود که وقتی امام زمان علیه السلام آمد و اسلام واقعی را در میان جامعه اجرا کرد، به نظر می رسد چیز تازه و جدیدی است و به همین خاطر به امام زمان، «مهدی» گفته اند: «وإنما سمي القائم مهدياً لأنه يهدي إلى أمر مغفول عنه»؛ (۱۷۲) به خاطر این که امام زمان علیه السلام مردم را به سوی کارهایی دعوت و هدایت می کند که مردم از آن کارها، غافل شدند و از آن دستورات بیگانه شدند، بنابراین یکی از نعمت هایی که در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام تحقق پیدا می کند حاکمیت اسلام واقعی است که در طول تاریخ کم رنگ یا از صحنه اجتماعی منزوی شده است.

وضعیت اعتقادی

نکته دیگری که باز درباره وضعیت اعتقادی و دینی مطرح می کنم این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام همه مسلمان

می شوند، پیروان آئین های دیگر از اهل کتاب یعنی یهود و نصاری همه برمی گردند و دین خدا و اسلام را قبول می کنند. لکن دینی که در آن عصر در دنیا حاکمیت دارد و مردم پیرو آن هستند دین اسلام خواهد بود.

به تعبیر قرآن کریم: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ (۱۷۳) «دین اسلام بر همه ادیان چیره می شود و تنها دین حاکم بر جامعه می شود».

در کتاب شریف بحارالانوار آمده است که شخصی به نام شهر بن حوشب که در زمان حجاج بن یوسف زندگی می کرد، روزی در نزد حجاج بود که حجاج به او گفت: یکی از آیات قرآن مرا خسته کرده، هر چه روی آن فکر و کار می کنم آن را نمی فهمم. شهر بن حوشب می گوید: به او گفتم کدام آیه؟ حجاج گفت که این آیه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»؛ (۱۷۴) «هیچ اهل کتابی نیست مگر این که قبل از مرگش به او ایمان می آورد و مسلمان می شود».

من این را نمی فهمم، این همه اهل کتاب با دین مسیحی و یهودی از دنیا می روند من خودم تجربه کردم بعضی از یهود و نصاری که گردنشان را می زنند، دقت می کنم لب هایشان هیچ تکانی نمی خورد؛ یعنی با همان اعتقاد یهودی می میرند، اما این آیه چه می گوید؟

شهر بن حوشب می گوید: من به حجاج گفتم منظور این است که قبل از این که قیامت برپا بشود حضرت عیسی علیه السلام به امر پروردگار به زمین هبوط می کند و بر می گردد با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند و جزو پیروان او می شود. در آن زمان است که همه اهل کتاب از مسیحی و یهودی یکپارچه به دین اسلام در می آیند و پیرو اسلام

می شوند و منظور این نیست که همه اهل کتابی که الآن زندگی می کنند به هنگام مردن، مسلمان از دنیا می روند. حجاج با تعجب گفت: این را از چه کسی یاد گرفتی؟ گفتم: از محمد بن علی - امام باقر علیه السلام - شنیدم. حجاج با آن دنائت و پستی که داشت، گفت: مفهوم این آیه را از سرچشمه صاف و زلالی گرفتی، درست است. (۱۷۵)

خوب با این بیان می شود نتیجه گرفت که در عصر دولت امام زمان علیه السلام همه اهل کتاب به اسلام در خواهند آمد و پس از آن، بحث جزیه دادن و مسیحی و یهودی ماندن نیست، ممکن است یک عده مقاومت کنند و اسلام نیاورند و بجنگند تا کشته شوند اما عده ای برمی گردند و به دین اسلام روی می آورند و پیرو مکتب اسلام و تابع حکومت امام زمان خواهند شد؛ بنابراین در عصر امام زمان علیه السلام تنها دینی که همه مردم پیرو آن خواهند بود، اسلام است.

تکامل عقلی جامعه بشری

نکته بعدی درباره تکامل عقلی جامعه بشری در آن عصر است. معتقدیم زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور کند بستر جامعه برای ترقی و رشد عقلی بشر آماده می شود، عوامل و موانعی که باعث استضعاف عقلی و فکری جامعه است از بین می رود و در نتیجه، همه این فرصت را پیدا می کنند که از نعمات الهی برخوردار شوند و از عوامل رشد دهنده عقل استفاده کنند.

حکومت امام زمان علیه السلام در حقیقت به عنوان نعمت الهی است که بستر را برای این امر مهم؛ یعنی تکامل عقلی و فکری بشر فراهم می کند.

در این باب از قول امام باقر علیه السلام روایت شده: «إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس

العباد فجمع بها عقولهم وکملت بها أحلامهم؛ (۱۷۶) هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند دست خود را بر سر همه بندگان خود می کشد».

حالا از این که امام عصر علیه السلام دست خود را بر سر همه مردم می کشد قطعاً منظور دست امام عصر علیه السلام به معنی دست مادی مثل دست بشر نیست بلکه همانند مفهوم یدالله فوق ایدیهیم است یعنی همه عواملی که خداوند در جامعه بشری جهت خدمتگزاری، هدایت و رشد بشر قرار داده، همه به منزله دست خدا هستند که بر سر بشر کشیده می شود

دست خدا

وجود امام زمان علیه السلام به منزله دست خداست که بر بشریت حاکم می شود و بشر را از نظر عقلی کامل می کند و به این وسیله رحمت خدا بر سر عباد و بندگان خدا کشیده می شود و عقل ها و افکار و اندیشه های بشر کامل می شود؛ یعنی بشر در آن روز به حدّ اعلائی کمال خویش می رسد یعنی همان چیزی که خداوند، ابوالبشر را خلق کرد و او را اسماء یاد داد. بندگان خدا در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به آگاهی کامل خواهند رسید، افکار و اندیشه شان از پراکندگی و تشتت به وحدت می گراید. از سرچشمه زلال و صاف الهی سیراب می شوند. از نظر افکار و اندیشه و عقل به حد اعلائی درجه خود می رسد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «وتؤتون الحکمه فی زمانه حتی أن المرأه لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله صلی الله علیه وآله؛ (۱۷۷) به خاطر توسعه فهم و آگاهی عمومی، حتی زن ها در خانه هایشان بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله دآوری می کنند».

در روایت دیگری از قول امام صادق علیه السلام است که می فرماید:

«العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فإذا قام قارئنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يثبتها سبعة وعشرين حرفاً»؛ (۱۷۸) علم بیست و هفت حرف، شاخه، شعبه یا موضوع دارد و تمام ۱۲۴ هزار پیامبر از زمان آدم تا زمان پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله که آمدند، دو حرف از این ۲۷ حرف را توانستند شکوفا کنند؛ یعنی دو قسمت از این ۲۷ قسمت علوم را توانستند برای مردم در جامعه باز کنند، ۲۵ قسمت دیگر از علوم در جامعه شناخته نیست. کسی از این علوم تا روز ظهور امام زمان علیه السلام غیر از این دو حرف هیچ چیز نمی داند. امام زمان علیه السلام که ظهور کند، ۲۵ حرف دیگر باز می شود و در جامعه ظهور و بروز پیدا کرده، گسترش و حاکمیت می یابد. این همه ابواب علمی که در زمینه های مختلف در دنیاست و همواره به سرعت در حال سیر تکاملی است خدا می داند که تا زمان ظهور امام عصر علیه السلام چه مقدار توسعه و تنوع پیدا خواهد کرد که همه به منزله دو حرف از بیست و هفت حرف است و ۲۵ حرف دیگر در عصر دولت امام زمان علیه السلام باز می شود؛ یعنی بشر ظرفیت علمی اش به کمال می رسد، به آن جایگاه رفیعی که از نظر علمی و معرفتی می تواند به آن دست یابد می رسد. تمام مردم، همه چیز را می فهمند، وقتی همه چیز را بفهمند مطمئناً همه مشکلات هم حل می شود، آن هم فهم درست و دقیق و بی غلط و بی اشتباه که از سرچشمه صاف و زلالی که

با دست الهی بر سر بندگان خدا کشیده شده، در وجود انسان ها تبلور پیدا می کند.

این وضعیتی است که درباره عقاید، افکار، اندیشه، عقول، ادیان و علوم در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام در روایات راجع به آن بحث شده، امیدواریم که خداوند بر ما منت نهد، ما را در جهت تطبیق خودمان با آنچه که امام زمان علیه السلام ظهور پیدا می کند و آن را می خواهد حاکم کند، توفیقات لازم را نصیب همه ما بفرماید.

جامعه ای که منتظر ظهور امام زمان است، جامعه علمی، جامعه عقلی، جامعه دیانت و تقوا است، جامعه آگاهی است، این چیزی است که رسالت امام زمان علیه السلام است. وقتی آمد باید این را به کمال برساند. جامعه منتظر ظهور امام زمان علیه السلام در عصر غیبت باید در همین جهت تلاش کند تا شایستگی و صلاحیت انتظار فرج امام زمان علیه السلام را پیدا کند، ان شاء الله.

حاکمیت عدل در حکومت امام زمان «ع»

توضیح

در قسمت گذشته پیرامون رشد عقلی و فکری و دینی مردم در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام صحبت کردیم. در این قسمت راجع به حاکمیت عدل در حکومت امام زمان علیه السلام بحث می کنیم. بر حسب آیات قرآن، یکی از اهداف همه انبیاء علیهم السلام اجرای عدالت در جامعه بشری است:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (۱۷۹) «ما همه پیامبران مان را با بینات و معجزات و کتاب فرستادیم تا بشریت قیام به قسط و عدالت کند».

مفهوم آیه این است که یکی از رسالت های همه انبیاء، اجرای عدالت بوده است. عدل به عنوان یکی از گرایشات فطری بشر است، همه انسان ها به حکم عقل و شرع و نیز به حکم فطرت، طرفدار عدل و

مأمور به پذیرش عدلند. امام زمان علیه السلام که عهده دار تحقق اهداف همه انبیاء و عصاره رسالت همه پیامبران و امامان است، باید عدل الهی را برای همه بندگان خدا در زمین پیاده کند. به همین خاطر، حکومت امام زمان علیه السلام را حکومت عدل جهانی امام زمان علیه السلام می نامیم. پس، مهم ترین رسالت امام زمان علیه السلام پیاده کردن عدل در سراسر عالم است.

حال چگونه امام زمان علیه السلام موفق می شود که عدل را پیاده کند؟ می دانیم که انبیای الهی و امامان مظلوم و معصوم ما موفق نشدند آن گونه که رسالت داشتند در قلمرو حاکمیت خود عدل را پیاده کنند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با آن که همه تلاش خود را پیرامون پیاده کردن عدل صرف کرده است اما کشته عدالت شد، به تعبیر آن نویسنده مسیحی «قتل فی المحراب لشدۀ عدله؛ امیرالمؤمنین علیه السلام را در محراب عبادت کشتند برای این که می خواست عدل را پیاده کند»؛ یعنی او هدفش عدل بود ولی جامعه ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن حاکم بود متأسفانه از پذیرش عدل سرباز زد و امام عادل خود را در محراب عبادت به خون کشید. بقیه امامان هم نتوانستند آن گونه که رسالت داشتند عدل را پیاده کنند. برای این که بدانیم امام زمان علیه السلام چگونه موفق می شود، باید بدانیم که موانع اجرای عدالت چیست؟

موانع اجرای عدالت در جامعه

مانع اول: امام زمان علیه السلام حاکمان و ستمگران حاکم و مال اندوزان و سلطه جویان قدرتمند را که در طول تاریخ و در زمان انبیاء و امامان، موانع اجرای عدالت بودند و عدل را به نفع خود نمی دانستند و با قدرتی که داشتند انبیای عظام و امامان عادل را منزوی می نمودند و از

صحنه حاکمیت خارج می کردند و یا به شهادت می رساندند، همه آن ها را از پیش پا بر می دارد.

مانع دوّم: متأسفانه به دلیل حاکمیت آن حاکمان جور و فساد، فرهنگ جامعه به گونه ای رشد نکرده بود که عدل را به هر قیمتی که باشد بپذیرد؛ یعنی جامعه آن روز این آمادگی را پیدا نکرده بود که پذیرای عدالت باشد اما جامعه امام زمان علیه السلام با جوامع گذشته فرق می کند. راجع به پیروزی امام زمان علیه السلام در همه عالم بحث کردیم؛ یعنی چون امام زمان قدرت جهانی پیدا می کند، همه سلطه گران را نابود می کند، ظالمین را از بین می برد، حکومت های جور و ستم را بر می دارد و به جای آن ها حکومت الهی را حاکم می کند، بنابراین مانع بزرگ عدالت که حکام جور و ستم هستند برداشته می شود و فرهنگ مردم شرقی می شود. در بحث گذشته هم گفتم به دلیل رشد عقلی، فکری و عقیدتی و یکپارچه شدن همه مردم در پیروی از اسلام، زمینه فرهنگی جامعه هم برای پذیرش عدالت آماده می شود. این است که امام زمان علیه السلام موفق می شود عدل را در سراسر دنیا پیاده کند. حال نمونه روایاتی که در ارتباط با این موضوع است را خدمتتان می گویم. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در تمام زمین و در تمام زمینه ها و عرصه ها عدل حاکم می شود. آنچه از روایات و آیات قرآن کریم استفاده می شود، کل عالم قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام است؛ «یملأ الله الأرض قسطاً وعدلاً؛ تمام زمین پر از عدل و داد می شود»؛ یعنی در همه گستره و نقاط جغرافیایی کره زمین، عدل حاکم می شود.

در ابعاد مختلف عدالت هم

نکاتی است که امام زمان علیه السلام فقط در بعد اقتصادی عدل را اجرا نمی کند بلکه در زمینه های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عدالت حاکم می گردد و با تعریفی که از عدل شده است، می توانیم همین نتیجه را بگیریم.

درباره تعریف عدل فرمودند: «وضع کل شیء فی موضعه» یک تعریف عدل این است که هر چیز را به جای خود نهادن، این تعریف شامل همه امور می گردد، حتی عزل و نصب ها در منصب ها، آدم های شایسته در هر نقطه که صلاحیت و شایستگی را داشته باشند را فرا می گیرد، آدم های نالایق قطعاً در پست و مقام کلیدی قرار نمی گیرند. هر شیء باید در موضع خود باشد.

در تعریف دیگر عدل و عدالت فرمودند: «اعطاء كل ذي حقّ حقه». حق هر کسی را به او دادن، با این دو تعریفی که از عدل می شود، می توان نتیجه گرفت که عدل تنها در زمینه اقتصادی نیست بلکه در همه زمینه ها، دنیا را پر از عدل و داد می کند.

شرح عدالت از زبان روایات

حال به احادیثی در این زمینه توجه فرمایید. از قول نبی اکرم اسلام صلی الله علیه وآله است که فرمود: «أبشركم بالمهدى يبعث فى أمتى على اختلاف من الناس وزلازل فيملا الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض، يقسم المال صحاحاً. فقال له رجل: وما صحاحاً؟ قال: السويّة بين الناس؛ (۱۸۰) شما را مژده می دهم به آمدن مهدی علیه السلام در میان امت من در یک موقعیت بحرانی، از اختلاف مردم و سختی هایی که حاکم است، حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند همچنان که قبل از ظهورش دنیا پر از ظلم و جور بوده

است. تمام ساکنان آسمان و زمین با حکومت امام زمان علیه السلام خشنود می شوند و آن دارایی و ثروت را به صورت صحاح تقسیم می کند. مردی پرسید: منظور از صحاح چیست؟ فرمود: بین مردم امکانات اقتصادی را به صورت مساوی تقسیم می کند». به تعبیر امروزی توزیع عادلانه ثروت در میان همه مردم زمین و امت پیغمبر که در آن عصر زندگی می کنند. دل هایشان به وسیله چنین حکومتی پر از ثروت و غنائم می شود یعنی هیچ گونه احساس نیاز و فقر نمی کنند و عدل امام زمان علیه السلام همه امت پیغمبر را شامل می شود.

با عنایت به این حدیث شریف، در آن عصر، عدل همه زمین را فرا می گیرد و جهان پر از عدل و داد می شود.

در روایتی حضرت ام سلمه که از بهترین زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود می گوید: من از رسول خدا شنیدم که در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به قدری عدالت گسترش پیدا می کند که آن هایی که زنده هستند می گویند ای کاش! آن هایی که از دنیا رفتند زنده می شدند و این فضای عادلانه را درک می کردند و از این عدالت بهره مند می گردیدند. (۱۸۱)

از قول امام صادق علیه السلام نقل شده که می فرماید: «أما والله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر... أول ما يظهر القائم من العدل أن ينادى مناديه أن يسلم صاحب النافله لصاحب الفريضة الحجر الأسود والطواف»؛ (۱۸۲) به خدا قسم! عدالت به همه جا نفوذ پیدا می کند، همچنان که سرما و گرما داخل خانه ها می رود، عدالت هم داخل خانه ها نفوذ می کند؛ یعنی کسی جلوی عدالت امام زمان علیه السلام را نمی تواند بگیرد. چطور سرما و گرما به داخل خانه ها نفوذ می کند، می گوید سطح

جامعه، داخل خانه و خانواده همه تحت تأثیر فرهنگ امام زمان علیه السلام و تحت پوشش عدل قرار می گیرند. پس در دنیایی که به دلیل ظلم و ستم، همه جا نگرانی ظلم و ستم و تبعیض، فقر و محرومیت، فشار روحی و روانی حاکم بود، برداشته می شود و عدل به جایش حاکم می شود، ناراحتی از بین می رود و امنیت به جایش می آید. نتیجه حاکمیت عدالت، امنیت است.

در ادامه حدیث امام صادق علیه السلام می فرماید: «أول ما يظهر القائم من العدل أن ينادى مناديه أن يسلم صاحب النافله لصاحب الفريضة الحجر الأسود والطواف»؛ (۱۸۳) اول چیزی که به عنوان مظهر عدالت امام زمان علیه السلام است این که جمعیت وقتی برای عمل حج به مکه می روند، به خاطر زیادی جمعیت عمل طواف بیت الله الحرام و نماز طواف پشت مقام ابراهیم و استلام حجر یکی از مشکلات حجاج می شود و امام زمان علیه السلام به منادی دستور می دهد که ندا کند، آن هایی که می خواهند طواف مستحبی و استلام حجر انجام بدهند از صحنه کنار بروند و به جای آن ها آدم هایی که طواف واجب دارند بیایند طواف کنند. و صحنه باید به گونه ای باشد که حق هر کسی در جایگاه خودش به او برسد، حتی در ارتباط با عمل حج و طواف، منادی می گوید، آن هایی که حج مستحبی انجام می دهند کنار بروند، کسانی که طواف واجب دارند، بیایند. این جور صحنه عدل همه جا را شامل می شود.

باز در حدیثی دیگر از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که می فرماید: «ولا مظلمه لأحد من الناس إلا ردها ولا يقتل منهم عبدا إلا أدى ثمنه دية مسلّمه إلى أهله ولا يقتل إلا قضی عنه دینه

والحق عياله في العطاء حتى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً؛ (۱۸۴) بر عهده کسی در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مظلوم نیست مگر این که روشن می کنند؛ یعنی همه از هم رضایت می گیرند و حق هیچ کس بر گردن دیگری نیست. الآن چه کسی می تواند این ادعا را بکند که ذمه هیچ کس به گردنش نیست و بگوید من به احدی بدهکار نیستم، نه در اخلاق و نه در مسائل مالی، نه غیبت کسی را کردم، نه به کسی تهمت زدم، نه آبروی کسی را بردم، نه مال کسی را خوردم؟ آدمی که بخواهد چنین ادعایی بکند کیست؟

در زمان امام زمان علیه السلام همه می توانند چنین ادعایی بکنند، چون هر کسی هر حقی در گردن او هست نسبت به دیگری ادا می کند و مظلوم را رد می کند. هیچ بنده ای کشته نمی شود مگر این که دیه اش را می گیرند، یعنی دیه افرادی را که کشته شدند همه پرداخت می شود و با زور و قلدری و مسائل دیگر، حق خون هیچ کس ضایع نمی شود و حق عیال و خانواده او ادا می شود.

خلاصه حدیث این است که می گوید در دنیا هیچ ظلمی تحقق پیدا نمی کند، چون امام زمان علیه السلام ظالم را یا اصلاح می کند یا از بین می برد. به قدرت الهی فرهنگ جامعه عدل پذیر می شود. چون عدل کردن مشکل است اما عدل پذیرفتن مشکل تر از آن است، آن هایی که بعد از کشته شدن عثمان به خانه حضرت علی علیه السلام هجوم آوردند که باید خلافت را بپذیری و غیر از تو، هیچ کسی شایسته نیست، اما پس از پذیرش امام، همان هایی که بیشترین شعار را می دادند بیشترین مخالفت را کردند

چون دیدند امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت را بدون ملاحظه اجرا می کند و نتوانستند تحمل کنند و لذا با او مخالفت کردند. امیرا در زمان امام زمان علیه السلام این گونه نیست، عدل همه جا را خواهد گرفت و برای آن که ما بتوانیم ان شاء الله زمینه پذیرش عدل الهی را در زمان امام زمان علیه السلام در خود فراهم کنیم، باید روحیه عدالت پذیری را در خود تقویت کنیم.

باید خودمان را در آن جهتی که جزو اهداف حکومت امام زمان علیه السلام است تربیت نماییم. و خود را در همان جهتی که رضایت و هدف اوست، آماده کنیم. خداوند به لطف خویش و به دعای امام زمان علیه السلام و دعا‌های همه دعا کنندگان که مستجاب الدعوه هستند پرده از رخسار عزیز زهرا علیها السلام بردارد و انتظار عالم اسلام و بشریت را پایان بدهد و حکومت امام زمان علیه السلام را در دنیا ظاهر گرداند و همه عالم را از عدل امام زمان علیه السلام برخوردار بفرماید. ان شاء الله.

ارتقاء فرهنگ و آداب اجتماعی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

اشاره

یکی از مسائلی که در زندگی اجتماعی انسان به عنوان مشکلات جامعه بشری هست، پایین بودن سطح فکر و فرهنگ عمومی است. معمولاً جوامع بشری در ارتباطات اجتماعی و زندگی شهری و اجتماعی خود باید بر اساس موازین و فرهنگ های عمومی عمل کند تا موجب پیدایش مشکلات و پدید آمدن سختی ها برای خود و جامعه نشود. هر جامعه ای که از نظر رشد فکری و فرهنگ عمومی پیشرفته باشد، می تواند از رفاه اجتماعی بشری برخوردار باشد.

از روایات استفاده می شود که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند جامعه بشری از نظر فرهنگ عمومی به حد اعلای رشد خود می رسد و فساد و مشکلات عمومی که از

رهگذر عدم حاکمیت فرهنگ صحیح و عدم رعایت آداب اجتماعی پدید می آید، ریشه کن می شود و همه آن مشکلات از جامعه رخت بر می بندد، به این دلیل که مردم از نظر ادب و فرهنگ و روابط صحیح اجتماعی، به رشد کامل خود می رسند زیرا از نظر فرهنگ و آداب اجتماعی به کمال رسیده، در نتیجه مشکلاتی که به خاطر ضعف فرهنگ و آداب اجتماعی دامنگیر جامعه می شود آن مشکلات از بین خواهد رفت. مردم نسبت به همدیگر انس و الفت پیدا می کنند، در دل های مردم نسبت به همدیگر کینه و کدورت وجود ندارد، در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وارد شده که فرمود: در عصر حاکمیت مهدی علیه السلام کینه ها و دشمنی ها از دل های مردم نسبت به یکدیگر خالی می شود؛ یعنی مردم دل هایشان نسبت به همدیگر انس و الفت پیدا می کند و طبیعی است که چنین جامعه ای زندگی لذت بخشی دارد. در روایتی دیگر نیز وارد شده که انسان ها نسبت به یکدیگر صداقت کامل دارند، هیچ گاه درصدد بر نمی آیند که حقایق را از هم بپوشانند و واقعیات را از هم دریغ نمایند و به یکدیگر دروغ بگویند، بلکه در حقیقت، واقعیات را برای هم مطرح می کنند. روایت از قول رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله است که می فرمایند: «به یحییٰ بن خالد بن برمکی روایت شد که فرمود: من أعناقکم»؛ (۱۸۵) با وجود امام زمان علیه السلام، خداوند دروغ را از بین می برد و نابود می کند؛ یعنی در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام دروغ وجود ندارد که کسی خبری به ما بگوید و ما او را نشناسیم و از عدالت او اطلاع نداشته باشیم، بر خلاف عصر

حاضر که اصولاً به حرف افراد نا آشنا اعتماد نمی کنیم چون احتمال می دهیم که به ما دروغ گفته باشد اما در عصر امام زمان علیه السلام بر حسب این روایت، خداوند، دروغ را نابود می کند و مردم به یکدیگر دروغ نمی گویند. روزگار سختی به سر می آید، بردگی و ذلّتی که در روزگار عسرت و سختی و اسارت در گردن انسان ها هست آن ذلت و خواری و بردگی از گردن انسان ها برداشته می شود و انسان ها آزاد می شوند. روزگاری که انسان ها به دلیل عدم صداقت نسبت به یکدیگر بر خودشان سخت می کنند با رعایت صداقت و مودّت و دوستی و انس و الفت، آن روزگار روزگار آسانی خواهد شد و سختی از بین خواهد رفت.

رعایت کامل اصول اجتماعی

در روایت دیگری می فرماید: مردم، به دلیل رشد فکری و اخلاقی، اصول اجتماعی را کاملاً رعایت می کنند. امام عصر علیه السلام و کارگزاران نظام مقدسش مردم را به رعایت اصول اجتماعی فرا می خوانند؛ یعنی ادب اجتماعی را در مردم ایجاد می کنند. امام کاظم علیه السلام می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، قَالَ يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ وَيَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ سِيرُوا عَلَى جَنْبِ الطَّرِيقِ فَإِنَّمَا فَارِسٌ أَخَذَ عَلَى جَنْبِ الطَّرِيقِ فَاصَابَ رِجَالاً عَيْبَ الزَّمَانِ الدِّيَةَ وَرَبَّمَا رَجُلٌ أَخَذَنِي وَسْطِ الطَّرِيقِ فَاصَابَهُ عَيْبَ فَلَا دِيَةَ لَهُ» (۱۸۶) امام زمان علیه السلام اعلام می کند که ای گروه سواران! از وسط راه عبور کنید و ای گروه پیادگان! از دو طرف خیابان عبور کنید؛ یعنی به اصطلاح ما از پیاده روی دو طرف خیابان عبور کنید. در حقیقت یک ادب اجتماعی را به مردم تعلیم می دهد و از مردم می خواهد آن را رعایت بکنند. به سواران می گوید عبور کنید؛ یعنی

نظم اجتماعی را باید رعایت کنید. اگر سواری از پیاده رو عبور کند و آسیبی به کسی بزند او را مجبور به پرداخت دیه می کنند و اگر پیاده ای از وسط خیابان راه برود یعنی رعایت اصول آمد و شد را نکند و در نتیجه آسیبی ببیند و تصادفی رخ دهد دیه ندارد؛ زیرا قوانین آمد و شدی که امام زمان علیه السلام وضع کرده است را رعایت نکرده و هر کس که قوانین مصوب را رعایت نکند مجرم است، به این دلیل که رعایت قانون مصوب امام زمان علیه السلام واجب است.

این حدیث بیانگر رشد اجتماعی جامعه عصر امام زمان علیه السلام است. طبیعی است که این یک نمونه است و در بقیه زمینه های اجتماعی، تمام دستورات اخلاقی و اجتماعی را امام زمان علیه السلام به جامعه خود تعلیم می دهد و از عموم مردم انتظار رعایت آن را دارد و طبعاً اگر چنانچه کسی آن معیار و مقررات را زیر پا بگذارد و طبق قانون مصوبی که در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام است عمل نکند، حقوق خود را هدر می دهد.

در حدیث دیگری ابابصیر از قول امام باقر علیه السلام نقل کرده است که نابسامانی های اجتماعی و هرج و مرج های عمومی، عدم رعایت نزاکت و رفتار اجتماعی همه را اصلاح می کند. این حدیث به دو نکته می پردازد که اکنون نیز جزو مبتلابه مردم است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «ویسد کل کوه إلى الطريق و کل جناح و کنیف و میزاب إلى الطريق»؛ (۱۸۷) امام زمان علیه السلام همه کوجه های باریکی را که به خیابان منتهی می شود اصلاح می کند و چاه های فاضلاب و ناودان هایی که در مسیر آدم ها، قرار می گیرد را اصلاح می کند.

این ها اموری اجتماعی است.

جامعه ای که از نظر آداب اجتماعی، منضبط نباشد آب های فاضلاب حیاط خود را به کوچه و خیابان عبور می دهد و باعث دردسر اجتماعی و مزاحمت عابرین و همسایه ها می شود.

این ها به عنوان نمونه ای است که در حدیث آمده و منظور این است که امام زمان علیه السلام آداب و رفتار اجتماعی را در جامعه تنظیم می کند. حتی اگر کوچه ای تنگ و باریک باشد که رفت و آمد مردم در آن دچار اشکال است، آن را اصلاح می کند خیابان ها را تنظیم می کند، آداب رفت و آمد را در جامعه سامان می دهد که از کجا عبور کنند، مشکلات شهرنشینی را برای مردم حل می کند، دیگر مردم از عدم رعایت ضوابط شهرنشینی رنج نمی برند، حتی به صورت نمونه می فرماید که این ها بیانگر این است که در تمام سطوح اجتماعی و زندگی شهرنشینی اصلاحاتی به عمل می آید که جامعه، یک جامعه سالم خواهد شد، از یکدیگر رنج نمی برند، در دل ها کدورتی از همدیگر باقی نمی ماند، هیچ کس حقش ضایع نمی شود، قوانین اجتماعی که حق بین دولت و ملت است دقیقاً رعایت می شود.

روابط حسنه میان انسان ها

پس منظور از این روایات این است که چه از نظر رابطه قلبی و چه از نظر روابط اجتماعی میان انسان ها، با یکدیگر اصلاح می شود، کدورت ها از دل کنار می رود، مردم قلباً نسبت به هم انس و الفت پیدا می کنند، از نظر روابط اجتماعی دقیقاً روابط آن ها رابطه ای درست خواهد شد، در نتیجه آن جدایی که در جهان فعلی، بین مردم حاکم است را اصلاح می کند. مردم با رغبت قوانینی که دولت برای آن ها تنظیم کرده را به کار می بندند.

به عنوان حسن ختام این بحث حدیث دیگری را تقدیم

حضورتان می کنم. امام باقر علیه السلام می فرماید: «إذا قام قائما يخرج الناس خراجهم على رقابهم إلى المهدي ويوسع الله على شيعتنا ولو لا ما يدركهم من السعادة»؛ (۱۸۸) وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند، مردم مالیات هایشان را خودشان بر می دارند و به دوش می کشند و به دولت امام زمان علیه السلام تحویل می دهند و با رعایت این گونه روابط سالم اقتصادی بین دولت و ملت، موجب می شود شیعیان ما در رفاه و آسایش قرار بگیرند به قدری که در شرایط عادی و در جوامع غیر الهی، چنین رفاه اقتصادی موجب سرکشی مردم می شد.

الآن اگر دقت بکنیم، اگر افرادی یا خانواده ای، یا جامعه ای که از نظر اقتصادی در رفاه و آرامش باشند متأسفانه از این موقعیت خود سوء استفاده می کنند و منحرف می شوند.

اصلاح امور مالیاتی

به طور کلی، یکی از مسائل اساسی که جامعه بشری و دولت های عالم به آن متکی هستند، مالیات هایی است که ملت باید به دولت پرداخت کند و معمولاً از جمله مشکلات اقتصادی، مشکل جمع آوری و ممیزی مالیات است و در این زمینه مقررات و قوانین، همیشه دچار نقص و نقض و ابهام می باشد. هم ممیزین مالیات، دچار مشکل هستند هم مؤدیان مالیات در جامعه دچار مشکل هستند. تشخیص این که مالیات این مؤدی به واقع چقدر است، کار بسیار دشواری است و اگر چنانچه جامعه ای متکی به مالیات باشد و مالیات به خوبی پرداخت نشود از نظر اقتصادی دچار مشکل می شود و هر جامعه ای که قوانین مالیاتی شان قوانین درستی باشد و جامعه، ارتباط مالیاتی اش با دولت، ارتباط صحیحی باشد معمولاً دچار مشکل نمی شود و می تواند جنبه اقتصادی خود را قوی کند و مشکلات جاری و عمرانی دولت خود

را تأمین کند.

حالا این نکته را به عنوان رابطه صحیح دولت و ملت می خواهم از این حدیث استفاده کنم.

می فرماید: در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مؤدیان مالیات؛ یعنی مردم، خودشان مالیات هایشان را به دوش می کشند و تحویل دولت امام زمان علیه السلام می دهند و در نتیجه پرداخت صحیح و کامل مالیات مردم به دولت، دولت از نظر اقتصادی تقویت می شود و جامعه را از نظر اقتصادی به جلو می برد و آباد می کند. به قدری رفاه و آسایش در جامعه زیاد می شود که اگر لطف خدا نبود موجب می شد که مردم از مسیر سعادت منحرف شوند و طغیان کنند. به تعبیر قرآن کریم، وقتی انسان احساس کند که بی نیاز شده سر به طغیان برمی دارد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ * أَنْ رَأَهُ اسْتَكْبَرَ» (۱۸۹) «انسان وقتی خودش را غنی و بی نیاز و مرفه ببیند که هیچ مشکلی ندارد و ظاهراً به کسی محتاج نیست، طغیان می کند».

اما در عصر حکومت امام زمان علیه السلام مردم از نظر اقتصادی قدرت و توان بالایی پیدا می کنند و گشایش و آسایش و وسعت مادی پیدا می کنند اما منحرف نشده، طغیان و سرکشی نمی کنند؛ زیرا در حکومتی زندگی می کنند که خود، عنایت خداست و در رأس حکومتش امام عادل را دارند. کارگزاران این امام هم، کارگزاران عادل هستند؛ هم از نظر فکری و هم از نظر فرهنگی اصلاح می شوند، وقتی اصلاح شدند، نه رفاه اجتماعی و نه رفاه اقتصادی و نه تکامل علمی، هیچ کدام موجب این نمی شود که انسان از مسیر عدالت و تقوا خارج شود و طغیان پیشه کند.

این دورنمایی است از عصر ظهور که خداوند ان شاء الله به زودی زود، ما

را از دولت عالمی امام زمان علیه السلام برخوردار بفرماید.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ، نُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَوَزُّقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.» (۱۹۰)

امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان «ع»

توضیح

به دنبال بحث پیرامون وضعیت دوران حاکمیت امام عصر علیه السلام در این قسمت درباره نعمت امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم حضور شما می کنم. نعمت امنیت از مهم ترین نعمت های الهی برای بشر است.

در حدیث شریفی وارد است که «نعمتان مجهولتان الصّیحه والامان» دو نعمت است که قدر آن مجهول است در حالی که بی اندازه ارزش دارد؛ یکی نعمت عافیت و صحت و سلامت است و دیگری نعمت امنیت و آرامش. نعمت امنیت از نعمت سلامتی هم بالاتر است، اگر انسان از نظر جسمی سلامت کامل داشته باشد اما از نظر روحی و روانی در امنیت نباشد، آن سلامت هم نمی تواند برای او نافع باشد. یکی از مهم ترین مسائلی که جامعه بشری امروزه از آن رنج می برد ناامنی است، در جوامع بشری امروز، ناامنی در جاهای متعددی حاکم است، به گونه ای که انسان ها در خانه خود هم احساس ناامنی می کنند. جنگ ها و خونریزی ها و تجاوزها و عادت به تهدید نظامی و موشک های قاره پیمای دارای کلاهک های هسته ای، ارباب و تهدیدها و تجاوزهایی که توسط ابرقدرت های مسلح در دنیا وجود دارد، ماهواره های جاسوسی و... نعمت امنیت را متزلزل کرده است. رفتار نابخردانه بعضی از انسان ها هم در جوامع کوچک و بزرگ موجب سلب آرامش جامعه شده است. اشاعه فحشا و منکرات، امنیت اخلاقی را به هم زده است، آدم ربایی ها یکی از مسائلی است که در دنیای

پیشرفته جزء ابتلائات است. از نظر تهاجم به فرهنگ و عقاید و آزادی های جامعه بشری، امروز کسی احساس آرامش ندارد؛ بنابراین یکی از مهم ترین مسائلی که در دوران حاکمیت قدرت های باطل، بشر به آن مبتلا می شود، ناامنی و وحشت است و به وجود حاکمیت امام زمان علیه السلام این وحشت از بین می رود و به جای آن آرامش و امنیت و آسایش حاکم می شود.

آیات قرآن درباره امنیت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

این وعده خداست که در آیه شریفه می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ خدا به شما مؤمنان و کسانی که دارای کردار شایسته هستید وعده داده است و در دنباله آیه شریفه می فرماید: «وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (۱۹۱) بعد از دوران حاکمیت خوف و وحشت و ناامنی ها، به واسطه وجود مبارک امام زمان علیه السلام خداوند، امنیت و آرامش را در جامعه حاکم می کند. بر اساس آیات و روایات، عصر حکومت امام زمان علیه السلام عصر امنیت عمومی است. به یکی از این آیات بر اساس نقلی که از امام صادق علیه السلام شده است اشاره می کنم. علاوه بر آیه قبلی که در ارتباط با امنیت مطرح کردم، راوی می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودیم، ابوحنیفه وارد شد، امام صادق علیه السلام رو به او کرد و فرمود: چه می گویی درباره مفهوم این آیه: «سَيَرَوْا فِيهَا لِيَالِيَّ وَأَيَّاماً آمِنِينَ»؛ (۱۹۲) «سیر کنید در زمین، شب ها و روزها در حالی که در امنیت هستید» منظور چیست و کجاست؟

ابوحنیفه گفت: ظاهراً این در ارتباط با راه هایی است که به مکه منتهی می شود و این امنیت در این راه ها وجود دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: پس این همه ناامنی ها و راهزنی ها و غارت هایی را که متوجه

مسافران و زائران بیت الله الحرام می شود چیست؟

ابوحنیفه پاسخی نداشت. سپس امام علیه السلام فرمود: درباره این آیه شریفه که می فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» معنی آن چیست و درباره چیست؟

ابوحنیفه گفت: این آیه ظاهراً درباره بیت الله الحرام است. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا حجاج بن یوسف نبوده که برای دستگیری عبدالله بن زبیر خانه کعبه را به منجنیق بست و تخریب کرد و عبدالله بن زبیر را در آنجا کشت؟ باز ابوحنیفه سکوت کرد. راوی می گوید: وقتی ابوحنیفه از مجلس بیرون رفت، ابابکر خزرمی به امام صادق علیه السلام گفت: یا بن رسول الله! جانم فدای شما باد، منظور از این آیه چیست؟

حضرت فرمود: منظور از امنیتی که در آیه آمده، امنیتی است که در دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام در دنیا و در قلمرو حاکمیت او که کل دنیا است، ایجاد می شود. (۱۹۳) پس می بینیم بر حسب تفسیر امام صادق علیه السلام در زمان حکومت امام زمان علیه السلام عموم بشر در تمام عالم، در آرامش خاطر و امنیت کامل هستند.

روایات امنیت در عصر حکومت امام عصر علیه السلام

به دلالت روایات نیز روایات فراوانی داریم که به بعضی از آن ها اشاره می کنم. یکی از چیزهایی که جزو ضروریات است تأمین امنیت راه هاست. ارتباطات انسان ها از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر اجتناب ناپذیر است، لذا امنیت راه ها بسیار ضروری و مهم است. راوی می گوید: ما الآن در زمان خوبی هستیم. دیگر چرا آرزوی عصر حکومت امام زمان علیه السلام را داشته باشیم؟

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «أما تحب أن يظهر العدل ويأمن السبل وينصف المظلوم؟» (۱۹۴) آیا تو آرزو نداری که عدل شکوفا شود و همه جا را بگیرد و امنیت در همه راه ها، حاکم شود و

مظلومین به حقوق خود برسند؛ یعنی در زمان حکومت امام زمان علیه السلام عدل و انصاف و امنیت همه جامعه را شامل خواهد شد.

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می فرماید: «یقاتلون ولله حَتَّى یوحد لله ولا یشرک به شیئاً و حتی تخرج العجوز الضعيفه من المشرق ترید المغرب ولا ینهاها أحد». (۱۹۵) جهادی که در عصر امام زمان علیه السلام تحقق پیدا می کند موجب می شود که همه خداپرست شوند و هیچ کسی شرک به خدا نمی ورزد و امنیت همه جا سایه اش حاکم می شود. به گونه ای که اگر پیرزن عاجز و ضعیفی اراده کند که از شرق دنیا به غرب دنیا برود می تواند و در امنیت کامل است و کسی متعرض او نمی شود، و کاری به کارش ندارد.

روایت دیگری از علی بن ابی طالب علیه السلام که می فرماید: «واصلحت السباع والبهائم حتی تمشی المرأه بین العراق إلى الشام لا تضع قدمیها إلا علی النبات وعلی رأسها زیلها لا یهیجها سبع ولا تخافه»؛ (۱۹۶) درندگان اصلاح می شوند حال این درندگان، آیا همین بهائم است حیوانات و سبع، درندگان بیابانند؟ البته این معنی شاید به صورت مجازی هم باشد؛ یعنی انسان هایی که خلق و خوی درندگی دارند اصلاح می شوند. درندگان و چارپایان هم اصلاح می شوند. چرا که امام زمان علیه السلام ولایت الهی دارد و در آن ها تصرف می کند. به گونه ای که زنی (ظاهراً منظور زن جوان است) از عراق حرکت می کند و به سمت شام می رود و بر روی سبزه های زمین حرکت می کند؛ یعنی بیابان سبز و خرم می شود، متاع ها و اثاثیه خودش را بر سرش می گیرد و به شام می رود و هیچ کس هم متعرض او نمی شود و او از احدی وحشت

ندارد.

یعنی اگر یک زن از یک نقطه دنیا به نقطه دیگر دنیا برود، آن چنان فهم، درایت و تقوای انسان‌ها بالا می‌رود که هیچ کس متعرض او نمی‌شود. چنین امنیتی در دنیا سابقه ندارد.

در روایت دیگر از ابن عباس است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاهُ وَالذَّنْبُ وَالْبَقْرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْإِنْسَانُ وَالْحَيَّةُ وَحَتَّى لَا تَقْرُضَ فَأَرَهُ جَرَابًا»؛ (۱۹۷) مفهوم این حدیث خیلی مهم است، می‌گوید: درندگان به گونه‌ای اصلاح می‌شوند که خلق و خوی درندگی از آنان گرفته می‌شود، در آن شرایط گوسفند در امنیت است، گرگ در امنیت است، این تنازع بقایی که در دنیا حاکم است از بین می‌رود و گوسفندی که مظلوم است و نمی‌تواند در برابر گرگ از خودش دفاع کند در امنیت کامل است گرگ هم در برابر درنده قوی‌تر از خودش در امنیت است، شیر و گاو که دشمن مقابل همدیگرند در امنیت هستند، انسان از مار که گزنده و زهرآگین است در امنیت است، حتی موش‌ها هم به انبارها حمله نمی‌کنند و آن را نمی‌جویند.

یعنی با وضعی که پیش می‌آید و با عنایتی که خدا به امام زمان علیه السلام دارد، عالم به طور کلی اصلاح می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَأَمِنَتْ بِهِ السَّبِيلُ»؛ (۱۹۸) هنگامی که حضرت قائم قیام کند به عدالت حکومت می‌کند و در دوران او ستم از بین می‌رود و راه‌ها امن می‌گردد».

در روایت دیگر است که شیطان رجیم به دست امام زمان علیه السلام کشته می‌شود؛ یعنی شیطانی که باعث اغوا و انحراف بشر است از بین می‌رود. بنابراین می‌بینیم که از جهات مختلف، امنیت عمومی در جامعه بشری و

در عالم بهائم و درندگان در عصر حکومت امام زمان علیه السلام حاکم خواهد شد.

ما باید به عنوان منتظران ظهور امام زمان علیه السلام جامعه و اخلاق و افکار و محیط زندگی مان را به گونه ای امنیت ببخشیم و اصلاح کنیم تا ان شاء الله بتوانیم لیاقت پیدا کنیم در عصر حکومت امام زمان علیه السلام در آن جامعه ای که مأمّن و محل امن همه است عضویت دولت جهانی امام زمان علیه السلام را داشته باشیم.

آمین یا رب العالمین

وضعیت اقتصادی جامعه در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

اشاره

در این قسمت پیرامون موضوع دیگری در ارتباط با وضعیت زمان ظهور و دوران حکومت سراسر نور امام زمان علیه السلام بحث می کنیم و آن، در باب فراوانی نعمت و احساس غنا و بی نیازی مردم است.

در روایات و آیات قرآن کریم، رابطه تنگاتنگی بین مسائل مادی و نعمت ها با گناه و معصیت ها احساس می کنیم؛ یعنی از بعضی روایات و آیات بر می آید که بر اثر وجود گناه و معصیت مردم و نیز حاکمیتی که در زمین حاکم می شود با فراوانی یا کمبود نعمت ها و فقر، ارتباط مستقیم وجود دارد.

در آیه ای از قرآن کریم می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ (۱۹۹) «و اگر چنانچه اهل آبادی یا یک جامعه ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند و گناه و معصیت نکنند همانا برای آن ها درهای برکات خودمان از آسمان و زمین را می گشاییم».

هر خیر و برکتی که تصور شود یا از آسمان است و یا از زمین، حال این برکات، برکات مادی یا معنوی که از آسمان و زمین و از جانب خدا برای بندگان است چه وقت و به چه شرطی سرازیر می شود، می فرماید: اگر چنانچه

اهل يك جامعه اى ايمان بياورند و تقوا پيشه كنند و گناه و معصيت نكنند و اين دو شرط حاصل شود، خداوند بركات را براى مؤمنين در آسمان و زمين نازل مى كند. در روايات و آيات عكس آن را هم داريم؛ يعنى گاهى بعضى از گناهان موجب مى شود كه عذاب آسمان و زمين بر انسان و جامعه نازل شود. در دعائى شريف كميل اميرالمؤمنين عليه السلام مى فرمايد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ»؛ (۲۰۰) بار خدايا! مرا از آن گناهانى كه باعث تغيير نعمت ها مى شود، پاكم گردان؛ يعنى گناه بر روى نعمتى كه خدا مى دهد اثر مى گذارد. در حديثى از حضرت على عليه السلام است كه: «اذا ظهرت الجنائيات وارتفعت البركات»؛ (۲۰۱) هنگامى كه جنايت ها آشكار شود بركت ها از زمين مى رود».

حال در دوران حكومت امام زمان عليه السلام، كه قبلاً مطالبى تقديم حضور شد، عصر حكومت امام زمان عليه السلام عصر حاكميت دين و معنويت و تقواست. جرم و گناه و معصيت و تخلف ريشه كن مى شود و همه مردم اهل ايمان و تقوا و امانت و صداقت خواهند شد. با توجه به وعده الهى در قرآن كريم، قطعاً بايستى عصر حكومت امام زمان عليه السلام عصر بى نيازى و فراوانى نعمت هاى مادى و معنوى باشد و خداوند درهاى بركات آسمان و زمين را به روى بندگان مى گشايد.

در عصرى كه ما زندگى مى كنيم يعنى عصر غيبت امام زمان عليه السلام و در دورانى كه حكومت ها در دست حاكمان عادل و مجريان منضبط به ضوابط الهى نباشد اگر مردم جامعه بر اساس ضابطه ايمان و تقوا عمل نكنند عصر حاكميت دين به معنای كامل كلمه نباشد، فقر و نادارى و گرفتارى، تجاوز، تبعيض و شكاف طبقاتى

هست و شیطان نیز با نفوذ و حاکمیت در دل ها، انسان ها را از فقیر شدن می ترساند، و تهدید به فقر می کند.

در قرآن کریم می فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»؛ «شیطان شما را به فقر تهدید می کند».

شیطان به پولداران این گونه القا می کند که اگر دستتان به جیبتان برود و بخواهید پولتان را هزینه کنید فقیر خواهید شد، اما در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام دیگر شیطان نیست که بخواهد تهدید به فقر کند. افکار شیطانی دیگر حاکمیت ندارد بلکه مردم تابع خدای رحمانند؛ بنابراین خداوند طبق وعده ای که دارد زمین را پر از نعمت می کند.

فراوانی نعمت

در زمان حکومت امام زمان علیه السلام هم خود نعمت فراوان می شود و برکات آسمان و زمین بر مردم نازل می شود و هم مردم در درون خودشان احساس بی نیازی می کنند. این نکته مهمی است، ممکن است فردی پول فراوانی داشته باشد ولی به دلیل القای شیطانی یا عدم ایمان به خدا، احساس فقر نماید. پول دارد، اما نگران و ناراحت است که مبادا فقیر شود و حتی اموال خود را برای مصالح شخصی اش هزینه نمی کند، خانواده خود را در سختی نگه می دارد، خودش هم غذای خوب نمی خورد، به مسافرت خوب نمی رود، در راه خدا هم مصرف نمی کند، از ترس این که ممکن است فقیر شود. سرمایه دار است اما به خاطر ترس فقر، فقیرانه زندگی می کند. به تعبیر قرآن کریم می فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»؛ «شیطان او را از فقر می ترساند».

مصدق آیه، این افراد هستند، در عین ثروتمندی، واقعاً فقیرند، در ذهن خود احساس فقر می کنند، اگر از او پرسند چگونه ای؟ می گوید: وضعم خراب است. یکی هم ممکن است به دلیل ایمان، اعتقاد و توکلی که

به خدا دارد، فقط نان امروزش را دارد ولی احساس بی نیازی می کند. طبق احادیث در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مردم در دل خود احساس بی نیازی می کنند و هیچ کس احساس فقر در درونش نیست.

از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وارد شده که فرمود: «ویملاً الله قلوب أمه محمد صلی الله علیه وآله غنی ویسعهم عدله حتی یأمر منادياً ینادی، یقول: من له فی المال حاجه؟ فما یقوم من الناس إلا رجل واحد ثم یأمر له بالمال فیأخذ ثم یندم؛» (۲۰۲) در دوران ظهور امام زمان علیه السلام دل های امت پیامبر صلی الله علیه وآله پر از بی نیازی می شود؛ یعنی همه قلباً احساس بی نیازی می کنند و عدل امام زمان علیه السلام همه جا گسترش می یابد تا این که دستور می دهد تا منادی در میان جمعیت ندا کند که هر کسی هر چه احتیاج دارد بیاید و بگیرد. هیچکس بلند نمی شود بگوید من احتیاج دارم غیر از یک نفر، او بلند شده می گوید، من احتیاج دارم، این یک نفر که بلند شده مال را می گیرد بعد پشیمان شده می گوید می خواهم چه کنم، همان را بر می گرداند». این بی نیازی در دل مؤمنین است، احساس احتیاج نمی کنند. البته ما در روایات دیگری داریم که، به قدری اعتماد متقابل در جامعه وجود دارد که اگر کسی چیزی بخواهد دست در جیب رفیق کناری خود می کند، پول را برمی دارد و او هم مانع نمی شود؛ زیرا دل ها یکی می شود.

به یاد روزهای اول انقلاب بیفتید، رایحه ای از حکومت الهی و قلبی و معنوی را در آن عصر دیدیم، مردم اصلاً ولع نداشتند و به دنبال زمین و مال و امتیاز و حقوق و ریاست نبودند، شما بزرگ ترها همه

یادتان هست که هر چه داشتید با دیگران می خوردید جو حاکم بر جامعه در اواخر ۱۳۵۷ و سال ۱۳۵۸ را در ذهن خود مرور کنید، یادم هست بچه های جهاد و سپاه که من از نزدیک در خدمتشان بودم، واقعاً اگر می خواستند مختصر پولی به عنوان کمک هزینه بگیرند خجالت می کشیدند و نمی گرفتند، همین وضع در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به گونه ای می شود که همه این حالت را احساس می کنند، اما پس از آن هر چه به این سمت می آییم از این حالت معنوی فاصله می گیریم، به دنبال زمین و مال و مقام و مسائل دیگر اما در عصر امام زمان علیه السلام واقعاً مردم به سمت و سوی معنویت حرکت می کنند.

حدیث دیگر: حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است، می فرماید: «يَأْتِيهِ الرَّجُلُ وَالْمَالُ كَدَسٍ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي اعْطِنِي فَيَقُولُ خَذْ!» (۲۰۳) زمانی که امام زمان علیه السلام بیاید اموال (بیت المال) روی هم انباشته شده است، بعد کسی به امام زمان علیه السلام خطاب می کند من احتیاج دارم. حضرت می فرماید: برو بگیر، او هم به قدر احتیاج خود می گیرد.

در حدیث دیگری مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: «إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ، عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَيَعْمُرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكَةٍ حَتَّى يُولَدَ لَهُ أَلْفٌ ذَكَرَ لَا تُولَدُ فِيهِمْ أَنْثَى وَتُظْهِرُ الْأَرْضُ كَنُوزَهَا حَتَّى تَرَاهَا النَّاسَ عَلَى وَجْهَيْهَا وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يَوْجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (۲۰۴) زمین به نور پروردگارش روشن می شود البته این که این معنایش چیست بحثی دیگر است

که ان شاء الله در قسمت های بعد مطالبی را خواهم گفت که زمین گنج هایش را ظاهر می کند، این گنجینه ها چیست؟

اولاً استعداد باروری و رویاندن زمین در حدّ اعلا، شکوفا می شود. یک زمانی اگر شما در مزرعه ای یک کیلو می کاشتید مثلاً ۵ کیلو برداشت می کردید، امّا الآن به دلیل اطلاعات و آگاهی که دارند و استعداد زمین را فهمیدند و نهال های کشاورزی را متخصصین کشف کرده اند، استعداد زمین را به تناسب کشت ها فهمیدند، بعضی از زمین هاست که در بعضی از اخباری که از رسانه ها پخش می شود، توان تولید زمین، ۵ برابر گذشته شده، پس این زمین استعداد رویاندن و رشد دادن به مواد تولیدی خود را دارد و در عصر امام زمان علیه السلام زمین هر چه لیاقت دارد ظاهر می کند.

در دل زمین گنج های زیادی خوابیده است که همه این گنج ها را زمین اخراج می کند. همه مردم این گنج ها را می بینند که بر روی زمین است ثروتمندی که در میان آن جامعه وجود دارد و اموال به دستش آمده، داد می زند که زکات بر من واجب است بیایید زکات بگیرید، همه مردم بی نیاز می شوند، همه مردم از نظر مادی به غنا می رسند، ثروت در اختیارشان قرار می گیرد، همه مردم احساس بی نیازی می کنند به خاطر نعمتی که خدا در اختیارشان قرار داده است. حال بینیم آن زمان چه وضعی پیدا خواهد شد.

بنابراین با توجه به آیات و روایات که مطرح شد که بیانگر سامان یافتن وضعیت اقتصادی و مادی و معنوی دوران حکومت امام زمان علیه السلام است، می توان این نکته را نتیجه گرفت که در عصر غیبت امام زمان علیه السلام اگر ما، آن شرطی که خدا قرار داده؛

یعنی ایمان و تقوا را پیشه کنیم، خدا هم عنایات خود را بر ما ارزانی خواهد داشت و نعمت خدا بر ما فراوان خواهد شد.

به عنوان نمونه همین عصر حاکمیت انقلاب اسلامی را ببینیم، این همه فراوانی نعمت است، در هر کشوری که انقلاب رخ داده مردم از نظر مسائل روزمره و مسائل رزق و روزی شبانه روزی خود دچار مشکل می شوند. در سال ۱۳۲۰ بعضی از بزرگان که یادشان هست نقل می کنند، در عرض ۲۴ ساعتی که ایران محل عبور نیروهای متفقین شد، چه قحطی و کمبودی ایجاد شده بود، امّا انقلاب و هشت سال دفاع مقدّس با همه تحریم اقتصادی و گرفتاری داخلی و خارجی و ایجاد نابسامانی مصنوعی در اقتصاد کشور، چقدر نعمت بحمدالله فراوان است. البته مشکلات هست آن هم به دلیل این است که ما یعنی مسؤولین و مردم جامعه، بد عمل می کنیم و رعایت اصول و ضوابط را نمی کنیم امّا خداوند نعمت را بر این ملت به برکت اسلام و امام و خون شهدا ارزانی داشت و در آینده نیز چنین خواهد بود.

امیدواریم که خداوند همه ما را به عنوان منتظران واقعی امام زمان علیه السلام و منضبطین به ضوابطی که خدا برای بندگان شایسته خود تعیین فرموده است قرار داده و مؤدب به آداب دینی بگرداند و ما را با احکام و فرایض دینی آشناتر بفرماید و ان شاء الله ما را از وجود برکات آسمان و زمین خود بهره مند بگرداند.

پیشرفت اطلاعات و تکنیک در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

توضیح

در این قسمت درباره پیشرفت علمی و صنعتی در دوران حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم حضور می نمایم.

امام زمان علیه السلام حکومتش کل عالم را شامل می شود، بنابراین بایستی

هم در رساندن خدمات و نیازمندی‌ها به سراسر عالم دارای قدرت بوده و هم باید از نظر تحکیم موقعیت حکومت خود، اشراف کامل و آگاهی لازم به همه عالم داشته باشد. و براساس روایات و آیات رسیده، این قدرت در اختیار امام زمان علیه السلام قرار خواهد گرفت. حال تسلط امام زمان علیه السلام به سراسر عالم و سلطه و آگاهی به همه عالم، یا با اسباب غیبی است یا با اسباب عادی و طبیعی البته ما بر حسب سابقه ای که از امامت امامان دیگر داریم هیچ کدام از اولیای الهی و امامان هدی - علیهم التحیه و الثناء - با ابزار غیر عادی و غیر طبیعی بر مردم حکومت نمی کردند. حکومت آن بزرگواران بر اساس ابزار عادی و طبیعی بود نه بر اساس کمک گرفتن از ابزار غیبی و معنوی. امام زمان علیه السلام نیز، بر این اساس تصور می شود که بخش اعظم از حکومت و وضعیت او بر اساس ابزار عادی و طبیعی و علمی است، لکن قدرت علمی بشر در آن عصر، بالا می رود. از روایاتی که بعداً تقدیم حضور شما خواهیم کرد به این نتیجه می رسیم که امام زمان علیه السلام بر کل هستی و تمام دنیا و نیز بر آسمان‌ها و زمین و دریا مسلط است. طبق روایاتی که خواهد آمد اطلاعات امام زمان علیه السلام بر کل دنیا اشراف دارد. می دانیم که هر چه زمان پیشرفت می کند قدرت در اختیار کسانی قرار می گیرد که دارای آگاهی و اطلاعات بیشتری باشند. امروزه یک مسأله ثابت شده است که حرف اول را در دنیا از جهات مختلف، کشوری می زند که اطلاعات او از همه بیشتر باشد، حال

این اطلاعات بستگی به موارد مورد نیاز دارد. ممکن است اطلاعات، علمی باشد یا اطلاعات عمومی که تأمین کننده و آماده کننده امنیت جامعه است باشد.

در روایتی از قول ابوبصیر است که امام صادق علیه السلام نقل می کند: در عصر امام زمان علیه السلام آگاهی و اطلاعات و علوم پیشرفت بی نظیری دارد.

قبل از این که روایت را مطرح کنم نکته ای باید توضیح دهم. منظور من در این قسمت این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام علم پیشرفت عظیمی می کند، صنعت و تکنیک به عالی ترین حد خود می رسد، انسان، مسلح به علم و دانش و تکنیک می شود، علمی علاوه بر محدودیتی که در علوم امروز هست.

تفاوت دیگرش این است که در عصر ما و یا عصر قبل از ظهور آن حضرت، علم به عنوان یک وسیله مثبت از او استفاده نمی شود، بیشترین بهره ای که از علم می برند در جهت خلاف و تخریب است، می بینیم که هم به صورت پیشرفت علمی در بعد صنعت به خصوص صنایع نظامی، هم پیشرفت علمی در زمینه فرهنگی و ابزار فرهنگی، علم مورد سوء استفاده شدیدی قرار می گیرد. در حقیقت حاصل علم امروز، بلای جان بشر شده است، پیشرفت علمی در بعد صنایع نظامی، هستی جامعه بشری را تهدید می کند.

برتراند راسل در کتاب خود «آیا بشر آینده ای دارد؟» که به فارسی هم ترجمه شده، ماجرای را نقل می کند و یک تکه از نطق جان اف کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا که ترور شد را نقل می کند که در نطق عمومی خود گفته بود آمریکا قدرت اتمی اش به قدری است که می تواند کره زمین را ۵ بار به خاکستر مبدل کند. راسل می گوید:

طبعاً همین قدرت را هم شوروی دارد، او نتیجه می‌گیرد با توجه به مبارزات تسلیحاتی اتمی که در دنیا وجود دارد امکان این معنی هست که روزی انسان‌هایی که از عقل و خرد لازم و از اخلاق بشری برخوردار نیستند از این سلاح‌های مخرب استفاده کنند. کافی است با فشار دادن تکمه‌های سکوها‌های پرتاب، موشک‌هایی که با کلاهک‌های هسته‌ای استوار است تمام دنیا را به خاکستر تبدیل کند. و او نتیجه می‌گیرد که این بشر به وسیله پیشرفت سلاح‌های نظامی، موجودیت او در خطر است.

امروزه می‌بینیم که رئیس‌جمهور و دست‌اندرکاران سیاست استکباری آمریکا، عربده‌های جنگ طلبی سر می‌دهند آن‌ها هم به خاطر قدرت تسلیحاتی است که در اختیار دارند. یا در زمینه پیشرفت ابزار و تکنیک آگاهی و فرهنگی؛ از جمله پیشرفت رایانه و دستگاه‌های مدرن اینترنت، که ابزار فرهنگی است. امّا متأسفانه از آن سوء استفاده می‌شود. آن‌هایی که در باب کارایی رایانه و اینترنت در سطح بین‌المللی آشنایی دارند، می‌دانند که راهزنی‌ها و دزدی‌ها و غارت‌های اعجاب‌انگیزی از طریق اینترنت در دنیا انجام می‌شود. اشاعه فحشا و تخریب اخلاق به وسیله اینترنت، در دنیا غوغا می‌کند. در یکی از این گردهمایی‌های علمی که یکی از صاحب‌نظران در آن حضور یافته بود و ما هم برای استفاده حضور داشتیم صحبت‌هایی در باب سوء استفاده از اینترنت مطرح کرده که واقعاً هم اعجاب‌آور بود و هم وحشتناک که چگونه به وسیله این دستگاه پیشرفته علمی و فرهنگی، جریان‌های خلاف بشری در دنیا برای انحراف نسل جوان از آن استفاده می‌کنند.

نتیجه می‌گیریم که در عصر ما پیشرفت علمی و پیشرفت تکنیک، چون در کنترل

انسان های خردمند و عاقل وجود ندارد استفاده های تخریبی از آن زیاد است. علم امروز بیش از آن که به بشر خدمت کند، در جنایات و تهدید بشری مؤثر است، اما در عصر حکومت امام زمان علیه السلام این گونه نیست.

در عصر ظهور، همان طور که در گذشته گفتم، علم به حد اعلای ظرفیت بشری کمال پیدا می کند و در جهت خدمت بشر از آن بهره برداری می شود و به این خاطر است که در مقدمه بحث ذکر کردم آسمان ها و زمین و دریاها زیر سلطه امام زمان علیه السلام است.

روایت امام صادق علیه السلام

حال به بخشی از این روایت اشاره می کنم و بخش دیگر آن را در جلسات بعدی خدمتتان ذکر خواهم کرد. اما در باب اطلاع و آگاهی امام زمان علیه السلام به همه عالم، ابوبصیر می گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «إنه إذا تنهت الأمور إلى صاحب هذا الأمر رفع الله - تبارك وتعالى - له كل منخفض من الأرض وخفض له كل مرتفع حتى تكون الدنيا عنده بمنزلة راحته فأیکم لو كانت في راحته شعره لم يبصرها؛ (۲۰۵) هنگامی که فرمانروایی دنیا به صاحب الامر علیه السلام برسد خداوند تبارک و تعالی زمین های پست و فرو رفته را بالا و همه نقاط مرتفع عالم را پایین آورده و همه عالم را مسطح می کند، به گونه ای که همه جا به منزله کف دست او می شود. کدام یک از شما اگر مویی در کف دست او باشد آن را نمی بیند؟»

معنی این که نقاط مرتفع پایین می آید چیست؟ آیا کوه ها به دره ها می افتد و پر می شود و همه عالم مسطح می شود یا این که آگاهی و سلطه امام زمان علیه السلام به حدی است که فرو رفتگی های زمین را

که نقاط پنهانی است، آن را بر ملا و آشکار می کند، درست مانند نقطه بلند که در معرض دید است و نقطه بلند هم که گاهی به خاطر بلندی از تیررس آگاهی دور است به خاطر پیشرفت اطلاعات، مانند زمین های مسطح می کند؟ هر دو معنی متصور است، امروزه شما می بینید که اطلاعات ماهواره ای که وجود دارد کل دنیا برای او مسطح است، اگر در کف دست مویی باشد آن را می بینید. دنیا برای امام زمان علیه السلام مانند کف دست می شود، امام زمان علیه السلام اشراف آگاهی و اطلاعاتی او به کل عالم است و همه عالم را می بینید، اما چگونه؟ همان گونه که در مقدمه بحث گفتم حکومت امام زمان علیه السلام مانند بقیه ائمه علیهم السلام به صورت عادی و طبیعی است، تنها نباید از آن برداشت امدادهای غیبی نمود. پیشرفت علمی در عصر امام زمان علیه السلام آن را ایجاب می کند و در زمان ما این گونه نیست که کشورهای پیشرفته به وسیله اطلاعات ماهواره ای از همه نقاط کور دنیا اطلاع یابند. وقتی امروزه، بشر پیشرفته و مسلح به تکنیک بتواند چنین اطلاعاتی داشته باشد، در عصر امام زمان علیه السلام که اوج آگاهی است، اطلاعات و کسب اطلاعات عمیق تر نخواهد بود؟ قطعاً امام زمان علیه السلام به همه عالم مانند کف دست اشراف و آگاهی دارد.

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده که وجه تسمیه امام زمان علیه السلام به مهدی این است: «إنما سمي المهدي لأنه يهدي إلى أمر خفي حتى إنه يبعث إلى رجل لا يعلم الناس له ذنباً فيقتله حتى إن أحدهم يتكلم في بيته فيخاف أن يشهد عليه الجدار»؛ (۲۰۶) ایشان مهدی نامیده شد. چون او

هدایت می شود به همه امور پنهانی عالم و مأمور می فرستد برای دستگیری کسانی که مردم فکر نمی کنند هیچ گناهی و جرمی داشته باشند، اما امام زمان علیه السلام آن ها را دستگیر و مجازات می کند و به قتل می رساند و طوری می شود که افرادی که می خواهند حرف خلاف در خانه خود بزنند می ترسند که دیوار علیه آن ها شهادت بدهد. پس با این تعبیر، ایشان همه چیز را می بیند و همه نقاط و همه اطلاعات و همه امور در نزد امام زمان علیه السلام است. لذا باعث می شود مردم متوجه شوند امام زمان علیه السلام از همه پنهان ها خبر دارد. امروزه می بینیم بشر با همین علم محدودی که دارد این وضعیت را پیدا کرده، امروزه اطلاعات ماهواره ای به قدری قوی شده که می توان از خانه افراد هم اطلاع یافت و با کار گذاشتن میکروفون ها و دوربین های مخفی که در دیوارها به کار می رود که شخص هر حرکتی که در خانه خود داشته باشد را می توانند به هر نقطه ای از عالم مخایره کنند، با این که علم امروز محدود است. اما در عصر امام زمان علیه السلام چگونه خواهد بود. لذا در این روایت مردم وقتی می خواهند در خانه خود حرف خلاف بزنند می ترسند مبادا دیوار به امام زمان علیه السلام خبر بدهد.

اشراف کامل امام زمان علیه السلام به امور عالم

این اشراف کامل امام زمان علیه السلام به کل عالم است، حال یا به وسیله ابزار پیشرفته علمی است و یا عنایات خاصه الهی.

اما در باب انرژی، امام صادق علیه السلام فرمود: «إِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ»؛ (۲۰۷) هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند زمین به نور پروردگار نورانی می شود و مردم از نور خورشید

بی نیاز می شوند و ظلمت از بین می رود». مفهوم آن چیست؟ الان خیلی متوجه نمی شویم.

مگر همین بشر نبود که در بخشی از ۲۴ ساعت که زمین در تاریکی فرو می رفت، در آن قسمت از نقطه جغرافیایی که زندگی می کنیم با وسایل چوبی نور ایجاد می کردیم.

کم کم مواد ناریه دیگری کشف شد، به وسیله نفت روشن می شد. اکنون به وسیله انرژی آبی به تعبیر معروف، انرژی سفید از آب، برق می گیرند.

راکتورهای اتمی برق تولید می کنند، شب را مانند روز برای ما روشن می کنند در گذشته که این طور نبود. عصر امام زمان علیه السلام شاید بشر به تکنیک و فن آوری دست پیدا کند که شب و روز، روشن روشن باشد و اگر بخواهد ظلمت از بین می رود. یک مفهوم آن این می تواند باشد که در آن عصر، بشر به یک فن آوری جدیدی دست پیدا می کند که به انرژی خورشید هم نیاز ندارد، از یک انرژی پیشرفته تری برخوردار می شود. همین اکنون هم علما و دانشمندان در این فکرند که دیگر از نور خورشید استفاده کنند که طول ۲۴ ساعت محیط زندگی شان روشن باشند. در آن عصر، شاید به نکته ای دست یابند که حتی به نور خورشید هم احتیاجی نداشته باشد و به وسایل پیشرفته تری متوسل شوند و ظلمت را از بین ببرند. شاید با ابزار پیشرفته از حرارت و گرمای داخل زمین برای کسب انرژی و استخراج نور استفاده نمایند. الان نمی توانیم ابعاد مختلف آن را کاملاً لمس کنیم، فقط از پیشرفت تکنیک امروزه به عنوان وسیله ای برای قبول این احادیث استفاده می کنیم.

تسلط امام زمان علیه السلام بر آسمان ها

در باب تسلط امام زمان علیه السلام بر آسمان ها، امروزه می بینیم که حداقل بخشی از آسمان ها زیر

اتم‌سفر در اختیار بشر است و به وسیله هواپیماهای پیشرفته، در جو حرکت می‌کند، به وسیله فضاپیماها، از جو هم عبور می‌کند به بعضی از کرات دسترسی پیدا کرده، آپولو را به کره ماه فرستاد.

به این حدیث دقت کنید. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وذخر لصاحبکم الصعب قال: قلت: وما الصعب قال: ما کان من سحاب فیه رعد وصاعقه أو برق فصاحبکم یرکبه أما إنه سیرکب السحاب ویرقی فی الأسباب أسباب السماوات السبع والأرضین السبع؛ (۲۰۸) سرور، صاحب و ولی امر شما یعنی امام زمان علیه السلام به صعب دسترسی پیدا می‌کند. پرسیدند: منظور از صعب چیست؟ فرمود: صعب ابری است که در آن رعد و برق و صاعقه شدید است. امام زمان علیه السلام بر آن تسلط می‌یابد و آن را در اختیار می‌گیرد و بر آن سوار می‌شود و از آسمان و زمین هفتگانه بالا می‌رود».

یعنی چه؟ امروز بشر بر آهن پاره سوار شده بر آسمان می‌رود، امروزه بشر به کمک گازها و مواد سوختنی سوار بر فلز می‌گردد به آسمان می‌رود. آیا امام زمان علیه السلام بر ابر سوار می‌شود؟

حال منظور از ابر چیست؟ ابر به معنی گاز یا چیز دیگری است نمی‌دانیم ولی این حدیث بیانگر قدرت فوق العاده امام زمان علیه السلام در استفاده از انرژی‌های موجود عالم است.

خداوند در آیه شریفه سوره مبارکه رحمن می‌فرماید: «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتِطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَآ تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ؛ (۲۰۹) «ای جن و انس! اگر می‌توانید به اقطار آسمان‌ها نفوذ کرده، پس به آسمان‌ها بروید. نمی‌توانید به آسمان‌ها نفوذ کنید مگر با قدرت».

شاید بگویید که اگر ما مفهوم این آیات را بخواهیم

به مفهوم دنیوی تفسیر کنیم بعضی از این تفسیرها به دنیا می خورد، بعضی به آخرت و شاید بتوان گفت که در عصر امام زمان علیه السلام با سلطه علمی که دارند می تواند به آسمان ها نفوذ کند، همان طور که در حدیث فوق آمده است؛ بنابراین با قدرت علمی به وسایل حتی مادی و طبیعی با عنایت خاصه الهی، امام زمان علیه السلام به آسمان ها دسترسی پیدا می کند و به لطف الهی به کُرات نفوذ می کند. در بخش بعدی راجع به عمق پیشرفت علمی و اطلاعاتی و ابزار آگاهی که در عصر امام زمان علیه السلام در اختیار بشر قرار می گیرد صحبت خواهیم کرد.

خداوند دل های ما را به نور حضرت مهدی علیه السلام نورانی فرماید، ان شاء الله.

آمین یا رب العالمین

پیشرفت علمی و صنعتی در عصر ظهور امام زمان علیه السلام

اشاره

در قسمت قبلی پیرامون پیشرفت علمی و ترقی تکنیک و صنعت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام صحبت کردیم. بخشی از مطالبی را که به دنبال همان مطلب لازم بود تقدیم محضرتان کنیم در این قسمت مطرح می نمایم، و آن مطلب درباره تسلط امام زمان علیه السلام و یارانش بر دریاها با ابزارهای عادی و یا امدادهای الهی است. حدیثی مفصل و طولانی در کتاب شریف بحارالانوار از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در دو بخش آن را تقدیم حضور شما می کنم.

تسلط امام زمان علیه السلام بر دریاها

قسمت اول: در زمینه تسلط آن حضرت در دریاها و عبور به آسانی از آب ها و اقیانوس هاست که می فرماید: «إذا قام القائم علیه السلام و یبعث جندا إلى القسطنطنیه فإذا بلغوا إلى الخلیج کتبوا علی اقدامهم شیئاً و امشوا علی الماء؛» (۲۱۰) امام زمان علیه السلام لشکری را به قسطنطنیه اعزام می کند برای تسخیر سرزمین هایی که در دست دیگران است و به قصد زیر حکومت اسلامی در آوردن آن سرزمین ها و آن ها چون به قسطنطنیه و سپس به سوی خلیج رهسپار می شوند. وقتی به آب رسیدند چیزی بر پاهایشان می نویسند آن گاه از روی آب عبور می کنند.» حال این به چه ترتیب است؟ آیا به کمک آیاتی از قرآن و دعاها است، یا به برکت ولایت امام زمان علیه السلام حاصل می شود؟

طبعاً انسان هایی که از نظر ایمان و شناخت و عمل صالح به آن درجه اولیاء الهی برسند، آن ها نیز از جانب خداوند این ولایت را بر طبیعت پیدا خواهند کرد همان گونه که در قرآن کریم درباره یکی از افراد و اطرافیان حکومت سلیمان پیغمبر علیه السلام خبر می دهد که در یک چشم به هم زدن، تخت و بارگاه بلقیس را به جایگاه

سلیمان حاضر کرد.

همان ولایتی که در تاریخ نظیر آن بسیار آمده است و یاران و سربازان امام زمان علیه السلام با همین عنایات و با همین قدرت های معنوی از روی آب عبور می کنند. بنابراین دریاها هم در قلمرو آن هاست و از دریاها هم استفاده های بهینه خواهند کرد.

همان گونه که قبلاً متذکر شدیم در ارتباط با مسائلی که راجع به تسلط آسمان و زمین و دریاهاست به دلیل تکامل بشر امکان پذیر خواهد شد و به گونه ای می شود که امام زمان علیه السلام از نهایت قدرتی که در انسان می تواند به وجود بیاید و به کمال عالی برسد و از نهایت قدرت انسان استفاده می شود و استعداد و لیاقت های موجودات را به فعلیت رسانده و از آن استفاده می کند. اکنون بشر عادی توانسته از اتم، قدرت عظیم و شگفت آوری به دست آورد و از آن بهره مند شود. در عصر امام زمان علیه السلام علاوه بر کمک و امدادهای غیبی، از دانش و فن آوری هم که به عالی ترین درجه رشد خود خواهد رسید بهره کامل خواهد برد و خاصیت همه موجودات کشف خواهد شد. از این طریق است که سلطه امام زمان علیه السلام و حکومت او به تمام عرصه گیتی از آسمان و زمین و دریاها، سلطه عالی و کامله است و این سلطه برای اعمال زور و ظلم و به دست آوردن امکانات مادی در جهت تضييع حقوق افراد نیست، بلکه برعکس، این ها همه برای آن است که حقوق افراد آن چنان که حقشان است به آن ها برسد و بشریت در عرصه هستی از آنچه را که خدا برای او آفریده در نهایت درجه کمال استفاده کند.

در روایت دیگر داریم که

امام زمان علیه السلام وقتی حکومتش به همه دنیا رسید برای اعمال حاکمیت خود در همه اقالیم مسؤولینی را نصب می کند، امام صادق علیه السلام می فرماید: «إذا قام القائم بعث فی اقالیم أرض فی کل اقلیم رجلاً یقول عهدک فی کفک فإذا اورد علیک مالاً- تفهمه ولا تعرف القضاء فیہ فانظر إلی کفک واعمل بما فیها»؛ (۲۱۱) وقتی امام زمان علیه السلام به حکومت رسید برای هر ناحیه ای فردی می گمارد و آن را به آنجا می فرستد؛ یعنی فرماندار و والی برای اطراف و اکناف عالم انتخاب می کند. همان طوری که امیرالمؤمنین هنگامی که مالک را به مصر فرستاد عهدنامه حکومتی خود را در اختیار داشت، امام زمان علیه السلام هم به این فرستاده خود می گوید عهدنامه تو در کف دست توست؛ یعنی دستورالعمل را در اختیار و در کف دست او قرار می دهد و به او می گوید: وقتی به یک مسأله ای برخورد کردی که نمی دانی حکمش چیست و نمی توانی آن را بررسی کنی و دستور و راه حل آن را بلد نیستی به کف دست نگاه کن. نمی فرماید: «فانظر ما فی کفک» می فرماید: «فانظر الی کفک» (به آن چه در دست توست) به کف دست نگاه کن، این چه معنی دارد؟ ممکن است خیلی معنای پیچیده ای داشته باشد اما می خواهم از آن استفاده ای کنم؛ شما امروزه به این دستگاه های پیشرفته کامپیوتر و رایانه توجه کنید که به شبکه جهانی اینترنت متصل هستند، به محض این که در یک مسأله گیر کرده باشند با توجه به رایانه های کوچک جیبی که در کف دست جای می گیرد می توانند عالی ترین و کامل ترین اطلاعات روز را از شبکه های بین المللی بگیرند. حال اگر یک کسی وابسته به مرکزی

باشد و آخرین اخبار را از مرکز خود بگیرد می تواند از همین رایانه ها که به اینترنت متصل و به اندازه کف دست است استفاده کند. این قدرت امروزی بشر است اما در عصر امام زمان علیه السلام همان طور که قبلاً گفتم دو حرف از ۲۷ حرفی که استعداد علمی بشر است در عصر قبل از ظهور شکوفا می شود. در عصر امام زمان علیه السلام تمام ۲۷ حرف شکوفا می شود. بشر به چه قدرتی دست می یابد، خدا می داند. این که امام زمان علیه السلام می فرماید: به کف دست خود نگاه کنی می فهمی که چه باید بکنی، بیانگر پیشرفت علم و تکنیک و صنعت در آن عصر است که ما امروز نمی توانیم بفهمیم که حدش تا کجاست.

وضعیت روابط مردم با همدیگر در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

در روایت دیگری هم از امام صادق علیه السلام نقل شده که راجع به وضعیت و دوران ظهور حکومت امام زمان علیه السلام می فرماید: «إن قائمنا إذا قام مد الله لشيئتنا في أسماعهم وأبصارهم حتى لا يكون بينهم وبين القائم برید يكلمهم فيسمعون وينظرون إليه وهو في مكانه»؛ (۲۱۲) هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند خداوند در گستره دید و شنید شیعیان ما امتداد می دهد؛ یعنی قدرت بُرد گوش و چشم آن ها را گسترش می دهد به گونه ای که بین مردم و امام زمان علیه السلام واسطه ای (مثل پستی) وجود ندارد، مردم دستورات خود را از امام زمان علیه السلام مستقیم و رخ به رخ می گیرند امام زمان علیه السلام با همه مردم و شیعیان خود در دنیا صحبت می کند، همه نگاهش می کنند حرفش را هم می شنوند در حالی که امام زمان علیه السلام در محل استقرار خود قرار دارد، مردم دنیا حرف امام زمان علیه السلام را می شنوند و چهره

مبارکشان را می بینند. شاید در ۵۰۰ سال قبل مفهوم این حدیث با دلایل امداد غیبی قابل قبول بود اما امروزه مهم این حدیث آسان شده، الآن با به بازار آمدن تلفن های تصویری که نتیجه صنعت امروز است، این طرف عالم یکی با برادر خود تماس گرفته در آن طرف دنیا، او را با تلفن می بیند. حال حدیث دیگری هم هست که پیشرفت صنعت به فهم ما کمک می کند. پیغام های تصویری ماهواره ای فرض کنید که در سازمان ملل مراسمی است که مربوط به کل دنیا است که می خواهند مردم دنیا به طور همزمان آن را ببینند. رسانه های ماهواره ای تصویری همزمان آن را مخابره می کنند. کل دنیا آن را به صورت زنده می بیند در حالی که در منطقه خودشان هستند حرف هایشان را می شنوند و چهره هایشان را می بینند. در عصر امام زمان علیه السلام که قطعاً ابزار علمی پیشرفته تری در اختیار بشر قرار می گیرد آنچه در استعداد طبیعت است کشف می گردد.

در حدیث دیگری هم هست که می فرماید: «وإنه لیبغ سلطانہ المشرق والمغرب وتظهر له الكنوز لایقی فی الأرض خراب إلا لیعمره»؛ (۲۱۳) امام زمان علیه السلام شرق و غرب را در اختیار دارد و در آن شرایط زمین گنج های خود را ظاهر می کند، هیچ جایگاه خرابی نمی ماند مگر آن که آن را آباد خواهد ساخت.

این گنج چیست؟ آیا فقط طلا و نقره و معادنی که امروزه بشر آن را شناخته است منظور است یا استعدادهای عجیب و شگفت آوری که در همین زمین وجود دارد؟ در همین مولکول چه بسا استعداد عجیبی و قدرت عظیمی وجود داشته باشد که بشر تاکنون از آن آگاه نیست. در همین اتم چه قدرتی وجود داشت که

بشر امروز کشف کرد. امام زمان علیه السلام از استعدادهای زمین و ماده استفاده کرده، آن را کشف می کند. زمین و زمان هر چه دارد در اختیار او قرار داده و تسخیر وجود امام زمان علیه السلام می شوند و لذا امام زمان علیه السلام با شکوفا شدن نهایی استعداد علمی بشر و شکوفا شدن استعداد نهایی زمین و ماده، از او برای گسترش و بسط حکومت الهی اش بهره می گیرد.

باز در همین رابطه انسان هایی که در قلمرو امام زمان علیه السلام هستند دارای چنین قدرت و ابزاری می شوند. روابط انسان ها هم در آن عصر، رابطه فوق العاده ای می شود که در این مورد حدیث شریف را خدمتتان مطرح می کنم:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيَرَى أَخَاهُ الْعَدِيَّ فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الْعَدِيَّ فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ بِالْمَشْرِقِ»؛ (۲۱۴) مردم مؤمن در عصر حکومت امام زمان علیه السلام هم، این گونه می شوند، برادری که در مغرب زندگی می کند برادرش را در شرق می بیند و آن برادر هم همزمان این برادرش را که در این طرف است می بیند. همان طور که عرض کردم امروز تلفن های تصویری و اینترنت همین کار را می کند. حال در عصر امام زمان علیه السلام قطعاً امکانات بیشتر است این ها می تواند به عنوان نمونه و نشانه ای باشد از این که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام جامعه و بشر ترقی می کند و همه آنچه را که انسان به آن احتیاج دارد به عالی ترین وجه در اختیارش قرار می گیرد.

دنیای آن عصر به دلیل حاکمیت حق و عدل و عنایات خاصه الهی و اعمال ولایت امام معصوم، همه در رفاه، آسایش، آسودگی، غنا، بی نیازی و سلامت روانی و جسمی و امنیتی هستند.

اگر

در آینده فرصتی شد اخبار و احادیث دیگری را تقدیم حضور شما خواهم کرد.

اینک به یکی از بیانات حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که مربوط به بعد از ظهور امام زمان علیه السلام است اشاره می‌کنم.

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «لایبقی علی وجه الأرض أعمی ولا مقعد ولا مبتلی إلا کشف الله عیبه وبلائه بنا أهل البیت»؛ در آن عصر در دنیا ناینایی وجود ندارد مگر آن که خداوند به برکت ما اهل بیت او را بینا می‌کند، مبتلا و زمین‌گیری وجود ندارد مگر این که خداوند به برکت ما اهل بیت او را شفا می‌دهد؛ یعنی دیگر در دنیا غم و کدورتی نیست و عوامل ایجاد کننده غم و کدورت و مریضی و مشکلات از بین خواهد رفت. امروز ببینید که در عصر ما، جامعه بشری از بیماری ایدز مورد تهدید جدی قرار گرفته است، اشاعه و گسترش میکروب سیاه زخم توسط آمریکا و عواملش، بشر را تهدید می‌کند.

امّا در عصر ظهور، عوامل امراض مختلف از بین می‌رود. این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام از جهات گوناگون بشریت به عالی‌ترین درجه ترقی و کمال خود می‌رسد.

در پایان این بحث بخشی از سروده ام در باره امام عصر علیه السلام را می‌آورم.

جهان چو پر شود از ظلم و جور و خونریزی قیام می‌کند او گر خدا شود راضی

که تا تمام جهان پر ز عدل و داد شود

تمام روی زمین پر از فساد شود

فقط حکومت واحد در آن به پا گردد

که ترس از دل مستضعفان جدا گردد

جمیع جن و ملک عهده دار فرمانند

مطیع امر مطاعش چو صد سلیمانند

جناب عیسی مریم ملازمش باشد

فرشتگان سماوات خادمش باشد

امان و امن و عدالت و فور هر

شود سراسر گیتی پر از صمیمیت

علوم اهل زمین با تمام ظرفیت

شود شکفته و پر بار هر ملت

بیا به حرمت زهرا بریم دست دعا

که تا به امر ظهورش خدا کند امضا

جهان به نور وجودش همه صفا یابد

دل غمین «فیاضی» هم شفا یابد

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ،

وَإِكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

سرانجام حکومت امام زمان «ع»

سرانجام حکومت امام زمان «ع»

در بحث امروز درباره سرانجام حکومت امام زمان علیه السلام و پایان کار آن حضرت مطالبی را تقدیم حضور شما می کنم. قبلاً گفتیم که مدت حکومت امام زمان علیه السلام را حداقل ۵ سال و حداکثر ۳۰۹ سال ذکر کرده اند و در این مورد که منظور از سال آیا همین مقیاس و معیاری است که اکنون از آن برداشت داریم؛ یعنی ساعت متشکل و مرکب از دقایقی است که اکنون ما از آن سنجش داریم و روزها هم از همان ساعت و ایام و ماه که دوازده ماه یک سال را تشکیل می دهد و آیا سالی که امام زمان علیه السلام در آن حکومت می کند دارای همان معیارها است، صحبت های مفصلی شد اما به ذکر یک حدیث که درباره مدّت حکومت امام زمان علیه السلام است و بیانگر مدّتی است که در روایت ذکر شده است می پردازم. این حدیث از امام باقر علیه السلام نقل شده که می فرماید: «ویملک القائم علیه السلام ثلاث مائة سنة ويزداد تسعاً كما لبث أهل الكهف في كهفهم»؛ (۲۱۵) امام زمان علیه السلام ۳۰۹ سال حکومت می کند همانند اصحاب کهف که ۳۰۹ سال در غار خودشان مکث کردند و در آنجا اقامت کردند. در مورد ۳۰۹ سالی که امام زمان علیه السلام پس از ظهورش در این جهان حکومت می کند و حکومت او جهان را

به عالی ترین درجه عدل و کمالش می رساند، در بخش های قبلی مطالبی را تقدیم کردم.

شهادت، میراث اهل بیت علیهم السلام

چیزی که هست این سؤال در مورد امام زمان علیه السلام مطرح است که سرانجام کار امام زمان علیه السلام چه خواهد شد و کیفیت ارتحال آن حضرت چگونه است؟

با توجه به کلیات روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است امام زمان علیه السلام هم سرنوشت حیاتش همانند اجداد طاهرینش علیهم السلام با شهادت رقم خواهد خورد؛ یعنی امام زمان علیه السلام به مرگ عادی از دنیا نخواهد رفت. در این باره احادیثی داریم که به صورت کلی بیانگر این است که صاحبان عصمت و طهارت از خاندان پیغمبر علیهم السلام همگی به شهادت می رسند. امام حسن علیه السلام بعد از شهادت پدرش امام علی علیه السلام می فرماید: «لقد حدّثنی حبیبی وجدی رسول الله صلی الله علیه وآله إنّ الأمر یملکه اثنی عشر اماماً من أهل بینه وصفوته مامناً إلّا مقتول أو مسموم»؛ (۲۱۶) محبوب من، جد من رسول خدا صلی الله علیه وآله به من خبر داده است که این فرمانروایی بر امت اسلامی بر ۱۲ نفر از ائمه، بعد از من تعلق خواهد داشت؛ یعنی بعد از من ۱۲ نفر، امر ولایت و امامت امت اسلامی را به عهده خواهند گرفت که همه از اهل بیت من و جانشینان و از برگزیدگان و اصفیای من هستند که هیچ یک از این امامان نیستند مگر این که یا با شمشیر کشته می شوند یا با سم مسموم می شوند. همچنین حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مامناً إلّا مقتول أو مسموم».

با توجه به مفهوم این حدیث باید امامان به شهادت می رسیدند کما این که امیرالمؤمنین تا امام عسکری علیهم السلام همگی
یا

با شمشیر یا با زهر ستم ستمکاران به شهادت رسیدند.

مرحوم شیخ مفید در کتاب «شرح العقائد» می فرماید: همه بزرگان از اهل بیت عصمت و طهارت از رسول خداصلی الله علیه و آله تا امام عسکری علیهم السلام همگی به شهادت رسیدند.

ممکن است بعضی از این شهادت ها در تاریخ به ظاهر قابل اثبات نباشد ولی بعضی های دیگر صد در صد قابل اثبات است. بر حسب نقلی که در بعضی از کتب آمده است، رسول خداصلی الله علیه و آله نیز بارها مسموم شدند اما آثار زهر در وجود حضرت مخفی بود تا زمانی که در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری از دنیا ارتحال یافت، آثار آن زهر مهلکی که آن زن یهودی به خورد حضرت داده بود موجب رحلت آن حضرت گردید.

اگر ممکن باشد از نظر تاریخی هم تحلیل درست کرد و جمع بین این نقل در روایاتی که خدمتتان تقدیم شد نمود، می شود نتیجه گرفت که رسول خداصلی الله علیه و آله نیز به وسیله سمی که یهودی به خورد آن حضرت داده به شهادت رسیده است.

حضرت زهرای مرضیه علیها السلام نیز بلافاصله پس از رحلت رسول خداصلی الله علیه و آله در راه دفاع از امامت و ولایت به شهادت رسید و در نتیجه امام زمان علیه السلام که اکنون در پس پرده غیبت است و پس از آن که ظهور کند به لطف پروردگار، جهان را به نور عدلش پر نور نماید، سرانجام کار او نیز با شهادت رقم می خورد و با شهادت از دنیا به جوار رحمت حق می رود. روی این حساب می توانیم این گونه نتیجه بگیریم که کیفیت ارتحال امام زمان علیه السلام نیز شهادت است اما اکنون سؤال این است

که شهادت امام زمان علیه السلام به چه ترتیب است و چه کسانی ایشان را به شهادت می‌رسانند؟ در کتاب‌ها در این باره بحث زیادی نشده است، در کتاب «الزام الناصب» نکته‌ای از قول بزرگان نقل کردند که امام زمان علیه السلام پس از حکومتی که در دنیا انجام داده در حالی که از کوچه‌ای عبور می‌کنند، زنی به نام سعیده از قبیله بنی تمیم که ظاهری چون مردان دارد یعنی دارای ریش است از بالای خانه‌ای سنگی را به سر مبارک امام زمان علیه السلام می‌زند و موجب شهادت حضرت می‌گردد.

مراسم تجهیز امام عصر علیه السلام پس از شهادت

تا اینجا را در ارتباط با وضعیتی که در پایان عمر امام زمان علیه السلام حادث خواهد شد خدمتتان شرح دادم اما سؤال دیگر به عنوان آخرین نکته این قسمت تقدیم حضور می‌شود و آن این که بر حسب عقیده‌ای که ما شیعیان داریم و در کتب ما مفصل در این مورد بحث شده است، معصوم را جز معصوم کسی دیگر نمی‌تواند غسل دهد، کفنش نماید، لذا می‌بینید که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که لحظات از دنیا رفتنش فرا می‌رسد وصیت می‌کند که فردی که تجهیزات او را به عهده می‌گیرد خود علی بن ابی طالب علیه السلام باشد و اولین فردی که بر پیکر مطهرش نماز می‌گزارد خود علی بن ابی طالب علیه السلام باشد و لذا بعداً برای آن که همه مؤمنین به این برکت متبرک شده و به این فیض بزرگ نایل شوند گروه گروه و دسته دسته آمدند تا بتوانند بر پیکر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز بگذارند؛ اما نماز اصلی را امیرالمؤمنین علیه السلام بر بدن مطهرش خوانده و خود حضرت علی علیه السلام رسول خدا صلی

الله عليه وآله را غسل داد و کفن کرد و به خاک سپرد. بدن مطهر حضرت زهراى مرضيه عليها السلام را که با آن که بانویی بوده و بانوان دیگری نیز حضور داشتند امّیا طبق وصیت حضرت زهراى مرضيه عليها السلام خود امیرالمؤمنین علیه السلام شستشو کرد و غسل دادند. به اسماء بنت عمیس هم سفارش شده است که بر بدن مطهرش آب بریزد، امّیا دست مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام است که باید بر بدن مطهر زهراى مرضيه عليها السلام لمس شود و آن را غسل دهد و خود امیرالمؤمنین علیه السلام باید بدن حضرت زهراى معصومه عليها السلام را به خاک بسپارد.

درباره دیگر ائمه هم همین طور است. ما عقیده داریم بدن مطهر و بی سر و پاره پاره ابا عبدالله الحسین علیه السلام را امام سجاده علیه السلام با ولایت الهی که داشت در کربلا حاضر شد و به کمک بنی اسد بدن مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را به خاک سپرد. در مورد امام زمان علیه السلام هم که امام معصوم است عقیده داریم که غیر از معصوم شخص دیگری نمی تواند به خاک بسپارد.

بر همین اساس روایات فراوانی در کتب شیعه است که معتقدیم بدن مطهر امام زمان علیه السلام را ابا عبدالله الحسین علیه السلام به خاک می سپارد. (۲۱۷)

توضیح مطلب

در اینجا قطعاً ضرورت دارد که ما راجع به این مطلب توضیحاتی بدهیم؛ امام حسین علیه السلام که در سال ۶۱ هجری به شهادت رسید و زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور می کند ایشان قطعاً در بهشت حضور دارد. و این که می آیند و بدن مبارک امام زمان علیه السلام را شستشو داده و دعا خواندن و کفن کردن را به عهده می گیرد. به چه معناست؟ آیا امام حسین علیه السلام زنده

می شود؟

اینجا بحث رجعت مطرح می شود که خود، بخشی از عقاید مسلمانان را تشکیل می دهد، نه تنها ما شیعیان بلکه اهل سنت هم به رجعت معتقدند که ان شاء الله در قسمت های آینده در مورد عقیده ما راجع به رجعت بحث خواهیم کرد.

بنابراین در اینجا نتیجه می گیریم که به حکم عقیده شیعیان و به حکم اسنادی که در اختیار است اباعبدالله الحسین علیه السلام پس از رحلت امام زمان علیه السلام می آیند و بدن مطهر حضرت را غسل می دهند و او را کفن می کنند و بر آن نماز می خوانند و به خاک می سپارند و بعد حکومت امام زمان علیه السلام با هدایت و ولایت اباعبدالله الحسین علیه السلام استمرار پیدا می کند. همین جا توصیه می کنم که بر اساس آیات قرآن و روایاتی که از ائمه هدی و رسول خدا علیهم السلام رسیده است ممکن است مطالبی باشد که تاکنون در جلسات عمومی کمتر مطرح شده باشد و پذیرفتن آن از نظر شرایط عادی و طبیعی دشوار باشد، لکن با مطالعه و بررسی و رجوع به مدارک عقیدتی، راه پذیرش هموار می شود. عقیده ما به قدرت ذات اقدس پروردگار متکی است که اگر بخواهیم از آن دید اعتقاداتمان را تحلیل و تبیین کنیم قطعاً پذیرش همه این مسائل برای ما آسان و راه عقیده پیدا کردن به این ها آسان و قابل قبول خواهد شد که ان شاء الله در بحث های آینده در این باره بیشتر صحبت خواهیم کرد.

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ،

وَكَحْلُ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجَلُ فَرْجِهِ، وَسَهْلُ مَخْرَجِهِ»

آمین یا رب العالمین

دلایل اثبات رجعت و تعریف آن

اشاره

در قسمت گذشته پیرامون مدت حکومت امام زمان علیه السلام و سرانجام حکومت و حیات و زندگی آن حضرت علیه

السلام بحث کردیم. اکنون راجع به حکومتی که بعد از حکومت امام زمان علیه السلام استمرار پیدا خواهد کرد و به عبارت دیگر درباره جانشینان امام زمان علیه السلام بحث می‌کنم.

نکته ای که قبل از پرداختن به این موضوع می‌بایست درباره آن گفت و گو کرد، مسأله رجعت است. یعنی ما معتقد هستیم که بعضی از انسان‌های نیکوکار قبل از قیام قیامت، در همین دنیا، روحشان به بدنشان برگشته و به دنیا باز می‌گردند. البته این با عقیده تناسخ که از نظر ما باطل است تفاوت دارد. قائلین به تناسخ معتقدند روح انسان‌هایی که از دنیا رفته‌اند، در جسم جدیدی حلول می‌کند و به دنیا بر می‌گردد و در عرصه دنیا حاضر می‌شود. این عقیده از نظر ما به دلایل مختلف مردود و باطل است. بحث جانشینی امام زمان علیه السلام هم از باب رجعت قابل بررسی است به همین خاطر، قبل از این که راجع به جانشینان امام زمان علیه السلام صحبت کنم، درباره رجعت، بنا به عقیده شیعه مطالبی را تقدیم حضور می‌کنم.

تعریف رجعت

کلمه رجعت؛ یعنی بازگشت، امّا از نظر عقیدتی به معنی بازگشت روح انسان به بدن خود در همین دنیا است، امّا نه به این معنا که همه آدم‌هایی که از دنیا رفته‌اند به همین دنیا بر می‌گردند بلکه بعضی از انسان‌ها هستند که چنین سرنوشتی پیدا خواهند کرد که ان شاء الله در آینده با تکیه بر احادیث و اخبار مطالبی را تقدیم حضور شما خواهم کرد. نکته ای که باید به آن توجه کنیم این است که ممکن است در میان شیعیان کسانی هم باشند که درباره این عقیده تردید داشته باشند، پس آیا کسی که در

این عقیده تردید داشته باشد کافر محسوب می شود؛ یعنی عقیده به رجعت به عنوان یکی از ضروریات دین است که عدم اعتقاد آن باعث کفر گردد؟

بزرگان فرموده اند: اعتقاد به رجعت جزء ضروریات دین نیست، ولی در عقاید شیعه عقیده به رجعت جزو حقایق قطعی است. امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس منّا من لم یقل بمتعتنا ولم یؤمن برجعتنا» (۲۱۸) کسی که به متعه و رجعت عقیده نداشته باشد از ما نیست».

اما چیزی که هست شخصیت های برجسته عالم تشیع با تکیه بر آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عقیده به رجعت را اثبات کردند. چند نفر از این شخصیت ها را نام می برم، می بینید که جزو ارکان عالم اسلام هستند، در میان بزرگان دین، مرحوم شیخ طوسی، مرحوم شیخ مفید، مرحوم سید مرتضی، مرحوم شیخ صدوق، مرحوم سید بن طاووس، این ها جزو اعظام علمای ما هستند که ما عقیده شیعه را به وسیله این شخصیت ها، نقادی شده و تنظیم شده در اختیار داریم. این ها احیا کنندگان شرع و شریعتند و نیز بعضی از بزرگان قرون و اعصار بعدی درباره رجعت کتاب هایی را نوشته اند و مرحوم علامه مجلسی بیش از دویست حدیث درباره رجعت نقل می کند که همه متواترند که جای هیچ گونه انکاری درباره رجعت باقی نگذاشته است. (۲۱۹)

دلایل قرآنی اثبات رجعت

اما برای اثبات عقیده به رجعت، ابتدا از آیات قرآن دلایلی را تقدیم حضور شما می کنم.

اولاً: ما براساس عقیده به اسلام و قرآن کریم معتقدیم که خداوند بر هر چیزی قدرت دارد: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (۲۲۰)

هیچ چیزی با تکیه بر قدرت خداوند از نظر ما بعید نیست، چیزی را که خداوند اراده کند خواهد شد.

آن‌هایی که معاد را منکرند به خاطر این است که اعتقادشان نسبت به قدرت خداوند کامل نیست، پذیرش معاد برایشان سخت است و لذا آن شخص استخوان پوسیده‌ای در دستش گرفت به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و با انکار گفت: «مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ»؛ (۲۲۱) «چه کسی این استخوان پوسیده را دوباره می‌تواند زنده کند؟» ذات اقدس الهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود در جوابش بگوید: «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ»؛ (۲۲۲) «آن کسی که او را اولین بار از عدم به وجود آورد می‌تواند این وجود را مجدداً به وجود قبلی برگرداند».

ثانیاً: بر اساس آیات قرآن کریم ماجرای در تاریخ بشر اتفاق افتاده که کسانی مرده بودند و مدت‌ها از زمان مرگشان گذشته بوده و دوباره زنده شدند. داستان عزیر پیغمبر در قرآن کریم آمده که می‌فرماید: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»؛ (۲۲۳)

عزیر پیغمبر، از یک مخروبه‌ای که قبلاً آبادی بود و بر اثر حادثه‌ای از بین رفته بود، عبور می‌کرد. استخوان‌های افراد ساکن آن روستا را دید و با شگفتی، نه با انکار، گفت: چگونه خدا دوباره آن‌ها را زنده می‌کند؟ در نتیجه خداوند او را قبض روح کرد و صد سال مردنش طول کشید. بعد از صد سال، خداوند دوباره او را زنده کرد. این ماجرای است که در تاریخ بشر اتفاق افتاده، ۱۰۰ سال از مردنش گذشته، خداوند دوباره روح او را به بدنش برگرداند.

در جایی دیگر از قرآن کریم راجع به گروهی از بنی اسرائیل که تعداد آن‌ها هزاران نفر

بود، می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (۲۲۴) گروهی که هزاران نفر بودند، به خاطر ترس از مرگ به وادی ها فرار کردند، خداوند آن ها را قبض روح کرد. بعدها مجدداً آن ها را زنده کرد. امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه می فرماید: آن ها زنده شدند و مجدداً مدت ها زندگی کردند و بعد دوباره قبض روح شدند و مردند. (۲۲۵)

بنابراین چنین حادثه ای، بازگشت روح به بدن قبل از قیامت و در همین دنیا اتفاق افتاده است. در قرآن کراراً راجع به آن بحث شده، شواهدی ذکر شده است. نکته مهم تری که ما در آیات قرآن داریم این است که ما در توضیح و تبیین این آیات باید هم به کمک آیات دیگر این آیات را تفسیر کنیم و هم اگر مفاهیم آیات کاملاً برای ما روشن نشد به مفسرین آیات و قرآن یعنی آن ها که راسخون در علمند، تربیت یافتگان مکتب وحی یعنی ائمه معصومین علیهم السلام مراجعه کنیم که این آیات را چگونه معنی کردند.

حکایت

ماجرایی را مرحوم شیخ مفید از سید اسماعیل حمیری نقل می کند، وی که از شعرای شیعی و شیفته امیرالمؤمنین علیه السلام بود و مداحی های فراوانی در عصر اختناق بنی عباس راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام داشت، اما گاهی برای آن که از خطر جدی امویان به خصوص منصور دوانیقی در امان باشد تقيه می کرد. در مجلسی در بغداد که منصور دوانیقی حضور داشت شخصی نیز که در سیمت قاضی دستگاه عباسی قرار داشت حاضر بود. وقتی شعر و سروده های مرحوم سید حمیری مطرح می شود و مورد تحسین منصور دوانیقی قرار می گیرد آن قاضی شروع می کند

به تخریب شخصیت حمیری؛ از جمله برای این که او را از چشم منصور دوانیقی بیندازد می گوید: یا امیرالمؤمنین! (۲۲۶) حمیری معتقد به رجعت است، او شیعه است و براساس اعتقادات شیعه به رجعت اعتقاد دارد. منصور دوانیقی به حمیری رو کرده و گفت: آیا درست می گوید؟ حمیری گفت: من به استناد آیات قرآن، معتقد به رجعت و بازگشت روح به بدن برای گروهی در همین دنیا و قبل از قیامت هستم. مرحوم حمیری چند آیه را مطرح کرد که بخشی از آن ها را قرائت می کنیم؛ از جمله آیاتی که حمیری مستنداً درباره رجعت حرف می زند می گوید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا». (۲۲۷)

در این آیه می گوید: روزی که از هر امتی یک دسته محشور می شوند، که آیه می گوید یک دسته و یک گروه از یک امت. و آیه دیگری می فرماید: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا». (۲۲۸)

ما همه را محشور می کنیم و بر می انگیزانیم و زنده می کنیم. احدی از آن ها باقی نمی ماند مگر این که زنده شوند. جمع میان این دو آیه چیست؟

اگر آیه اول منظورش قیامت باشد که خداوند در قیامت مردم را زنده می کند، قیامت زنده شدنش مربوط به عموم مردم است نه بخشی از امت، امّا آیه اول می گوید ما از هر امتی یک گروهی را زنده می کنیم، پس معلوم می شود این حشر و زنده شدن مربوط به قیامت نیست و مربوط به دنیاست.

آیه بعدی مربوط به قیامت است که قرائت می کنم و آن این است که می فرماید: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»؛ «همه را محشور می کنیم، احدی را باقی نمی گذاریم مگر این که زنده کنیم.»

این مربوط به قیامت است. البته با شرح و بسطی که درباره این

آیات از روایات ائمه معصومین علیهم السلام داده شده است، حقایق روشن تر می شود.

آیه شریفه دیگری که می گوید: «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ»؛ (۲۲۹) «پروردگارا! دوبار ما را میراندی و دوبار ما را زنده کردی».

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از این دوبار، یک بار مردن، همین اولین باری است که در دنیا زندگی می کند و می میرد، بار بعدی آن است که وقتی رجعت شد و عدّه ای از مردم زنده شدند، خدا آن ها را مجدداً بعد از رجعت دوباره می میراند. دوبار زنده شدن؛ یک بار قبل از قیام قیامت است و یک بار در زمان قیام قیامت است. بنابراین ما درباره مسأله رجعت آیاتی داریم که بنابه تفسیر ائمه معصومین علیهم السلام درباره رجعت و زنده شدن گروهی از مردم قبل از قیام قیامت است. (۲۳۰)

داستان مؤمن الطاق

داستان تقریباً طنزی است از یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام با ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی که از اهل سنت هستند. مرحوم ابو جعفر مؤمن الطاق از یاران بسیار با فضیلت امام صادق علیه السلام و هم عصر ابوحنیفه بود. ابوحنیفه او را دید (که به صورت سر به سر گذاشتن و متلک گفتن) گفت: شما اعتقاد دارید که رجعتی وجود دارد و در رجعت زنده می شوید؟ گفت: بله، ما عقیده داریم که بعضی از انسان ها بعد از مردن زنده می شوند. گفت: پس یک کیسه پول به من قرض بده، من هم در عالم رجعت به تو برمی گردانم. این را به صورت متلک و تمسخر به مؤمن الطاق گفت، او هم در جوابش گفت که البته اگر تو ضمانت بدهی که در موقع رجعت، به صورت آدم محشور بشوی من به تو قرض می دهم، اما من احتمال می دهم تو

موقع رجعت به صورت آدم محشور نشوی، چون بعضی در موقع رجعت به صورت حیوان محشور می شوند. (۲۳۱)

مؤمن الطاق در طنزگویی و بداهه گویی، در میان اصحاب و دوستان و حتی مخالفین مشهور بود. منظور این که آن هایی که جزو دست پروردگان مکتب امام صادق علیه السلام بودند حقیقت را فهمیدند که این زنده شدن قبل از قیامت، مربوط به همه مردم نیست.

امام باقر علیه السلام فرمود: «أیام اللّٰه عزّوجلّ ثلاثه یوم یقوم القائم ویوم الکره ویوم القیامه»؛ ایام اللّٰه سه روز است؛ روز قیام حضرت قائم و روز رجعت و روز قیامت. (۲۳۲)

در روایاتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند: مؤمنین خاص و خالص و کفار و معاندین خاص و خالص، بعد از ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کنند، نه همه مردم که ان شاء اللّٰه در بحث های بعدی راجع به گروه هایی که بعد از ظهور امام زمان علیه السلام برمی گردند و شخصیت هایی که بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و به هنگامی که امام زمان علیه السلام از دنیا می روند و زنده می شوند و حکومت می کنند بحث خواهم کرد.

خداوند ما را جزو کسانی قرار دهد که در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام جزو سربازان حضرتش باشیم.

آمین یا رب العالمین

بررسی موضوع رجعت در عصر امام زمان «ع»

توضیح

در قسمت قبلی درباره مسأله رجعت به عنوان بحث پایانی موضوعی که مربوط به امام زمان علیه السلام می شود و دلایلی که شیعه به استناد آن معتقد است که رجعت در عالم حاضر تحقق پیدا خواهد کرد، صحبت کردم. در این قسمت طبق وعده ای که دادم مطالبی راجع به رجعت در عصر ظهور امام زمان علیه السلام تقدیم حضور شما می کنم.

درباره رجعت و فلسفه این که چرا خداوند این موضوع را محقق می کند، صحبت های

زیادی وجود دارد اما شاید یکی از علت‌هایی که می‌توان درباره رجعت به آن توجه کرد این باشد که فلسفه خلقت انسان در این عالم آن است که از بستر این عالم برای تحقق کمال بشر استفاده شود، از طرفی هم اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام از جانب خدا برای حاکمیت عدل منصوب شده، ولی چون متأسفانه در زمان ائمه معصومین علیهم السلام و انسان‌های قبل از ظهور، بستر برای تحقق کمال بشری آن چنان که باید آماده بشود آماده نشد و ائمه معصومین علیهم السلام هم به حاکمیت برای احقاق حق و اجرای عدالت الهی نرسیدند و زمام امور جامعه به دست ستمکاران و جائزین بوده، هنگامی که رجعت محقق شود این مرحمت برای انسان‌های شایسته‌ای که استعداد رسیدن به کمال را داشتند فراهم می‌شود و حق ائمه معصومین علیهم السلام و حاکمان عدل هم با پیاده کردن حکومت عدل الهی احقاق می‌شود و دسته‌ای از ستمکاران و ظالمان هم با رجعت به این دنیا، به جزای اعمالشان می‌رسند، به این خاطر رجعت تحقق پیدا می‌کند و به این مسائل رسیدگی می‌شود.

همان طوری که در مطالب هفته قبل با استناد به آیات قرآن کریم بر مبنای تفاسیری که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر آن داشتند، گفتیم که رجعت از اعتقادات ماست اما درباره رجعت گفتیم که بخشی از آن مربوط می‌شود به رجعت و بازگشت روح انسان‌ها به بدنشان در همین دنیا و در عصر امام زمان علیه السلام که در آن عده‌ای از انسان‌ها به دنیا برمی‌گردند.

قبلاً احادیثی را در مورد انتظار فرج خدمتتان عرض کردم، آنجا اشاره داشتم که اگر کسی در

عصر غیبت امام زمان علیه السلام به عنوان یک منتظر در جهت ساختن و تربیت خودش تلاش کند و منتظر واقعی باشد، اما در زمان حیاتش امام زمان علیه السلام ظهور نکند، پس از آن که او از دنیا رفت و امام زمان علیه السلام ظهور فرمود، خداوند ممکن است این فرد منتظر واقعی را به دنیا برگرداند تا عصر ظهور حکومت امام زمان علیه السلام را درک کند. این مفهوم را گاهی از روایات و از بعضی از ادعیه و دعاها می فهمیم؛ از جمله، دعای عهد که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: هر کسی دعای عهد را ۴۰ صبح دائماً بخواند، خداوند توفیق رجعت را می دهد تا عصر ظهور امام زمان علیه السلام را درک کند. بعضی از آقایانی که در مورد دعای عهد، کتاب نوشتند، در کتاب خود متذکر شدند که امام خمینی رحمه الله به دعای عهد ملتزم بود و آن را زیاد می خواند، حتی در صفحه ای از کتاب دعایش که دعای عهد بود یادداشت کوچکی به خط خود گذاشت که من این دعا را تا امروز خواندم اگر توفیق ادامه این دعا را تا ۴۰ روز، پیدا نکردم و مرگ من حاصل شد، به جای من تا ۴۰ روز آن را بخوانید تا اربعین آن تکمیل شود.

منظور این که هم مرحوم قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان درباره دعای عهد، این حدیث شریف امام صادق علیه السلام را آورده است و هم بزرگانی مثل حضرت امام قدس سره به این دعا ملتزم بودند.

موضوع رجعت در دعای عهد

در دعای عهد این جمله می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي

مِنْ قَبْرِی مُؤْتَرّاً کَفَنِی، شَاهِراً سَیْفِی، مُجَرِّداً قَنَاتِی، مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِی فِی الْحَاضِرِ وَالْبَادِی»؛ (۲۳۳) پروردگارا! اگر بین من و امام زمان علیه السلام مرگ فاصله انداخت یعنی من زنده نماندم تا امام زمان علیه السلام بیاید و قبل از آن مرگی که برای بندگان خود قطعی قرار دادی بین ما فاصله شد، خدایا! مرا به هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کرد از قبرم برانگیز در حالی که کفنم را به کمرم بستم، شمشیرم را کشیده، نیزه برافراشته و یک سرباز آماده به کاری که در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می گیرد از قبرم برانگیز و مبعوثم کن تا اجابت کننده دعوت آن حضرت باشم؛ یعنی امام زمان علیه السلام که مردم را دعوت می کنند، برای احقاق حق و اجرای عدالت و پیاده کردن احکام شریعت، من از قبرم برخیزم و جزو جمعیتی باشم که از شهرنشینان و روستانشینان و بادیه نشینان هستند، من هم جزو محلق شوندگان به سربازان امام زمان علیه السلام باشم. پس این دعایی است که معتقدین امام زمان علیه السلام بر اساس نقلی که شد همیشه به خصوص ۴۰ روز پی در پی بعد از نماز صبح می خوانند و می خواهند که خدا آن ها را به این آرزوی بزرگ نایل فرماید.

پس می توان نتیجه گرفت که از جمله مصادیق رجعت، آن زمانی است که امام زمان علیه السلام ظهور می کند و عده ای از انسان های شایسته و خوب که لیاقت سربازی امام زمان علیه السلام را داشته باشند، از قبرشان مبعوث شده و زنده می شوند و در بعضی از نقل ها داریم که امام زمان علیه السلام بعضی از انسان های خبیث و ناپاک را هم از قبرشان بیرون می آورد. خدا آن ها را زنده

می کند و حضرت از آن ها انتقام مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را می گیرد.

در روایت دیگری از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند در میان یاران ایشان عده ای از زنان و مردانی که در گذشته زندگی می کردند حضور پیدا می کنند.

رجعت بعضی از زنان در عصر ظهور

من مفهوم این روایت را خدمتتان عرض می کنم درباره حضور زنان در جمع اصحاب امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور، مفضل می گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: همراه امام زمان علیه السلام، ۱۳ نفر از زنان هم حاضر می شوند و در لشکریان امام زمان قرار می گیرند. گفتیم: یا بن رسول الله! به چه منظور؟

امام صادق علیه السلام فرمود: به منظور مداوای مجروحین، همان گونه که در صدر اسلام در کنار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حضور پیدا می کردند و برای پرستاری بیمارانی که در آن جمع حضور دارند.

بعد امام صادق علیه السلام اسم بعضی از آن ها را برد، مثلاً قنواد دختر رشید هجری یکی از صحابه بزرگ امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن پرستار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حبابه والیه که از اصحاب امام حسن مجتبی علیه السلام است و در نقلی دیدیم که این خانم جزو معمرات است؛ یعنی سن زیادی کرده تا ۲۴۰ سال هم ثبت شده و عصر امام رضاعلیه السلام را هم درک کرده است که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام حاضر خواهد شد.

سمیه مادر عمار یاسر که اولین شهید زن پس از بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است او هم در زمان ظهور، حاضر خواهد شد.

فرد دیگری از میان خانم ها، به نام ام خالد احمیسه است که جزو کسانی است که دستش در زمان

حجاج بن یوسف در دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام قطع شده، به تعبیر امروزی، جزو جانبازان دفاع از حریم امامت و ولایت محسوب می شود.

زبیده، زن هارون الرشید که خانمی شیعه مذهب بود و خدمات زیادی هم داشت از جمله این که برای رفاه حال حجاج، قناتی را در اطراف مکه حفر کرد و آن را به آب زمزم اضافه کرد که ظاهراً همچنان جاری است و از آن استفاده می کنند.

شخص دیگری به نام ام سعید حنیفه و فرد دیگری به نام صیانه ماشطه که در زمان فرعون، زن هزقیل بود و به عنوان آرایشگر یا مشاطه دربار فرعون بود، اما مخفیانه به خدای واحد یکتا معتقد بود و این امر موجب شد که اعتقادش بر ملا شود و فرعون او را در زیر شکنجه پس از آن که چند فرزندش را جلوی چشمانش کشت اما او ثابت قدم در راه ایمان به خدا و توحید بود سرانجام او را هم به شهادت رسانید و بر اساس روایتی که مفضل بن عمر نقل می کند این خانم هم جزو کسانی است که در ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کند و در خدمت ایشان قرار می گیرد. (۲۳۴)

رجعت بعضی از مردان در عصر ظهور

باز مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می فرماید که مردانی هم از گذشتگان در عصر ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کنند و جزو یاران امام زمان علیه السلام قرار می گیرند.

اسامی این عده از شخصیت ها را مفضل بن عمر از قول امام صادق علیه السلام این گونه نقل می کند: هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند از پشت کعبه ۲۷ نفر از قوم موسای پیغمبر علیه السلام محشور و زنده شده و به ایشان می پیوندند. هفت نفر

از اصحاب کهف که در قرآن کریم ماجرایشان در سوره کهف آمده، آن ها هم به سپاهیان امام زمان علیه السلام ملحق می شوند.

یوشع، وصی حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام - جزو بازگشت کنندگان عصر ظهور است. مؤمن آل فرعون نیز جزو همین شخصیت هاست و دو نفر از مهم ترین شخصیت ها در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عصر امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی یکی از مهم ترین صحابه رسول خدا علیه السلام ابو دجانة انصاری و سلمان فارسی و از مهم ترین اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام مالک اشتر جزو یاران امام زمان علیه السلام خوانده شده و در عصر ظهور، این بزرگواران رجعت خواهند کرد و در خدمت امام زمان علیه السلام و جزو سربازان ایشان خواهند بود. (۲۳۵)

بر حسب این روایات در عصر ظهور امام زمان علیه السلام عده ای از شخصیت های برجسته الهی و کسانی که در عصر حیات خودشان به عنوان نخبگان از میان زنان و مردان مؤمن بودند، رجعت خواهند کرد. در نتیجه و براساس این باور به همدیگر توصیه می کنیم؛ باید در زمانی که زندگی می کنیم درصدد اصلاح اعمال و رفتار و عقاید و نیات خود برآییم، خودمان را اصلاح کنیم، به عنوان کسی که منتظر ظهور امام زمان علیه السلام است، خودسازی را در رأس همه امور خود قرار دهیم، اولاً: عقیده مان را پاک و بی اشتباه از مأخذ قابل اعتماد بگیریم. ثانیاً: درصدد اصلاح اخلاقی و رفتاری خود برآییم و ارتباط معنوی خود را با امام زمان علیه السلام بیشتر کنیم. بر دعاهایی که رابطه قلبی بین ما و امام زمان علیه السلام را زیاد می کند، مداومت داشته باشیم، دائماً آن ها را بخوانیم. دعاهایی که قبلاً هم در

مورد بعضی از آن ها صحبت کردم، مانند دعای ندبه یا همین دعای عهد که بزرگان ما معمولاً با این ها محشور بودند را در دستور کارمان قرار بدهیم.

به هر حال بیش از هر چیز به یاد امام زمان علیه السلام باشیم، برای او دعا کنیم، به نام او صدقه بدهیم، به ذکر نام او مشغول باشیم، ان شاء الله همین حالات، ما را از ارتکاب معاصی و محرمات و جدا نشدن از معنویات کمک می کند و ان شاء الله جزو کسانی باشیم که در عصر ظهور امام زمان علیه السلام خداوند ما را جزو سربازان امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

«بمَنَّهُ وَ فَضْلُهُ»

بررسی رجعت و استمرار حکومت بعد از امام زمان علیه السلام

اشاره

قسمت پایانی بحث مربوط به امام زمان علیه السلام را تقدیم شما مشتاقان ظهور آن حضرت می نمایم، باشد که ان شاء الله، خداوند همه ما را به عنوان ارادتمندان و مشتاقان ظهور پرنور آن حضرت قرار بدهد و به دعای شما ارادتمندان ساحت مقدس امام زمان علیه السلام این گفت و شنود را در دفتر مولایمان حضرت بقیه الله ثبت بفرماید.

همان گونه که در قسمت گذشته توضیح دادم، بحث ما پیرامون رجعت بعد از امام زمان علیه السلام است. از نظر اجرای حکومت الهی، به این معنی است که حکومت عدالت الهی که توسط آن حضرت اجرا می شود، بر اساس آیات و روایات طبق نظر شیعه، با امامت و رهبری امامان معصوم علیهم السلام تداوم پیدا می کند.

در روایتی از قول وجود مقدس امام باقر علیه السلام وارد شده که فرمودند: «أیام الله ثلاثة یوم یقوم القائم ویوم الکره ویوم القیامه»؛ (۲۳۶) روزهای خدا سه روز است، روزی که امام عصر علیه السلام قیام و ظهور می کند و روزی که مجدداً ائمه معصومین علیهم السلام به

زمین بر می گردند و روز سوم، روز قیامت است.

دلایلی که در کتب معتبر و از شخصیت های برجسته اسلامی و از نظر مفسرین پیرامون بحث رجعت وجود داشت، به بخشی از آن ها در خطبه های قبلی اشاره کردم. بحث امروز بحث پایانی است، می خواهم در این رابطه به این موضوع اشاره کنم که از نظر شیعیان، طبق روایات، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حضرت اباعبدالله الحسین علیهم السلام به این دنیا برمی گردند. این موضوع معمولاً در احوال عموم و جلسات عمومی کمتر مطرح می شود و در کتب اعتقادی بزرگان ما از قدما و متأخرین به این مسأله پرداخته شده و آیات و روایاتی که حکایت از این عقیده می کند مطرح شده که ما به بخشی از آن اشاره می کنیم.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَعَلِيًّا سِيرَجَانِ» (۲۳۷) مرحوم محدث قمی قدس سره در کتاب شریف «سفینه البحار» نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به زودی به این دنیا برمی گردند و از روایات دیگر هم بر می آید که آن ها حکومت الهی را اجرا خواهند کرد.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» (۲۳۸) گفته شده که درباره رجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیاست. (۲۳۹) البته بنا به قولی نیز شبی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به سمت مدینه هجرت می کردند این آیه شریفه وارد شده که مفسرین می گویند یعنی همان کسی که قرآن را بر تو نازل کرده است مجدداً تو را پیروزمندانه به مکه بر می گرداند، اما وفق این روایت امام

صادق علیه السلام می فرماید: مفهوم این آیه شریفه این است که خداوند مجدداً پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله را به این دنیا برمی گرداند تا مجدداً حکومت الهی و احکام خدا را اجرا کند. حالا این بازگشت را که در کتب مفصل نگاه می کنیم به دو گونه است: طبق روایات، اولین کسی که برای اجرای حکومت الهی بعد از امام زمان علیه السلام بر می گردد، حضرت اباعبدالله الحسین است. در گذشته هم خدمت شما عرض کردم پس از آن که امام زمان علیه السلام به شهادت می رسد، اباعبدالله الحسین ظاهر شده، به دنیا بر می گردد و عهده دار تجهیزات امام زمان علیه السلام می شود و حضرت را غسل داده و کفن نموده و بر پیکر امام معصوم علیه السلام نماز می گزارد و دفن می نماید.

روایت از قول امام صادق علیه السلام این طور می فرماید: «أول من يرجع إلى الدنيا الحسين بن علي عليه السلام فيملك حتى يسقط حاجباه على عينه من الكبر؛ (۲۴۰) اول کسی که به جهان بر می گردد و به صورت طولانی حکومت برپا می کند حسین بن علی است، به گونه ای که ابروان امام حسین علیه السلام به خاطر زیادی سن بر روی چشمانش آویزان می شود».

باز در روایتی جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: «والله ليملكنّ منا أهل البيت رجل بعد موته ثلاثة مائه وتزداد وتسعاً؛ (۲۴۱) به خدا قسم از میان ما اهل بیت کسی است که بعد از مردنش مجدداً برمی گردد و ۳۰۹ سال حکومت می کند». بعد راوی از ایشان می پرسد که یعنی بعد از امام زمان علیه السلام و مدّت حکومت امام زمان علیه السلام چند سال است؟ در جواب فرمود: مدّت حکومت امام زمان علیه السلام ۱۹ سال ولی مدّت حکومت

امام حسین علیه السلام ۳۰۹ سال است که البته قبلاً- درباره روایاتی که راجع به مدّت حکومت امام زمان علیه السلام است اشاراتی داشتیم، منظور به نقل این روایت است که در ارتباط با حکومت و فرمانروایی امام حسین علیه السلام نکات صریحی دارد و القابی که برای امام حسین علیه السلام در موقع حکومتش ذکر کردند:

المستنصر: یعنی کسی که از خداوند یاری می طلبد و کمک خداوند شامل حالش می شود. پس از آن که اباعبدالله علیه السلام حکومتش پایان پذیرفت، وفق روایات امام علی بن ابیطالب علیه السلام حکومت می کند. این بحثی است که تقریباً غریب است و در جامعه مطرح نیست و کسانی که در ارتباط با امام زمان علیه السلام مطالعه می کنند می توانند در کتب مفصل راجع به این مباحث مطالعاتی داشته باشند. البته در بعضی از کتب و نشریات و حتی بعضی از محاورات و گفت و گوها و سخنرانی هایی که در رسانه های ما مطرح است، گاهی به این نکات به صورت مستدل و مبرهن اشاراتی هم دارند که ما باید به آن ها و به دلایل قطعی از مستندات قابل اعتمادمان مراجعه کنیم.

در مورد این که رجعت جزو عقاید ما هست، امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس منا من لم یقل بمتعتنا و لم یؤمن برجعتنا؛ (۲۴۲) از ما نیست کسی که به متعه و رجعت عقیده نداشته باشد». جزئیات مطلب را باید از کتب معتبر دیگر مطالعه کرد. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده: «مما کلم الله تعالی رسوله لیله اسری به یا محمد! علی آخر من قبض روحه من الأئمه وهو دابه تکلمهم؛ از جمله سخنانی که در شب معراج خداوند با رسول اکرم صلی الله علیه و آله

داشته است، فرمود: یا محمد! آخرین امام معصومی که قبض روح می شود امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است». خوب منظور مطمئناً بازگشت مجدد امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیاست؛ زیرا یک بار امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام شهادت در مسجد کوفه روح مقدسشان قبض شده است.

این روایت ناظر به معنای رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

در زیارت جامعه کبیره که از جمله زیارت های بسیار مهم و سند و دلالتش بسیار متقن و روشن است و از وجود مقدس امام هادی علیه السلام نقل شده، تصریح به رجعت و بازگشتن ائمه معصومین علیه السلام شده که من به این فرازش اشاره می کنم.

امام هادی علیه السلام می فرماید: «معترف بکم، مؤمن بایابکم، مصدق برجعتکم، منتظر لأمرکم، مرتقب لدولتکم؛ (۲۴۳) من اعتراف دارم به شما، نسبت به شما عقیده مندم و به بازگشت (۲۴۴) شما ایمان دارم به بازگشت شما؛ یعنی از این سفری که شما رفتید به وسیله مردن برمی گردید من به این ایمان و اعتقاد دارم. من رجعت شما را تصدیق می کنم، من به انتظار فرمانروایی شما هستم و شیفته و چشم انتظار دولت شما هستم.

از این فرازهای زیارت جامعه کبیره که جزو معتبرترین زیارتنامه هاست که می توان رجعت را استفاده کرد.

این زیارت را و برای همه ائمه در همه اماکن می توان خواند و در آن داستان معروف مرحوم حاج علی بغدادی که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل می کند، امام زمان علیه السلام از جمله توصیه هایی که می فرماید، مکرراً باید به خواندن آن ملتزم باشیم که چه مفاهیم مهمی در آن هست.

در رادیوی معارف که از بهترین برنامه های مذهبی نظام مقدس جمهوری اسلامی است و از قم پخش می شود از جمله برنامه هایش شرح و تفسیر زیارت

جامعه کبیره است که در آن بعضی از بزرگان در برنامه های خود دارند. این فراز از فرازهایی است که دلالت بر رجعت وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام دارد.

آخرین نکته مورد بحث

تاکنون به دلیل محدودیت فرصت، برخی از دلایل و مدارک و اسناد روایات و آیاتی که پیرامون مسائل مربوطه به رجعت هست تقدیم حضور شما کردم. البته باز هم ممکن است بحث ها و سؤالاتی در ذهن ما مطرح باشد که خوب، بعد از حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام دنیا به چه صورت خواهد شد؟ این سؤالات معمولاً در مجامع مطرح می شود. در بعضی از روایات هم دیدم بعضی از بزرگان این را نقل کردند که آیا این احتمال دارد که این عالم پس از قیامت مجدداً پابرجا شود. من این روایت را از کتاب شریف مهدی موعود دیدم که ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار است، با اضافات و شرح هایی که حضرت استاد دوانی دادند. در آنجا به روایتی از جابر پرداخته است (۲۴۵) که مفهومی این است: «بعد از این که حضرت اباعبدالله الحسین برگشت، حکومت حق را اجرا می کند، از ظالم ها انتقام می گیرد، چرا که بعضی از بدترین چهره های فاسد در عالم رجعت برمی گردند و قیامت برپا می شود. آن ها مراجعه می کنند و به عالم قیامت برمی گردند و آنجا با اصحاب فرعون محشور می گردند و عذاب می شوند.» و آن روایت به گونه ای است که انسان می تواند این نکته را از آن بفهمد که رسول خداصلی الله علیه و آله مجدداً مبعوث می شود و به دنیا می آید، لکن این بار به صورت بعثت آشکار است و همه مردم دنیا به حضرت رسول ایمان خواهند آورد و حضرت علی علیه السلام هم در کنارشان حضور دارند

و همه ائمه معصومین علیهم السلام جزو کارگزارانش می شوند، تا مفهوم آیه شریفه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به صورت اتم و اکمل تحقق پیدا کند و شیطان رجیم نیز به دست رسول اکرم و امیرالمؤمنین علیهما السلام نابود شود «والله العالم بحقایق الأمور».

به هر حال در مسائلی که اعتقادی است باید به اهل نظر مراجعه کرد و به کتب معتبره و در این راه تحقیق و تفصیل و تلاش ادامه یابد و ما برای شناخت عقایدمان نباید به همان اطلاعات محدودی که به ما دادند اکتفا کنیم.

از جمله مسائل مهم؛ شناختن و معرفت درست امام است که من در ابتدای بحث امامت در ارتباط با امامت عامه، سپس امامت خاصه و اهمیّت و شناخت امام اشاراتی داشتم.

شأن و جایگاه روز جمعه بر اساس روز ظهور امام زمان علیه السلام است. بسیار لازم و ضروری بود که ما با هم در مورد امام زمان علیه السلام بحث و گفت و گو کنیم. که بحمد الله توفیق داشتیم که به همراهی نمازگزاران عزیز جمعه که مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام هستند در طول چهل هفته و طی چهل خطبه مطالب فوق را تقدیم محضر بنمایم و نام این مجموعه را «ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور» نامیدم. به امید آن که خداوند آن را به لطف خود قبول فرماید و مورد عنایت حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه قرار گیرد.

به همین مناسبت سروده مختصری هم که در آخرین لحظات یادداشت مطالب آخرین خطبه پیرامون امام عصر بر ذهنم آمد، در رابطه با اظهار ارادت به ساحت مقدّس امام زمان و در پایان بحث فوق تقدیم حضور شما می کنم:

روزی خیال یار من

از ژرفنای دل آمد به سر که تا بسرایم برای دل محبوب عاشقان، همه مقصود عارفان یعنی امام منتظر، آن روشنای دل با بی بضاعتی که به آدینه سال ها

در جمع عاشقان ظهور از ورای دل خواندم خطابه های فراوان و گونه گون اما نبود هیچ یک از آن هم نوای دل زیرا که جمعه هست زمان ظهور یار

آن منتظر که می نبود جز شفای دل شکر خدای را که به تعداد اربعین با نام دوست خطبه نمودم برای دل یا رب عنایتی که سلیمان فاطمه «فخذ جراد» را بپذیرد، زنای دل از نوکری که هیچ ندارد به غیر حبّ بر مهدی و محمد و آل از صفای دل به امید آن که خداوند این بحث را از بنده حقیر و از همه شما مشتاقان ظهور به کرمش قبول فرماید.

پایان بحث امام زمان علیه السلام در ایام عاشورای حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است که در ابتدا گفتم در پرچمی که امام زمان علیه السلام دارد در رأس شعار یالثارات الحسین علیه السلام را باید بگیرد.

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟»

نقل است، سنت اعراب بود که اگر خونی از خانواده ای می ریخت و قدرت انتقام نداشت، پرچم سرخی را بر بالای بام آن خانه برمی افراشتند تا همه و آیندگان بدانند که آن خانواده مظلوم است و اگر قدرت انتقام دست داد انتقام مظلوم را از ظالمین بگیرند. اکنون پرچم سرخی که بیانگر مظلومیت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اهل بیت رسول خدا علیهم السلام است بر بالای گنبد اباعبدالله الحسین علیه السلام برافراشته است؛ یعنی ای امام زمان! منتظریم که بیایی و انتقام خون جدّ مظلومت را بگیری.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَزَعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدِلُّ

بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةَ

إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

آمین یا رب العالمین

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای ۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران ۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای ۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی ۱۱ - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی ۱۵ - آخرین پناه محمود ترجمی ۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۲۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم

کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمد حسین کمالی ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف ۲۷ - امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۳۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۳۳ - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبری ۳۴ - بهتر از بهار/کودک شمس (فاطمه) وفائی ۳۵ - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۳۶ - پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن علی اصغر رضوانی ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات ۴۵ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۴۷ - تشریف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری ۴۸ - جلوه های پنهانی امام

۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۵۳ - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ - ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۵۷ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۵۹ - داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۶۱ - در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف ۶۲ - در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۶۳ - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۶۴ - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور) کریم شنی ۶۵ - دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۶۶ - دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا

۶۷ - رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی ۶۸ - رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۶۹ - روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی ۷۰ - زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات ۷۱ - سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۷۲ - سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۷۳ - سرود سرخ انار الهه بهشتی ۷۴ - سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۷۵ - سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی ۷۹ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعہ) محمد حسین نائینی ۸۱ - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح ۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی ۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۸۵ - عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ - عطر سبب حامد حجتی ۸۷ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۲ - فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری ۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۹۸ - فریادرس حسن محمودی ۹۹ - قصه های تربیتی محمد رضا اکبری ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۱ - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)

۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۱۰۷ -
مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی ۱۰۸ - مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۱۱۰ -
مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه
الله ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳
بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای ۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۱۹ - مهر بیکران محمد
حسن شاه آبادی ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما /
(فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات ۱۲۲ - نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۳ - نجم
الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۴ - ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ - نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۲۶ - نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده ۱۲۷ - نگاهی به
مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۲۸ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۱۲۹ - نهج الکرامه
گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری ۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۳۱ - واقعه عاشورا و

پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۳۳ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام
سید نور الدین جزائری ۱۳۴ - هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر
مهدی فتلاوی/بیژن کرمی ۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۳۷ - یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد
حجتی ۱۳۸ - ینایع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۷۲۵۳۳۴۰ - ۷۲۵۳۳۴۰
تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲ - ۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

پی نوشت ها

(۱) سوره مائده، آیه ۶۷.

(۲) سوره صف، آیه ۸.

(۳) سوره یوسف، آیه ۸۸.

(۴) سوره یونس، آیه ۳۵

(۵) همان.

(۶) نهج البلاغه، حکمت ۱۵۶.

(۷) و نیز حدیث سلسله الذهب: کلمه لا اله الا الله حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی.... بشرطها وانا من شروطها.

(۸) جمال الاسبوع، سیدبن طاووس.

(۹) بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

(۱۰) بحارالانوار: ۵۱/۱۶۰

(۱۱) سوره اسراء، آیه ۷۱

(۱۲) مجمع البیان.

(۱۳) سوره مائده آیه ۳۵.

(۱۴) بحارالانوار: ۱۶/۴۰۵

(۱۵) سیمای آفتاب به نقل از کلمات مکنونه، فیض کاشانی، ص ۱۲۷.

(۱۶) غیبت نعمانی، ۱۴۱.

(۱۷) در خطبه ششقیه، علی علیه السلام جایگاه خود را در میان مؤمنین به جایگاه قطب سنگ آسیاب تشبیه کردند.

(۱۸) بحارالانوار: ۵۱/۱۳.

(۱۹) بحارالانوار: ۵۱/۷۹.

(۲۰) الاربعین حدیثا فی المهدی، ج ۸ حافظ ابونعیم.

(۲۱) بحارالانوار: ۵۱/۴۰.

(۲۲) بحارالانوار: ۵۱/۱۴.

(۲۳) ابویوب انصاری همان کسی است که هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله به مدینه مهاجرت کرد بر او وارد شد و

او مورد عنایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بود و دودمان او همیشه به عنوان انصار رسول خدا و اهل بیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بوده اند.

(۲۴) بحار الانوار: ۵۱/۶.

(۲۵) بحار الانوار: ۵۱/۶.

(۲۶) منتهی الامال ج ۲ ص ۴۶۹.

(۲۷) سوره توبه، آیه ۳۲.

(۲۸) بحار الانوار: ۵۱/۱۴.

(۲۹) سوره قصص، آیه ۵.

(۳۰) بحار الانوار: ۳۶/۳۰۹.

(۳۱) بحار الانوار: ۵۱/۱۴.

(۳۲) بحار الانوار: ۵۱/۱۴.

(۳۳) منتهی الامال، ص ۴۲۷.

(۳۴) منتهی الامال: ۲/۴۹۶.

(۳۵) وسائل الشیعه: ۱۸/۹۸، باب ۱۱، ح ۱.

(۳۶) مهدی موعود، ص ۸۴۶.

(۳۷) احتجاج طبرسی: ۲/۵۴۳.

(۳۸) سیمای آفتاب، ص ۳۷۷ به نقل از کمال الدین: ۲/۵۱۶.

(۳۹) مهدی موعود، ص ۸۵۷.

(۴۰) مهدی موعود، ص ۸۴۳.

(۴۱) سوره توبه، آیه ۳۲.

(۴۲) مهدی موعود ص ۴۰۸.

(۴۳) دعای ندبه.

(۴۴) سوره نور، آیه ۳۶.

(۴۵) مهدی موعود، ص ۹۳۰.

(۴۶) بحارالانوار: ۵۲/۱۵۶.

(۴۷) سوره شوری، آیه ۲۴.

(۴۸) پرفسور هنری اسمیس.

(۴۹) سوره انبیا، آیه ۶۹.

(۵۰) سوره نساء، آیه ۱۵۷.

(۵۱) سوره صفات، آیه ۱۴۳ و ۱۴۴.

(۵۲) روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۵/۱۳۸۰.

(۵۳) سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

(۵۴) منتخب الاثر، ص ۳۵.

(۵۵) در این مورد به کتاب منتخب الاثر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی (ص ۳۵ و ۳۶) و نیز کتاب «آخرین تحول با حکومت ولی عصر» آقای سید مهدی خلخالی مراجعه فرمایید.

(۵۶) سوره اعراف، آیه ۷۱.

(۵۷) بحارالانوار: ۱۰/۹۴.

(۵۸) بحارالانوار: ۵۲/۱۲۲.

(۵۹) بحارالانوار: ۵۱/۲۱۸.

(۶۰) سوره یوسف، آیه ۹۲.

(۶۱) بحار الانوار: ۵۲/۱۲۵.

(۶۲) همان.

(۶۳) بحار الانوار: ۵۲/۱۳۲.

(۶۴) بحار الانوار: ۵۲/۱۳۵.

(۶۵) بحار الانوار: ۵۳/۱۸۰.

(۶۶) وسایل الشیعه: ۱۸/۱۰۱.

(۶۷) احتجاج: ۲/۵۰۲؛ بحار الانوار: ۵۲/۶.

(۶۸) سیمای آفتاب، ص ۳۸۷ به نقل از اصول کافی.

(۶۹) سوره توبه، آیه ۱۰۵.

(۷۰) احتجاج: ۲/۳۴۲.

(۷۱) ملاقات در صاریا به نقل از بصائر الدرجات جزء پنجم باب یازدهم و دوازدهم.

(۷۲) سوره غافر، آیه ۶۰.

(۷۳) سوره توبه، آیه ۱۲۸.

(۷۴) جمال الاسبوع و مفاتیح الجنان.

(۷۵) بحار الانوار: ۵۱/۱۴۳.

(۷۶) بحار الانوار: ۵۲/۹۲.

(۷۷) مکیال المکارم، ص ۱۵۷.

(۷۸) مفاتیح الجنان.

(۷۹)

پایان دعای افتتاح مفاتیح الجنان.

(۸۰) احتجاج: ۲/۳۲۴.

(۸۱) بحارالانوار: ۵۲/۱۷۸.

(۸۲) متأسفانه با وضعیتی که در انقلاب مشروطه ایجاد شد و با بعضی ناآگاهی‌هایی که در جامعه و در بعضی از بزرگان مشروطه وجود داشت، به مظلومیت شیخ فضل‌الله نوری و به دار آویختن او منجر شد و مشکلات فراوانی بود

(۸۳) نجم الثاقب ص ۲۵۲.

(۸۴) قصص العلماء، ص ۴۹۹.

(۸۵) کانوا اخوته و هو اخوهم لم یعرفوه حتی عرفهم نفسه فقال لهم لما....

(۸۶) بحارالانوار: ۵۲/۱۵۴.

(۸۷) احتجاج: ۲/۵۵۶.

(۸۸) بحارالانوار: ۵۲/۱۵۱.

(۸۹) مفاتیح الجنان - دعای عهد

(۹۰) سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

(۹۱) تفسیر البرهان و محجّه البیضاء.

(۹۲) اسرار و فواید غیبت امام زمان علیه السلام، ص ۵۹.

(۹۳) اسرار و فواید غیبت امام، ص ۱۸۰.

(۹۴) سوره احزاب، آیه ۴.

(۹۵) سیمای آفتاب، ص ۳۲۷.

(۹۶) سیمای آفتاب ص ۳۲۳.

(۹۷) کفایه الموحّدین، ص ۶۴۱.

۹۸) بحارالانوار: ۵۲/۰۲۵۶

۹۹) شرارت آمریکا و اسرائیل را نگاه کنید این ها شرّ است، کسی هم جلوی آن ها را نمی گیرد. اصحابشان هم عذر می آورند و بهانه تراشی می کنند، به افغانستان حمله می کنند، آدم کشی راه می اندازند، بعد می گویند این عدالت جاویدان است، برای دفاع از حقوق بشر، برای مبارزه با تروریست است.

۱۰۰) بحارالانوار: ۵۲/۲۵۵ به بعد.

۱۰۱) اخیراً در گزارشی می خواندیم یکی از این وابستگان گروهک های منافق اعلام کرده «چه زیباست که فساد در همه جا روزافزون شد، حتی خانواده های مومن، بچه هایشان به سمت فساد می روند و باید کاری کنیم که فساد بیشتر شود

۱۰۲) به جلد ۵۲ کتاب شریف بحارالانوار در صفحات ۲۵۵ به بعد مراجعه فرمایید.

۱۰۳) بحارالانوار: ۵۲/۲۰۹.

۱۰۴) پیشین.

۱۰۵) سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۱۰۶) کمال الدین: ۲/۶۵۰ و ص ۵۱ چشم انداز.

۱۰۷) البته این قابل توضیح است که در زمینه هایی که آن ها صاحب نظرند بحثی دیگر است.

امّا اطاعت محض حاکمیت از اراده زنان یا حاکمیت به دست زنان بیفتد مقوله دیگر است که قطعاً با توجه به ویژگی های جسمی و روحی زنان این وضع موجب فساد جامعه خواهد شد.

(۱۰۸) بحارالانوار: ۵۲/۱۸۱.

(۱۰۹) بحارالانوار: ۵۲/۱۸۱.

(۱۱۰) سنن ابی داوود.

(۱۱۱) بحارالانوار: ۵۳/۱۵.

(۱۱۲) همان.

(۱۱۳) بحارالانوار: ۵۲/۲۱۵.

(۱۱۴) نهج البلاغه، کلمه ۱۰۲.

(۱۱۵) الزام الناصب، ص ۱۸۱.

(۱۱۶) چشم انداز، ص ۳۳.

(۱۱۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۴۸.

(۱۱۸) طاعون در یک عصر مرض شناخته شده ای بود که الآن در دنیا ظاهراً نمونه هایی از آن مشاهده نمی شود، امّا طاعون جدیدی مانند ایدز، مرگ سفید است، امّا قدرت خطرناک و وحشتناک. اخیراً با فردی که مسؤول این امر در شهرستان بود صحبتی داشتم، اطلاعات و آماری که در سطح جهان بود، بحث های عجیبی مطرح کرد که کشتارهای زیادی داده بود.

(۱۱۹) سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

(۱۲۰) بحارالانوار: ج ۵۲/۳۱۱.

(۱۲۱) بحارالانوار: ۵۲/۳۸۹.

(۱۲۲) یعنی وحی نبوت و شریعت با ارتحال پیامبر خاتم پایان پذیرفته، بعد از او بر هیچ کسی به صورت شریعت و نبوت وحی نمی آید، امّا این وحی از نوع دیگر است.

(۱۲۳) بحارالانوار: ۵۲/۳۱۱.

(۱۲۴) سوره زمر، آیه ۷۴.

(۱۲۵) سوره نور، آیه ۵۵.

(۱۲۶) ملاحم ابن طاووس به نقل از چشم انداز حکومت، ص ۱۰۹.

(۱۲۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۰۴.

(۱۲۸) سوره انعام، آیه ۱۲۱.

(۱۲۹) سوره مائده، آیه ۵۴.

(۱۳۰) سوره بقره، آیه ۱۰۵.

(۱۳۱) منتخب الاثر، ص ۴۸۶.

(۱۳۲) تاریخ طبری: ۲/۷.

(۱۳۳) تنقیح المقال: ۲۳/۷۵.

(۱۳۴) اسدالغابه: ۵/۴۸۱.

(۱۳۵) معجم الرجال الحديث: ۱۴/۲۳ و ۱۰۸ و ۱۷۶؛ ریاحین الشریعه: ۳/۳۸۱.

(۱۳۶) منهاج الدعوع، ص ۹۳؛ ریاحین الشریعه: ۵/۱۵۳.

(۱۳۷) کنز العمال: ۱۴/۶۰۲.

(۱۳۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۵۴.

(۱۳۹) غیبت نعمانی، ص ۲۴۳.

(۱۴۰) سوره انبیاء، آیه ۶۹.

(۱۴۱) چشم اندازی از حکومت مهدی، ص ۹۱.

(۱۴۲) بحارالانوار: ۵۲/۳۵۱.

(۱۴۳) بحارالانوار: ۵۲/۳۵۵ و چشم انداز ص ۹۱.

(۱۴۵) بحار الانوار: ۵۲/۳۲۱.

(۱۴۶) منتخب الاثر ص ۶۱۱.

(۱۴۷) بحار الانوار: ۵۲/۳۰۸.

(۱۴۸) بحار الانوار: ۵۲/۳۰۸.

(۱۴۹) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

(۱۵۰) بحار الانوار: ۵۲/۳۰۸ و چشم انداز ص ۱۲۴.

(۱۵۱) بحار الانوار: ۵۲/۳۰۸.

(۱۵۲) چشم انداز حکومت امام مهدی، ص ۱۲۱.

(۱۵۳) سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

(۱۵۴) سوره قصص، آیه ۵.

(۱۵۵) سوره نور، آیه ۵۵.

(۱۵۶) بحار الانوار: ۵۲/۳۷۸.

(۱۵۷) نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

(۱۵۸) بحار الانوار: ۲۷/۴۱.

(۱۵۹) بحار الانوار: ۲۷/۴۱.

(۱۶۰) سوره بقره، آیه ۲۴۹.

(۱۶۱) یکی از فرماندهان دفاع مقدّس.

(۱۶۲) اعلام الوری، ص ۴۵۹.

(۱۶۳) الزام الناصب: ۲/۲۸۲.

(۱۶۴) بحار الانوار: ۵۲/۲۲۵.

(۱۶۵) بحار الانوار: ۵۲/۲۲۵.

(۱۶۶) همان.

(۱۶۷) همان.

(۱۶۸) بحار الانوار: ۵۱/۸۲.

(۱۶۹) بحار الانوار: ۵۲/۳۹۰.

(۱۷۰) چشم انداز حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۶۷.

(۱۷۱) بحار الانوار: ۳۰/۵۱.

(۱۷۲) بحار الانوار: ۳۰/۵۱.

(۱۷۳) سوره توبه، آیه ۳۳.

(۱۷۴) سوره آل عمران، آیه ۱۹۹.

(۱۷۵) بحار الانوار: ج ۱۴/۳۵۰.

(۱۷۶) بحار الانوار: ۵۲/۳۲۸.

(۱۷۷) بحار الانوار: ۵۲/۳۵۲؛ سیمای آفتاب، ص ۴۱۹.

(۱۷۸) بحار الانوار: ۵۲/۳۳۶.

(۱۷۹) سوره حدید، آیه ۲۵.

(۱۸۰) منتخب الاثر، ص ۱۴۷؛ به نقل از سیمای آفتاب، ص ۴۶۳.

(۱۸۱) بحار الانوار: ۵۲/۳۷۴.

(۱۸۲) بحار الانوار: ۵۲/۳۷۴.

(۱۸۳) بحار الانوار: ۵۲/۳۷۴.

١٨٤) بحار الانوار: ٥٢/٢٢٤.

١٨٥) بحار الانوار: ٥١/٧٥.

١٨٦) وسائل الشيعة: ٩/١٨١؛ اثبات الهدى: ٣/٤٥٥.

١٨٧) بحار الانوار: ٥٢/٣٣٣.

١٨٨) بحار الانوار: ٥٢/٣٤٥.

١٨٩) سورة علق، آيه ٦ و ٧.

١٩٠) مفاتيح الجنان، دعای افتتاح

١٩١) سورة نور، آيه ٥٥.

١٩٢) سورة سبأ، آيه ١٨.

١٩٣) بحار الانوار: ٥٢/٣١٤.

١٩٤) بحار الانوار: ٥٢/١٤٤.

١٩٥) بحار الانوار: ٥٢/٣٤٥.

١٩٦) بحار الانوار: ٥٢/٣١٦.

١٩٧) بحار الانوار: ٥١/٦١.

١٩٨) بحار الانوار: ٥٢/٣٣٨.

١٩٩) سورة اعراف، آيه ٩٦.

٢٠٠) مفاتيح الجنان، دعای کميل.

٢٠١) غرر الحكم.

٢٠٢) سيمای آفتاب ص ٤٢٧.

٢٠٣) بحار الانوار: ٥٢/٣٧٩.

۲۰۴) بحارالانوار: ۵۲/۳۳۷.

۲۰۵) بحارالانوار: ۵۲/۳۲۸.

۲۰۶) بحارالانوار: ۵۲/۳۹۰.

۲۰۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۳۷.

۲۰۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۲۱.

۲۰۹) سوره رحمن، آیه ۳۳.

۲۱۰) بحارالانوار: ۵۲/۳۶۵.

۲۱۱) بحارالانوار: ۵۲/۳۶۵.

۲۱۲) سیمای آفتاب ص ۴۲۱؛ به نقل از منتخب الاثر، ص ۶۰۷.

۲۱۳) سیمای آفتاب، ص ۴۲۵ به نقل از منتخب الاثر.

۲۱۴) بحارالانوار: ۵۳/۳۹۲؛ منتخب الاثر، ص ۶۳۷.

۲۱۵) بحارالانوار: ۵۲/۳۹۰.

۲۱۶) بحارالانوار: ۲۷/۲۱۷.

۲۱۷) بحارالانوار: ۵۱/۵۲، چشم انداز حکومت مهدی، ص ۲۴۰.

۲۱۸) مهدی موعود، ص ۱۲۳۱.

۲۱۹) مهدی موعود،

(۲۲۰) سوره بقره، آیه ۲۲.

(۲۲۱) سوره یس، آیه ۷۸.

(۲۲۲) سوره یس، آیه ۷۹.

(۲۲۳) سوره بقره، آیه ۲۵۹.

(۲۲۴) سوره بقره، آیه ۲۴۳.

(۲۲۵) مهدی موعود، ص ۱۲۰۸.

(۲۲۶) البته لقب امیرالمؤمنین از نظر ما به فرموده پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فقط مخصوص حضرت علی علیه السلام است و به هیچ کسی، حتی از امامان معصوم علیهم السلام هم امیرالمؤمنین نمی گوییم، اما طرفداران حکومت اموی و عباسی این لقب را بر تمام حاکمان تعمیم دادند.

(۲۲۷) سوره نمل، آیه ۸۳.

(۲۲۸) سوره کهف، آیه ۴۷.

(۲۲۹) سوره غافر (مؤمن)، آیه ۱۱.

(۲۳۰) مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۲۲۹.

(۲۳۱) مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۲۲۴.

(۲۳۲) اثبات رجعت به نقل از خصال صدوق و معانی الاخبار.

(۲۳۳) مفاتیح الجنان.

(۲۳۴) دلائل الامامه، ص ۲۹؛ اثبات الهداه: ۳/۷۵.

(۲۳۵) روضه الواعظین: ۲/۲۶۶.

(۲۳۶) اثبات رجعت، ص ۳۵ به نقل از خصال شیخ صدوق رحمه الله.

(۲۳۷) سفینه البحار: ۱/۵۱۱.

۲۳۸) سوره قصص، آیه ۸۵.

۲۳۹) اثبات رجعت، ص ۳۵.

۲۴۰) همان.

۲۴۱) اثبات رجعت، ص ۳۶.

۲۴۲) مهدی موعود، ص ۱۲۳۱.

۲۴۳) کلیات مفاتیح الجنان.

۲۴۴) ایاب به معنی بازگشت است و در محاورات هم استفاده می کنیم می گوئیم ایاب و ذهاب، ذهاب رفتن و ایاب، بازگشتن.

۲۴۵) مهدی موعود، ص ۱۲۰۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

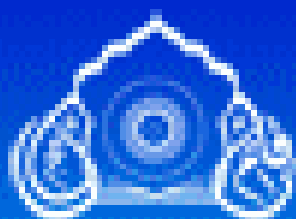
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

